



۵۸۸۸

هو

اصول قواعد و قوانین مالیه

۹۱

در ممالک خارجه و ایران

الف - ۲

قبل از مشروطیت و در دوره مشروطه



جلد اول - بودجه

تألیف

دکتر محمد مصدق

طهران

۱۵ ابانماه ۱۳۰۴ - ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۴۴

مجاناً و حق طبع و ترجمه آزاد

مطبعه «تمدن» طهران



تألیفات مؤلف

بفرانسه

- (۱) در خصوص مسئولیت دولت برای اعمال خلاف قانونی که از مستخدمین دولتی در موقع انجام وظایفشان صادر میشود و قاعده عدم تسامح مقصرین سیاسی پاریس ۱۹۱۳ میلادی
- (۲) مدارك حقوق اسلامی و وصیت در مذهب شیعه (پاریس ۱۹۱۴ میلادی)

بفارسی

- (۳) کپی تولاسیون و ایران (طهران ۴ ذیحجه ۱۳۳۲ قمری هجری)
- (۴) شرکت اسبامی در اروپا (طهران ۲۱ عترب ۱۳۳۲ قمری هجری)
- (۵) دستور در محاکم حقوقی (طهران ۱۳۳۵ قمری)
- (۶) حقوق پارلمانی در ایران و اروپا (طهران ۲۰ دلو ۱۳۰۲ شمسی)



تذکر

اولاً - سطور و عباراتی که در هر طرفی از طرفین آنها دو خط هلالی است نص قانون است
ثانیاً - نصوصی که از قوانین خارجه نقل شده چون غالباً از زبان اصلی بفرانسه و از فرانسه بفارسی ترجمه شده در موقع ضرورت و لزوم بهتر مراجعه بمتن زبان اصلی است

علامات اختصار

قانون محاسبات عمومی	:	ق م ع
قانون دیوان محاسبات	:	ق د م
قانون تشکیلات وزارت مالیه	:	ق ت و
قانون تشکیل خزانه داری کل	:	ق ت ح
نظامنامه مالیات مستقیم	:	ق م م

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس خداوندی را که توفیق خدمت بخشیده و درود پشمبری را که پیرویش راه نمای شاهراه هدایت و بخشاینده سرمایه سعادت و شرافت است و نعت اوصیاء و اولیاء او که چراغ دانش در جهان افروخته و خرمن نادانی بشعله آن سوزانیده اند سپس برای یاد آوری بخوانندگان مینکارد که نویسنده این نامه لازم دید اطلاعاتی را که در ضمن تحصیل در اروپا و تصدی در امور مالیه قبل از مشروطیت و در دوره مشروطه بدست آورده و حاصل تحصیل و تجربه است بمعرض مطالعه عامه گذارد لذا در این کتاب که مشتمل بر چهار باب است بتعریف و تصویب و اجراء و تفتیش بودجه پرداخت در صورت حیات و توفیق بتألیف جلد دوم که متضمن اقسام مالیات است اقدام خواهد نمود

باب اول

در تعریف و کلیات بودجه

فصل اول در تعریف بودجه

ماده اول قانون محاسبات عمومی مورخ ۲۱ صفر ۱۳۲۹ بودجه را چنین تعریف میکند « بودجه دولت سندی است که معاملات دخل و خرج مملکتی برای مدت معینی در آن پیش بینی و تصویب شده باشد مدت مزبوره را سه مالیه میگویند و عبارت است از یکسال شمسی » این تعریف مشتمل بر سه مطلب است : اول - بودجه با اینکه مجلس بان رای میدهد قانون نیست و بهمین جهت قانونگذار آنرا سند گفته ولی هر گاه در ضمن بودجه موادی هم بگذرد که مربوط بجرح و تعدیل مالیاتی یا وضع نظامات باشد مواد مزبور قانون است (۱) و نظر باینکه در هیئت مقننه نمایندگان ملت در بودجه پیش از سایر مطالبی که موضوع رای مجلس واقع میشود اعمال نظر مینمایند و در حقیقت کمتر موضوعی در هیئت مقننه طرح میشود که تصویب آن مستقیما یا بطور غیر مستقیم در مالیه مملکت مؤثر نباشد علاقمندی نمایندگان به بودجه بیشتر بوده و شور و تصویب آن

(۱) ملاحظه شود ماده ۸ و ۱۴ مابرجه در بودجه ۱۳۰۳ پیشنهادی دولت در آخر کتاب

مدتی از عمر مجلس را اشغال می نماید (۱) و با اینکه در هیئت های تقنینیه معمولاً برای وضع قوانین دوشور لازم است تا اینکه رای دهندگان مذاقه نموده و از روی اطلاع و بصیرت عقیده خود را اظهار نمایند و هر گاه شور و تصویب بودجه جمع و خرج هم مشمول همان مقررات و محتاج بدو شور باشد کمتر اتفاق می افتد که بودجه بموقع تصویب گردد این است در بعضی از ممالک پیش از یکمرتبه در بودجه شور نمیشود و بهمین لحاظ هم ماده ۵۹ نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی میگوید: « ترتیبات شور مرتبه اول و مرتبه دوم در موارد ذیل مجری نخواهد بود اولاً بودجه دخل و خرج مملکتی ثانیاً قوانینی که راجع بتقاضای وجوهی برای مخارج مخصوص است ثالثاً قوانین راجعه بمنافع محلی» (۲) و نظر باینکه بودجه مملکتی هر قدر هم مطرح بحث و مذاکره شود ناچار از مجلس میگذرد و یک شور هم بیشتر ندارد غالباً دولت برای اینکه نظریاتش راجع بامور مالی در نتیجه تاخیرات و بپیودن مراحل معموله سایر قوانین است در بودجه گنجانیده و از جریان مراحلی که بودجه طی میکند استفاده مینماید (۳) از این رو آن

(۱) و بهمین ملاحظه بعضی را عقیده است که در عایدات و مخارج باید تفکیک قائل شد بعضی عایدات و مخارج که ثابت است برای اجتناب از تاخیر باید از بودجه که هر ساله تصویب میشود خارج کرد ولی تشخیص عایدات و مخارج ثابت گذشته از اینکه مخارج از اشکال نیست چه گونه می توان گفت که قسمتی از عایدات و مخارج همیشه ثابت باشد چه عایداتی را همیشه ثابت و مخارجی را همیشه غیر قابل تغییر دانستن موجب ضرر دولت و افراد می باشد معذالك در بعضی از ممالک از قبیل انگلستان این طریق مرسوم است ولی علت آن اجتناب از تاخیر نیست وجهات دیگری دارد که تفصیل بیان خواهد شد

(۲) راجع باینکه قوانین راجعه بمنافع محلی فقط يك شور دارد ملاحظه شود نظریات ما در حقوق

پارلمانی صفحه ۵۰
 «۳» در ۳۰ ژوئیه ۱۹۱۳ در نظامنامه مجلس وکلا در فرانسه ماده ۱۰۵ وضع شد که میگوید: در قانون مالی درج چیزهاییکه مربوط بعایدات و مخارج نباشد مجاز نیست و مقاد ماده ۸۵ قانون اساسی جدید آلمان هم همین است

قسمت از بودجه که مربوط بجمع و خرج مملکتی است سند و مواد دیگر آن که مربوط باصلاحات مالیاتی و تنظیمات اداری و غیره است قانون می باشد دوم - اینکه معاملات دخل و خرج مملکتی برای مدت معینی در بودجه پیش بینی و تصویب شده باشد و بودجه را با حساب نباید اشتباه کرد زیرا حسابات مربوط باعمال گذشته و تصویب آن قطعی است و موقع ندارد که بعد خود قانون گذار هم آن را تغییر دهد در صورتیکه بودجه پیش بینی عایداتی است که تصور میشود در يك سنه مالیه بدست بیاید و مخارجی که در مدت مزبوره بحد اکثر ضرورت می باید باین طریق که هر گاه از عایدات پیش بینی شده بیشتر وصول شود و مخارج هم بحد اکثری که پیش بینی شده بالغ نگردد عملیات دولت مورد تحسین و در صورت عکس دولت ناچار است با ذکر دلایل اعتبارات اضافی تقاضا نماید

سیم - اینکه پیش بینی مخارج و عایدات مربوط بمدتی باشد که معمولاً در تمام ممالک محدود به یکسال شمسی است (۱) و علت هم ظاهراً این است که نوع مالیاتها محدود و سابقاً منحصر بزمان مالیاتهای ارضی بوده که ماخذ و موقع وصول آنها در سال یکمرتبه بوده است و اگر در بعضی از ممالک بمدت طولتری قائل شده اند استثنائی از قاعده کلی است (۲) و این قاعده کلی که دلیل ایجاد آن مذکور شد در قرن معاصر هم که نوع مالیاتها متعدد بوده و فقط

(۱) در ممالک اروپا با اینکه تقویم یکی است سال مالی در هر مملکتی اختلاف دارد مثلاً در انگلستان و آلمان و ژاپون از اول آوریل شروع شده و در آخر مارس خاتمه می یابد در صورتیکه در فرانسه و بزرگ و سویس و ایستان اول ژانویه که اول سال مالی مسیحی است و در اردول متحده امریکای شمالی و ایتالی اول ماه ژوئیه که ماه ششم سال است شروع میگرد

(۲) در هولاند مدت اعتبار بودجه از سال ۱۸۱۵ تا ۱۸۲۰ ده سال بوده است و در بعضی از ممالک متحده آلمان از قبل باویر و وورتنبرگ ساکس مدت دو سال و در هس در سه سال یکمرتبه بودجه تصویب می شود

منحصر بهمان مالیاتهای ارضی نیست لازم الرعایه گردیده برای اینکه مدت تفتیش نمایندگان ملت در مالیه کوتاه و محدود باشد و قوه مجریه هم بواسطه طول مدت خود را از نمایندگان ملت مستغنی و از هیئت مقننه بی نیار نداند

در بعضی ممالک کلیه مخارج محتاج بتصویب سالیانه نیست از قبیل انگلستان که قسمتی از بودجه مربوط بدربار و منافع قروض ثابت و غیر ثابت و حقوق بعضی از مستخدمین خصوصاً آنهاست که در اجراء بودجه تفتیش مینمایند برای مصون داشتن آنها از تزلزل مقام و حقوق و تامین اطمینان آنها بانجام مأموریت در مدت سلطنت هر سلطان یکمرتبه تصویب میشود و این قسمت از مخارج را مخارج ثابت فن کنسلیده fonds consolidé گویند و همچنین در امریکای بعضی از مخارج ثابت است و تا زمانی که مجلسین نسخ نکنند تأدیه میشود

در ایران هم مثل اکثریت قریب باتفاق ممالک خارجه مدت سال مالیه ۱۲ ماه شمسی اول آن فروردین و آخر آن اسفند ماه میباشد و کلیه عایدات و مخارج يك سنه مالیه را مجلس شورای ملی در هر سال یکمرتبه تصویب مینماید مذکور شد که پیش بینی مخارج و عایدات باید مربوط بمدت مبینی باشد که معمولاً در تمام ممالک یکسال است پس باید دانست اگر تمام اعتباراتی که پیش بینی شده در مدت مزبور مصرف خرج پیدا نکرد اعتبارات مزبور را بچه مصرف میرسانند

معمولاً در آخر سال مالیه اعتباراتی که تمام یا قسمتی از آن تأدیه نشده ملغی میگردد ولی این قاعده کلیت نداشته و در تمام ممالک بصورت واحد مجری نیست مثلاً در بلژیک اگر برای خرج معینی در بودجه فوق العاده اعتباری تصویب شود تا سه سال معتبر است

در امریکا فرق میگذارند بین مخارج ثابت و غیر ثابت چون مخارج ثابت

را هر سال کنکره تصویب نمیکند لذا نسخ اعتبار مربوط بان منوط بانقضاء سال نیست و اعتباراتی هم که برای مخارج غیر ثابت است در آخر سال دوم نسخ میگردد

در ایران ماده ششم قانون محاسبات عمومی چنین گوید : « اعتباراتی که برای مخارج يك سنه مالیه معین شده است نباید بمصرف مخارج سنه مسالیه دیگر برسد »

فصل دوم - دوره عمل

مذکور شد که بودجه پیش بینی عایدات و مخارجی است که در يك سنه مالیه باید بحیطه وصول در آمده و برطبق اعتبارات مصوبه پرداخته شود حال باید دانست که مدت یکسال برای اجراء و اختتام اعمال مزبور کافی یا اینکه لازم است مدتی هم بر آن افزوده شود ؟ البته یکسال کافی نیست و بهمین جهت بعضی از ممالک لازم دانسته اند که مدتی هم علاوه شود تا اینکه سنه مالیه و مدت مزبور مشخص اعمالی باشد که مدرك آنها بودجه مصوب یکسال است و باین طریق معلوم گردد که پیش بینی هائی که نسبت بعایدات و مخارج شده تا چه درجه مقرون بواقع و حقیقت میباشد این است که سنه مالیه و مدتی را که از سال بعد ضمیمه آن میشود دوره عمل گویند و ماده دوم قانون محاسبات عمومی دوره عمل را چنین تعریف نموده « دوره عمل عبارت از مدتی است که قانون برای جریان معاملات بودجه يك سنه مالیه معین مینماید مدت مزبور برای تشخیص و حواله مطالبات دائنین دولت تا روز آخر ماه سیم سال بعد است و برای ختم اعمال دائر بدریافت عایدات و پرداخت مخارج تا روز آخر سال

بعد است» بطور خلاصه دوره عمل عبارت از يك سنه ماليه و مدت مكمله است كه در طرف آن عملياتى كه در مدت سال ماليه با تمام نرسیده است تمام شود ولى مراد اين نيست كه اگر عايداتى در دوره عمل وصول نشد بعد قابل وصول نباشد و يا اگر از بابت ديون دولت حواله صادر نگشت و يا صادر گشته و وجه آن پرداخته نشد حق طلب كاران بشفع دولت ساقط گردد بلكه مقصود مدتى است كه در ظرف آن كليه اعمالى كه بر طبق يك بودجه مصوب ميشود معلوم و بالاخره صحت و يا عدم صحت پيش بينى ها مسام گردد

گفته شد كه دوره عمل طريقه نيست كه تمام ممالك بان قائل شده باشند پس بايد دانست ممالكى كه اين طريقه را نپذيرفته اند بچه ترتيب تهيه حساب مى نمايند

در هر مملكت ممكن است حساب بدو طريق تجزير شود (۱) حساب صندوق (۲) حساب دوره عمل

(۱) حساب صندوق مربوط بوجوهى است كه در مدت يك سنه ماليه در صندوق وارد ميشود و از آن خارج ميشود

فرض كنيم كه بودجه مصوب ۳۳ مليون عايدات و ۲۳ مليون مخارج پيش بينى نمايد پيش بينى مزبور مستلزم اين نيست كه تمام عايدات در مدت دوازده ماه وصول و در همان مدت هم صرف مخارج بشود هرگاه تمام عايدات هم وصول شود تاديه مخارج در ظرف مدت دوازده ماه ممكن نمى باشد چه تا روز آخر سال دولت محتاج بچيزهاى است كه بايد خريدارى كند و ممكن نيست كه در روز آخر سال هم دولت تعهد كند و هم در روز مزبور از عهده تعهدات خود بر آيد يعنى طلب دائن را بموجب حواله رسمى بپردازد بنا بر اين در حساب

صندوق كه مربوط ب يك سنه است فقط وجوه دريافتى و مبالغ پرداختى در آن سنه را مى نويسند و در حساب دوره عمل كليه عايدات و مخارجى كه بودجه پيش بينى نموده و در سنه ماليه و مدت مكمله بحيطه وصول در آمده و بمصرف اعتبارات مصوبه رسیده است

در فرانسه دوره عمل عبارت از يك سنه ماليه و هفت ماه از سال بعد است كه جملتان نوزده ماه باشد در سورتيكه در ايران بر طبق ماده دويم قانون محاسبات عمومى دوره عمل عبارت از سنه ماليه و سنه بعد آن است يعنى در ظرف دو سال كامل هر گونه عايدات و مخارج دولتى را كه وصول و تاديه شده باشد در حساب دوره عمل مى نويسند

و بايد دانست كه هر قدر مدت مكمله زيادتر باشد اختلاف بين پيش بينى و عمل كمتر ميشود زيرا بهمان دليل كه در ظرف سنه ماليه نمى توان تمام عايدات را وصول و اعتبارات مصوبه را تاديه كرد بهمان دليل هم در ظرف مدت قليل ممكن نيست كليه عايدات دولتى بحيطه وصول در آيد ولى چون مراد از حساب دوره عمل آن است كه معلوم شود پيش بينى هاى كه شده تا چه درجه مقرون بواقع و اختلاف بين مظنه و تحقيق چيست هرگاه مدت مديد بوده و حساب دوره عمل چند سال بعد از سنه ماليه تهيه شود فايده منتظره حاصل نميگردد اين است كه بمحدوديت مدت قائل گرديده اند

حساب صندوق و حساب دوره عمل هر يك محاسن و معاييبى دارد كه شرح آن بي فايده نخواهد بود

حساب صندوق سريع و عملى تر و در طرف چند روز بعد از اقبضاي سال ماليه تهيه و از آن بخوبى معلوم ميشود كه وصول عايدات و تاديه وجوه در ظرف يكسال در چه حالت بوده است ولى نمى توان دانست كه پيش بينى هاى كه شده صحيح بوده



یابیده است و اینک دولت از اعتبارات مصوبه تجاوز کرده بانک کرده است و چون حساب صندوق از آخر سنه مالیه تجاوز نمیکند بنا بر این در حوالجاتیکه بعد از سنه مالیه صادر میشود چنانچه از اعتبارات مصوبه تجاوز شده باشد مستور میماند در صورتیکه از حساب دوره عمل اختلاف بین مظنه و تحقیق در عایدات و مخارج و تجاوز و عدم تجاوز اعتبارات مصوبه بخوبی معلوم میشود (۱)

هواداران حساب صندوق میگویند چون عایدات هر سنه عبارت از عایدات دریافتی بموجب بودجه مصوب آن سال و بقایای عایدات سال قبل است و مخارج هم همین حکم را دارد چه قسمتی از مخارج سال قبل در حساب جاری نوشته میشود لذا میتوان گفت حساب صندوق که مربوط با عمل يك سنه مالیه است با حساب دوره عمل چندان تفاوتی ندارد و اگر هم دارد قابل اعتنا نیست خاصه اینکه مدت دوره عمل بطوریکه مذکور شد محدود است و کلیه عایدات و مخارج پیش بینی شده را نمی توان در مدت مزبور وصول نموده با اعتبارات مصوبه تأدیه کرد و در محاسبات سالیانه تجزیه عایدات و مخارجی که از بابت بودجه سال قبل و سال جاری میشود آسان نیست بعلاوه ممکن است اعتبارات سنه مالیه راجع بانائیه مثلا علاوه بر مخارج باشد و برای رسانیدن فاضل بمصرف مخارج سال بعد قرار داد خرید را قبل از انقضای سال مالیه منعقد نموده و در مدت دوره عمل حواله صادر و وجه تأدیه و اشیاء تحویل گرفته شود بعبارت احرری مخارجی که در سال بعد باید بشود از بابت اعتبارات سال گذشته محسوب نمایند در صورتیکه معتقدین بحساب دوره

«۱» باید دانست که حساب دوره عمل هم کاشف تجاوز نیست چه ممکن است مطالبات بعضی از دائین بیجهتی در دوره عمل هم تأدیه نشود ولی چون کمتر دانی است که در مدت سنه مالیه و مدتی که قانون بعد از سنه مزبوره برای تشخیص مطالبات و صدور و تأدیه حواله قرار داده در صد مطالبه بر نیاید مگر اینکه بواسطه پاره اختلافات تشخیص و تأدیه طاب ممکن باشد این است که دوره عمل را تا درجه میتوان مدرک قرار داد

عمل میگویند اگر عملیات مربوط به پیش بینی بودجه حساب مخصوصی نداشته باشد معلوم نمی شود پیش بینی ها تا چه درجه مقرون بحقیقت بوده و تهیه حساب صندوق به تنهایی گذشته از اینکه اوضاع يك سنه مالیه را بخوبی معلوم نمیکند تهیه کنندگان بودجه رانیز مجرب نمیسازد تا بخوبی درک کنند که پیش بینی های آنها کدام مطابق و کدام مخالف واقع بوده است و اگر بواسطه دوره عمل ممکن است از صرفه جوئیهای بودجه استفاده نموده مخارجی را که میبایست از محل اعتبار سال بعد تأدیه شود بحساب سال قبل منظور کنند در حساب صندوق هم هر گاه از اعتبارات مصوبه تجاوز شود کافی است که تاریخ حواله را بعد از انقضای سال مالیه گذارند تا تجاوز کاملا مستور ماند

حساب دوره عمل در فرانسه و بلژیک و پروس و حساب صندوق در ایتالیا و انگلستان معمول است ولی برای اینکه بحساب دوره عمل هم شبیه باشد در انگلستان در آخر مارس که انقضای سال مالیه است مبلغی برای مطالبات معوقه پیش بینی میکنند تا کل مخارج معلوم و تجاوز از اعتبارات و یا عدم تجاوز معین گردد ولی باز معلوم نیست که عایدات وصولی تا چه درجه با مبلغی که پیش بینی شده است تفاوت دارد

در ایتالی حساب صندوق در آخر سال تهیه میشود و هر گاه در سنه بعد نسبت بعایدات و مخارج سال قبل معاملاتی شد معاملات مزبوره دارای حساب مخصوص است و بنا بر این اینطرهقه با حساب دوره عمل معناً اختلافی ندارد

در ایران - قبل از مشروطیت معمول این بود که برای دوره عمل حساب تهیه میشد بانطریق که کلیه عایدات جمع حکام و ولات و سایر صاحبان ابوابجمعی شده و مخارج هم بر دو قسم بوده قسم اول مخارجی بود که قبل از شروع سنه مالیه معلوم و در مقابل عایداتی که ابوابجمع صاحبان جمع میشد منظور میگردد

قسم دوم هم مخارجی بود که در جریان سال مالیه ضرورت آنها را ایجاب کرده و حواله بصاحبان جمع صادر میگردد بنا براین در موقع محاسبه هر صاحبجمعی کایه عایدات ابوابجمعی را در محاسبه جزو ماخوذی خود و کایه مخارج بودجه (دستور العملی) و حوالجاتی که بعد صادر شده بود بخرج خورد منظور مینمود و اگر از عایدات هم چیزی وصول نشده بود در محاسبه بعنوان شکست و لاوصول بخرج می نوشت

بعد از مشروطیت - ماده دوم قانون محاسبات عمومی بموقع اجرا گذارده شده و لایحه تفریح بودجه بمجلس نیامده تا حساب دوره عمل تحریر شده باشد و نسبت بصاحبان جمع هم حساب صندوق معمول است آنهم نه برای مدت تصدی چه بعد از مشروطیت صاحبان جمع عادت نکرده اند که از وزارت مالیه مفاصا دریافت نمایند فقط هر صاحب جمع صورت کل وجوهی که در یک ماه وارد صندوق او شده و از آن خارج گردیده است باداره محاسبات کل وزارت مالیه میفرستد و در موقع تحویل دادن صندوق بقاء مقام خود از وضعیات محاسبه صورت مجلس ترتیب میدهد

فصل سوم - در کاملیت بودجه

مراد از کاملیت این است که نمایندگان ملت در موقع تصویب جمع و خرج مملکت از کل معاملات که در یک سنه مالیه می شود مطلع گردند و باینوسیله بتوانند در مجموع عایدات و مخارج مملکتی قضاوت و عقیده خود را اظهار نمایند و میشود که در یک مملکت دولت بواسطه احتیاج چند قسم بودجه تهیه نماید از قبیل بودجه معمولی که شامل عایدات و مخارج معمولی مملکت است و بودجه فوق العاده که شامل عایدات و مخارج فوق العاده می باشد مثلا دولت بخواد سدی بسازد باراه آهنی ایجاد نماید

که برای انجام مقصود باستقراض متوسل گردد در اینصورت نه عایدات چنین بودجه جزو عایدات معمولی مملکت و نه مخارج آن از مخارجی است که بطور معمول دولت از صرف آن ناچار باشد و با اینکه دولت عملیاتی کند که مربوط بوظایف حکومتی او نباشد زیرا اعمالی که از دولت صادر میشود بر دو قسم است :

قسم اول - اعمالی است که بسمت نمایندگی قوای عمومی صادر میکنند از قبیل اخذ مالیات و غیره که آنها را اعمال انتظامی گویند

قسم دوم - اعمالی که با وجود مفید بودن برای جامعه دولت از اقدام بانها ناچار نیست مثل دائر کردن مطبعه و غیره که قسم اخیر را اعمال اقتصادی نامند که اگر دولت مقدم باعمال مزبور گردید نظر باینکه اعمال مزبوره از اعمال واجبه نیست استحباب آن وقتی مسلم میشود که معلوم باشد از اعمال مزبوره دولت ضرر نمی نماید

بنا بر این هرگاه بودجه مطبعه که دولت اداره میکند جزو بودجه کل مملکتی باشد هیچ معلوم نمی شود که ضرر و یا نفعی که متوجه دولت میشود چی است و امور اقتصادی دولت از امور اقتصادی افراد نباید مختلف باشد و هر طور که اشخاص متفرقه در امور خود اقدام میکنند دولت هم باید بهمان ترتیب اقدام کند اگر شخصی دید امری را که بان مبادرت ورزیده برای او مفید نیست از آن صرف نظر و وقت خود را صرف کار دیگر میکند پس دولت هم باید مطلع و مسبوق باشد که امور او مفید است یا مضر در صورت ضرر صرف نظر کرده ضررهای خود را بار جامعه ننماید لذا لازم است که برای این قبیل اعمال دولت بودجه اقتصادی جداگانه ترتیب دهد تا نفع و ضرر معلوم گردد و خلاصه اوضاع آنها را در بودجه کل مملکت تعیین نمایند باینطریق که اگر در بودجه که برای اعمال اقتصادی تهیه شده دولت

بهره مند است نفع دولت در عایدات بودجه مملکتی منظور و اگر متضرر است ضرر جزو مخارج تعیین گردد تا نمایندگان در موقع تصویب بودجه کل باین نظر عمیق و روشنی بجمع و خرج قضاوت و اظهار عقیده نمایند و اگر غیر از این عمل شود ممکن است بر خلاف مصالح مملکت باشد زیرا اولاً بودجه های متعدده سبب میشود که نمایندگان ملت نتوانند باین روشنی کاملی حالت عمومی مالیه را قضاوت نمایند ثانیاً مازاد و یا ما نقص کل عایدات مملکتی از بودجه های مختلفه معلوم نمیشود مگر بصورت واحد باشد چه ممکن است در بودجه عمومی مازادی باشد که در صورت توأم شدن آن با بودجه های فوق العاده و یا اقتصادی عایدات کل مملکت نسبت بمخارج کمتر شود

خلاصه آنکه بودجه معمولی و فوق العاده و اقتصادی دولت باید تفکیک شود تا مازاد و ما نقص هر یک از آنها معلوم باشد و در بودجه کل مملکت که در موقع معینی از سال بتصویب مجلس میرسد خلاصه از مازاد و یا ما نقص بودجه های فوق العاده و اقتصادی درج شود تا وضعیات عمومی مالیه واضح و روشن باشد ولی باید دانست که در آنچه مذکور شد محاسن و معایبی ذکر شده که ما بشرح آن میپردازیم

در معایب

(۱) چون مازاد و یا ما نقص بودجه های فوق العاده و اقتصادی جزو بودجه مملکتی نوشته میشود ممکن است تهیه کنندگان بودجه های فوق العاده و اقتصادی دقت لازمه را در موازنه جمع و خرج ننموده و آنرا بعهده تهیه کنندگان بودجه کل مملکت محول نمایند.

(۲) وزارت مالیه که در عایدات و مخارج مملکتی مسئولیت تامه دارد بر حسب تشکیلات و قوانین مملکتی ممکن است در تهیه این قبیل بودجه ها کاملاً دخیل نباشد

در محاسن

(۱) معتقدین بتفکیک بودجه های فوق العاده و اقتصادی از بودجه کل مملکت و تعیین مازاد و یا ما نقص آن جزو بودجه کل میگویند چون اعمالی که مستلزم تهیه بودجه های فوق العاده و یا اقتصادی است از وظایف حتمیه دولت نیست دخالت و یا عدم دخالت وزارت مالیه در این قسمت اهمیت ندارد و ممکن است که ادارات مربوطه خود در تهیه بودجه مختار باشند و قوه مقننه در موقع تصویب از آنچه برای مملکت مفید نیست جلوگیری و از این رهگذر موازنه جمع و خرج مملکتی را حفظ نماید

(۲) چون عایدات و مخارج بودجه های مزبور از عایدات و مخارج مملکتی مجزاست منافع و مضار اعمالی که دولت در اقدام بانها مجبور نیست نمایان می باشد

ولی باید دانست که تفکیک قسمتی از عایدات و مخارج بنام بودجه های فوق العاده و اقتصادی از بودجه های عمومی باید با دلیل و برهان باشد پس اگر پلی خراب و مانع عبور باشد و یا اینکه مدرسه را که دولت اداره میکند عایداتی داشته باشد تهیه بودجه فوق العاده برای مخارج تعمیرات پل و شمردن اداره مدرسه جزو اعمال اقتصادی مورد ندارد و برای آنها نمیتوان بودجه مخصوصی تهیه نمود

فصل چهارم - در شمولیت بودجه

از قاعده کاملیت مقصود این بود که در موقع تصویب بودجه کل اوضاع مالیه نسبت بتمام معاملاتی که دولت بسمت نمایندگی قوای عمومی و اعمال اقتصادی میکند معلوم شود تا موازنه حقیقی جمع و خرج بدست آید در صورتیکه از قاعده

شاملیت مقصود این است که هیچ خرجی از عایدات و هیچ عایداتی از مخارج کسر نشود باین طریق که اگر دولت مدرسه داشته باشد که بودجه آن از شهریه محصلین و اعانه دولت اداره شود مخارج وصول شهریه از کل وجوه وصولی موضوع نشده و بقیه آن جمع بودجه گردد و یا اینکه شهریه محصلین از کل مخارج کسر نشده بقیه مخارج در بودجه نمودار باشد بلکه باید کل عایدات غیر خالص جمع بودجه و کل مخارج چه مربوط بوصول شهریه و چه مربوط باداره شدن مدرسه جزو مخارج منظور گردد و قاعده شاملیت نه تنها در بودجه بلکه در محاسبه هم باید رعایت گردد تا اینکه در موقع تفتیش چیزی از قلم نیفتاده اقلام عایدات و اقلام مخارج صحیحا معلوم باشد

باب دوم

در تهیه و تصویب کتابچه دستور العمل و بودجه

همانطور که اکنون بودجه باید در ادارات و وزارتخانهها و مجلس جریانی رایموده تا بتصویب رسد همانطور هم قبل از مشروطیت کتابچه دستور العمل مراحلی را طی مینمود تا پادشاه آنرا تصویب نماید این است که تهیه و تصویب کتابچه های دستور العمل را در فصل پنجم و تهیه و تصویب بودجه را در فصول بعد بتفصیل بیان مینمائیم

فصل پنجم تهیه و تصویب کتابچه دستور العمل قبل از مشروطیت

بیان تهیه و تصویب کتابچه دستور العمل قبل از مشروطیت مستلزم شرح تشکیلات آن عصر است
(۱) وزارت مالیه یا وزارت دفتر

بودجه و یا جمع و خرج کل مملکت (۱) تقسیم میشد بعده ایالات و ولایات و مرکز (۲) باین طریق که در تحت ریاست وزیر مالیه یا وزیر دفتر عده اشخاصی که آنها را مستوفی یا محاسب میگفتند بکمک مأمورین زیر دست معروف بسررشته دار و محرر هر یک بودجه یا باصطلاح زمان کتابچه و بادستور العمل یکی از ایالات و ولایاترا تهیه مینمود و ارجاع تهیه بودجه هر ایالت و یا ولایتی بیک مستوفی حتمی

(۱) وزیر مالیه خلاصه عایدات و مخارج مملکتی را مطابق کتابچه های ولایات و همچنین عوایدی را که بخرانه مرکزی از قبیل عایدات گمرک و غیره میرسید و مخارجی هم که در مرکز برات صادر میشد در چند فرد مینوشت که نتیجه جمع و خرج کل مملکت و موازنه معلوم باشد و کمتر اتفاق میافتاد که جمع و خرج کل مملکت در یک کتابچه بتفصیل تحریر شود و فقط جمع و خرجی که مطابق اطلاعات مؤلف بتفصیل تهیه شده جمع و خرجی است که در سال ۱۳۰۲ در عهد مرحوم ناصرالدین شاه و ۱۳۱۸ قمری مقارن سفر اول مرحوم مظفرالدین شاه پاریس نوشته شده است

(۲) مخارج مرکزی با اینکه نتیجه آن عاید ولایات هم میشد چون خزانة در مرکز می برداخت مخارج مرکزی یا مخارج رکابی گفته میشد که برای مخارج مزبور تا اواخر سلطنت مرحوم ناصرالدین شاه کتابچه مخصوصی نوشته میشد که جمع آن عبارت بود از مافی کتابچهها وسایر وجوهی که بخرانه از قبیل گمرک و خرابخانه میرسید و خرج آن کابیه مخارج و مصارفی که باید در مرکز تادیه شود ولی بعدها فقط صورت کل مخارج رکابی در دفتر وزیر مالیه که سر رشته کل میگفتند و نزد بعضی از مستوفیان که در امور جمع و خرج مملکتی تعدیل بودند ضبط بود

نبود و گاه يك نفر بودجه چند محل را تهیه میکرد و امور قسمتهای مختلفه ایالات و ولایات هم با عده بود که آنها را مستوفیان محلی مینامیدند و تقسیمات محلی غالباً با تشکیلات حکومتی مطابقه مینمود یعنی همانطور که در مرکز استیفای هر ایالت و ولایت معمولاً بيك مستوفی محول بود تصدی امور دفتری هر يك از حکومتهای جزء ایالات و ولایات هم بمستوفیان ساکن مرکز ایالت مرجوع مثلاً مستوفی اردبیل در تبریز با این اختلاف که مستوفیان مرکز مسئول وزیر مالیه و مستوفیان محلی مسئول شخصی بودند که بمعاملات مالیاتی آگاهی داشته و از طرف والی و یا حاکم محل بنام پیشکار مالیه تعیین میشد و در مقابل حکام مسئول اجراء کتابچه و یا دستور العمل ولایت بود

و گاه میشد که پیشکار مستقیماً مسئول مرکز باشد و آن وقتی بود که یکی از شاهزادگان درجه اول والی شده و برای رعایت حیثیات او دولت شخص دیگری را بسمت پیشکاری تعیین نماید که در این قبیل موارد مسئولیت متوجه والی نبوده و پیشکاری که خود دولت تعیین مینمود مسئول اجراء دستور العمل و دادن حساب بود

(۲) وزارت لشکر (۱)

اگر در تشکیلات کنونی هر وزارتخانه بودجه خود را تهیه و بوزارت مالیه تسلیم مینماید تا وزارتخانه مزبور هم بودجه مخارج خود را ضمیمه نموده با بودجه کل عایدات بمجلس شورای ملی تقدیم کند قبل از مشروطیت یکنه وزارتخانه که غیر از وزارت مالیه در تهیه بودجه خود مستقیماً اقدام مینمود وزارت جنگ بود و علت استثناء این است که در عصر سابق کلیه حقوق مستخدمین دولت خواه

(۱) بوزارت لشکر دفتر لشکر هم میگفتند کما اینکه بوزارت مالیه دفتر استیفا گفته میشد

مشغول یا منتظر خدمت باسم اشخاص و مادام العمر بودند برای درجه و مقام و لهذا شرکت سایر وزارتخانهها در تهیه بودجه ضرورت نداشت و در موقع وفات هر يك از مستخدمین حقوق متوفی بموجب فرمان درباره ورثه اش برقرار و ثبت فرمان در سر رشته کل و دفاتر مستوفی محل و سایر مستوفیان ضبط و در موقع تهیه بودجه مطابق فرمان و یا حکم اگر برقراری حقوق در باره ورثه از قرار حکم صورت گرفته بود اقدام می شد در صورتیکه در وزارت جنگ معمولاً (۱) حقوق شغلی و درجاتی بوده نه شخصی و باین جهت وزارت مزبوره میبایستی هر سال نظریات خود را در کاهش و افزایش مخارج قشونی اظهار و بعبارة آخری در تهیه بودجه شرکت نماید و چون شخص وزیر جنگ یا سبسالار معمولاً از امور محاسباتی بی اطلاع و لازم بود که این قسمت از مسئولیت خود را بوسیله اشخاص دیگر اجراء کند اداره در تحت ریاست مستخدم عالی درجه بنام وزیر لشکر و بعضویت لشکر نویسان با وزیر جنگ در انجام وظائف مالی و محاسباتی قشون کمک مینمود و همانطور که در وزارت مالیه تهیه بودجه هر ولایت و یا ایالتی مفوض یکی از مستوفیان بود در وزارت لشکر هم تهیه صورت مخارج فوج یا سوار هر محلی را یکی از لشکر نویسان بعهدہ داشت و مجری صورت مزبور یعنی کسیرا که افراد حاضر و غایب هر فوج و یا سواری را تعیین میکرد مشرف میگفتند و حقوق او در جزء بودجه هر فوج منظور و تابع وزارت جنگ بود بعبارة آخری تهیه بودجه فوج و یا سوار هر محلی با لشکر نویس مقیم مرکز و تهیه صورت اسامی افراد حاضر و غایب بعهدہ مشرف و نظارت پرداخت بالشکر نویسانی محل بود

(۱) معمولاً برای اینکه در وزارت جنگ هم حقوقات شخصی بود ولی بطور کلی شغلی و درجاتی بود مثل

حقوق افواج و سوار

(۳) وزیر بقایا یا محصل محاسبات

وزیر بقایا یا محصل محاسبات مسئول اجرای احکام وزیر مالیه و در مطالبه حساب از حکام و وصول بقایای آنها مستقلا اقدام میکند

(۴) وزیر خزانه

چون قسمتی از عایدات مملکتی بجمع هیچ يك از کتابچه های ولایات منظور نمیشد مثل كمرک و ضرابخانه و قسمت مهمی از مخارج هم در هیچ کتابچه منظور نبوده و میبایست در مركز تادیه شود لازم می آمد که شخصی مسئول وصول عواید و تادیه مخارج مزبوره باشد این شخص را وزیر خزانه می گفتند که مسئولیت او علاوه بر امور مذکوره اجرای نتیجه هر يك از کتابچه های ولایات بود یعنی وصول باقی کتابچه ها از حکام در صورتیکه عایدات بیش از مخارج بود یا پرداخت فاضل بانها در صورت عکس پس از مختصری از شرح تشکیلات سابقه لازم است بیان شود که بودجه چه ترتیب تهیه و تصویب میگردد.

اولا در تهیه بودجه

معمولا شش ماه از سال گذشته وزیر مالیه که او را وزیر دفتر هم میگفتند حکمی دائر بر تهیه کتابچه های ایالات و ولایات بعهدہ وزیر بقایا صادر می نمود که مشارالیه بمستوفیان ابلاغ کند و مستوفیان اجراء حکم مزبور را که بتوسط فراشبانی وزیر بقایا ارائه میشد در ذیل آن کتابتهد میکردند
اگر در آخر سال کتابچه ها حاضر بود وزیر بقایا میگرفت و اگر حاضر نبود با کمال سختی و شدت مطالبه مینمود و چنانچه تهیه کننده برای تاخیر جهت

و علتی از قبیل نرسیدن صورت مخارج قشونی از دفتر لشکر (۱) یا قصور مستوفی و وظایف در دادن صورت مستمریات ذکر میکرد وزیر بقایا اقدام مینمود که جهات تاخیر مرتفع گردد در کتابچه هر محل اول عایدات آن محل که عبارت از مالیاتهای مستقیم بود تعیین و بعد مخارج موضوع می شد و مخارج بر دو قسم و یا باصطلاح زمان در تحت دو صیغه نوشته میشد

(۱) مخارج ولایتی عبارت از حقوق مستخدمین و صاحبان مستمری و وظیفه و تخفیفات محلی

(۲) مصارف دیوانی مشتمل بر مخارج قشونی و مستخدمین مرکزی و حقوق و مستمری اشخاصی که اهل محل نبوده و بر حسب تقاضای خودشان بخرج محل منظور میگردد و بالاخره در آخر کتابچه (۲) معلوم میشد که عایدات بیش از مخارج و یا مخارج بیش از عایدات میباشد در صورت اولی کتابچه باقی و در صورت ثانوی فاضل داشت یعنی بایستی وجهی هم بحاکم داده شود تا مقررات کتابچه را بطور کامل مجری دارد

برای هر کتابچه فرد تفاوتی تهیه میشد و آن صورت اختلافاتی بود که

۱- همه ساله قبل از تحریر کتابچه دستورالعمل وزیر لشکر صورت مخارج قشونی هر محلی را جداگانه تهیه کرده توسط وزیر بقایا بمستوفی محل میداد
۲- تغییراتی که در کتابچه میشد اگر در محل خود شده بود در صورتیکه راجع بعایدات بود میگفتند در حشو جمع تغییر داده شده و چنانچه مربوط بمخارج بود اصل بخرج میگفتند ولی معمولاً تغییرات در آخر کتابچه داده میشد برای اینکه اگر وزیر مالیه با بعضی موافقت نکند تمام کتابچه محتاج بتجدید نباشد و فقط همان قسمتی را که تحت باقی میگفتند تجدید شود و مراد از تحت باقی این است که در کتابچه اول عایدات را می نوشتند بعد مخارج را از آن موضوع و باقی و بافاضل آنرا تعیین می نمودند سپس تغییرات را می نوشتند و اصطلاحاً تحت باقی گفته میشد ولو اینکه کتابچه فاضل و تغییرات تحت فاضل نوشته شده بود و در کتابچه هر سال تغییرات کتابچه سال قبل که در تحت باقی نوشته شده بود در محل خود یعنی در حشو جمع و در اصل خرج قرار میگرفت

کتابچه جدید نسبت بکتابچه گذشته در جمع و خرج حاصل میکرد و فرد مزبور دارای جمع و خرج و باقی و یا فاضل بود بسته باینکه کتابچه باقی یا فاضل داشته باشد و تجزیه جمع و خرج فرد تفاوت از قرار است که ذیلا بیان می نمائیم

تجزیه جمع فرد تفاوت

- (۱) باقی کتابچه سال قبل در صورت باقی داشتن آن
- (۲) اضافه جمع هرگاه مالیاتهای گذشته در نتیجه ممیزی اضافه شده یا مالیات جدیدی بر قرار شده باشد
- (۳) برکشت از خرج چنانچه حقوق اشخاصی که در کتابچه سنه قبل خرج آمده بولایت دیگری تبدیل و یا بواسطه وفات و جهات دیگر بعضی از حقوقات که در کتابچه سال قبل خرج آمده قطع و حذف شده باشد

تجزیه خرج فرد تفاوت

- (۱) فاضل کتابچه سال قبل اگر در سال قبل فاضلی وجود داشته
 - (۲) برکشت از جمع اگر در نتیجه شکایات مؤدیان مالیاتی از مالیاتهای که در سال قبل جمع شده چیزی برکشت کرده باشد
 - (۳) اضافه خرج چنانچه از کتابچه سایر ولایات حقوقی تبدیل و یا بموجب احکام و فرامین در مخارج اضافاتی شده باشد
- وزیر بقایا بتدریج هر کتابچه را با فرد تفاوت آن میگرفت و بوزیر مالیه تسلیم مینمود و چون وزیر مالیه نمی توانست شخصاً بکتابچه ها رسیدگی نماید قضاوت را باشخاصی واگذار میکرد که طرف اعتماد باشند و گاه رسیدگی بعهده هیئتی مرکب از مستوفیان و گاه بعهده یکی از آنها واگذار میشد که معمولاً از

مستوفیان پای سند و از چند نفر تجاوز نمی نمودند که بعد بیان مینمائیم (۱)
در طریقه رسیدگی

هیئت و یا شخصی که برای رسیدگی معین میشد کتابچه را با حضور مستوفی مسئول و با صورت کتابچه سال قبل که در سر رشته کل (دفتر وزیر مالیه) و دفاتر مستوفیان پای سند موجود بود مقابله و تطبیق میکرد در موقع اختلاف رجوع بفرد تفاوت میشد اگر اختلاف در فرد مزبور نوشته شده مقابله تعقیب والا یاد داشت می نمود تادر خاتمه مدارک کل تغییرات را چه در جمع و چه در خرج از مستوفی بخواهد باینمعنی که اگر اضافه حقوقی داده شده مستوفی باید حکم و یا سواد فرمان و اگر حقوقی تبدیل شده عین حکم تبدیل که بامضای وزیر مالیه رسیده و برکشت از خرج محل سابق را مستوفی آن محل در ذیل حکم نوشته باشد ارائه نماید

بالاخره پس از ارائه اسناد چنانچه باقی و یا فاضل فرد تفاوت با باقی و یا فاضلی که در کتابچه تعیین شده بود تطبیق میکرد دلالت داشت بر اینکه هیچگونه سهو و اشتباهی در کتابچه جدید نیست و در صورت اختلاف مستوفی وسر رشته دار او ناچار بود که کمال دقت را بکار برده هرگونه اشتباهی که در جمع اقلام کتابچه هست کشف و تصحیح نماید

فرد تفاوت نه فقط کاشف سهو حساب بلکه مجموعه محدودی از کل تغییرات بود بطوریکه هر کس آنرا ملاحظه مینمود در بادی امر از هر گونه تفاوتیکه نسبت بسال قبل در جمع و خرج حاصل شده مستحضر گشته و اهمیت آنها را حس و قضاوت میکرد

(۱) ملاحظه شود فصل ۲۲

در تصویب کتابچه

هیئت ویا شخصی که مامور رسیدگی بود راپورت خود را بوزیر مالیه میداد و وزیر مزبور بعد از ملاحظه فرد تفاوت و در صورت مقتضی رسیدگی بمدارک آخر هر صفحه و آخر کتابچه را بامهر شخصی مهر و صدر اعظم وقت نیز آنرا بعد مهر میکرد

در توشیح بصفحه همایونی (۱)

در روز معینی وزیر مالیه کتابچه ها را که بتدریج تمام شده بود بحضور پرده اختلافات و تغییرات آنها را بعرض میرسانید و کمتر اتفاق می افتاد که پادشاه آنها را تصویب ننماید زیرا غالب تغییراتی که در هر کتابچه داده میشد از قرار فرمان بود که در طرف سال بصفحه پادشاه رسیده لذا هرگونه تغییری ناقض و ناسخ آنها میشد و فقط تغییراتی که در حضور شاه میشد مربوط بود بمخارج قشونی و بعضی اعتبارات از قبیل مخارج بنائی و تعمیر اجناس باقی کستابچه و افزایش قیمت جنس در صورتیکه نازل تعمیر شده باشد
بالاخره در صورت تصویب کتابچه بصفحه رسیده وزیر بقایا آنها به حاکم محل برای اجراء تسلیم می نمود

فصل ششم - در پیش بینی عایدات

موقع تهیه بودجه

چون بودجه سندی است که معاملات دخل و خرج مملکتی را پیش بینی میکند لذا پیش بینی مزبور باید از روی اصول و قواعدی باشد که بین تخمین

۱۰ توشیح اصطلاح اصل ۲۷ متمم قانون اساسی است

و عمل چندان اختلاف نبوده و پیش بینی های بی اساس دولت را دچار عبرت ننماید و اهمیت پیش بینی در عایدات بیش از مخارج است چه برای پیش بینی مخارج قاعده مسلمی نیست و ممکن است دو قسم اعتبار تصویب نمود اعتبار نسبی و اعتبار محدود

Crédit évaluatif و Crédit Limitatif

از اعتبار نسبی تجاوز ممکن است مثلا هر گاه در بودجه بطور تخمین مبلغی بعنوان جرائم گمرکی جمع و مبلغی هم از بابت صدی ۳۰ حق کاشفین قاچاق اعتبار تعیین شود در صورتیکه عایدات جرائم از مبلغی که پیش بینی شده تجاوز کرد حقوق کاشفین قاچاق هم باید از اعتبار تجاوز نماید و این تجاوز برخلاف امر قانونگذار نیست زیرا حق کاشفین قاچاق صدی ۳۰ جریمه است که دولت اخذ میکند و مازاد از اعتبار را باید دولت بپردازد و بعد تصویب آنرا از مجلس درخواست نماید برخلاف در اعتبارات محدود از قبیل حقوق مستخدمین و اعتبارات دیگر که برای مخارج و مصارف تعیین میشود بدون اجازه تجاوز ممکن نیست

بطور خلاصه قاعده مسلم در پیش بینی مخارج ضرورت است و چون مخارج دولتی مثل مخارج افراد نیست که محدود بمیزان عایدات باشد و ممکن است خرجی پیش آید که باحیاط سیاسی و استقلال مملکت متلازم باشد از قبیل مخارج نظامی و انتظامی این است که قبلا در حدود ضرورت پیش بینی مخارج میشود و بعد عایدات را پیش بینی مینمایند تا در صورت عدم موازنه مالیات جدید وضع ویا بتعرفه مالیاتهای قدیم افزوده شده موازنه حاصل گردد و برای پیش بینی عایدات طرقی را در نظر گرفته اند که در نتیجه رعایت کامل آن فرق بین تخمین و تحقیق در خانمه عمل زیاد نمیشود و سه طریق میتوان عایدات را پیش بینی کرد :

- (۱) طریقه مستقیم (۲) طریقه سال ماقبل آخر (۳) طریقه افزایش

(۱) **طریقه مستقیم**

Methode d'evaluation directe

در این طریقه خدمتوسط عایدات چندسال را ماخذ گرفته و بعد اوضاع واحوالی که در آن سنوات در کسر و اضافه مالیات دخالت داشته مدرک قرار میدهند و در نتیجه پیش بینی مینمایند که برای سالی که در نظر است چه مبلغ عایدات می توان فرض کرد و این طریقه در مالیاتهای مستقیم عملی تر است تا در مالیاتهای غیر مستقیم و هر قدر هم که تخمین کنندگان دقیق تر باشند ارقام پیش بینی شده بحقیقت نزدیک تر خواهد بود

(۲) **طریقه سال ماقبل آخر**

Methode de la penultieme année

در این طریقه نظریات اشخاص بهیچوجه مدخلیت ندارد زیرا عایدات سال ماقبل آخر را ماخذ عایدات سال آینده قرار میدهند مثلا هر قدر در سال ۱۳۰۲ وصول شده باشد فرض میشود که مبلغ وصولی سال ۱۳۰۴ از آن کمتر نخواهد شد

(۳) **طریقه افزایش**

Methode des Majorations

این طریقه عبارت از این است که اولاً عایدات سال ماقبل آخر را در نظر گیرند و بعد با فرض اینکه دائره ثروت در توسعه و ترايد است مبلغی علاوه نمایند ولی باید دانست که مدرک فرض مزبور مسلم نیست چه امکان دارد بجهتی از جهات از قبیل افات و اعتصاب که در محصولات ارضی و عایدات صنعتی کاملاً مؤثر است عواید دولتی از سال ماقبل آخر هم کمتر شود و در صورت صحت فرض باید قائل شد که مخارج هم در توسعه و ازدیاد است باین جهت در اغلب ممالک قاعده پیش بینی عایدات مبلغ وصولی سال ماقبل آخر است زیرا این طریقه مطمئن تر و در

صورت تجاوز مازاد بقروض دولت و اگر دولت مقروض نباشد در امور اقتصادی مملکت صرف میشود و چنانچه بواسطه حوادث غیر مترقبه از قبیل جنگ و غیره مخارج از سال ماقبل آخر تجاوز کند عایدات معمولی مملکت هر قدر هم زیاد باشد کفایت نمی کند و دولت باستقراض و وضع مالیاتهای جدید محتاج خواهد بود

فصل هفتم - در طریقه و تهیه بودجه

در بودجه پیشنهادی ممکن است بعضی مخارج که در بودجه های قبل بوده حذف و یا در نتیجه تاسیسات جدید اعتبارات تازه پیشنهاد شود و همچنین برای موازنه جمع و خرج تعرفه مالیاتهای موضوعه را که کم بوده است بیفزایند و یا از بعضی که زیاد باشد بکاهند بنا بر این در مقدمه هر بودجه دولت باید نظریات و دلایل خود را نسبت بتغییراتی که داده است بیان و تعیین نماید که ماخذ پیش بینی عایدات قلمدادی کدام يك از طرقی است که ذکر شد عایدات سال ماقبل آخر را ماخذ گرفته و یا اینکه طریقه مستقیم را اتخاذ نموده اند یعنی بعضی عایدات را که احتمال افزایش آنها داده میشده زیادتیر و عایداتی که نقصان آنها متحمل بوده کمتر قلمداد کرده و یا بالاخره طریقه افزایش ماخذ تخمین بوده یعنی مبلغی بکلیه عایدات وصولی قبل افزوده اند

دلایل موجه باید نسبت بموضوعاتی باشد که در جمع و خرج مؤثر و اثر آنها هم مهم و کلی است پس اگر بواسطه حذف مشاغل بعضی از رؤساء و یا مامورین مادون آنها در ادارات دولتی کمتر از سال قبل اعتبار پیش بینی شده باشد در شرح علل موجه احتیاجی بتوضیح و تذکر نیست چه در هر بودجه نسبت ببودجه سال قبل این قبیل تغییرات زیاد است و اگر بخواهند تمام تغییرات را در مقدمه بودجه ذکر و توضیح نمایند مطالب کلی از میان رفته و بجای آنکه قانونگذار مشغول

مطالعه مطالب و تغییرات مهمه شود باید در جزئیات بودجه تزییع اوقات نمایند
بعلاوه جزئیات مخارج در بودجه معلوم و هر یک از نمایندگان که بموضوع معینی
علاقمند است میتواند بودجه پیشنهادی را با بودجه سال قبل تطبیق نموده از تغییرات
مستحضر شود و باینکه بودجه پیشنهادی مطابق نمونه ذیل تدوین شود تا در (۱)

پیش بینی ۱۳۰۴	عایدات	بودجه ۱۳۰۳	حساب ۱۳۰۲
	فصل اول - عایدات قسمت اول عایدات مالیات مستقیم		

پیش بینی ۱۳۰۴	مخارج	بودجه ۱۳۰۳	حساب ۱۳۰۲
	فصل دوم - مخارج قسمت اول - وزارت مالیه ماده اول - دائره وزارتی		

(۱) تعیین حساب ۱۳۰۲ در سال ۱۳۰۳ در ممالکی است از قبیل دول متحده سوئیس که حساب هر سه مالیه
در سال بعد تحریر و تفریح میشود نه در ایران که اگر تحریر هم بشود مدت قانونی تفریح بموجب ماده ۵۳ ق م ع که
می گویند: «موقع پیشنهاد کردن لایحه قانونی تفریح بودجه از روز ختم دوره عمل منتهی تا پانزده ماه بعد خواهد
بود» دو سال و سه ماه بعد از انقضای سه مالیه است

تطبیق اشکالی نباشد و این بهترین ترتیب تحریر بودجه است
و بعد از ذکر دلایل موجه هر گاه بودجه فقط بودجه عمومی است اول
مخارج و بعد عایدات نوشته میشود بترتیبی که در فرانسه معمول است و همچنین
ممکن است اول عایدات و بعد مخارج تحریر شود بطریقی که در بعضی نقاط دیگر
متداول می باشد از قبیل نواتل (سوئیس) بودجه ۱۹۱۱ و لهستان بودجه ۱۹۲۴ و
ایران که قبل از مشروطیت در کتابچه دستورالعمل اول عایدات نوشته میشد بعد
مخارج و اکنون هم در بودجه های پیشنهادی بمجلس اول عایدات و بعد مخارج
را تعیین می نمایند (۱)

و چنانچه بودجه فوق العاده یا بودجه اقتصادی هم جزو بودجه کل مملکت
باشد باید یکباب مشتمل بر دو فصل برای بودجه عمومی و برای هر بودجه دیگری
هم که ضمیمه بودجه کل مملکتی است باین جداگانه تخصیص داد
و باید دانست که نوع مخارج در بودجه کل مملکتی ممکن است سه قسم
منقسم گردد مخارج انتظامی - مخارج اقتصادی - مخارج مختلط که هر یک
را در ذیل بیان می نمایم

(۱) مخارج انتظامی - مخارجی است که دولت برای حفظ نظامات مملکتی
متحمل میشود و چون حفظ نظم و امنیت از وظایف اولیه دولت است بنابراین
از این قبیل مخارج نمی توان خودداری نمود و محل مخارج مزبوره مالیاتهای
است که دولت اخذ میکند و وضع آنها را فقط این قبیل مخارج مشروع مینماید

۱۱ ملاحظه شود بودجه ۱۳۰۲ پیشنهادی دولت بمجلس شورای ملی در آخر کتاب

(۲) مخارج اقتصادی - مخارجی است که دولت فقط از نظر نفع و فایده متحمل میشود بنا بر این همانطور که یک تاجر یا صنعتگر در این قبیل مخارج باید مواظبت و دقت نموده در صورت ضرر از خرج احتراز کند دولت هم باید مراقبت و دقت لازمه داشته در صورت خسران و ضرر از اعمال اقتصادی غیر مفید اجتناب ورزد

(۳) مخارج مختلط - غیر از دو طریقی که ذکر شد طریقه ثالثی هم هست و آن این است که دولت هم نظر انتظامی و هم نظر اقتصادی داشته باشد مثل اینکه دولت کارخانه توپ سازی ایجاد کند :

نظر انتظامی اینکه دره مؤسسه های خصوصی منظورات مختلفه دولت از قبیل استتار اختراع و یاعده تامین نشود و دولت ناچار باشد که خودش ایجاد کارخانه نموده و آنرا تحت نظارت و تفتیش که ضامن استتار مزبور است قرار دهد نظر اقتصادی اینکه منافع عاید به مؤسسه های خصوصی را خود دولت ببرد و باید بین این مورد و مخارج اقتصادی که مذکور شد فرق داد زیرا در مخارج اقتصادی مقصود دولت این است که مثل سایر مؤسسه های خصوصی از مصرف دیگران استفاده کنند مثل اینکه برای طبع کتب و جرائد دولت مطبعه تاسیس نماید در صورتیکه در مورد اخیر الذکر مقصود دولت این نیست که از مصرف دیگران بهره مند بلکه میخواهد منافی که دیگران از دولت میبرند عاید خود او گردد

ویکی از اصول تحریر بودجه تعیین فصل و یا ماده مخصوص برای هر نوعی از مخارج است ولی تمام عایدات را میتوان در یک فصل یا یک ماده نوشت و علت هم این است که اگر انواع مخارج در یک فصل و ماده نوشته شود مثلاً حقوق مستخدمین مصارف روشنائی و بنائی و تعمیر و غیره اختیارات دولت محدود نیست و میتواند

اعتباری که باید صرف بنائی شود بمصرف حقوق مستخدمین برساند و یا برعکس و در موقع پیشنهاد بودجه شاید نمایندگان تصویب اضافه حقوق نمایند ولی سایر پیشنهادها را که مربوط بمخارج ضروری است بپذیرند پس اگر دولت بتواند اعتبار فصل یا ماده را بقصل یا ماده دیگر انتقال یعنی از اعتبار بنائی اضافه حقوق دهد برخلاف میل و نظریه مجلس خواهد بود

درفرانسه بر طبق ماده ۳۰ قانون ۱۶ سپتامبر ۱۸۷۱ « نقل اعتبار از یک فصل بقصل دیگر جایز نیست ». در صورتیکه در ایران بموجب ماده ۱۸ قانون محاسبات عمومی « اعتباراتی که در مواد قانون بودجه معین شده است از یک ماده بماده دیگر نمی توان انتقال داد » (۱)

ولی باید دانست که مقررات ماده ۳۰ قانون ۱۶ سپتامبر ۱۸۷۱ فرانسه و ماده ۱۸ قانون محاسبات عمومی ما امر بست اعتباری چه تعیین فصل یا ماده بسته بنظر محررین بودجه و تصویب نمایندگان و ممکن است برای اینکه اختیارات دولت محدود باشد در بودجه یک وزارتخانه بیش از حدی که لازم است مخارج بقصود و مواد تجزیه و اختیارات دولت در آن قسمت مطلقاً محدود گردد و یا مخارج یک وزارتخانه را در تحت یک فصل یا یک ماده در آورده وزیر را مطلقاً مختار گذارند تا ما ازاد هر اعتباری را بتواند صرف ماقتض اعتبار دیگر نماید

(۱) در بودجه ۱۴۰۴ که دولت در تاریخ ۲۱ میزان سال مزبور بمجلس شورای ملی تقدیم نموده ماده اول دارای دو فصل است که فصل اول آن بعنوان عایدات پیش بینی شده و فصل دوم بعنوان مخارج مصوبه معنون میباشد و ماده دومالی هفدهم مربوط بجمع و خرج مملکتی نبوده و راجع بقضرائی است که در مورد اجرای بودجه باید رعایت گردد بنابراین کل عایدات و کل مخارج در تحت یک ماده نوشته شده و نقل اعتبار از ماده بماده دیگر مورد ندارد و چون کلیه مخارج مملکتی در تحت همان ماده اول منظور است دولت میتواند هر اعتباری را بمصرف هر گونه خرجی برساند و بملاحظه اینکه بودجه مزبور از نظر اطلاع بجمع و خرج مملکتی و تطبیق بماده ۱۸ قانون محاسبات عمومی حائز اهمیت است عین بودجه را در آخر کتاب طبع می نمایم

و نیز باید دانست که هر قدر نمایندگان ملت بیشتر بحقوق ووظایف خود آشنا و مطلع باشند بهتر می‌توانند در جزئیات بودجه دخالت نمایند و در صورت عکس دخالت آنها نه تنها مفید نیست بلکه از دو جهت ممکن است مضر هم باشد زیرا نه اطلاعات صحیحه از احتیاجات اداری دارند و نه بودجه در موقع خود تصویب میشود که دولت بر طبق دستور نمایندگان رفتار نماید چه در موقع عدم تصویب تکلیف قطعی دولت ولو اینکه تصویب دوازدهم موقتی هم هست نامعلوم و باین جهت نه در مخارجی که در منافع قطعی مملکت است می‌تواند اقدام نماید از قبیل مخارج بهره برداری که هر گاه بموقع صورت نگیرد عایدات دولت نقصان می یابد و نه راجع باموریکه برای حفظ حیثیات مملکت ضرورت تامه دارد و مستلزم مخارجی است می‌تواند با اقدامی مبادرت کند

و بودجه سال ۱۸۷۷ فرانسه که فصول آن ۴۰۰ و بودجه سال ۱۹۱۱ که به یک هزار بالغ میگردد مؤید این نظریه می باشد

بطور خلاصه طرز تحریر بودجه نقل اعتبار خواه از ماده بموجب ماده ۱۸ قانون محاسبات عمومی ایران و خواه از فصل بفصل بر طبق قانون فرانسه در توسعه و تحدید اختیارات دولت مدخلیت تامه دارد و هر قدر هم نمایندگان ملت بیشتر از امور اداری مطلع و از احتیاجات مملکتی آگاه باشند دخالتشان مفیدتر خواهد بود

آنچه مذکور شد مربوط بمخارج است در صورتیکه انواع عایدات از قبیل مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم را می توان در تحت يك ماده در آورد چه نیت قانونگذار این است که نوع و میزان معلوم باشد و مبلغی هم که در بودجه تعیین میشود تخمینی و عدم تجاوز از آن ممکن است و اختلاف عایدات بامخارج این است که در مخارج نمیتوان از حد اکثری که قانونگذار معین کرده است تجاوز نموده

و اعتباری را از يك ماده ب ماده دیگر انتقال داد در صورتیکه در عایدات این قید نیست و اگر عواید از حدی که پیش بینی شده تجاوز کند مورد تحسین میگردد و انتقال عایداتهم از ماده ب ماده دیگر موضوع ندارد و بالاخره اصل مرکزیت عایدات مستلزم اختلاط جمیع عایدات می باشد

فصل هشتم - در مدت تهیه بودجه

بملاحظه یکسان نبودن سرعت سیر بودجه در ادارات و مجلس بسته بعادت و سعه وقت مدت تهیه آن در معالک مختلفه تفاوت دارد

(۱) در فرانسه ۱۴ یا پانزده ماه قبل از سال مالیه بتهیه بودجه شروع می شود ولی تاریخ تقدیم بمجلس معین نیست مثلا بودجه ۱۹۱۰ در ۱۸ ژوئن ۱۹۰۹ و بودجه ۱۹۲۰ بر خلاف تمام بودجه ها در ۱۳ ژانویه ۱۹۲۰ یعنی ۱۳ روز بعد از افتتاح سنه مالیه بمجلس تقدیم شده بدیهی است در بودجه که ۱۵ ماه قبل از سال مالیه تحریر میشود اختلاف بین تخمین و تحقیق زیاد است و یکی از دلایلی هم که در فرانسه قبل از سنه مالیه معمولاً بودجه تصویب نمیشود تصادف تقدیم بودجه بمجلس با ایام تعطیل تابستان و کافی نبودن ایام بعد از تعطیل تا ابتدای سنه مالیه برای مذاقه مجلس است و پیشنهاد هائی هم برای تغییر آن از قبیل پیشنهاد ۲۵ ژوئن ۱۹۲۰ دائر بر اینکه اول آوریل یعنی ۱۲ فروردین را آغاز سنه مالیه قرار دهند بمجلس ملی رسیده ولی تصویب نشده است

بودجه مخارج باید مراحل ذیل را به پیماید تا برای تصویب بمجلس و کلا تقدیم شود

الف مامورین محلی بودجه های ادارات خود را تهیه و بادارات مرکزی وزارتخانه مربوطه بفرستند

(ب) ادارات مرکزی وزارتخانها هر يك بودجه مامورين زبردست رسيدگي نموده و پس از اعمال نظر بمقام وزارت تقديم كنند

(ج) وزراء هم اگر اصلاحاتي لازم باشد نموده و بعد آن را بوزارت ماليه تسليم نمايند تا وزير ماليه هم بودجه مخارج وزارت ماليه را كه بترتيب فوق تهيه شده ضميمه نموده با بودجه كل عايدات بمجلس وكلا تقديم كند

موافقت وزير ماليه با ساير وزراء در خصوص اعتبارات قلمدادی فقط دوستانه بوده و مبتنی بر هیچ قانون اساسی نیست و عملا ساير وزارتخانها در تهيه بودجه مخارج با نظريات وزير ماليه موافقت مينمايند

(۲) در انگليس مدت تهيه بودجه شش ماه است و در ماه آوريل كه ابتدای سال ماليه است در صورت اقتضا و لزوم ارقام عايدات پيش بينی شده را اصلاح می نمايند تا اختلاف میان تخمین و تحقيق زياد نباشد و شانسايه دولتيكيه

Chancelièr de l'Échiquier يعنی وزير ماليه می تواند اعتبارات قلمدادی ساير وزراء را نپذيرد و غير از شانسايه دولتيكيه لرد اول خزانه داری كه معمولاً رئيس الوزراء و مدير سياست عمومی مملكت است

1^{er} Lord de la Trésorerie

Trois lords Juniors

Secrètaire de la Trésorerie

و سه لرد ديگر

ودو وزير خزانه

كه عضو كابينه هستند. در راس وزارت ماليه می باشند و دخالت شانسايه دولتيكيه كه يكي از رؤساء احزاب است اداری (۱) دخالت شش نفر ديگر سياسی است رددو بانصديق اعتبارات مربوط بلك نفر نبوده و بر عهده هيئتی است كه در راس آنها رئيس الوزراء

«۱» وزير ماليه معاونی دارد كه در جزو كابينه نيست و بواسطه دوام او در مقام خود كارها بلا تعقيب

نی ماند

مملكت قرار ميگيرد و قدرت وزارت ماليه در قبول نكردن پيشنهادات وزراء بيش از ساير ممالك ميباشد و تنها وزارت جنگ و بحريه می توانند در صورت عدم موافقت وزير ماليه مستقيماً بمجلس مراجعه نمايند ولی بايد دانست كه كمتر اتفاق ميافتد وزراء بر خلاف نظريه وزير ماليه اعتباراتی پيشنهاد كنند كه منجر به برد شود و غالباً بين وزير ماليه و سايرين موافقت حاصل ميگردد

(۳) در ايران - ماده هفتم قانون محاسبات عمومی ميگويد « همه ساله هر وزيری بايد بودجه مخارج وزارتخانه خود را برای سنه آنيه حاضر نموده در ظرف سه ماه اول سال بوزارت ماليه بدهد »

و بر حسب ماده هشتم: « وزير ماليه بايد تمام اين بودجه ها را در يك مركز جمع و بودجه عايدات را نيز بانها ضميمه کرده بودجه كل دولت را تكميل و تنظيم نمايد »

و مطابق اصل بيستم قانون اساسی: « بودجه هر يك از وزارتخانها بايد در نيمه آخر هر سال از برای سال ديگر تمام شده ۱۵ روز قبل از عيد نوروز حاضر باشد » و مطابق ماده نهم قانون محاسبات عمومی « بودجه كل در او ايل نيمه آخر سال بر حسب دستخط همایونی برای سال بعد پيشنهاد مجلس شورای ملی خواهد شد »

ولی چون تا ۱۳۰۰ تقديم بودجه كل عايدات و مخارج بمجلس شورای ملی سابقه نداشت و مدتی هم نيست كه ادارات و مجلس بانجام اين وظيفه آشنا شده اند مواد فوق كاملاً مجری نگرديده است

فصل نهم

در حق تقدم و اختیارات مجلس و کلا

تاریخ دخالت پارلمانها در بودجه با تاریخ آزادی حقیقی ملل توام و مقدم بر همه ملت انگلیس، مصادف شورش ۱۶۸۸ زمان شارل دوم و دول متحده امریکای شمالی پس از جنگ استقلال ۱۷۷۵ - ۱۷۸۳ و سپس فرانسه بعد از انقلاب ۱۷۸۹ از حق دخالت در بودجه بهره‌مند گردیده اند

ولی باید دانست که دخالت نمایندگان ملت در امور مالیه اول محدود بوده و بتدریج توسعه یافته است

(۱) در انگلستان ژاک اول چند مرتبه پارلمان را منعقد کرد و چون در وضع مالیات توافق حاصل نشد آنرا منحل و در سال ۱۶۳۱ خود او بعضی مالیاتها بر قرار کرد که تعقیب یکی از مالیات دهندگان موسوم به هیم دن Hampden راجع به بیست شلنگ از مالیاتهای مزبور باعث بر هم خوردگی تمام انگلستان و افتتاح مجلس گردید

باری در انگلستان ملت بدون تصویب نمایندگان مالیات نمیداد و سلاطین هم برای استفاده خود دخالت ملت را محدود میخواستند و تنها نه سلاطین میخواستند دخالت قوه مقننه را محدود نمایند بلکه هوا خواهان سلطنت مطلقه با دخالت مجلس در امور مربوطه بمخارج مخالف و برای اینکه هودیان مالیاتی تمکین کنند با دخالت مجلس در امور مالیاتی ناگدیر موافق بودند بعبارت آخری هوادار این بودند که بنام مجلس مالیات اخذ و بهیل شاه مصرف شود

بر خلاف عقیده آزادی طلبان این بود که مجلس نه تنها در وضع مالیات بلکه در تصویب مخارج هم باید دخیل باشد

(۲) در فرانسه این منازعه بموجب قانون ۲۵ مارس ۱۸۱۷ و تصویب نامه اول سپتامبر ۱۸۲۷ خاتمه یافت و دخالت پارلمان در کلیه امور مالی از جمع و خرج هر دو محرز گردید و چون پارلمان عبارت از مجلس و کلا و مجلس سناست درجه و حد دخالت مجلسین را در امور مالیه که تفاوت طرز انتخاب (۱) اعضاء هر يك مستلزم اختلاف اختیار آنها است باید شرح داد

(۳) اختیار مجلسین و کلا و سنا در تصویب قوانین مساویست مگر در قوانین راجعه بدخل و خرج مملکتی که حق تقدم و قطعیت رأی با مجلس و کلا است: حق تقدم آن است که هیچ لایحه قانونی راجع بامور مالیه بمجلس سنا نمیرود مگر اینکه قبلا در مجلس و کلا موضوع شرر و رای واقع شده باشد (۲) و قطعیت رأی آن است که مجلس سنا نمیتواند رأی مجلس و کلا را تغییر دهد

(۱) در فرانسه اعضاء مجلس و کلا را ملت مستقیما انتخاب می نماید در صورتیکه اعضاء مجلس سنا را اشخاص مفصله ذیل در مرکز هر دپارتمان «ایالت» جمع شده و انتخاب مینمایند
اولا - وکلای مجلس که در آن ایالت انتخاب شده اند
ثانیا - اعضاء انجمن ایالتی
ثالثا - اعضاء انجمنهای ولایتی «ولایات تابعه آن ایالت»
رابعا - اشخاص را که انجمنهای بلدی همان ایالت برای انتخاب نمودن اعضاء سنا انتخاب مینمایند یا بتطریق که هر يك از انجمنهای بلدی بعهده اعضاء خود که قانونا از ۴۰ نفر متجاوز نیست اشخاصی را انتخاب میکند که در انتخاب اعضاء مجلس سنا شرکت نمایند
بنابراین اعضاء مجلس سنا را در فرانسه ملت بطور غیر مستقیم انتخاب میکند و این طریق انتخاب را دو درجه گویند در ایران بر حسب اصل ۵۵ قانون اساسی ۳۰ نفر اعضاء مجلس سنا را پادشاه و ۴۰ نفر را باید ملت انتخاب نماید
(۲) راجع باینکه حق تقدم مجلس ملی شامل بودجه یا تمام لوائحی است که در مالیه مؤثر باشد عقاید مختلف و در فرانسه این عقیده پذیرفته است که حق تقدم مربوط بودجه و کلیه لوائح مالیاتی و مخارج است که آثارشان در مالیه مستقیم باشد یا بر این سایر لوائح و لو اینکه بواسطه ایجاد ناسبتات و متقابل در مالیه مؤثر باشد مشمول حق تقدم نبوده و ممکن است اول در مجلس سنا موضوع شود و رای واقع گردد

بطور کلی حق تقدم راجع ببودجه در تمام ممالک برای مجلس وکلا ثابت ولی قسوت رأی نسبت بممالک مختلف میباشد بعضی بمجلس سنا حق میدهند که در رأی مجلس وکلا تصرفات کند و برخی مجلس سنا را از این حق محروم میدارند و نتیجه این میشود که در ممالکی که مجلس سنا حق تصرف ندارد باید یا بطور کلی بودجه را قبول و یا بطور کلی آنرا رد نماید از قبیل انگلستان که دخالت مجلس لردها نظریاتیکه نماینده ملت نیستند تشریفاتی است و بر طبق قانون ۱۹۱۱ (Money bills) تصمیم بمجلس وکلا در امور مالیه ولو بمجلس لرد ها با آن موافق نباشد قطعی است و در ممالکی که سنا میتواند بعد از تصویب مجلس وکلا در بودجه تصرفات نماید مثل فرانسه (۱) و بلژیک کمتر اتفاق میافتد که از این حق استفاده کند چه مجلس مزبور وقتی را که برای مطالعه و تحقیق لازم است ندارد مثلاً در فرانسه بودجه ۱۹۰۸ در اواسط ماه دسامبر ۱۹۰۷ یعنی چند روز قبل از اول سال بمجلس سنا رسید و فرضاً هم که بتأخیر قائل شود در بودجه که مجلس وکلا با نظریات دولت تهیه نموده تصرفات عملی نیست

(۴) در آلمان طریقه دیگر است که ذکرش خالی از فایده نیست بر طبق اصل ۸۵ قانون اساسی یازدهم اوت ۱۹۱۹ مجلس وکلا (ریشتاک) بدون رضایت مجلس نمایندگان دول متحده (بوندسرات) نمی تواند مخارجی را که پیشنهاد شده افزوده یا خرج جدیدی تصویب نماید
اعضاء مجلس وکلا را ملت بطریق مستقیم انتخاب مینماید و اعضاً بوندسرات

«۱» مجلس سنا فرانسه در جلسه ۸ مارس ۱۹۲۲ بمسئله پیشنهاد یکی از سناتورها راجع بقانون مالیات ایبه چنین قطع کرد که قبل از مجلس وکلا در مسائل مربوط بعایدات نمیتواند رأی دهد در صورتیکه در جلسه دو روز بعد یعنی ۱۰ مارس ۱۹۲۲ بر حسب پیشنهاد یکی از سناتورها راجع بقانون مزبور تصمیمی دایر بر معافیت خانه های جدید البتاه از مالیات در مدت ده سال اتخاذ نمود و یقیناً هم که رئیس مجلس سنا و وزیر مالیه در عدم صلاحیت مجلس سنا اظهار داشتند بلا اثر ماند «مجله علم و قانون مالیه جدید سیم نهمه ۱۵ ص ۱۵۷ بعد منظره پاریس»

را دولتی که مجموعشان جمهوری آلمان را تشکیل میدهند ترتیب وضع قوانین این است که هر پیشنهادی را که دولت بریشتاک مینماید باید باموافقت بوندسرات باشد و بعد از تصویب ریشتاک (مجلس وکلا) هم قانون قطعی نیست و رئیس جمهور می تواند آنرا بمعرض رفراندام (مراجعه بافکار عمومی) و یا وتو بوندسرات (اعتراض مجلس نمایندگان دول متحده) بگذارد در صورت اولی باید ملت بواسطه رأی عمومی عقیده خود را اظهار نماید و در صورت ثانی یعنی چنانچه بوندسرات باقانون مزبور موافقت نکرد مجدداً مجلس وکلا (ریشتاک) داخل مذاکره میشود اگر عده رأی دهندگان در تصمیم ثانوی از دولت کمتر باشد اعتراض مجلس نمایندگان مؤثر و چنانچه دوثلث و یا بیشتر باشد باز رئیس جمهوری می تواند آنرا قطعی ندانسته تحت رفراندام عمومی بگذارد پس در آلمان بر خلاف ممالک دیگر عقیده مجلس نمایندگان دول متحده که در حکم سناست بر عقیده مجلس وکلا مزیت دارد و چنانچه مجلس وکلا که نمایندگان مستقیم ملتند خرج پیشنهادی دولت را علاوه و یا خرج جدیدی تصویب نمایند مخالف قانون اساسی بوده و قانونیت ندارد

(۵) در ایران اصل ۴۶ قانون اساسی چنین گوید: «پس از انعقاد سنا تمام امور باید بتصویب هر دو مجلس باشد اگر آن امور در سنا یا از طرف هیئت وزرا عنوان شده باشد باید اول در مجلس سنا تقیح و تصحیح شده با کثرت آراء قبول و بعد بتصویب مجلس شورای ملی برسند ولی اموری که در مجلس شورای ملی عنوان میشود برعکس از این مجلس بمجلس سنا خواهد رفت مگر امور مالیه که مخصوص بمجلس شورای ملی خواهد بود و قرار داد مجلس در امور مذکوره باطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظاتی خود را بمجلس ملی اظهار نماید ولیکن مجلس ملی مختار است ملاحظاتی مجلس سنا را بعد از مذاکره لازمه قبول یا رد نماید»

و قسمت اخیر این اصل میرساند که رای مجلس سنا در امور مالیه شورویست و دولت هم باید لوایح قانونی راجع بامور مالیه را مقدمه بمجلس شورای ملی تقدیم کند بعبارة اخری مجلس شورای ملی در امور مالیه مملکت حق تقدم و حق قطعیت رای هر دو را داراست

فصل دهم

جریان و تصویب بودجه در هیئات مقننه

دخالت مجلس در تهیه بودجه نسبت بممالک مختلف و معمولاً تهیه بودجه از خسایص دولت است زیرا انجام وظایفی که قوه مقننه بمعهده قوه مجریه میگردد مستلزم خرج می باشد و بنا بر این دولت باید قبلاً اظهار کند که با چه مبلغ می تواند وظیفه خود را انجام دهد و قوه مقننه هم نظر باینکه بکانه قوه نیست از قوای ثلاثه که در امر مالیه مطاعیت دارد باید بنفع مملکت و مالیات دهندگان زمینه کامیابی قوه مجریه را بانجام وظایف خود بانهایت صرفه جوئی فراهم سازد لذا باید بتواند در پیشنهادهای قوه مجریه نظریه خود را اعمال نماید ولی این قاعده که بطور کلی بیان شد در تمام ممالک معمول نیست و مستثنیاتی دارد که بیان می نمایم I در امریکا معمول بود که رئیس هر دیارتمانی (وزارتخانه) مخارج دیارتمان خود را پیش بینی کرده (Estimates) و صورت پیش بینی ها را بر رئیس دیارتمان خزانه داری که بمنزله وزیر مالیه است میداد و شخص مزبور هم بدون اینکه آچارا باهم مرتبط ساخته و در موازنه بودجه نظریاتی بکار برد بضمیمه صورت مخارج دیارتمان خود بر رئیس مجلس میداد Speaker de la chambre

و در مجلس هم ۱۵ کمیته بود که در پیشنهادهای دیارتمانها اظهار عقیده مینمودند بعبارة اخری برعکس اینکه در مجلس شورای ملی ما کمیسیون بودجه یکی است و تمام پیشنهادهای مربوط بامور مالی را رسیدگی کرده عقیده خود را اظهار میکند در مجلس امریکا ۱۵ کمیته بود که هر يك بر حسب صلاحیت خود پیشنهاد های دیارتمانها را مطالعه کرده بدون اینکه مجموع مخارج و عایدات را در نظر گیرند عقیده خود را اظهار می نمودند

بطور خلاصه در امریکا دولت بودجه را تهیه نمیکرد بلکه هر دیارتمانی فرست خرج خود را بمجلس میفرستاد و کمیته های مجلس با ملاحظه آن خودشان بودجه را تهیه مینمودند و حضور رئیس دیارتمان خزانه در مجلس بواسطه تجزیه بملک قوه مقننه از مجریه امری فوق العاده بود و کمیته های تهیه کننده بودجه هم نه فقط از رئیس دیارتمان خزانه کسب پاره اطلاعات بلکه رؤسا سایر دیارتمان یا مادون آنها را هم برای کسب اطلاعات بمجلس احضار مینمودند بنا بر این بر رئیس دیارتمان خزانه داری در امور مالیه مملکت حقاً مسئولیتی وارد نمیشد چه مسئولیت مستلزم اختیارات است و شخص مزبور نه تنها در تهیه بودجه و موازنه جمع و خرج غیر مسئول بود بلکه در اجراء بودجه هم نمیتوانست کاملاً مسئول باشد و تنها روساء سایر دیارتمانها بلکه رؤسای هر يك از آنها هم میتوانند از مجلس تقاضای اعتبارات فوق العاده نمایند بنا بر این مورد نداشت که رئیس دیارتمان خزانه داری بتواند سیاست و نظریات خود را در خصوص مالیه مملکت در سایر دیارتمانها اجرا کند

و علت این بی ترتیبی این بود که قسمت مهم عایدات مملکتی از کمرک و مشروبات الکلی و توتون بدست میامد و بواسطه مالیاتهای مزبور که غیر مستقیم و زاید بر مخارج بود وضع مالیاتهای دیگر لزومی نداشت و مالیات دهندگان بار سنگین مالیات را احساس نکرده و ادارات در زیاد روی مخارج بی اغنا

بودند و هر دپارتمان‌هایی در موقع تهیه بودجه با سایر دپارتمانها رقابت کرده ارقام خرج را میافزود تا اگر از مبلغ پیشنهادی او کسر شود از دیگران باز نماند. بالاخره پیش بینی های مخارج از حد اعتدال گذشت و میزان خرج بر جمع فزونی یافت و دولت اصلاحات را در مالیه لازم و واجب دانست لذا در چهارم مارس ۱۹۰۹ قانونی وضع شد که رئیس جمهوری پیش بینی های مخارج دپارتمانها را قبلا ملاحظه نماید تا اگر مخارجی که پیشنهاد شده زیاد بوده و موازنه جمع و خرج را بر هم زند در باب مبلغی که از مخارج زائیده باید کسر شود و یا اگر مخارج ضروری است نسبت بوضع مالیات جدید یا استقراض هر کدام مقتضی باشد عقیده خود را اظهار کند.

با این مطلب هم قناعت نشده در سال ۱۹۱۱ دولت کمسیونری از علماء اقتصاد تشکیل داده و عقیده کمسیون مزبور این شد که در امریکا هم مثل سایر ممالک بودجه را دولت تهیه و با موازنه جمع و خرج بمجلس پیشنهاد نماید. تافت Taft رئیس جمهوری خراست این عقیده را بموقع اجسرا گذارد ولی نظیر باینکه این طریقه را مجلس بر خلاف تجزیه قواء میدانست و تهیه بودجه را از خصایص قوه مقننه میسرمد ترتیب سابق بحال خود باقی ماند و بعد هم که جنگ بین المللی رخ داد اصلاحات امور مالیه بمهده تاخیر افتاد و بعد از جنگ مجدداً افکار عمومی باصلاحات متوجه گردید گروهی را عقیده این بود که تهیه بودجه بتوسط قوه مجریه بر خلاف نص قانون اساسی نیست زیرا اصل اول از قسمت اول فقط تصویب عایدات و مخارج را از خصایص مجلسین (کنگره) قرار داده و در باب تهیه پیشنهاد بکلی ساکت است و برعکس هرگاه اصل مزبور را با اصل دوم قسمت سیم تطبیق کنند ظاهراً نتوان گفت که مراد هیئت مؤسسه این بوده که تهیه بودجه را مطلقاً از خصایص قوه مقننه دانسته باشد.

دانسته باشد.

عقیده بعضی هم این بود که اگر قاعده تجزیه قراء در قانون اساسی صریح نیست باید عواملی را که در آنوقت یعنی قبل از استقلال امریکا و تجزیه از انگلستان سبب وضع قانون اساسی بوده است در نظر گرفت منجمله خصومت ملت با حکام استعماری انگلیس تا حدی بود که بعد از استقلال هم ملت زیر بار نمیرفت که قوه مجریه را در امور قوه مقننه اندک دخالتی باشد.

بالاخره دسته اول فایق آمده و باصلاحات دهم ژوئن ۱۹۲۱ موفق گردیدند و بموجب قانونیکه در تاریخ مزبور وضع شده کنگره (مجلسین) در خصوص تهیه بودجه و موازنه جمع و خرج و اعتبارات اضافی بر رئیس جمهوری اختیاراتی اعطا نموده و در نتیجه آن رئیس جمهوری بشرایطی که در ماده ۲۰۱ تعیین میکند باید بودجه را تهیه و با دلایل موجهه در اولین روز دوره اجلاسیه بمجلس تقدیم نماید.

و بر طبق ماده ۲۰۲ اگر مخارج از عایدات زیادتر است عایداتی را که برای موازنه جمع و خرج لازم میدانند تعیین کند و چنانچه عایدات بیش از مخارج باشد مشارالیه نظریات خرد را راجع بصرف مازاد درمنافع عمومی اظهار نماید و رئیس جمهوری برای تهیه بودجه دائره موسوم بدائره بودجه Bureau du budget جزودپارتمان خزانه داری ترتیب داده که رئیس و معاون آنرا خود تعیین مینماید.

و ترتیب تهیه بودجه این است که هر دپارتمانی مطابق دستور رئیس مزبور بودجه سته آتیه را تهیه نموده در پانزدهم سپتامبر بدایره بودجه میدهد و دائره مزبوره هم هر گونه تصرفاتی لازم باشد در آن نموده بمقام ریاست جمهور تقدیم مینماید.

مقام مزبور هم هرگاه تصویب نمود آنرا بمجلس و کلاء ارسال و در مجلس

مزبور کمیته که مجموع اعضاء آن ۳۵ نفر است و بدوازده کمیسیون فرعی (سوکمیسیون) تقسیم میشود بودجه رسیدگی کرده و در ضمن میتواند از دائره بودجه کسب اطلاعات نمایند (۱)

ولی باید دانست اصلاحاتی که در دول متحده امریکا در امور بودجه بعمل آمده ظاهراً امید بخش نباشد زیرا بر طبق ماده ۲۰۶ هیچیک از مستخدمین نمیتواند به کنگره (مجلسین) پیشنهاد اعتباری کند مگر اینکه یکی از مجلسین آنرا تقاضا نماید پس اگر مستخدم نمی تواند پیشنهاد کند میتواند بوسیله مجلس را و ادار تقاضا نموده و راه پیشنهاد را برای خود مفتوح سازد کما اینکه در ۲۷ مارس ۱۹۲۲ مجلس وکلا در خصوص کشتی رانی در شطها و اصلاحات بندری همین معامله را نموده است چه اعتباری که دائره بودجه نظر گرفته ۱۵ میلیون دلار بود و رئیس جمهوری برای مصارف مزبوره ۲۷۶۳۵۲۶۰ دلار لازم دانسته و پیشنهاد نمود و در نتیجه مداخله مسیو دمسیه Dempsey رئیس کمیسیون فرعی رودها و بنادر تایلور بریکا دیه جنرال Brigadier Général Harry Taylor و تقاضای ۴۲ میلیون اعتبار کرد و مجلس از نظریه رئیس جمهوری صرف نظر و مبلغ مزبور را تصویب نمود (۲)

II در انگلستان دولت بودجه را تهیه و مجلس وکلا آنرا عیناً تصویب یا از مخارج کسر میکند ولی نمیتواند علاوه نماید از عایداتهم نمیتواند کسر کند مگر اینکه عایدات دیگری در مقابل وضع نماید و مثل سایر ممالک هم از طرف مجلس

۱- اولین بودجه که بر حسب قانون مزبور تهیه شده بودجه اول ژوئیه ۱۹۲۲ تا ۳۰ ژوئن ۱۹۲۳ میباشد که در پنجم دسامبر ۱۹۲۱ بمجلس تقدیم شد
۲- بلوریکه مجله علم و قوانین مالیه مطبوعه پاریس صفحه ۲۰۳ جلد بیستم نمره ۳ ماه سپتامبر ۱۹۲۲ مینویسد بنظر میاید که رای مجلس از نظر منافع خصوصی و انتطای بوده است

کمیسیونی برای رسیدگی بودجه و تهیه خبر تعیین نمیشود خود مجلس رسیدگی می نماید باین ترتیب که مجلس وکلا تبدیل بکمیته و رئیس مجلس از محل خود بر خاسته جای خود را بیکی از نمایندگان میدهد (۱) و اسم کمیته نسبت بموضوع در تحت رسیدگی مختلف است مثلاً کمیته عایدات و کمیته مخارج

و در موقعی که مجلس بکمیته تبدیل میشود قواعد نظامنامه مجری نیست و وزیر مالیه در موقع تشکیل کمیته عایدات در ضمن نطقی که موسوم است بنطق بودجه نظریات دولت را اظهار میکند و بعد از اینکه کمیته مذاکرات خود را تمام کرد مجدداً رئیس پارلمان بمحل خود آمده نمایندگان داخل شور و تصویب بودجه میشوند

گاه بعضی در انگلستان مایل شده اند که بقوانین فرانسه تاسی نموده اختیارات مجلس را در خصوص بودجه زیاد نمایند ولی بعضی مخالفت ورزیده و آن را صلاح ندانسته اند مثل اینکه در ۱۹۰۲ لرد ولبی Lord Welby میگوید: « من معتزلم باینکه از اختیارات دولت در امور مالیه کاسته شود »

در ۱۹۱۷ مسیو بنار لاو Bonar Law وزیر مالیه معتقد بود که اگر ممکن شود مجلس وکلای انگلستان هم بودجه را بطریقی که در مجلس وکلای فرانسه معمول است تهیه نماید و در تعقیب این عقیده پیشنهادی هم داده شد که مسیو لایوید ژرژ Lloyd Gorge رئیس الوزراء هم با آن موافق بود ولی دو چیز باعث شد که از موضوع صرف نظر نمودند

اول اینکه در نتیجه مطالعه اوضاع فرانسه در موقع جنگ دولت تصور نینمودد طریقه معموله در آن مملکت در انگلستان مفید باشد

۱- چون در عهد سلاطین قدیم رئیس مجلس جا موس شاه بود و هر وقت که مجلس برای مسائل مهمه تبدیل بکمیته میشد خارج و دیگری قائم مقام او میگردد حادث دیرینه باقی و اکنون هم رئیس مجلس خود را بدیگری تفویض مینماید

دویم - اینکه مسیو بریان Briand رئیس الوزراء فرانسه بمسیو للوید ژرژ رئیس الوزراء انگلیس گفته بود که در مدت سی روز اخیر هیچ روزی کمتر از یک نطق در کمیسیونهای مالیه نموده است (۱) و اگر وزیری که مسئولیت یک وزارتخانه را عهده دار است ناچار باشد که یک قسمت مهم از وقت خود را صرف دفاع از انتقادات کند از انجام کارهای جاری باز خواهدماند بطور خلاصه دخالت مجلس وکلا در انگلستان در امور بودجه نه از نظر موازنه جمع و خرج بلکه از نظر سیاست و هر تغییری که در بودجه داده شود در حکم رای عدم اعتماد است ولی باید دانست که اگر مجلس در تهیه بودجه دخیل نیست دولت هم نمی تواند بر حسب معمول از نظریات اکثریت صرف نظر نماید چه مجلس بواسطه قطع نامه ها Resolutions بدولت تذکراتی میدهد و اجراء تذکرات مثل این است که مجلس هم در تهیه بودجه شریک باشد

III در فرانسه سابقاً دو کمیسیون بنام قوانین مالیه و بودجه در امور مالیه دخالت میکرد کمیسیون اخیر را شعب یازده گانه مجلس هر یک سه نفر که مجموع عده آن ۳۳ نفر بود انتخاب مینمود ولی از ۱۹۲۰ کمیسیونهای مزبور ملغی و کمیسیون مالیه آن دورا قائم مقام شده است و دارای ۴۴ عضو و تعیین آنها بانتخاب تناسبی است باینطریق که هر فراکسیونی بتناسب عده خود اسامی یک یا چند نفر را نوشته بر رئیس مجلس میدهد و اسامی آنها در آخر صورت مجلس ثبت میشود و همین ثبت بمنزله تصویب است مگر اینکه ۵۰ نفر از وکلا اعتراض نمایند و در اینصورت اعضا کمیسیون بطریق انتخاب جمعی در مجلس انتخاب میشوند

قبل از ۱۹۲۰ چنانچه دولت تقاضای اعتبارات اضافی مینمود مذاقه آن بر عهده کمیسیون مامور مطالعه بودجه آن سال بود بعبارة آخری بعد از اتقاضای یکسال

(۱) مجله علم و قانون مالیه منظره پاریس XXXIII نمره ۱ ص ۱۵۹

هم باز کمیسیون سابق حق مداخله و رای داشت ولی از ۱۹۲۰ بعد که کمیسیون مالیه قائم مقام کمیسیون بودجه سابق است در تمام لوایح حق مداخله دارد باینطریق که بعد از اتقاضای یکسال مدت کمیسیون مالیه منقضی میگردد و کمیسیون مالیه بعد بودجه سال بعد و کلیه اعتباراتی را که مربوط ببودجه سال قبل باشد رسیدگی می کند

کمیسیون مالیه به کمیسیونهای فرعی تقسیم میشود که هر یک از آنها دارای مخبر و بودجه مخصوصی رسیدگی مینماید مثل بودجه داخله و خارجه و غیره و مخبر کل هم نظریات تمام مخبرین را جمع آوری و بر طبق آنها لایحه بودجه را تهیه و تقدیم می نماید (۱)

واز ۱۹۲۰ دو مخبر دیگر هم بسمت معاونت مخبر کل تعیین میشود و زمینه مذاکرات در مجلس خبری است که مخبر کل میدهد نه لایحه دولت و اگر دولت باخبر کمیسیون موافق نباشد میتواند نظریات خود را در مجلس بعنوان اصلاح پیشنهاد نماید (۲)

و چون در فرانسه دولت و مجلس هر دو در تهیه بودجه شرکت دارند کمیسیون مالیه می تواند به میزان اعتبارات پیشنهادی دولت افزوده یا از آن کسر نماید (۳)

«۱» در مجلس سنای فرانسه هم کمییونی بنام کمیسیون مالیه و دارای ۲۷ نفر عضو است که هر سه عضو آنرا یکی از شعب نهگانه مجلس سنا انتخاب مینماید و کمیسیون مزبور مقارن شروع کمیسیون مالیه مجلس وکلا من غیر رسم برسدگی بودجه شروع میکند تا زمانیکه بودجه بمجلس سنا رسید مطالعات کمیسیون ذممدخل قریب باتمام بوده و مجلس سنا هم بگذراندن بودجه بموقع موفق شود

«۲» اصول قواعد علوم مالیه و قوانین مالیه فرانسه تالیف الیکس Allix پاریس سال ۱۹۲۱ میلادی ص ۱۵۲

«۳» یکی از وزراء مالیه فرانسه موسوم بمسیو لئون سه در سنه ۱۸۹۲ کتابی در علوم مالیه

Les Finances par Leon Say تالیف و طبع نموده و در آن کمیسیون بودجه مجلس را وارث بالاستحقاق دولت نامیده است باینطریق که متفقدین کمیسیون غالباً رجال سیاسی جاه طلب هستند و در انداختن وزراء و گرفتن جای آنها

از سمت عضویت کمیسیون استفاده میکنند

و کمیسیون مزبور نه این است که فقط به پیشنهاد دولت علاوه با از آن کسر میکند بلکه گاهی در پیشنهادهای دولت تا درجه تصرفات میکند که آنرا از حالت اولیه خارج مینماید و چون در تهیه بودجه دولت و مجلس هر دو شرکت دارند معلوم نیست که بودجه نتیجه افکار کدام یک از آن دو میباشد و علاوه و کلا هم در مجلس میتوانند اصلاحاتی که لازم است پیشنهاد نمایند ولی از آنجا که اصلاحات مزبوره محدود نبود در سال ۱۹۰۰ بر حسب پیشنهاد دونفر از نمایندگان ماده ۱۰۱ در نظامنامه داخلی مجلس وضع شده که مفاد آن از این قرار است

اولا - هیچ پیشنهاد اصلاح یا ماده الحاقیه که مفادش افزایش مخارج یا کاهش عایدات باشد در قانون مالی و قانون عایدات مستقیم و قانون تصویب اعتبار مخارج پذیرفته نمی شود چنانچه از تاریخ توزیع خبر کمیسیون مالیه راجع بفضلی که اصلاح مربوط بان است ده روز گذشته باشد

ثانیا - هیچ پیشنهادی برای اضافه حقوق کمک خرج یا مستمری یا ایجاد اداره خارج از حدودی که در قوانین جاریه پیش بینی شده است در تحت اصلاح یا مواد الحاقیه بودجه جایز نیست

فقره اول مربوط بتحدید زمان و فقره ثانی مربوط بتحدید موضوع است نا و کلا نتوانند در روزهای اخیر شور بودجه پیشنهادهایی نموده و موجبات تاخیر را فراهم و با مطالبی را که محتاج بطرح قانونی است (۱) بعنوان اصلاح یا ماده الحاقیه پیشنهاد نمایند

IV در ابطالی مجلس برای تمام مدت دوره تقنینه بانتخاب جمعی کمیسیونی مرکب از ۲۴ عضو انتخاب می نمایند و کمیسیون مزبور برای رسیدگی به بودجه پیشنهادی دولت و اظهار نظریه کمیسیونهای فرعی از میان اعضاء خود تعیین میکنند

(۱) اختلاف بین طرح قانونی و لایحه قانونی و اصلاح و ماده الحاقیه را بعد بیان می نمایم

و هر گاه تمامه مارس کمیسیون خبر خود را بمجلس تقدیم نکرد مجلس پیشنهاد هیئت دولت را موضوع شور قرار داده و رؤسای کمیسیونهای فرعی توضیحات لازمه می دهند

V در ایران بترتیب سابق فرانسه دو کمیسیون در امر راجعه بمالیه دخالت دارند
اولا - کمیسیون قوانین مالیه که بر طبق ماده ۱۵ نظامنامه داخلی مرکب از ۶ الی ۱۲ عضو است که هر ششماه یک مرتبه مقارن انتخاب هیئت رئیسه در مجلس انتخاب میشوند

ثانیا - کمیسیون بودجه مرکب از ۱۸ عضو که در اول هر دوره اجلاسیه سالیانه در شعب شش گانه مجلس بانتخاب جمعی انتخاب میشوند (۱) رسیدگی بلواای یا طرحهای

(۱) انتخابات در مجلس شورای ملی سه طریق ممکن است صورت گیرد

اولا - انتخاب در خود مجلس که نمایندگان رای خود را در موقع انتخاب هیئت رئیسه در ظرفی که در مجلس است و در انتخابات کمیسیونها برای اینکه جلسه از رسمیت ببقا نهد و تعطیل نشود باینکه از مجلس خارج شده رای خود را در ظرفی که خارج از مجلس است میاندازند ماده ۹۳ نظامنامه مجلس

ثانیا - انتخاب جمعی در شعب که هر شعبه عده ۱۱ که لازم است بانتخاب جمعی از میان کلیه اعضاء مجلس تعیین میکند و نتیجه آراء خود را بشعبه اول میفرستد شعبه مزبور عده آرائی که با هم هر يك از نمایندگان در تمام شعب داده شده جمع نموده و نتیجه انتخابات را بتوسط رئیس بعرض مجلس میرساند ماده ۲۲ نظامنامه

ثالثا - انتخاب از شعب خواه فردی باشد و خواه جمعی چه اگر انتخاب شونده یکی است انتخاب فردی و اگر بیش از یک نفر است چون در هر ورقه معادل عده انتخاب شوندگان اسم نوشته میشود انتخاب جمعی گویند و فرق اینطریق با انتخاب جمعی طریق فوق الذکر این است که انتخاب شوندگان نماینده اعضاء شعب هستند نه تمام اعضاء مجلس اینطریق که هر شعبه فقط از اعضاء خود انتخاب میکند نه از اعضاء مجلس که در سایر شعب عضویت دارند و نتیجه این است اشخاصی که در شعبه اکثریت حاصل کنند انتخاب میشوند

اینطریق انتخاب از دو طریق فوق الذکر نسبتاً سریع تر و ممکن است که فقره فراقسیونهای پارلمانی در انتخاب از شعب مثل دو طریق دیگر مؤثر نشده و در کمیسیون بودجه از وکلای فراقسیون اکثریت و اقلیت هر دو عضو شوند

قانونی (۱) که ایجاد و یا اصلاح و یا لغاء مالیاتی کند از وظایف کمیسیون قواین مالیه و رسیدگی « تمام مطالب راجعه بودجه سال بعد تمام لوائح یا طرح قانونی که موجب تغییر دخل و خرج سال بعد است » مطابق ماده ۱۸ نظامنامه از وظایف کمیسیون بودجه می باشد

بموجب ماده ۱۹ نظامنامه « اگر لوائح و طرح قانونی که متضمن تقاضای وجوه اضافی یا فوق العاده سال جاری یا گذشته است بمجلس پیشنهاد شد آن لوائح و طرحها باید بکمیسیون بودجه سال اخیر رجوع شود مگر در صورتیکه دوره تقنینیه بسر آمده و طوری شود که انعقاد کمیسیون سال قبل ممکن نباشد در چنین

در مجلس وکلای فرانسه هم اینطریق معمول بود ولی چون ظاهراً انتخاب از شعب وافی بمقصود نبوده باین معنی که هرگاه عده وکلاء اکثریت زیاد باشد در هر شعبه هم آنها اکثریت دارند و اکثریت را می نمایند که از مقاصد مسلکی خود صرفی نظر کرده از وکلای فراکسیون های اقلیت انتخاب نمایند این است که مجلس وکلای فرانسه از سال ۱۹۲۰ طریقه انتخاب تناسبی را اتخاذ نموده است و در این مورد مراد از انتخاب تناسبی این است که از تمام فراکسیونها در کمیسیون عضو شوند و در امور مالیه که از خصایص مجلس وکلاست کل نمایندگان ذی رأی باشند و وکلای اقلیت از این حق محروم نشده تا سبب شود که از فرط علاقمندی از حضور در جلسات امتناع نموده و حد تصویب که برای رسمیت جلسه لازم است حاصل نگردد

در ایران انتخاب تناسبی بیشتر مفید است زیرا گذشته از اینکه ممکن است تمام اعضاء کمیسیون بودجه از وکلای اکثریت انتخاب شده و مجلس بمشکلاتی که ذکر شد دچار گردد میشود که بر حسب اتفاق اشخاص مطلع در يك شعبه بیش از حد لزوم بوده و در شعبه دیگر هیچ و یا بقدر کافی نباشد و بالنتیجه کمیسیون بودجه از نمایندگان مطلع و متخصص تشکیل نیابد

و فایده دیگری هم که متضمن انتخاب تناسبی است این است که هرگاه بطور مثل هر شش نفر از وکلا حق یکفر نماینده در کمیسیون داشته باشند هر فراکسیونی به نسبت عده اعضاء خود صاحب نمایند است و وکلای منفرد هم با از حق خود باید صرفی نظر کنند امری که بنظر آسان نیست و یا هر شش نفر متحد شده یکی را انتخاب و بالنتیجه خود را باصل اجتماع و تحریک نزدیک نمایند

(۱) فرق لایحه قانونی و طرح قانونی این است که اولی را دولت و دومی را نمایندگان بمجلس پیشنهاد و تقدیم میکنند

موقع رجوع بکمیسیون بودجه موجود میشود « در اینصورت در سال دوم هر دوره تقنینیه دو کمیسیون در مجلس عامل است کمیسیون بودجه سال گذشته برای اعتبارات اضافی که دولت نسبت بمخارج آن سال تقاضا کند و کمیسیون سال جاری که بموجب ماده ۱۸ رسیدگی بلوائح و طرحهای قانونی سال آتی از وظایف آن می باشد

و چنانچه فاصله زیادی بین دوره تقنینیه گذشته و دوره جاریه بوده و کمیسیون بودجه گذشته بودجه بعدرا تصویب نکرده باشد کمیسیون باید هم بودجه سال جاری و هم بودجه سال آتی را تصویب کند مثل اینکه دوره چهارم تقنینیه که در آخر جوزای ۱۳۰۲ خاتمه یافت کمیسیون بودجه فقط بودجه سال مزبور را تصویب نمود و دوره پنجم تقنینیه هم که در اواخر سال ۱۳۰۲ منقذ و کمیسیون بودجه در اوایل سال ۱۳۰۳ انتخاب شد کمیسیون مزبور هم بودجه سال جاری ۱۳۰۳ را تصویب نمود و هم بموجب ماده ۱۸ نظامنامه باید بودجه ۱۳۰۴ را تصویب باین معنی که يك کمیسیون ببودجه دو سال رسیدگی کند و کمیسیون بودجه که سال ۱۳۰۴ انتخاب شده بودجه سال ۱۳۰۵ را تصویب نمایند (۱)

بودجه ولوائح متضمن در خواست اعتبار بتوسط وزراء یا معاونین آنها در

(۱) در کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه داخلی مجلس و تقاضای کمیسیون بودجه در ماده ۲۱ از اینقرار

تعیین شده است

اولاً - رسیدگی ببودجه سالی که کمیسیون برای آن انتخاب شده است

ثانیاً - رسیدگی بلوائح یا طرحهای قانونی که موجب تغییر دخل و خرج همان سال است

ثالثاً - رسیدگی بلاوجه تفریح بودجه سال قبل

با بر این ماده در موقع انتخاب معین میشود که کمیسیون باید بودجه کدام سال را تصویب کند و در صورتیکه

نظامنامه جدید تصویب شود دیگر اتفاق نخواهد افتاد که يك کمیسیون ببودجه دو سال رسیدگی کرده و مدت مدیدی

مقدر و ذی نفوذ باشد

جلسه علنی تقدیم میشود و مجلس نمی تواند بدون مطالعه و اظهارنظر به از طرف کمیسیون بودجه آنرا مورد شور و تصویب قرار دهد مگر اینکه دولت فوریت آنرا تقاضا نماید بنابراین در غیر موارد فوری کلیه لوایح قانونی که در جمع و خرج مملکتی موثرند و بطریق اولی بودجه از طرف مجلس بکمیسیون بودجه ارجاع میگردد

لوائح قانونی چون محتاج بصرف اوقات زیاد نیست در خود کمیسیون مطرح شور و مذاکره واقع شده کمیسیون عقیده و رای خود را راجع بانها اظهار مینماید ولی راجع ببودجه مملکتی هر گاه باحضور کلیه اعضاء رسیدگی شود باید مدت زیادی صرف مذاقه شده و تصویب بودجه در مجلس بتأخیر افتد این است که معمولا کمیسیونهای فرعی برای رسیدگی ببودجه های وزارتخانه انتخاب (۱) و بهر يك از آنها بودجه يك یا چند وزارتخانه بر حسب مقتضیات رجوع میشود تا بعد از رسیدگی نظریات خود را در ضمن راپورت اظهار نمایند و راپورت مزبور در کمیسیون تحت مذاکره در آمده و رای کمیسیون بتوسط مخبر در طی خبر بعرض مجلس میرسد

و باید دانست همانطور که در مملکت فرانسه معمولا کمیسیون بودجه با موافقت دولت نظریات خود را بمجلس اظهار می نماید کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی ایران هم سعی میکند که با دولت موافقت حاصل نماید

(۱) کمیسیونهای فرعی برای رسیدگی ببودجه ۱۳۰۴ از اینقرار است

- ۱ - کمیسیون فرعی بودجه وزارت خارجه ر وزارت عدلیه مرکب از دو عضو
- ۲ - کمیسیون فرعی بودجه وزارت معارف و صهییه و داخله مرکب از سه عضو
- ۳ - کمیسیون فرعی بودجه وزارت مالیه و شهریه و مستغریات مرکب از سه عضو
- ۴ - کمیسیون فرعی بودجه وزارت پست و تلگراف و قوائد عامه مرکب از سه عضو
- ۵ - کمیسیون فرعی بودجه وزارت جنگ

موضوع شور در مجلس خبر کمیسیون بودجه است و اول در کلیات بودجه مذاکره میشود باینطریق که نمایندگان موافق و مخالف بطور کلی نسبت بصرفه جوئی یا زیاده روی درمخارج و کلیه مطالبی که در حدود کلیات باشد بنوبت مذاکره نموده وزیر مالیه یا معاون او و یا مخبر کمیسیون بدون رعایت نوبت از خبر کمیسیون که اساس آن پیشنهاد دولت بوده است دفاع مینمایند و هر موقع که مجلس مذاکره در کلیات را کافی دانست در هر يك از مواد نیز بقدر کافی شور و بعد اخذ رای میشود

و موقع شور در مواد نمایندگان می توانند هرگونه اصلاح یا ماده الحاقیه را که بخواهند پیشنهاد نمایند ولی پیشنهاد اصلاح یا ماده الحاقیه نباید از حدود ماده ۶۵ تجاوز نماید (۱) در صورت تجاوز باید به سیمه طرح قانونی باشد (۲) پس از اخذ رای در کلیه اصلاحات و مواد پیشنهادی دولت و مواد الحاقیه پیشنهادی

« ۱ » ماده ۶۵ : در قانون بودجه هیچ طرحی را که مستلزم ازدیاد مقرری یا مدد معاش یا وظیفه باشد بعنوان ماده الحاقیه یا بعنوان اصلاح نمیتوان پیشنهاد کرد و همچنین است طرحی که خواه مستلزم احداث تأسیسات یا شغل یا وظایف بوده خواه باعث توسعه هر يك از این سه فقره خارج از حدود قوانین جاریه باشد »

« ۲ » اختلاف طرح قانونی با اصلاح و ماده الحاقیه این است که بر حسب اصل ۴۹ قانون اساسی و ماده ۴۳ و ۴۴ نظامنامه مجلس شورای ملی طرح قانونی را باید لا اقل ۱۵ نفر از نمایندگان امضاء نمایند و اگر مجلس آن را قابل توجه دانست و رای داد بکمیونی که صلاحیت رسیدگی دارد ارجاع شود تا خبری که از کمیسیون بمجلس رسید موضوع مذاکره و رای واقع گردد بعلاوه بموجب ماده ۴۴ رئیس میتواند طرح مزبور را بکمیسیون مبتکرات هم رجوع نموده قلا نظریات کمیسیون مزبور را در اینکه قابل توجه هست یا نیست بخواهد در صورتیکه اصلاح یا ماده الحاقیه را یکی از نمایندگان هم میتواند پیشنهاد نماید و بکمیسیون مبتکرات هم ارجاع نمیشود

طرح قانونی پیشنهادی است مستقل در صورتیکه اصلاح یا ماده الحاقیه پیشنهادی است تبعی و اصل خیریت که از کمیسیون بمجلس تقدیم میشود خواه خبر در موضوع طرحی باشد که و کلاسه امضاء نموده اند یا مربوط بلاوجه که دولت بمجلس داده باشد و فرق اثر پیشنهاد مستقل با پیشنهاد تبعی آنست که هر گاه صاحب پیشنهاد مستقل بموجب ماده ۴۱ نظامنامه پیشنهاد خود را پس گرفت مذاکره و رای در پیشنهاد تبعی مورد ندارد در صورتیکه استرداد پیشنهاد تبعی در پیشنهاد اصلی مؤثر نیست

نمایندگان بموجب ماده ۵۸ « يك رای قطعی در کلیه لایحه داده میشود ولی قبل از دادن این رای هر يك از نمایندگان حق دارد ملاحظاتی که بطور کلی در زرد یا قبول لایحه دارد اظهار نماید » بنابر این اشخاصی که در موقع شور نظر بانهاشان مورد قبول نیافته و یا قبول شده باشد می توانند علت مخالفت و موافقت خود را قبل از اخذ رای در کلیه لایحه اظهار کنند و رأی که در کلیه لایحه داده میشود بر طبق ماده ۸۵ نظامنامه باید باورقه باشد

و نیز بموجب ماده ۵۹ در بودجه دخل و خرج مملکتی و هر پیشنهادی که درخواست اعتبار نماید فقط یک مرتبه مورد شور واقع میشود کما اینکه در بعضی ممالک برای تسریع در تصویب بقواعد دیگری متوسل گردیده اند فی المثل در انگلستان عده جلساتی که بودجه در آن شور میشود محدود بوده و هر وقت عده جلسات منقضی شد مذاکرات هم خاتمه میابد و در امریکا تنها نه عده جلسات بلکه مدت نطق نمایندگان نیز راجع به بودجه محدود است و بدیهی است که اجراء قواعد و قوانین مملکتی در مملکت دیگر غالب دارای يك محاسن و آثار نیست و هیچ مملکت نمی تواند قانون مملکت دیگر را بدون رعایت تناسب و مقتضیات قبول کند مثلاً علت محدود بودن عده جلسات در انگلستان این است که مجلس ملی در امور بودجه بطوریکه ذکر شد اختیار زیادی ندارد و در صورتیکه پیشنهاد دولت باید تصویب رسد محدود یا نامحدود بودن عده جلسات در اصل موضوع چندان مؤثر نیست و این رویه را برای تسریع پذیرفته اند و تنها این است که قانون باید مطابق مقتضیات باشد بلکه عامه هم باید آن را محترم شمرده و هر فردی از افراد اجراء آن را بنفع خود بدانند و چنانچه جامعه مقید نشد اگر در هر ماده از مواد يك قانون برای متخلف تعیین عقاب شود باز مؤثر نیست و علاوه با سوء نیت از خود قانون هم می توان سوء استفاده کرد فرض کنیم که

عده از نمایندگان بخواهند تسخیر را فراهم سازند با تمسك بماده ۹۹ نظامنامه داخلی که عیناً نقل میشود « در مسائل و موادی که مشتمل بر فقرات مختلفی است اگر تجزیه آن ولو از طرف یک نفر خواسته شود باید آن ماده یا مسئله تقسیم شده و جزو و جزو رای گرفته شود ولی پس از آنکه در جزو آخر رای گرفته شد مجدداً باید در مجموع قسمت هائی که قبول شده است رای گرفته شود » مقدر و میسور است و در موقع تصویب بودجه ماده که محل اختلاف نیست بقصد تاخیر نسبت بان تقاضای تجزیه نموده و برای هر يك از فقرات جزو ماده رای مخصوص گیرند

و نیز باید متذکر شد که تقدم اخذ رای در عایدات و مخارج منوط است باینکه در بودجه چگونه منظور شده باشد بعضی را عقیده این است که اول باید راجع بمخارج بعد در عایدات اتخاذ رای نمود و علت را هم چنین بیان مینمایند: اولاً - مخارج مملکتی مثل مخارج افراد نیست که در حدود عایدات تعیین شود چه حفظ حیثیات و سیادت مملکت مستلزم مخارجی است که باید افراد از عهده بر آید بعبارة اخیری عایدات ماخذ مخارج نیست و مخارج ضروری مدرک دریافت عایدات است بنا بر این اول باید مخارج تصویب و بعد معادل آن عایدات تعیین گردد

ثانیاً - هر گاه عایدات قبلاً تصویب شود چون قانونگذار نمیداند که بعد میزان مخارج چه خواهد شد احتیاطاً عایدات را زیاده تر از حد لزوم تعیین و بالتبعیه زیادی عایدات موجب زیاد روی در مخارج میشود بنابر این لازم است که اول مخارج تعیین و بعد عایدات را تصویب نمایند و از همین نظر هم در بعضی از ممالک از قبیل فرانسه اول ماده يك که در ذیل آن کلیه فصول مخارج درج است تصویب میشود و بعد سایر مواد که مربوط بعایدات میباشد ولی چون در موقع تصویب بودجه عایدات و مخارج هر دو معلوم و تصویب

کنندگان از موازنه مطلع بوده و میدانند در مقابل عایدات معینه چه مخارجی را باید پذیرفت تأثیر قاعده تقدیم مخارج بر عایدات را آنطور که بنظر میاید عمل تصدیق نموده و در اغلب ممالک مخصوصا در ایران چه قبل از مشروطیت و چه در ایام مشروطیت همیشه در موقع تصویب بودجه عایدات را بر مخارج مقدم داشته اند بلی هر گاه قاعده مزبور از اصول مسلمه بود در باریک که بودجه عایدات قبل از سنه مالیه وغالبا چند ماه پیش از بودجه خرج تصویب میشود باید موجب ضررهای جبران ناپذیر باشد

فصل یازدهم

تصویب يك دوازدهم موقتی

آنچه ذکر شد در صورتی است که بودجه مملکتی در موقع تصویب شده و در سنه مالیه اعمال دولت مطابق دستور بوده و بواسطه عدم تصویب بودجه دولت در زحمت نباشد پس هر گاه بودجه قبل از سنه مالیه تصویب نشد آیا اعمال دولت از روی چه مدرک خواهد بود ؟

از آنجا که حل امور مالیه از خصایص مجلس شورای ملی است و دولت بدون اجازه نمایندگان مات نمی تواند بهیچ عملی که در امور مالیه مؤثر است مبادرت نموده و تأخیر در امور مملکتی هم موجب اختلال و تولید اشکالات خواهد بود و تأمل در تأدیه پاره از مخارج قطعاً مورت خسارت و از میان رفتن قسمتی از عایدات میشود لذا ناچار است که کسب اجازه موقت نماید و این اجازه موقت نه برای تمام مدت يك سنه مالیه بلکه برای جزئی از مدت مزبور است که آنرا

يك دوازدهم گویند یعنی مجلس اجازه میدهد که در یکماه دولت بطور موقت عایدات را اخذ و مخارج را تأدیه نماید و این اجازه را موقتی گویند زیرا اجازه قطعی بوسیله تصویب بودجه داده میشود تقدیم و تحدید پیشنهاد يك دوازدهم موقتی بعد از شهریور است که در تصویب بودجه تصور تأخیر رود

و مراد از دوازدهم موقتی اجازه تأدیه حداقل مخارج است باین طریق که اگر اعتبارات مصوبه در بودجه سال قبل از اعتبارات منظوره در بودجه سال جاری کمتر باشد اجازه يك دوازدهم موقتی محدود با اعتبارات سال قبل و اگر بالعکس است مربوط با اعتبارات سال جاریست تا زمانیکه بودجه خرج قطعاً تصویب شود

در پیشنهاد يك دوازدهم بعضی اعتبارات که مصرفشان موقع مخصوصی از سال است باید رعایت کرد مثلا اگر در بودجه برای مصارف بنائی اعتباری نوشته شده در طی پیشنهاد يك دوازدهم موقتی که طبعا در اوایل سنه مالیه میشود نمیتوان اعتبار مزبور را بدوازده تقسیم نموده و يك قسمت از آنرا جزو پیشنهاد منظور کرد چه موقع بنائی در اوایل سال شمسی و تأخیر در ساختمان و تعمیرات باعث ضرر است و همچنین نسبت بعایداتی که موقع وصولشان وقت معینی از سال است و مضار تقسیم کل عایدات به ۱۳ و اجازه وصول قسمتی از آن در یکماه معین که در ظرف آن کل عایدات باید وصول شود بی نیاز از شرح بیان است (۱)

«۱» برای اطلاع قارئین محترم پیشنهاد يك دوازدهم موقتی بودجه سنه ۱۳۰۳ و خبر کمیسیون راجع به پیشنهاد مزبور و نیز به يك دوازدهم موقتی بودجه اردی بهشت ۱۳۰۵ را عیناً درج مینمایم
بتاریخ ۲۱ سنه سیچقان لیل ۱۳۰۴ امده ۱۸۶۲۷ و ۲۶۱۸۱ راجع با اجازه تأدیه يك دوازدهم بودجه بابت برج سنه مقام محترم مجلس شورای ملی

چنانکه خاطر نمایندگان محترم مستحضر است اعتبارات راجع به هذه السنه هنوز تصویب نشده و مدتی که اجازه پرداخت يك دوازدهم بودجه سنه مالیه چیه حمل و نور و جزوا و سرطان و اسد برای آن صادر شده بود منقضی گردیده و

بطور خلاصه دولت در تهیه پیشنهاد خود باید نهایت دقت و مراقبت را بعمل آورد مثلا اگر عایداتی در سنه قبل بوده که در بودجه سال جاری حذف آنرا تقاضا نموده است در طی پیشنهاد يك دوازدهم باید قسط آن عایدات را منظور نماید تا اگر مجلس حذف آنرا تصویب نکرد ضرری بخزانه دولت نرسد و همچنین اگر در بودجه جدید مخارجی بیش از مبالغ بودجه سال قبل پیش بینی شده باید مخارج سال قبل را ماخذ قرار داد تا اگر در بودجه تصویب نشده مستلزم استرداد وجوه برداختی نباشد

تصویب يك دوازدهم موقتی در بعضی از ممالک مثل انگلیس و بلژیک که معمولا بودجه قبل از سال مالیه تصویب نمیشود عادی و سایر ممالک امری فوق العاده است و در ممالکی که تصویب خرج قبل از جمع غیر معمول و طریقه يك دوازدهم موقتی عادی است در موقع اقتضا یعنی قبل از ورود سال مالیه بودجه جمع تصویب میشود تا دولت در اخذ عایدات مملکتی بالاتکنیف نماید در بلژیک مخصوصا همین طریقه معمول است

باین جهت دوباره وضعیت پرداخت مخارج دچار اشکال شده است چنانچه «جانکه» خاطر نمایندگان محترم مسبق است بعضی پرداختها باید در مورد معین بعمل آید و الا بعثت عدم توانائی بجمع آوری و کنترل عایدات ضررهای عمده مالی متوجه دولت خواهد شد علاوه در اغلب موارد عایدات را بدون صرف وجوه نمی توان جمع آوری کرد

و اجازه هم برای پرداخت مخارج سببه هذاهل سنه در دست نیست نظر بمراتب معروضه در فوق قانون ذیل را پیشنهاد و بقدرت استدعای تصویب آنرا می نماید :

ماده اول - وزارت مالیه اجازه دارد تا موقع تصویب بودجههای وزارتخانهها حقوقات و مخارج سببه ۱۳۰۴ را بجزایان يك دوازدهم اعتبارات مصوبه سنه ماشیه بپردازد

ماده دوم - کلیه پرداختهایی که باین ترتیب اجازه داده میشود برسم علی الحساب بعمل آمده و در موقع تصویب بودجه تفصیلی مطابقه و جرح و تعدیل خواهند شد

ماده سوم - هیچ قسم پرداختی سواي آنچه در بودجه ۱۳۰۴ که بمجلس تقدیم شده منظور شده است بعمل نخواهد آمد

ریاست وزراء - وزارت مالیه - نمره ۲۴ - تاریخ ۲ شهر ربیع الاول ۱۳۰۴

در ایران هم تقاضای يك دوازدهم موقتی تدریجا دارد صورت عادی میگرد زیرا لایحه بودجه ۱۳۰۴ در اوایل تیر ماه ۱۳۰۴ بمجلس رسیده و معلوم نیست کمیسیون بودجه چه وقت خبر خود را تقدیم می نماید و تا نظریات کمیسیون بمجلس رسیده و بودجه کل مملکت تصویب شود در اخذ عایدات و تادیه مخارج خودداری ممکن نیست و مجلس ناچار است تا تصویب قطعی بودجه چند دوازدهم موقتی تصویب نماید

فصل دوازدهم - اعتبارات اضافی

در موقع تصویب بودجه ممکن است پاره موضوعات در نظر نیامده و یا واقع رخ نداده باشد که بتون خرج آنرا در نظر گرفت ولی بعد از تصویب بملاحظه حدوث واقعه دولت پرداخت مخارجی را لازم بداند و نیز ممکن است مقننین در موقع تصویب بودجه اعتباری برای اجرای موضوعی تصویب کنند که در حین اجراء معلوم شود کافی نیست آیا دولت میتواند

خبر از کمیسیون بودجه به مجلس مقدس شورای ملی

کمیسیون بودجه لایحه نمره ۲۶۱۸۱ مورخه ۲۱ سنبله دولت را در جلسه ۸ میزان تحت مطالعه و شور درآورده و مواد ذیل را تنظیم و برای تصویب تقدیم می نماید

ماده اول - وزارت مالیه مجاز است حقوق و مخارج و مستعربات و شهریه های برج سنبله ۱۳۰۴ را ازقرار يك دوازدهم اعتبارات مصوبه سنه ماشیه ۱۳۰۴ تادیه نماید

توضیح - حقوق مأمورین خارجه که مشمول قانون مصوب ۱۶ حمل ۱۳۰۱ هستند و هنوز در مقام خود باقی میباشند از بابت يك دوازدهم فوق الذکر باید توقیف شود

ماده دوم - تادیه کلیه وجوهاتی که پرداخت آنها برطبق این قانون اجازه داده میشود باید علی الحساب بوده و پس از تصویب بودجههای تفصیلی سه حاشیه اصلاحات لازمه درمقادیر آنها بعمل آید تا تادیه وجوهات مزبور کاملا مطابق بودجههای ۱۳۰۴ بوده باشد

ماده سوم - بابت مخارج که در بودجه های تفصیلی هذاهل سنه ۱۳۰۴ ارسالی به مجلس شورای ملی منظور نگردیده هیچ مبلغ وجهی نباید پرداخته گردد

مخبر کمیسیون بودجه

از این قبیل مخارج خود داری و باعتبارات مصوبه قناعت کند یا باید در خواست اعتبار نماید؟

چون ماخذ مخارج مملکتی ضرورت و احتیاج است لذا دولت نمیتواند ازین قبیل مخارج که ممکن است بحیث اقتصاد و سیاسی مملکت سکنه رساند خودداری کند و باید اعتبارات تازه از مجلس درخواست نماید که موسوم است به اعتبارات اضافی و ماده ۲۶ ق م ع در این باب چنین گوید :

« اعتبارات اضافی منظور نمیشود مگر بموجب قانون مخصوص

اعتبارات اضافی بر دو قسم است فوق العاده و منضمه اعتبارات فوق العاده اعتباراتیست که پیش بینی آن در قانون بودجه غیر ممکن بوده و برای تأسیسات یا احتیاجات جدید یا توسعه تأسیسات خارج از حدود قانون بودجه لازم میشود

نمره ۷۹ تاریخ ۵ خرداد ماه ۱۳۰۴

خبر از کمیسیون بودجه به مجلس مقدس شورای ملی

در تعقیب راپورت نمره ۷۶ عرض می نماید اگرچه عقیده کمیسیون بودجه این بود که ناموقی که لایحه بودجه مملکتی تقدیم مجلس نشود دیگر از تصویب هرگونه اعتباری برای ۱۳۰۴ خودداری نماید و چنانچه (چنانکه) در جلسه اسبق که لایحه پیشنهادی دولت راجع بتصویب یک دوازدهم اردی بهشت در کمیسیون مطرح گردید کمیسیون فقط با یک دوازدهم اعتبار بودجه وزارت جنگ و ادارات امنیه و قلمبه موافقت و راپورت آنرا تقدیم داشت - در جلسه اخیر آقای رئیس الوزرا بکمیسیون تشریف آورده و در ضمن اینکه شرحی راجع بوضعیات ادارات دولتی و لزوم پرداخت حقوق آنها مثل مامورین سرحدی کمرک و مامورین خارجه و اعشای تکرافخانه و بستخانه و مخارج علیق آن وزارتخانه و سایر مخارج ضروری دیگر اظهار فرمودند شغضا اطمینان میدهند که تازه روز دیگر لایحه بودجه مملکتی بمجلس تقدیم خواهد شد

بنا بر مراتب معروضه در فوق و سایر دلائلی که شفاها عرض میرسد راپورت نمره ۷۶ خود را استرداد و ماده واحده ذیل را تنظیم و برای تصویب تقدیم میدارد

ماده واحده - مجلس شورای ملی وزارت مالیه اجازه میدهد که از بابت اردی بهشت ماه ۱۳۰۴ در حدود یک دوازدهم بودجه مصوب ۱۳۰۳ برای مخارج مملکتی بر طبق بودجه تصویبی ۱۳۰۳ بمصرف رساند - یکدوازدهم فوق شامل مستغریات و شهریهها و حقوق متظرفین خدمت نیز خواهد بود مخیر کمیسیون بودجه

چون عمر جریان بودجه در حکمت ماکرانه است پیشنهاد تصویب یکدوازدهم موقتی فقط شامل درخواست اجازه مخارج بدون ذکر عیادات است در صورتیکه باید اجازه مجلس شورای ملی در یکدوازدهم موقتی که یک جزء از بودجه است مربوط بعیادات و مخارج هر دو باشد

اعتبارات منضمه اعتباراتی است که برای تکالیف مخارج بعضی امور که در بودجه پیش بینی شده است لازم میشود»

بطوریکه مذکور و ثابت شد ضرورت مجوز درخواست اعتبار اضافی است ولی قابل توضیح این است که آیا در این قبیل مخارج غیاب مجلس مانع هست یا خیر؟

و چون در موقع تهیه بودجه دولت ناچار است معادل مخارجی که پیشنهاد میکند عایداتی قلمداد نماید آیا در موقع درخواست اعتبار اضافی هم تعیین محل لازم هست یا نیست؟

I در جواب سؤال اول میگوئیم که اگر ضروری بودن خرج ثابت شد غیاب مجلس نباید مانع اقدام بان باشد و چنانچه مصالح عمومی خرجی را ایجاب نمود غیبت مجلس که برای مصالح مزبور مضر است نباید باعث ضرر های دیگر گردد (۱) در فرانسه راجع باعتبار فوق العاده عقیده مختلف است بعضی میگویند چون ممکن است موضوع خرج از موضوعاتی که مجلس بر ایشان اعتبار پیش بینی کرده مهم تر باشد دولت میتواند در غیاب مجلس مخارج فوق العاده را تصویب نماید عده دیگر میگویند اعتبار فوق العاده را باید بدو قسم تقسیم نمود :

اگر در موقع تصویب بودجه نمایندگان بمرضوع توجیحی داشته اند دولت می تواند بان اقدام نماید مثل اینکه مجلس برای خریداری توپ و تفنگ اعتباری پیش بینی کرده ولی دولت خرید میسرالیوز (شصت تیر) را هم لازم بداند چون اساساً مجلس با خرید اسلحه موافق بوده دولت میتواند میسرالیوز را هم اتباع نماید و در صورت عکس اقدام دولت موکول بتصویب مجلس است

اعتبارات منضمه را هم بنا بر عقیده بعضی بدو قسم باید تقسیم نمود اگر اعتباری را که قانون گذار تصویب نموده ثابت و محدود است مثل اینکه مبلغ معین

و معلومی خرج راه شوسه کنند خواه راه شوسه تمام شود و یا نشود در این صورت هرگاه اعتبار مصرف شد و راه شوسه با تمام نرسید دولت نمیتواند اعتبار جدیدی تصویب نماید ولی اگر نظر قانونگذار ساختن راه شوسه بوده و در تخمین مصارف دقت نشده باشد دولت میتواند در غیاب مجلس اعتبار منضمه تصویب نماید

و مقصود از غیاب مجلس در فرانسه مرقع تعطیل تابستان است نه انحلال و نظر باینکه در مملکت مزبور سالهاست که ایام فترت نیست علماء علم مالیه تصویبات دولت را در مالیه در موقع انحلال مشروع نمیدانند

(۲) در ایران حکم ماده ۲۸ قانون محاسبات عمومی این است که: « در موقع تعطیل مجلس شورای ملی که موافق اصل هشتم (۱) قانون اساسی معین میشود اعتبارات منضمه و یا فوق العاده که راجع باحتیاجات جدیده باشد باید پس از مذاکره در مجلس وزراء بر حسب حکم شورای دولتی تصویب شود و تا زمانیکه شورای دولتی تأسیس نشده است تصویب دیوان محاسبات کافی خواهد بود و در ظرف یکماه اول افتتاح مجلس شورای ملی احکام مزبوره باید پیشنهاد شود تا بتصویب مجلس شورای ملی برسد »

II و اما جواب سؤال دوم که در موقع پیشنهاد اعتبار اضافی تعیین محل لازم است یا نه بعضی عقیده دارند همانطور که در بودجه دولت پیشنهاد عایدات مینماید تا رأی دهندگان با علم بموازنه جمع و خرج بودجه را تصویب نمایند همانطور هم در مقابل اعتبارات اضافی باید تعیین محل شود تا موازنه جمع و خرج بر هم نخورد

« ۱ » اصل هشتم قانون اساسی: « مدت تعطیل و زمان اشتغال مجلس شورای ملی بر طبق نظامنامه داخلی مجلس به تشخیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید مجلس از ۱۵ میزان که مطابق جشن افتتاح اول مجلس است مشغول و مشغول کار شود »

گروهی دیگر معتقدند که این تطبیق عملی نیست زیرا برای هر اعتبار اضافی نه میتوان يك مالیات مخصوصی ایجاد نمود و نه ممکن است تعرفه مالیات های مصوبه را تغییر داد بنا بر این ممکن نیست در هر اعتباری محل تأدیه را هم تعیین کرد مگر دولت مطمئن شود که اعتبارات منظوره در بودجه تمام مصرف خرج نخواهد داشت و مازاد را محل اعتبار اضافی قرار دهد

(۱) در بعضی ممالک که دولت قانوناً مکلف بتعین محل (۱) است بهمین ترتیب اقدام و در موقع پیشنهاد اعتبار اضافی از مازاد اعتبارات مصوبه که در ایران بصره جوئی مصطلح است تعیین محل مینماید (۲)

(۲) در ایران بر طبق ماده ۲۷ قانون محاسبات عمومی: « قانونی که اعتبارات فوق العاده و منضمه را معین میکند باید محل مخارج آنرا از منابع مخصوص مشخص نماید »

بنا بر این دولت باید محل اعتبار فوق العاده را در لایحه پیشنهادی ذکر کند و باید دانست که اگر ضرورت سبب تصویب اعتبارات اضافی است عادت با اعتبار اضافی هم در موضوعاتی که ضرورت تامه ندارد بر خلاف اصل موازنه جمع و خرج است که بالطبع مستلزم پیش بینی کل مخارج در موقع تحریر بودجه میباشد تا نمایندگان بتوانند با رعایت موازنه جمع و خرج عایدات را بطور کافی در نظر گیرند

پس هرگاه عادت بر این شد که در جریان سنه مالیه دولت برای هر موضوع

« ۱ » قانون ۱۶ مه ۱۸۵۱ فرانسه

« ۲ » چون ممکن است که تعیین محل از بابت صرفه جوئی فقط برای رعایت قانون باشد و بعد از اجرای بودجه معلوم شود که صرفه جوئی معادل اعتبار اضافی نیست و مخارجی که از بابت صرفه جوئی شده بلا محل بهتر آن است که دولت پیشنهاد نماید معادل اعتبار اضافی مجلس از اعتبارات مصوبه نسخ نموده و اعتبار اضافی را تصویب نماید

غیر مهمی لایحه اعتبار اضافی دهد امساک دربر آورد خرج درموقع تهیه بودجه که نتیجه اش خشنودی نمایندگان و کاستن بودجه و جبرانش بتقدیم پیشنهاد اعتبارات اضافی و ضررش بالتبطل برهم خوردن موازنه است معمول و متداول میگردد و چون نظر نمایندگان درموقع تصویب اعتبارات اضافی متوجه موازنه حقیقی بودجه نیست و محل هائی هم که دولت می نماید اغلب از نظر متابعت صوری قانون و رفع اشکال است مقصود اصلی از تهیه بودجه که موازنه جمع و خرج است از میان میرود III در معایب اعتبارات اضافی جای تردید نیست و تا درجه امکان باید از تقاضای این نوع اعتبارات خود داری شود ولی این راهم باید در نظر داشت که نه تنها بعضی از اعتبارات مصوبه برای تمام خرج کافی نیست بلکه در جریان سال حوادثی رخ میدهد که نه دولت و نه قانونگذار هیچیک در موقع تصویب بودجه نمی توانند حدوث و مصارف آنرا حدس زنند پس اگر بطور کلی منکر اعتبارات اضافی شوی منکر پیش آمدن حوادث غیر منتظره و مخارج ضروری کشته ایم و علیهذا باوجود معایبی که ذکر شد دولت از پیشنهاد اعتبار اضافی ناچار و مجلس هم از تصویب آن ناگزیر است ولی دولت باید فقط در موقع ضرورت پیشنهاد بدهد و مجلس هم نهایت دقت مبدول داشته و با تحصیل اطلاعات جامع آنرا تصویب کند و برای تأمین مقصود اخیر طرق مفصله ذیل را در نظر گرفته اند:

(۱) اینکه پیشنهادهای اعتبارات اضافی را بطور مجموع و در مدت معینی تقدیم مجلس نمایند و نه بطور متفرقه و هر وقت هم که بخواهند تا مجلس اهمیت تصویباتی را که می کند دریافته و برای توازن جمع و خرج مبالغ کل اعتبارات اضافی را در نظر داشته باشد

در فرانسه بموجب قانون (۱۲) اوت ۱۸۶۷ وزیر مالیه باید باستثنای موارد فوری در ماه یکم مرتبه پیشنهادات اعتبار اضافی را بمجلس تقدیم نماید

و بموجب قانون ۱۸۴۹ کلیه اعتبارات اضافی که در عرض سال تصویب میشود باید در ورقه

مخصوصی نوشته و در عمارت مجلس بدو بارها نصب شود ولی نظر بعدم اجرای قانون مزبور از سنه ۱۸۷۶ تصمیم کمیسیون بودجه این است که در پیشنهاد هر اعتبار اضافی تمام اعتبارات اضافی را که در مدت سال تصویب شده ذکر و وضعیت مالیه را در سال جاری تشریح نمایند تا رای نمایندگان روی اطلاعات جامعی باشد (۲) بجای پیشنهاد اعتبار اضافی و تعیین محل منظور کردن مبالغی در بودجه کل برای مخارج غیر مترقبه که در جریان سال مالیه پیش میاید و در صورت مصرف نشدن تمام یا قسمتی از اعتبار غیر مترقبه تادیه قروض دولتی از اعتبار مزبور و یا انجام امور عام المنفعه تا اینکه در موقع تهیه بودجه توازن جمع و خرج رعایت شده و دست دولت هم در هنگام پیش آمدن حوادث غیر مترقبه باز باشد و این طریق دارای حسن و عیبی است

اولا - حسن عبارت است از حفظ توازن جمع و خرج و برهم نخوردن آن بواسطه پیشنهادات متعدد اعتبارات اضافی

ثانیا - عیب عبارتست از تصویب اعتباری بیش از حد لزوم برای احتراز از پیشنهاد اعتبار اضافی و احتمال مصرف مازاد در محلهای غیر لازم و بالاخره زیادروی در مخارج

در بودجه بعضی از ممالک منظور کردن اعتبار مخارج غیر مترقبه معمول بود ولی بعد متروک گردیده است مثل انگلستان تا سال ۱۸۶۱ و در بعضی از ممالک هم فعلا رسوم است مثل ایتالیا ولی پرداخت مخارج از محل اعتبار مزبور موکول بتصویب مجلس و در غیاب مجلس باختیار دولت است

در ایران تا سنه ۱۳۰۰ شمسی که بودجه کل مملکتی را مجلس تصویب نمی کرد کلیه مخارج خواه عادی یا فوق العاده باستثنای وظایف که مدرک آن تصویب دوره اول تقنینیه در قوی نیل ۱۳۲۵ بود بر حسب تصویب هیئت وزراء تادیه می شد و بین دوره های سیم و چهارم تقنینیه که زمان فترت طولانی بود و

مجلس شورای ملی منعقد نمی کردید احتیاجات و عدم علاقه مندی دولت های وقت بمالیه مملکت آنها را بر آن داشت که برخلاف اصل صدم قانون اساسی که میگوید: « هیچ مرسوم و انعامی بخزینة دولت حواله نمی شود مگر بموجب قانون » شهریه و وظیفه هم تصویب نمایند و این ترتیب در جریان بود تا قبل از تصویب ماده واحده

و چون مردم عادت کرده بودند که از هیئت دولت تقاضای شهریه و وظیفه نمایند دولت وقت هم مثل سایر دولت های گذشته نمی توانست در مقابل تقاضای مردم ایستادگی و مقاومت نماید

مؤلف لایحه (۱) برای تصویب اعتبار مخارج غیر مترقیه بمجلس تقدیم نمود تا بانک آن از قبول تقاضای مردم خوداری شود و اگر تصویب بودجه کل مملکت در مجلس بغوریت مقدور نبود و مخارج عادیه مثل معمول سنوات گذشته تادیه می شد مخارج فوق العاده و غیر مترقیه از اعتبار مصوب تادیه شده و هر ماه یکمرتبه هم صورت وجوه پرداختی بمجلس تقسیم تا نظارت نمایندگان سبب شود که افراد بتقاضای خود خاتمه داده و وزارت مالیه هم بتواند از تادیه هر گونه خرج بی اعتبار خودداری نماید

لایحه مزبوره بمذاکرات تاریخی جلسه ۷ جدی ۱۳۰۰ تصادف نموده و تصویب نگردید و بعد از تغییر کابینه لایحه دولت معادل مبلغ مزبور از تصویب

(۱) عین پیشنهاد دولت نمره ۲۸۶۰۸ بتاريخ ۲۱ برج قوس ۱۳۰۰

مجلس مقدس شورای ملی شیداله ارکانه

نظر اینکه بعضی اوقات برای وزارتخانه ها مخارج ضروری و فوق العاده لازم میشود که خارج از اعتباری است که در بودجه آنها پیشبینی شده از قبیل تعمیر و نگاه کل مالی ائینه دولتی و مخارج اعزام مأمورین فوق العاده باطراف و ایجاد سد در نقاط لازمه برای جلوگیری از طغیان سیل و خرابی املاک اربابی و خالصه که تعویق تادیه آن ممکن است خسارت مهمی را برای دولت ایجاد نماید و از طرفی تهیه و تقدیم پیشنهاد جداگانه برای هر یک از آنها بمقام مقدس مجلس شورای

مجلس گذشت

و برای سال ۱۳۰۱ هم مبلغ (۲۵۰) هزار تومان از بابت مخارج حمل غله و ممیزی و (۹۵۰) هزار تومان برای مخارج غیر مترقیه عینا بنحوی که مؤلف در تاریخ ۳ برج جدی ۱۳۰۰ برای بودجه سال مزبور پیشنهاد نموده بود (۱) تصویب شد و از آن سنه بعد هم همه ساله در بودجه برای مخارج انتفاعی و غیر مترقیه مبلغی پیشبینی شده که صرف مخارج انتفاعی آن در تحت اختیار وزارت مالیه و پرداخت مخارج غیر مترقیه بتصویب هیئت دولت میباشد

من جمله در بودجه ۱۳۰۳ ضمیمه این کتاب مبلغ ۸۷۵ هزار تومان برای مخارج انتفاعی و ۲۵۲ هزار تومان بعنوان اعتبار ماهیانه دولت از بابت مخارج غیر مترقیه بمجلس پیشنهاد و بهمین طور هم تصویب شده و مقررات ماده پنجم (۲) قانون بودجه هم کاملا بموقع اجراء گذارده نشده

ملی موجب تاخیر و تاخیر تصمیم باعث خواهد شد که موقع اقدام منقذی و خسارت متصوره صورت وقوع پذیرد لهذا ماده واحده را بمجلس مقدس پیشنهاد مینماید که برای اینکه مخارج پنجاه هزار تومان اعتبار تصویب فرماید که وزارت مالیه بتواند تا تصویب بودجه قطع تصویب نامه های صادره از هیئت وزراء نظام را در حدود اعتبار مزبور پذیرفته و پرداخت نماید بدینوسیله پس از اتمام صورت تصویب نامهای صادره را تهیه و تقدیم مینماید که عندالضروره اعتبار مجددی تصویب فرماید

ماده واحده برای مخارج ضروری و فوری مملکتی که انتظار تصویب آن در مجلس شورای ملی موجب تاخیر و ممکن است باعث خسارت عمده شود مجلس شورای ملی مبلغ پنجاه هزار تومان اعتبار تصویب مینماید که وزارت مالیه در حدود اعتبار مصوب تصویب نامه های صادر از هیئت دولت را راجع باین قبیل مخارج پرداخت و پس از اتمام صورت جزء آرا بمجلس تقدیم دارد رئیس الوزراء وزیر مالیه

(۱) چون بواسطه بطوی که در جریان امور پارلمانی است و پیشنهادات دولت بموقع تصویب نمیشود مؤلف این طریق را برای اینکه تاخیر سبب خسارت دولت نشود بطریقه دیگر که هر وقت مخارج فوق العاده رخ دهد دولت اعتبار اضافی بخواهد ترجیح داد

(۲) ماده پنجم قانون بودجه ۱۳۰۳: « هرگونه پرداختی از اعتبار مخارج غیر مترقیه دولت منوط با اجازه کتبی هیئت وزراء خواهد بود وزارت مالیه مکلف است صورت ریز مخارج غیر مترقیه هر برج را تا قبل از روز آخر هر برج تهیه نموده و تقدیم مجلس شورای ملی نماید از این اعتبار هیچگونه منالوجوه حقوق و مستحقات و اضافات حقوق تادیه نخواهد شد »

فصل سیزدهم - امتناع از رای بودجه

اصل ۱۸ قانون اساسی میگوید: «تسویه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه تغییر دروضع مالیاتها ورد و قبول عوارض و فروعات همچنان ممیزی های جدیده که از طرف دولت اقدام خواهد شد بتصویب مجلس خواهند بود» هرگاه مجلس در تصویب بودجه امتناع و یا بجتهی عوارض و فروعات آنرا رد کرد تکلیف دولت چه خواهد بود در اینجا دو عقیده است که هر یک را بیان مینمائیم:

اول - عقیده سابقه آلمان است توضیح آنکه در زمان صدارت بیسمارک توسعه قوای نظامی باعث زیادهای مخارج شد و پارلمان پروس (Landtag) مدت سه سال «۱۸۶۳ تا ۱۸۶۶» از تصویب بودجه امتناع ورزید و بیسمارک باتکاء این اصل که در موقع تعارض قوای عمومی مملکت که مسئول اداره امور جمهورند هرگاه قانون اساسی در تسلیم یکی از آنها بدیگری مصرح نیست نظریات قوه مجریه که مسئول حسن جریان امور مملکتی و اجراء قوانین است باید تقدم و تفوق داشته باشد بهمان تصویب مجلس اعیان Chambre des Seigneurs اکتفا می کرد (۱)

عقیده مزبوره در امپراطوری اطریش هم از نقطه نظر تجانس نژادی قانونی شد باین طریق که قانون اساسی بامپراطور حق میداد که هر وقت مجلس از تصویب بودجه امتناع ورزد بر طبق آخرین بودجه مصوب مجلس در سال بعد عمل نمایند

(۱) بعضی از مؤلفین حقوقی هم اربیل لایاند Laband نظریه مزبوره را تأیید نمودند

دویم - طبقه معمول دول پارلمانی (۱) است که بامتناع از رای در بودجه وسایل انجام وظیفه را از حکومت حاضر سلب میکند چه دولت بدون اعتبار ووجه قادر بانجام وظیفه نیست و هر وقت این وسیله از او سلب شد مسئولیت نیز مرتفع و غیر مسئول غیر مکلف و ناگزیر از کناره گیری است و برای کنار نمودن دولت از کار وسیله مجلس منحصر بامتناع از تصویب بودجه نیست بلکه در دول پارلمانی به رای عدم اعتماد این مقصود حاصل میشود و اصل ۶۷ متمم قانون اساسی ما می گوید: «در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا با اکثریت تامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزبری اظهار نمایند آن هیئت یا آن وزیر از مقام وزارت منزل میشود» مفید همین معنی است

امتناع از رای بودجه وسیله نیست که همیشه مجالس بان متوسل کردند چه برای اینکه دولتی را کنار بگذارند کافی است که فقط رای عدم اعتماد دهند لذا کمتر اتفاق می افتد که پارلمانی باین وسیله متوسل گردد مگر اینکه بودجه از طرف دولتی پیشنهاد شود که رای عدم اعتماد نسبت باوجهاتی حسن اثر نداشته و مجلس هم تغییر دولت و یا ترمیم آنرا لازم بداند که اینک در فرانسه مجلس اوکلا در سال ۱۸۷۷ برای اجبار مارشال دومانگ ماهن بترمیم کابینه و انتخاب اعضاء آن از بین اکثریت از تصویب بودجه امتناع ورزید

و نیز مجلس سنا در ۱۸۹۶ از تصویب اعتبار اضافی برای قوای اعزامی به افریقا (ماداگاسکار) امتناع نموده تا کابینه وقت استعفاء دهد و پس از تشکیل کابینه جدید همان بودجه را تصویب کرد

«۱» مقصود از دول پارلمانی دولتی است که دارای پارلمان هستند بلکه این اصطلاح مربوط بدولی است که وزرای آنها در مقابل مجلس مسئولند و مسلک سیاسی آنها با دموفاق مسلک اکثریت پارلمان باشد و هرگاه بین اکثریت مجلس و وزراء اختلاف نظر پیدا شد وزراء در اقلیت واقع و بواسطه رای عدم اعتماد از مقام خود منفصل میشوند در صورتیکه در دول دیگر «دول متحده امریکا، شمالی» بواسطه تفکیک و تجزیه مطلق قوه مجریه از قوه مقننه عزل وزراء بواسطه رای عدم اعتماد مجلس نیست و مربوط رئیس جمهور است و دول اخیر را اصطلاحاً دول آزاد گویند

باب سوم

در اجرای بودجه

اجرای بودجه مستلزم وصول عایدات و تادیه مخارج مصوبه است ولی برای اینکه معلوم شود يك اداره میتواند این دو وظیفه را انجام دهد و یا برای انجام هر يك از وظایف مذکوره اداره خاصی لازم است باید اول ذهن قارئین به تشکیلات وزارت مالیه متوجه گردد لذا تشکیلات وزارت خانه مزبوره را بطور اختصار در فصل تالی و شرح وصول عایدات و تادیه مخارج را جداگانه در فصول آتی به بیان می نمایم

فصل چهاردهم

در تشکیلات وزارت مالیه

اجراء بودجه مستلزم تشکیلاتی است که در هر مملکت بر حسب احتیاجات و مقتضیات وسیع یا محدود میشود تشکیلات سابقه مالیه ایران که در فصل پنجم ملاحظه شد در حد لزوم و بمقتضای اوضاع مملکت بوده و با ملاحظه زمان ایرادی از حیث کمیت و کیفیت نمیتوان بان وارد نمود چه انتظام اوضاع مالیه در هر مملکت منوط بر رعایت چهار اصل است

(۱) تناسب مخارج وصول با عایدات

(۲) تساوی جمع و خرج - یا بعبارة اخری تعادل بودجه

(۳) تفریح حساب

(۴) رضایت افراد از اوضاع مالیه - یعنی شاق نبودن مالیات و طرز وصول و در ایران جمع و خرج نیلان بول ۱۳۰۴ قمری و قبل از آن حاکی از وجود چهار اصل مذکور است زیرا :

اولاً عایدات جمع و خرج مزبور تقدماً ۴۷۰۳۳۷۰ تومان و جنساً سوای شاتوک و ابریشم و غیره ۳۲۳۱۵۳ خروار غله و بودجه کل وزارت مالیه در مرکز و در ولایات ۱۸۷۷۰۲ تومان و کسری نقد و ۳۶۵۲ خروار و کسری غله ۵۰۵ خروار و کسری گاه بنا بر این خرج وصول نسبت بکمیة عایدات دولتی قریب صدی سه بوده

ثانیاً مبلغ ۸۵۵۸۳ تومان نقد و ۹۰۴۹۱ خروار غله عایدات بمخارج فزونی داشته است

ثالثاً حساب کمیة صاحبان جمع بدون استثنا پس از انفصالشان از عمل تفریح میشده چنانچه باقی دار بودند طلب دولت به اشد وسایل از آنها دریافت میگردد رابعاً مبادرت مؤدیان بپرداخت مالیات بموقع بهترین دلیل رضایت افراد بوده و تسهیلاتی هم از قبیل تسعیر مالیات جنسی که وصول آن تا اندازه شاق است و محسوب شدن مالیات از بابت مطالبات اشخاص موجبات رضایت افراد را فراهم می نمود

بعد از مشروطیت تدریجاً اساس سابق که در اواخر عهد قدیم هم متزلزل بود از بین رفته و وزارت مالیه در دوره هر يك از زمامداران متنفذ و یا مستشاران خارجی از قبیل (شوستر) خزانه دار امریکائی و (مرنارد) خزانه دار بلژیکی تدریجاً با عدم رعایت مقتضیات تشکیلات ممالک خارجه را اقتباس نموده و احدی باین حقیقت مسلم متوجه نشد که اگر تشکیلات با احتیاجات و ثروت ملت متناسب

بوده و از حدود ضرورت و استطاعت مملکت خارج باشد نتیجه معکوس خواهد داد و تشکیلات وزارت مزبوره تدریجاً دچار تغییرات مهم و متباینی شده که بترتیب بیان خواهیم کرد

I ادارات سبعة

ادارات سبعة تشکیلاتی بود که در اوایل جوزای ایت ٹیل ۱۲۸۹ تأسیس و اول سرطان سیچقان ٹیل ۱۲۹۱ منحل (۱) شده و اساسان با تشکیلات قبل از مشروطیت مخالفتی نداشت زیرا در آن عهد تشکیلات وزارت مالیه مبتنی بر حوزه های ایالتی و ولایتی حکم بود و ادارات سبعة نیز روی همان اساس بر قرار شده با این فرق که اگر عهد قدیم تهیه بودجه و تحریر محاسبه هر ایالت و ولایتی در مرکز مرجوع بیک نفر مستوفی بود در اوایل مشروطیت هفت اداره بریاست هفت نفر مستوفی تهیه بودجه کل مملکت و تحریر محاسبه را عهده دار (۲) و قلمرو هر یک از ادارات مزبوره بشرح ذیل بود: (۱) اداره آذربایجان (۲) اداره اصفهان (۳) اداره خراسان (۴) اداره دارالمرز «۲» (۵) اداره عراق (۶) اداره فارس (۷) اداره مرکزی که قبض حقوقات رکابی و مستمریات را صادر میکرد که قبل از مشروطیت این شغل بعهده برات نویسان رکابی بود علاوه بر ادارات سبعة ادارات و دوایر دیگری هم بشرح ذیل بود که هر یک از آنها وظایفی را عهده دار بوده اند

« ۱ » اگر چه ظاهراً چنین نظر میاید که بعد از تصویب قانون ۲۲ جوزا سال ۱۲۹۰ ادارات سبعة منحل شده باشد ولی اینطور نیست و هفت اداره مزبوره نظر باینکه با تشکیلات قانون مزبور تعارض نداشته در ایام حزام داری شوستر و همدچین مدتی بعد از آن در زمان خزانه دار بلژیکی باقی بوده است
« ۲ » در تشکیلات قبل از مشروطیت هم ملاحظه شد که یک نفر تهیه بودجه و تحریر محاسبه چند ناحیه را عهده دار میشد ملاحظه شود فصل پنجم
« ۳ » نظر بغاوت ایالات و ولایات از حیث وسعت و اهمیت برای رعایت تناسب امور چندین ناحیه جزو یک

- (۱) اداره کابینه که مرکب از دائره دارالتحریر و دایره تقنینیه و تفتیش و شعبه پرسنل و شعبه فرامین و شعبه ضبط بوده
- (۲) دفتر محاسبات کل که مشتمل شعبه انشائیة و شعبه محاسبات و شعبه تعرفه و شعبه حوالات بوده است
- (۳) اداره سررشته کل
- (۴) دائره مطبوعات و تمر
- (۵) دائره تفتیش مالیه
- (۶) شعبه ذبایح

خزانه مرکزی هم که مقارن بود با ادارات سبعة تمرکز عایدات و مالیه ایالت طهران و اعزام مامورین مالیه به بعضی از نقاط کوچک و نیز اعزام مامورین برای جمع آوری بعضی از مالیاتها که در آن زمان از قبیل تحدید تریاک و غیره بر قرار شده عهده دار بوده است

II قانون ۲۳ جوزا

قانون معروف بقانون ۲۳ جوزا در سال ۱۲۹۰ شمسی (دوره دوم تقنینیه) وضع شده و بشوستر اداریکائی اختیاراتی داد که بر طبق ماده (۲) قانون مزبور تشکیلات وزارت مالیه از اینقرار بود :

- (۱) « اداره کل در یافت مالیات و عوارض و عایدات دولتی از هر قبیل اعم از مالیاتها و عوارض موجوده یا مالیاتهای که در آئیه برقرار خواهد شد »

اداره منسوب میشد مثلاً اداره دارالتحریر مرکب بوده است :
ازگیلان - مازندران - تنکابن و سایر محال ثلاثه - سمنان و دامغان - شاهرود و سظام - امیرآباد - کوسکلان دماوند - طالقان - فیروز کوه - خوار - جواد کلاته - طارم سفلی
و اداره عراق - ازکزاز و قراهان - همدان - قزوین - خرقان - کرمانشاهان - بروجرد - امدآباد - کتاور قم - سایر البوک و محلات - کمره - کاپانکن - کاشان - نائز - جوشقان - نهران - ملایر و تویسرکان - تارند

(۲) « اداره کل تقش و نظارت و محاسبات کایه عایدات و مخارج مصوبه و نگاهداری دفترهای راجعه بانها »

(۳) « اداره کل معاملات نقدی که کایه معاملات دولت با بانک و اعمال راجعه بضراب سکه و صرافی (Change) و استقراض و مریحه و استهلاك و استجانه و امتیازات و قرار دادهای مالیه اعم از اینکه قرارداد های مزبور عایداتی برای دولت تحصیل نموده باشند یا تضمین عایدات مالیه از طرف دولت باشد با رعایت قوانین مقرر راجع بان اداره خواهد بود »

و در خصوص تشکیلات ایالات و ولایات ماده (۴) قانون مزبور میگوید :
« بعد از دائر نمودن تشکیلات مرکزی لدی الاقتصاء خزانه دار کل تشکیلاتی را که برای اداره کردن مالیات در هر یک از ولایات لازم بدانند برقرار خواهد کرد » و وظائف و اختیارات عمده خزانه دار هم از قرار است که ماده ۱ و ۵ و ۶ و ۱۲ قانون مزبور شرح میدهد

ماده ۱ « خزانه دار کل ممالک محروسه ایران مامور نظارت مستقیم و واقعی تمام معاملات مالیاتی و پولی دولت ایران است و این معاملات شامل اخذ تمام عایدات از هر قبیل و تقش و محاسبات تمام مخارج دولتی میباشد »
ماده ۵ « خزانه دار کل مامور نگاهداری خزانه مملکت است و هیچیک از مخارج دولتی بدون اعضاء (در حواله جات مستقیم) و یا تصدیق او (در حواله جات اعتباری) پرداخت نخواهد شد »

ماده ۶ « خزانه دار کل نظامنامه هائی را که برای اجرای اصلاحات مالیاتی مذکور در مواد فوق لازم است تدارک نموده و نظامنامه های مذکور بعد از آنکه بامضای وزیر مالیه رسید و اعلان شد لازم الاجرا خواهد بود »

ماده ۱۲ « اختیار اجرای اداراتی که بموجب مواد فوق در تحت ریاست

خزانه دار کل دایر میشود با خود مشار الیه است »

III خزانه دار بلژیکی

شوستر خزانه دار امریکائی رفت ولی چون در قانون ۲۳ جوزا قید نشده بود که اختیاراتی که قانون مزبور داده بود مخصوص به شوستر است لذا مستخدمین بلژیکی در راس وزارت مالیه قرار گرفته و از تاریخ انفصال شوستر (۱) تا نسخ قانون ۲۳ جوزا وزارت مالیه را مطابق قانون مزبور اداره کردند

IV قانون تشکیلات وزارت مالیه

اقدار فوق العاده مامورین بلژیکی در مرکز ولایات و پیش آمدن جنگ بین المللی سبب شد که قانون ۲۳ جوزا نسخ گشته و اختیاراتی که قانون مزبور بخزانه دار داده بود مطابق قانون ۱۵ جوزای ۱۲۹۴ بدست وزیر مالیه آمده و مستخدمین اتباع خارجه تابع و مسئول شخص او بشوند
بر طبق این قانون تشکیلات وزارت مالیه و اصول وظایف دوائر و ادارات آن بقراری بود که شرح داده میشود :

(۱) دائره وزارتی مشتمل بر وزیر مالیه و معاون و یا مدیر کل وزارتخانه و کابینه وزیر

(۲) اداره تشخیص عایدات و خالصه جات و مسکوکات که اصول وظایفش عبارت بود از تشخیص کل عایدات مملکتی از مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم - حفظ اوراق بها دار « تمر و باندرل » و اداره کردن خالصه جات و امور راجعه بضرابخانه « ماده ۱۲ »

(۳) اداره خزانه داری کل عهده دار مرکزیت تمام عایدات نقدی و جنسی

(۱) تاریخ اول ژانویه روس ۲ ذیحجه ۱۳۲۹ مطابق ۶ فرس ۱۳۹۰

دولت و تادیه مخارج مملکتی مطابق حوالجات مستقیم و اعتباری وزیر مالیه در حدود مقررات قانون ماده (۱۳)

(۴) اداره محاسبات کل مالیه و دیون عمومیه و وظائف که اصول مهمه و وظایف از این قرار بوده :

مرکزیت دادن و نگاهداری کابینه محاسبات مملکت اعم از عایدات و مخارج تهیه و تنظیم بودجه - تهیه لایحه تفریح بودجه - مطالبه صورت محاسبات پیشکاران و امانت مالیه در آخر هر برج - نگاهداری محاسبه قروض ثابت و جاریه و تعهدات دولت و تشخیص میزان استهلاك و اتساع سالیانه آن - تعیین صورت کابینه وظائف و اجرای قوانین متعلقه بان و غیره و غیره ... (ماده ۱۴)

(۵) اداره گمرکات که اداره کردن گمرکات مطابق قوانین و قراردادهای نظامنامه های گمرکی و دادن محاسبات کابینه عایدات گمرکی و صندوق جرائم و مخارج اداره محاسبات کل در آخر هر برج و تحویل فاضل عایدات گمرکات و مازاد صندوق جرائم بخرانه از اصول و وظایف آن بود « ماده ۱۵ »

(۶) اداره محاکمات مالیه که رسیدگی بتظلمات افراد مردم از تجاوزات ادارات و مامورین مالیه بر عهده آن بود « ماده ۳۰ »

(۷) کمیسیون تطبیق حوالجات که اصول و وظایف در غراب دیوان محاسبات شرح ماده (۴۷) چنین بود : « تطبیق حوالجات مستقیم و اعتباری با بودجه ها و اعتبارات مصوبه و تصدیق آنها قبل از رسیدن بامضای وزیر مالیه - رسیدگی بحساب ادارات صاحب جمع نقدی و اجناسی که در حکم نقدی است - رسیدگی بحساب وزارتخانه ها و کمیته ها و اشخاصیکه مطابق قرار دادها باید بدولت بدهند » (۸) دائره پرسنل و مزومات

(۹) مجلس مشاوره عالی مرکب از وزیر مالیه یا معاون او و چهار نفر از رؤساء ادارات که تحت اعداد ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ مذکور گردید و مطابق ماده ۶۲ رسیدگی

بتقصیرات اداری رؤساء ادارات مالیه در مرکز ولایات و اعضاء محکمه مالیه را عهده دار بود

آنچه در تحت عدد یک تا نه مذکور شد مربوط بتشکیلات مرکز است ادارات مالیه در ایالات تحت ریاست پیشکاران مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه داری کل و تصویب وزیر مالیه و فرمان همایونی منصوب میشدند و در ولایات تحت ریاست امانت مالیه که بر حسب پیشنهاد خزانه داری کل و حکم وزارتی تعیین اداره میشد. و اصول مهمه و وظائف مامورین مزبور جمع آوری عایدات دولت و وصول مالیاتها مطابق دستور العمل و جزو جمعهای اداره کل تشخیص عایدات و تادیه مخارج دولتی مطابق حواله جاتی که در حدود بودجه و اعتبارات مصوبه صادر و پس از تصدیق کمیسیون تطبیق حواله جات و امضاء وزیر مالیه بتوسط اداره خزانه داری کل بانها میرسیده است و همچنین دادن کابینه محاسبات اعم از عایدات و مخارج و وجوه تحویلی در آخر هر برج بداره خزانه داری کل و محاسبات کل و دادن اطلاعات راجعه بجزو جمع های مالیاتهای نقدی و جنسی و عایدات خالصه جات بداره کل تشخیص عایدات مواد ۶۸ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۱ - ۷۳ - ۷۴

و نظر باینکه شکایت کنندگان مقیم ولایات نمی توانستند در مرکز حاضر شده در اداره محاکمات بر علیه مامور متجاوز اقامه دعوی نمایند و تشکیل یک محکمه مالیه در هر ایالت و ولایتی غیر مقدور و مستلزم مخارج گزاف بود ماده ۷۵ قانون مزبور عبارت ذیل حل مشکل میکرد : « اگر شکایت کنندگان از ادارات مالیه ولایات تقاضای رسیدگی در محل نمایند وزیر مالیه میتواند دستور بدهد که مجلسی مرکب از چند نفر از معتمدین محل در تحت ریاست یکی از مامورین دولت که صلاح بدانند برای تحقیق تشکیل شود باظهارات طرفین رسیدگی نموده صورت مجلسی نوشته بوزارت مالیه بفرستد تا از ادارات مربوطه و یا محکمه مالیه حکم لازم داده شود »

این بود خلاصه از اصول مهمه قانون تشکیلات وزارت مالیه که از ۱۵ جوزای ۱۲۹۴ تا ۲۰ عقر ۱۳۰۰ تاریخ تصویب ساده واحده معمول و مجری بوده است

V تشکیلات وزارت مالیه بموجب ماده واحده

از پیشنهاد ماده واحده مقصود مؤلف این نبود که قانون تشکیلات وزارت مالیه قطعاً نسخ شود بلکه منظور این بود که مدت سه ماه قانون مزبور موقوف الاجراء ماند تا اصلاحات منظوریه بموقع آزمایش در آمده اگر عمل هم بانظر تطبیق کرد لایحه تشکیلات جدید بمجلس پیشنهاد و در صورت تصویب آن قانون تشکیلات سابق نسخ گردد و چون بعد از نسخ قانون ۲۳ جوزا تازمانی که قانون تشکیلات وزارت مالیه تصویب شد مدت هشتاد روز یعنی از تاریخ ۲۶ حوت ۱۲۹۳ تا ۱۵ جوزای ۱۲۹۴ کمیسیونی مرکب از سه نفر بانتخاب مجلس در امور وزارت مالیه نظارت مینمود مولف هم نظر باین سابقه در موقع پیشنهاد لایحه قانونی ماده واحده لایحه دیگری پیشنهاد نمود مبنی بر اینکه در مدت جریان ماده واحده دو کمیسیون بانتخاب مجلس یکی در عایدات و دیگری در مخارج نظارت نمایند تا قانون تشکیلات جدید از مجلس بگذرد (۱)

«۱» بتاریخ ۲۵ میزان ۱۳۰۰

لایحه قانونی تشکیل کمیسیونهای نظارت جمع و خرج

ماده اول - در وزارت مالیه دو کمیسیون یکی بنام کمیسیون نظارت عایدات و دیگری بنام کمیسیون نظارت مخارج تشکیل میشود

ماده دوم - هر یک از دو کمیسیون مذکور در ماده قبل مرکب از سه عضو خواهد بود

ماده سوم - در وزارت مالیه دو برابر عده اعضاء دو کمیسیون فوق را از اشخاص صلاحیت دار بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید و از میان شش نفری که نسبت بسایرین حاضر اکثریت آراء شده اند صلاح دید خود سه نفر را برای عضویت کمیسیون نظارت عایدات و سه نفر را برای کمیسیون نظارت مخارج دعوت خواهد کرد و چنانچه بعضی

ولی کمیسیون قوانین مالیه بالا یحه مزبور موافقت ننموده و در خبریکه راجع به ماده واحده در تاریخ ۱۹ شهر صفر ۱۳۴۰ (۴ عقر ۱۳۰۰) بمجلس تقدیم چنین اظهار نمود :

« کمیسیون قوانین مالیه در روز جمعه ۱۹ صفر برای رسیدگی به دو لایحه قانونی که از طرف وزارت مالیه پیشنهاد شده بود منعقد شده و با حضور آقایان مشیرالدوله و مؤتمن الملک که در خوراست شده بود بطور فوق العاده بکمیسیون تشریف بیاورند و در مباحثات کمیسیون مشارکت فرمایند در لوایح مزبوره بحث نمود آقای وزیر مالیه نیز در کمیسیون تشریف داشتند .

مقدمتاً بملاحظه اینکه جلب متخصصین خارجی را هیئت محترم دولت جزء اصلاحات لازمه شمرده و در پروگرام خود پیشنهاد نموده است و با این پیشنهاد دولت هم کمیسیون قوانین مالیه کمال موافقت را دارد و با امید اینکه پس از گذشتن پروگرام دولت در این مقصود هر چه زودتر اقدام نموده و متخصصین مالیه را استخدام خواهد نمود در باب لوایح پیشنهاد شده با آقای وزیر مالیه بدین طریق توافق نظر حاصل نمود که ماده واحده بترتیب ذیل بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود

۱- از آنها از قبول عضویت کمیسیون ها معافیت بخوانند وزارت مالیه از میان سایر انتصاب شدگان بترتیب عده آراء بجای اعضاء مستعفی دعوت مینماید

ماده چهارم - مدت نظارت کمیسیون ها در موقعیکه لوایح قانونی وزارت مالیه از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد منقضی خواهد شد

ماده پنجم - حقوق اعضاء هر یک از دو کمیسیون بموجب پیشنهاد وزارت مالیه و تصویب مجلس شورای ملی تعیین و از تاریخ انعقاد کمیسیون برداشته خواهد شد

ماده ششم - مسوده کلیه احکام و حوالجات صادره از ادارات وزارت مالیه که در عایدات و مخارج مملکتی اثر فکمی داشته باشد باید بانفاق یا اکثریت آراء کمیسیون کتیباً تصدیق شده برای اعضاء وزارت مالیه ارسال گردد

ماده هفتم - حدود و اختیارات کمیسیونهای مزبور را وزیر مالیه تعیین خواهد نمود

ماده هشتم - وزیر مالیه مأمور اجرای مواد فوق است

لایحه قانونی فوق برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم میشود وزیر مالیه

اما در باب لایحه دیگر راجع بتشکیل دو کمیسیون نظارت در عایدات و مخارج نظر باینکه اختیار تشکیلات تازه وزارت مالیه مطابق ماده واحده ذیل بوزیر مالیه با شرایط معینه داده شده است و کمیسیونهای مزبوره نیز جزء تاسیسات تازه وزارت مالیه شمرده میشوند و تاسیس آنها منوط بنظر خود وزیر مالیه است لهذا کمیسیون با موافقت نظر آقای وزیر مالیه لایحه قانونی مزبور را غیر لازم میشمارد

ماده واحده - قوانین راجع بتشکیلات ادارات وزارت مالیه از تاریخ تصویب این قانون تا مدت سه ماه موقوف الاجراء شده و وزیر مالیه مجاز است که ادارات مربوطه بان قوانین را منحل کرده و اداراتی را که صلاح میداند تشکیل و قوانین مربوطه بان ادارات را که باید بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید بطور نظامنامه برای تجربه و آزمایش در ادارات وزارت مالیه بجریان انداخته و بعد از تجدید نظر آنها را بصورت لوایح قانونی بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید «

مخبر کمیسیون عبدالحسین

ماده واحده پیشنهادی کمیسیون را مجلس شورای ملی عینا تصویب نمود و مولف بموجب ماده مزبور لایحه قانونی که عینا در آخر این کتاب درج میشود برای تقدیم بمجلس تهیه و تشکیلات مذکوره در آن را برای آزمایش بجریان انداخت و جرح و تعدیلهای عمده که بر طبق پیشنهاد مولف در وظایف و اختیارات ادارات وزارت مالیه شده بود با شرح مرجمات و علل بیان میشود :

اولا - روساء ادارات بواسطه بی ثباتی دولتهای وقت که منجر به تغییر وزراء مالیه میشد و عبارته آخری بواسطه تغییر نظریات و تمایلات مقام ما فوق نمی توانستند انجام وظیفه نمایند چه غالبا خود را دستخوش اغراض میدیدند و برای حفظ مقام ناچار بودند بیا مطابق میل اشخاص رای داده و بیا بوسیله تشکیل کمیسیونها غیر مسئول از اشخاص موافق از باب رجوع رفع مسئولیت از خود

نمایند و کمیسیونهای غیر مسئول هم نه این بود که برای يك موضوع فقط بکمرتبه تشکیل یابد بلکه اگر رای کمیسیون با منظور اشخاص موافق نمیگشت بتقاضای آنها تشکیل کمیسیون از اشخاص موافق تکرار میشد تا نتیجه مطلوبه را حاصل نمایند

برای جلوگیری از این رویه یا بایست روساء ادارات مثل قضات عدلیه غیر انضال باشند و این عملی و با اصول و مقررات اداری سازگار نبود و یا اینکه بعد از رای اداره اشخاص دیگری که تغییرشان سهل نباشد اظهار عقیده نمایند اگر چه گاهی مدیر کل در وزارتخانه بود و کلیه احکام و مراسلات را قبل از امضای وزیر میبایستی تصدیق کند ولی شخص مزبور هم بواسطه کثرت کار نه میتوانست در امور دقت لازمه بکار برده و نه بواسطه همان محظوراتی که روسای ادارات داشتند میتوانست با رای ادارات که مبنای آن عقیده کمیسیونهای غیر مسئول بود مخالفت نماید

و نظر باینکه مراسلات وزارت مالیه عموما از سه نوع خارج نیست بیا مربوط عایدات و یا بمخارج و یا راجع بحسابات است مولف تشکیل سه کمیسیون دائمی و مسئول را که هر يك مرکب از سه نفر بان انتخاب وزیر باشد لازم دانست تا کلیه احکام و مراسلاتی که در عایدات و یا مخارج اثر قطعی داشت قبل از امضای وزیر مالیه بتصدیق کمیسیون عایدات و کمیسیون مخارج برسد « ماده ۱۳ پیشنهاد »

و همچنین مادام که دیوان محاسبات تشکیل نشده کلیه محاسبات صاحبان جمع پس از اینکه اداره محاسبات کل رسیدگی نمود با اسناد خرج بکمیسیون تفریع محاسبات ارجاع شود تا کمیسیون مزبور بعد از قضاوت اسناد خرج را باطل نموده مفاسد صاحبان جمع را صادر نماید « ماده ۱۴ پیشنهاد »

ممکن بود انتخاب اعضای کمیسیونهای ثلث بر عهده مجلس باشد تا مقامشان ثابت تر بشود ولی تجربه مفید نبودن این ترتیب را مدلل نموده بود زیرا
اعضاء کمیسیون تطبیق حوالجات منتخبین مجلس سیم گاهی بمقررات اداری وزارت
مالیه تمکین نکرده و کمیسیون را مؤسسه مستقلی میدانستند و در ایام فترت یعنی
بعد از انحلال مجلس سیم تا اوایل مجلس چهارم موقع تصویب ماده واحده مناسبات
متلوبه که لازمه پیشرفت امور است بین وزارت مالیه و کمیسیون برقرار نبود
ثانیا - اداره خزانه داری کل بدائره صندوق تبدیل گردید زیرا قسمتی

از وظایف مهمه اداره مزبور را ادارات دیگر عهده دار بودند

ثالثا - اداره محاکمات بدیوان محاکمات تبدیل شد و برطبق قانون تشکیلات
وظیفه اداره محاکمات فقط رسیدگی بتظلماتی بود که افراد مردم از تجاوزات
ادارات و مامورین مالیه مینمودند و حکم اداره مزبوره فقط جنبه حقوقی داشت
نه انتظامی و « رسیدگی بتقصیرات اداری رؤساء ادارات مالیه در مرکز و ولایات
و اعضاء محکمه مالیه بر عهده مجلس مشاوره عالی » بود که از رؤساء ادارات
مرکزی تحت ریاست وزیر مالیه یا معاون او تشکیل میشد و نظر باینکه صلاحیت
مجلس مشاوره عالی فقط محدود بتقصیرات اداری رؤساء ادارات بود و تشکیل
یکچنین مجلس هم با مشاغل کثیره رؤساء ادارات مرکزی و وزیر مالیه و با معاونش
مشکل و از زمان اجراء قانون تشکیلات بیش از چند مرتبه مجلس مزبور منعقد
نشده بود مؤلف لازم دانست که یک هیئت دائمی مسئول هم بتظلمات افراد از
تجاوزات ادارات مالیه و هم بتقصیرات اداری عموم رؤساء و اعضاء ادارات بنام
دیوان محاکمات رسیدگی نماید (۱)

« ۱ » از اول برج قوس ۱۳۰۰ تا ۱۷ برج دلو تخفوی لیل ۱۴۰۱ یعنی در مدت ۷۷ روز دیوان محاکمات
۱۹ فقره حکم راجع برسیدگی بتقصیرات اعضا وزارت مالیه « محاکمه اداری » و نظام افراد از تجاوزات مامورین
مالیه « محاکمه حقوقی » صادر و ۶۶ محاکمه هم حقوقی و اداری تحت رسیدگی و تعقیب مدعی العموم دیوان مزبور
واقع شده بود

VI IV تشکیلات وزارت مالیه بعد از تصویب قانون

استخدام د کتر میلسپو

مدت سه ماهه اعتبار ماده واحده در نتیجه استعفای کابینه باخر نرسید نظریات
واقدمات مؤلف خنثی و عقیم ماند و تا دخالت مستشاران امریکائی یعنی تا ۱۹ قوس ۱۳۰۱
متجاوز از یکسال تشکیلاتی که بموجب ماده واحده داده شده بود بدون تغییر
باقی بود و بعد د کتر میلسپو بموجب قانون مورخ ۴ اسد ۱۳۰۱ بعنوان ریاست کل
مالیه متصدی امور وزارت مالیه گردید

وظایف و اختیارات مهمه مشارالیه بموجب قانون مزبور از قرار است که
مواد ۴ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ تعیین میکند

ماده ۴ - « رئیس کل مالیه مسئول وزیر مالیه است و تمهد میکند در ایفاء
وظایف خود تمام تعلیمات قانونی مشارالیه را اطاعت کند در موقع ظهور اختلاف
بین وزیر مالیه و رئیس کل مالیه راجع بمسائلی که در حدود صلاحیت مشارالیه
است رئیس کل مالیه حق دارد نظریات خود را شفاهاً و کتباً بهیئت دولت
اظهار نماید »

ماده ۶ - « رئیس کل مالیه تحت تعلیمات قانونی و نظارت وزیر مالیه و با
مراعات اصول مسئولیت وزراء کیه امور مالیه ایران را عهده خواهد داشت مشارالیه
تحت هدایت قانونی و تصویب وزیر مالیه اختیار تام خواهد داشت که بودجه را
تهیه کرده تشکیلات وزارت مالیه و تمام شعب آن و ادارات دیگر دولتی را که
مستقیماً با جمع و محاسبه و پرداخت وجوه عمومی مربوط است اصلاح نماید دولت
ایران قبول میکند مطابق نظریات مشارالیه دایره تعیین و ترقی و تنزل و انتقال
و عزل مستخدمین وزارت مالیه و تمام شعب تابعه آن و همچنین مستخدمین ادارات

دیگر دولتی که مستقیماً با جمع و محاسبه و برداخت وجوه عمومی مربوط است رفتار نماید . دولت ایران قبل از آنکه راجع بکلیه مسائل مالی ایران اقدام و تصمیمی بکند با رئیس کل مالیه مشورت خواهد کرد و در هر مجلس با کمیسیونیه که مربوط به اداره مالیه یا مسائل مالی منعقد شود مشارالیه بعد از وزیر مالیه مقدم خواهد بود و در کمیسیون با مجلس بین المللی که راجع بامور مالیه تشکیل گردد بعد از وزیر مالیه مقام نمایندگی ایران را خواهد داشت . در باب امتیازات تجارته و صنعتی رئیس کل مالیه طرف شور بوده میتواند عقاید خود را کتباً یا شفاهاً بدولت اظهار نماید « (۱)

ماده ۷ - « رئیس کل مالیه برای ایجاد منابع عایدات تازه و افزودن حسن جریان ادارات یا شعب مختلفه از قبیل نظارت محاسبات و استعمال وجوه عمومی و صرفه جوئی در مخارج عمومی و بطور کلی بجهت مساعدت سعادت مالی و اقتصادی ایران لوایح قانونی برای تصویب بدولت ایران پیشنهاد خواهد کرد و بقدری که ممکن است در تزیید و توسیع و جلب و بکار انداختن سرمایه خارجی برای رفع بحران اقتصادی ایران از هر بابت منتهای کوشش را خواهد کرد »
ماده ۹ - « رئیس کل مالیه یا معاونینی که او معین نماید بتمام اسناد و دفاتر و احکام و فرامین و تمام کتب و دفاتر محاسبات راجع باداره مالیه ایران و بپر يك از شعب آن و راجع بجمع عایدات و محافظت و تادیه وجوه عمومی همه وقت دست رسی نا محدود خواهد داشت »

ماده ۱۱ - « تمام مستخدمین خارجه برای مالیه من بعد با تصویب رئیس کل مالیه اجیر و مسئول او خواهند بود »

ماده ۱۲ - « رئیس کل مالیه تعهد میکند از مداخله در امور مذهبی و

(۱) ماده ششم طریقی است که در ۲۴ اسد ۱۳۰۱ در مجلس اصلاح شده است

سیاسی و تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجه اجتناب نماید رئیس کل مالیه تعهد میکند در ضمن ایفاء وظایف خود در هر موقعی قانون ایران و اقتدارات قانونی Constitutional را کاملاً مراعات و احترام نماید »

ماده ۱۳ - « رئیس کل مالیه متعهد است ایرانیان را تجریبات عملی در شعب مختلفه مالیه واداشته تربیت نماید و هر کدام تجریبات و عملیات لازمه را تکمیل کرده شایستگی حاصل نمودند بر خارجه بر تری و رجحان دهد تا بتدریج مشاغل مهمه در ادارات با ایرانیان سپرده شود مگر اینکه رجحان آنها صریحاً با صرفه جوئی و حسن اداره مالیه منافی باشد »

رئیس کل مالیه بموجب حتی که ماده ششم قانون استخدام باو میدادتشکیلات وزارت مالیه را جرح و تعدیل نمود و ما فقط بذکر اداره خزانه داری کل که مهمترین قسمت تشکیلات اخیره و بموجب قانون (۱) ۵ حوت ۱۳۰۱ بر قرار شده و شرح اصول وظایف آن اکتفا میکنیم

(۱) دریافت و تمرکز کلیه عایدات تقدی و جنسی دولت « ماده ۳ »
(۲) تادیه حوالجات بموجب ورقه درخواست مصدق در حدود اعتبارات مصوبه ماده « ۴ »

(۳) تمرکز محاسبات جمع و خرج عواید مملکتی از تقد و جنس « ماده ۶ »
این بود خلاصه از تشکیلات وزارت مالیه قبل از مشروطیت که در فصل پنجم . و بعد از مشروطیت و سیر تاریخی آنها که در این فصل بیان شد حال باید دانست تشکیلات وزارت مزبوره بودجه مصوبه را بجه ترتیب اجراء یعنی چگونه عایدات را وصول و مخارج را تادیه مینماید ما این دو مطلب و سایر مطالبی را که فهم آنها برای اجراء بودجه ضروریست در فصول بعد مفصلاً بیان مینمائیم

(۱) ماده دهم این قانون میگوید : « کلیه قوانین و نظامنامهها و احکام راجعه به تشکیلات مالیه که تا کنون وجود

داشته است و مخالف این قانون باشد ازین بعد ملغی است »
نسخ نظامنامه ر احکامیکه مجلس تصویب کننده آنها نیست توسط مجلس جزئیات جدید و بدیژی است که هر نظامنامه و حکمی که مخالف قانون باشد موضوع ندارد

فصل پانزدهم

در وصول و مرکزیت عایدات

دروصول مالیات مستقیم

I

(۱) مامورین وصول و جزو جمع و فهرست مکلفین بموجب ماده (۶۸) قانون تشکیلات وزارت مالیه رؤسا و مامورین وصول در ایالات به پیشکار مالیه و در ولایات بامین مالیه موسومند یعنی ماموریکه در مرکز هر ایالت است پیشکار مالیه و مامورین ولایات جزو ایالت یا ولایتی را که مستقل بوده و تابع یک ایالتی نباشند امین مالیه گویند و سر تحصیلداران مالیه تحت ریاست طبقه اخیر و وظیفه آنها این است (۱) که مالیاتهای مستقیم را مطابق جزو جمع وصول ووجه آن را بآباداره مالیه پرداخته و یا بحواله کرد اداره مزبوره کارسازی نمایند (۲)

و جزو جمع در عهد قدیم افرادی بود که در آن اسامی دهات هر بلوک و مالیات آنها از تقد و جنس بدون ذکر اسم مالک و رعایت ترتیب حروف تهجی در ذیل همان بلوک و هر بلوکی تحت ولایت متبوعه و چنانچه جزو جمع

(۱) ماده ۲ ن م م : « وصول مالیات بتوسط سر تحصیلدار بر عهده امتاء مالیه است »

(۲) « امین مالیه نیز میتواند شخصاً وظیفه سر تحصیلداری را بر عهده گیرد در اینصورت مطابق ماده دهم ن م م :

« نوشتجات و دفاتر مربوط بدو شغل را بایستی یکی از یکدیگر مجزا نماید »

راجع بیک ایالتی بود تمام ولایات جزو ایالت مربوطه نوشته میشد ولی اکنون بر طبق ماده اول نظامنامه مالیات مستقیم مورخ سرطان ۱۳۰۲ : « جزو جمع دفترست که قرار یک بلوک بترتیب حروف تهجی در آن نوشته اسم مالک سهم ملک و میزان مالیات نیز در آن تعیین میشود » و این همان طریقه نیست که سالهای دراز در ممالک اروپا معمول بوده و مزیتش بر رویه قدیم ایران روشن است

و غیر از جزو جمع کتاب دیگری برای تشخیص بدهی هر مالیات دهنده هست که در آن کل تقد و جنسی که تحصیلدار باید از یک نفر مطالبه کند معلوم است که کتاب مزبور را فهرست مکلفین گویند و ماده ۲۸ ن م م آنرا چنین تعریف میکند « فهرست مکلفین عبارت است از دفتری که اسامی مؤدیان مالیاتی یک بلوک بترتیب حروف تهجی در آن نوشته شده و در مقابل اسامی مذکور میزان مالیات برای هر یک ذکر شود و چنانچه یک مالک در قراء مختلفه مالیات بده باشد بدهی او بابت هر قریه در سطر علیحده نوشته میشود بطوریکه جمع سطور مذکور تمام بدهی یک مودی را نشان میدهد »

و نیز بقایای هر مودی بر طبق ماده ۲۹ ن م م که میگوید : « در فهرست مکلفین پس از آنکه بدهی مودی از بابت سنه جاریه تعیین و در ذیل میزان آن بسته شد بقایای مودی از بابت هر سنه علیحده بر آن اضافه و جمع میشود » از کتاب مزبور معلوم می شود

و « تحصیلداران باید فهرست مکلفین را در آخر سال نزد امین مالیه عودت دهند که تقیضات و رسیدگی لازم نموده ضبط نماید » ماده ۳۳ ن م م

(۲) مقررات راجعه بوصول

مقررات راجعه بوصول از مواد نظامنامه مالیات مستقیم که ذیلا نقل شده مستفاد میگردد

ماده ۳۶ « وصول مالیات تقدی در اول برج ثور شروع و تا آخر برج

قوس باید خاتمه یافته باشد امانت مالیه میزان وعده و موعد اقساط را با رعایت مقتضیات محلی تعیین و بوزارت مالیه اطلاع خواهند داد «
 و « یکماه قبل از تاریخ پرداخت قسط اول اخطارنامه بامضای امین مالیه (۱) بعنوان عموم مؤدیان مالیاتی فرستاده میشود که شامل اطلاعات ذیل باشد :
 (۱) موعد اقساط (۲) معرفی و تعیین محل اقامت سر تحصیلدار (۳) نمره فهرست مکلفین (۴) صورت نقد و جنس بدهی مؤدی « ماده ۳۷ ن م م
 و مؤدیان مالیاتی مکلفند از تاریخی که برای تادیه قسط معین شده است تا مدت یکماه مالیات تقدی خود را در محل اقامت سر تحصیلدار تادیه نموده قبض در یافت دارند
 « چنانچه مؤدی کتبا استمهال نماید سر تحصیلدار در مقابل عذر موجه می تواند تا پانزده روز مهلت بدهد « ماده ۳۹ ن م م
 و همچنین مؤدی میتواند اگر اعتراض دارد بنماید و در صورتیکه اعتراض او موجه باشد سر تحصیلدار میتواند تحصیلدار را احضار و مطالب را بامین مالیه راپورت کرده و مشارالیه نیز بمرکز اطلاع داده کسب تکلیف نماید « ۴۰ ن م م
 و « در مواردیکه ملک بدیگری انتقال یافته و متصرف قدیم از ادای مالیات استنکاف ورزد متصرف جدید ملک باید از عهده آن برآید « ۵۳ ن م م
 « سر تحصیلدار در مقابل هر وجهی که در یافت میدارد باید فوراً قبض دائمی آنرا نوشته بمودی تسلیم نماید و قبل از وصول وجه در هیچ مورد نمیتواند

« ۱ » در فرانسه خود سر تحصیلدار بمودیان مالیاتی هر قریه اطلاع میدهد که در چه روز در آن قریه برای وصول مالیات حاضر خواهد شد و در روز مزبور بآدارة گنجدائی آمده مالیات دهندگان در اداره مزبوره حاضر شده مالیات خود را ادا نمایند و برای مخارج وصول از مالیات دهندگان صدی پنج اضافه اخذ میشود که صدی دو از آن حق الزحمه سر تحصیلدار است و این اضافه در بودجه جزو عایدات نوشته میشود و اعتباری هم معادل مخارج وصول جزو مخارج منظور میگردد

قبض صادر نماید « (۱)

ماده - ۹۹ « قبوض مالیاتی برای مصرف مالیات مستقیم کل مملکت عبارت خواهد بود از يك سوش و يك المثنی سوش و يك قبضی که هر سه دارای نمره واحد بوده و بامهر اداره خزانه داری کل مهور شده باشد بطرقی که نصف مهر روی سوش دوم و نصف دیگر روی قبض واقع باشد «
 ماده - ۱۰۰ « سر تحصیلداران المثنی سوش قبوض را باید در آخر هرماه بضمیمه صورت حساب ماهیانه ترد امین مالیه بفرستند که بضمیمه صورت حساب بمرکز ارسال دارد «
 ماده - ۲۲ « امانت مالیه مکلفند از صور احصائیه و صورت حساب های سر تحصیلداران پس از رسیدگی در آخر هر برج صورت خلاصه ترتیب داده خلاصه مزبور را بضمیمه يك نسخه از صورت حساب سر تحصیلدار بمرکز ارسال دارند «
 ماده - ۳۴ و نیز مکلفند که « در آخر هر شش ماه صورت بقایا را با ذکر علل عدم وصول بمرکز ارسال دارند «
 ماده - ۲۰ همچنین « امانت مالیه مکلفند لاقبل سالی دومرتبه عده از مؤدیان مالیاتی را دعوت نمایند که قبوض مالیاتی خود را ارائه دهند تا از نمره و تاریخ و مبلغ مندرجه در قبوض ثبت بر داشته با سوشها و فهرستهای مکلفین تطبیق نمایند و چنانچه این تفتیش بتوسط مفتشین بعمل آمده باشد امانت مالیه محتاج به تکرار آن نخواهند بود

« ۱ » در فرانسه برای رعایت حال مودیان مالیاتی از ۲۵ ژوئن ۱۹۱۱ بانها حق داده شده است مالیات خود را بآدارة پست کارسازی و قبض اداره مزبور را Mandat contribution برای سر تحصیلدار ارسال نمایند « ۲ » در فرانسه از ۱۸۸۳ طریق تفتیش این بود که مالیات بده در موقع تادیه مالیات قبض میگرفت که دارای ضمیمه بود Recépissé à talon

ماده - ۶۰ ن م م « سر تحصیلداران باید عایدات را باسرع وسائل ممکنه بامین مالیه تحویل داده قبض کل دریافت دارند (۱) حد اکثر وجوه و مدتی را که می‌توانند از عایدات نزد خود نگاه دارند برای هر بلوک بتوسط امین مالیه معین خواهد شد »

ماده - ۶۵ ن م م « مالیات قراء خرده مالک را سر تحصیلدار میتوانند توسط مباشر مالیات وصول نمایند »

ماده - ۶۶ « تعیین مباشر بانتخاب مؤدیان وتصویب سر تحصیلدار است »

ماده - ۷۱ « انتخاب مباشر توسط مؤدیان برای یکسال تمام و تا ۱۵ حمل انتخاب شده و تا آخر سال حق انفصال او را ندارند مگر باتصدیق سر تحصیلدار در صورت مشاهده خلاف سر تحصیلدار می‌تواند با اجازه امین مالیه مباشر را منفصل و انتخاب مباشر جدیدی را از مؤدیان تقاضا کند »

ماده - ۷۲ « سر تحصیلداران و مفتشین مالیه می‌توانند عملیات مباشر را نفیش نمایند و مؤدیان مکلفند قبوض مالیاتی خود را به تقاضای سر تحصیلدار ارائه دهند »

(۳) در تادیه مالیات جنسی

ماده - ۷۸ « مؤدیان مالیات جنسی مسئول حفظ و نگاهداری جنس بدهی

مؤدی مزبور باید قبض مزبورا در اداره مرکزی ایالت ویا در ادارات تابعه آن که در محل اقامت او بود ارائه نموده تا اداره مربوطه ضمیمه را از قبض جدا کرده بعد از ثبت اداره مرکزی وزارت مالیه ارسال نماید و نظر اینکه محل اقامت مؤدیان از اداراتی که مذکور شد دور و برای مؤدیان باعث زحمت بود که در یک اداره وجه مالیاترا پرداخته و در اداره دیگری برای تقشیش و تجزیه قبض را ارائه نمایند در ۱۸۹۶ این طریق در ایالات موقوف شده و فقط در پارس که صندوق مرکزی و تقشیش مرکزی در آنجاست برقرار است

« ۱ » در قرانسه هم سر تحصیلدار وجوه وصولی را نزد خود نگاه میدارد و هر ده روز یکمرتبه صندوق مامور مافوق ارسال مینماید

خودشان خواهند بود تا از آنها مطالبه شود «

ماده - ۷۹ ن م م « در صورتیکه حمل جنس با مؤدی باشد بموجب اخطار سر تحصیلدار باید جنس بدهی خود را حمل بانباریکه در اخطار نامه مذکور در ماده ۳۷ تعیین شده است تحویل کرده قبض دریافت دارد سند مؤدی برای تادیه جنس اخطار نامه سر تحصیلدار و قبض انبار است که توأمآ سندت خواهد داشت »

ماده - ۸۱ ن م م « در صورتیکه حمل جنس بمعهده دولت باشد اخطار نامه مذکوره در ماده ۷۹ توسط مکاری مامور حمل فرستاده میشود در اینصورت خود مؤدی باید یک نفر از طرف او همراه جنس رفته تحویل نموده قبض دریافت میدارند »

ماده - ۸۰ ن م م « سر تحصیلدار از قرار صورتی که انبار دار از اجناس وارده باقید نمره و قبض و تاریخ ورود ذر آخر هر هفته برای او میفرستد از اجناسی که مؤدیان تحویل نموده اند مطلع شده باید بفاصله یک هفته قبض آنرا صادر کرده توسط تحصیلدار نزد مؤدی فرستاده باقبض انبار مبادله نمایند »

(۴) آفت و تخفیف

ماده - ۸۵ ن م م « در موقع بروز و ظهور آفت مؤدیان مکلف هستند بلافاصله سر تحصیلدار کتبا اطلاع داده نوع آفت و میزان خسارت وارده را نسبت به محصول یا عایدات ملک اطلاع دهند سر تحصیلدار فوراً مراتب را کتبا بامین مالیه اطلاع خواهد داد »

ماده - ۸۶ ن م م « امین مالیه هیئتی مرکب از سه نفر که دو نفر آنها از اعضاء اداره و یک نفر خبره باشد تشکیل داده برای تحقیقات محلی اعزام خواهد داشت هیئت مزبوره کسر محصول یا عایداترا نسبت بسنوات متوسطه معلوم نموده راپورت آنرا با شرح واقعه بامین مالیه خواهند داد »

ماده - ۸۷ ن م م « امین مالیه سواد راپورت هیئت مزبور در ماده فوق رابانظر به و

پیشنهادات خود بمرکز برای تصویب ارسال مینماید»

ماده- ۹۱ ن م م و همچنین «در موقع اغتشاش و غارت امین مالیه در تعقیب استنکاف مودی راپورت واقعه و صورت خسارت را بمرکز فرستاده کسب تکلیف مینماید»

(۵) در طریقه وصول طلب دولت

مواد نظامنامه مالیات مستقیم که عینا نقل میشود طریقه اقدام مامورین را برای وصول مالیات معین میکند:

ماده - ۴۳ ن م م «برای وصول مالیات از مستنکف سر تحصیلداران باجرا و وسایل ذیل مبادرت و در صورت لزوم اعمال قوا خواهند نمود

- (۱) الزام مباشر یا مستاجر و یا کدخدای مؤدی در پرداخت
- (۲) توقیف و ضبط محصول
- (۳) ضبط و حمل و فروش اموال منقول متعلق بمؤدی مستنکف
- (۴) توقیف و ضبط و فروش ملک متعلق بمودی مستنکف

و «مودیان که در موعد معینه در اظهاریه مذکوره در ماده ۳۷ مالیات تقدی خود را در محل اقامت بسر تحصیلدار تحویل ننموده یا اعتراضات موجه خود را موافق مواد ۳۹ و ۴۰ کتبا اظهار نکرده باشند باید بمخارج مامورین و نظامیان را بقرار ذیل از عهده بر آیند:

منزل و خوراک و بالا پوش و چراغ و آتش و اصطبل و علیق مال در مدت توقف مامورین و نظامیان» ماده ۹۳ ن م م و «مستنکفین که وصول مالیات آنها بوسیله اعمال قوه بر طبق ماده ۴۳ بعمل میاید علاوه بر مخارج مذکوره در ماده فوق باید عهده در صدبدهی خود را تقدا و جنسا اضافه بر مالیات از عهده بر آیند»

بدیهی است که مواد فوق وقتی لازم الاجرا است که اداره مربوطه بدهی مؤدی مالیات را تشخیص داده و اگر اختلافی بین دولت و مؤدی مالیات است رفع شده و طلب مسلم دولت معلوم باشد

II وصول مالیاتهای غیر مستقیم

در وصول مالیاتهای مستقیم و مالیاتهای غیر مستقیم فرق این است که مالیاتهای مستقیم را يك اداره تشخیص میدهد و اداره دیگر وصول می نماید برای اینکه دهندگان مالیات مستقیم اشخاص معلوم ومعینی هستند از قبیل ملاک و صاحبان عایدات و شاعلین مشاغل آزاد (۱) که هر گاه در تشخیص و مطالبه مالیات تاخیر شود اگر چه ممکن است در پاره موارد مضر باشد ولی بطور کلی مالیات از بین نرفته مامورین وصول مودیان را تحت تعقیب در آورده طلب دولت را وصول می نمایند و بهمین ملاحظه هم در بعضی از ممالک من جمله در فرانسه مامورین متصدی وصول مالیاتهای مستقیم ملتزم و متعهد میشوند «۲» که کل مالیات را مطابق جزو جمع وصول کرده تادیه نمایند «۳» و مبلغ الاصولی فقط محدود بمواردیست که اداره مربوطه رسیدگی و تصدیق نماید که لم یصل ماندن مالیات عند موجه قانونی داشته و ضرر دولت نباید دامن گیر مامور وصول گردد در صورتیکه بار مالیاتهای غیر مستقیم بدوش اشخاص غیر معلوم و مالیات از متصرف جنس اخذ میشود و بگانه چیزی که باعث تامین حقوق دولت است سرعت و از دست ندادن موقع است بنا بر این ممکن نیست که تشخیص مالیات را بعهده يك اداره و وصول آنرا بعهده اداره دیگر محول کرد چه مجال و فرصتی برای تجزیه نیست

(۱) از قبیل وکلای عدلیه و اطباء

(۲) ملاحظه شود فصل مقدم

(۳) قبل از مشروطیت هم حکام تنسک میسرند که مالیاتهای حوزه ماموریت خودشانرا وصول و بپردازند

و همان اداره که تشخیص مالیاترا میدهد باید بوصول آن نیز اقدام نماید و چون ممکن است که گاه مودی مالیات نتواند تمام مالیاترا مره واحده ادا کند قاعده کلیه تسریع در وصول مالیات استثنائی بر میدارد و آن معاشات مامور وصول بامودیان است تا اینکه بتوانند دین خودرا ادا نمایند باین معنی که قبلا تشخیص مالیات داده *droit constaté* و بعد که بتدریج متصرف اشیاء خود را فروخت مالیات از او دریافت می شود و این معاشات در مالیاتهای گزاف ضروریست زیرا تادیه معادل پنجاه در صد از قیمت جنس بعنوان مالیات برای مودی شاق و دشوار و دولت ناچار از مداراست تا از فروش مال تجاره قرض خودرا ادا نماید درمدارا و معاشاتی که میشود باید احتمال ضرر نباشد والا مسئولیت متوجه مامورین خواهد بود بطور خلاصه مالیاتهای غیر مستقیم بدو طریق وصول میشود تقد و تنسیه *Droit au comptant و droit constaté* و در صورت اخیر مامور وصول باید معاشات را برطبق مقررات نظامنامه مخصوص معمول دارد و چنانچه از مدارا ضرری بدولت متوجه شد بی تقصیری خودرا ثابت والا آنرا شخصا جبران نماید

III مرکزیت عایدات

مرکزیت بر دو قسم است مادی و حسابی مرکزیت مادی آنست که تمام عایدات ممالکتی از هر نقطه بیک سو متوجه و مجموع عایدات در یک نقطه جمع شود مثل اینکه در بعضی از ممالک که بین بانکها و دولت قرار داد هست و بانک از دولت نه فرع میگیرد و نه صرف برات کلیه عایدات تحویل بانک میشود و

بعد هر قدر برای مخارج دولتی وجه لازم باشد از بانک دریافت میشود در صورتیکه مرکزیت حسابی آنست که حساب عایداتی که در ادارات نقاط مختلفه است در یک محل مرکزیت یافته و در نقطه مزبور کل وجوه عایدی و کل وجوه پرداختی معین و معلوم باشد

و در موقعی که بین دولت و بانک قرار داد نیست مرکزیت مادی نه این است که اگر بواسطه برات تجارتنی است باید مبلغی صرف برات و چنانچه بوسیله حمل پول باشد باید مبلغی کرایه و بیمه داد (۱) بلکه حمل و نقل عین وجه از حیث کسر و پول قلب و شکسته و سائیده نیز اشکالاتی تولید میکند که حتی المقدور از نقل مادی باید احتراز شده «۲» و در صورت لزوم هم اگر صرف برات بیش از کرایه نقل وجه و بیمه نیست بواسطه برات تجارتنی و چک انجام داد «۱» در فرانسه بر حسب حکم وزارتی مورخ اول ماه پلوویوز سال هشتم جمهوری ۱۷۹۶ میلادی چنین مقرر شد که کل عایدات ماده در پاریس جمع آوری شود نظر باشک مرکزیت مادی سهل بوده و بر فرض عدم مخاطره و محافظت از سرعت انتقال وجه از محلی بمحل دیگر موجب خرج زیاد میگردد تصویب نامه ۱۶ ژوئیه ۱۸۰۶ نسخ مرکزیت مادی را اعلان و مرکزیت حسابی را جای نشین آن کرد و در فرانسه فعلا مرکزیت عایدات بطریق ذیل اجرا می گردد

۱- مراد از بیمه وجهی است که شرکتهای مخصوص گرفته و متعهد میشوند که اگر در نقل وجوه ترقی شد از عهده بر آید

۲- قمره سیم از ماده «۳۶» لایحه که مولف برای تقدیم به مجلس تهیه نموده بود در اصول و وظایف ادارات مالیه چنین گوید: پرداخت مخارج مطابق بودجه مصوب و حواله مرکز و ارسال فاضل عایدات با اطلاع اداره کل مطابقت بدائرة صندوق

« الف » سر تحصیلداران « ۱ » Recepteurs همه روزه صورت حساب خود را نزد امین مالیه Receveur des Finances میفرستند
 « ب » امین مالیه نیز هر ده روز یکمرتبه صورت حساب خود را برای پیشکار مالیه Tresorier payeur général ارسال میدارد
 و چون در صورت حساب مزبور کلیه وجوه وصولی و وجوه پرداختی معلوم است « ۲ » هرگاه در عایدات مازادی باشد معلوم میشود
 « ج » پیشکار مالیه هم لافل در ماه یکمرتبه از وضعیت صندوق خود اداره محاسبات کل و اداره نقل و وجوه عمومی Direction du mouvement général des fonds را مطلع و مستحضر مینماید
 « د » خزانه دار مرکزی نیز هر روز یکمرتبه صورت حساب خود را با اداره نقل و وجوه عمومی ارسال مینماید
 بنا بر این اداره نقل و وجوه هر وقت بخواهد میتواند از موجودی صندوق های کل مملکت مطلع شده تادیه وجوهی را که وزراء از بابت بودجه ماهیانه خود حواله میدهند Distribution mensuelle des fonds تنظیم نماید
 اداره اخیر الذکر تمام اوراق درخواست « حوالجات وزراء » را قبل از امضای وزیر مالیه با اعتبارات مصوبه تطبیق و تصدیق و بر طبق اوراق مزبور بخزانه داران ایالتی حواله صادر میکند و چون از موجودی کلیه صندوقها آگاه است هرگاه در محلی برای تادیه حواله وجه نباشد از صندوقهای دیگر و یا از بانک برای آن محل کمک خرج تهیه می نماید

« ۱ » سر تحصیلدار و امین مالیه و پیشکار مالیه ترجمه حقیقی لغات فرانسه نیست و ما برای فهم قارئین مامورین فرانسه را با درجانی که در وزارت مالیه ایران است تطبیق نموده ایم
 « ۲ » چون امانه مالیه ثبت اسناد و کمرک و مالیاتهای غیر مستقیم و بست و تلگراف مخارج اداری و مخارج بهره برداری را بر حسب حواله مرکز میبردارند لذا محاسبات آن ها در پاریس مرکزیت داده میشود و چنانچه مازاد عایداتی داشته باشند به پیشکاران مالیه داده و در حسابی که بمرکز میفرستند بخرج میگذارند



پیشکار مالیه نیز بمرکز از صندوقهای تحت اداره خود که وجهی موجود دارد حواله میدهد و میتواند در صورت نبودن وجه از یکی از پیشکاران مالیه مجاور وجهی که لازم است دریافت و حواله نماید که خزانه مرکزی در وجه او کارسازی دارد در این صورت پیشکار مالیه طلبکار حواله را بمرکز ارسال و وجهی که بهمقطار خود قرض داده در حساب خود بعنوان ارسالی بخرج میگذارد
 معدنك خزانه مرکزی از نقل مادی مستغنی نیست و گاه لازم میشود که بوسائل دیگری از قبیل خرید بروات تجاری برای ممالک خارجه و حواله بیانك فرانسه که با دولت طرف محاسبه جاری است متوسل شود چه بانک مزبور در مملکت فرانسه دارای ۱۸۰ شعبه و متعدد است بدون صرف برات در هر نقطه از مملکت حوالجات دولت را تادیه نماید و این تعهد بنفع طرفین است زیرا مازادی که کلیه صندوقهای دولتی اعم از مادون و مافوق از مخارج دارند در هر محل تسلیم شعب بانک میشود مثلاً سر تحصیلداران لازم نیست مازاد خود را بمأمور مافوق خود دهند تا او تحویل بانک نماید بلکه هر يك مستقیماً وجوه موجودی خود را شعبه بانک فرانسه بحساب خزانه عمومی تسلیم و در حساب ارسالی برای مافوق خود آن وجوه را بخرج مینویسند و پیشکاران مالیه در حساب خود کلیه وجوهی را که بوسیله مأمورین جزء به بانک رسیده مثل وجوه ارسالی بمرکز بخرج می آورند

و بانک کلیه وجوهی که در تمام نقاط مملکت از مأمورین وزارت مالیه دریافت نموده یا اعتبار اداره نقل و وجوه عمومی میگذارد اداره مزبوره هم در هر محلی که وجه لازم شود « ۱ » بوسیله بانک میرساند لذا مازاد از مخارج هیچ وقت بدون فائده در صندوقها نماند و بانک از آن منتفع شده و در هر يك از نقاط

« ۱ » در فرانسه بموجب نظامنامههای اداری پیشکاران مالیه میترانند تادیه حوالجات مستقیم را ده روز و تادیه حوالجات غیر مستقیم را بنحویز از تاریخ صدور بتأخیر اندازند و این استعمال برای این است که اگر در صندوق ابوا بجمعی خود وجهی نداشته باشد ارسال آنرا از مرکز درخواست نمایند



مملکت هم که دولت محتاج بوجه شود بموجب حواله اداره نقل وجوهای
تادیه می نماید
« ۲ » در تریک برخلاف فرانسه که مازاد از مخارج تحویل بانک میشود کلیه عایدات
دولت ببانک میرسد و کلیه مخارج هم بتوسط بانک تادیه میشود و نظیر باینکه بانک
مزبور از حساب جاری با دولت و طبع اسکناس بهره مند است خدمت مزبور را
هم مجاناً و بلا عوض انجام میدهد
« ۳ » در انگلستان هم طریقه باریک معمول است یعنی بانک کلیه عایدات را
تحویل گرفته و کلیه مخارج را تادیه مینماید با این فرق که باستثنای تادیه بعضی
از مخارج « ۱ » مأمور تادیه حوالجات Paymaster général یکی است و محل
او در لندن میباشد و حواله داران وجه را عاده در مرکز و در ولایات بواسطه
بانکهائی که طرف حسابند وصول مینمایند « ۲ »
« ۴ » در ایران - ماده سیزدهم ق تویکی از اصول وظایف خزانه داری
کل را « جمع آوری و تمرکز عایدات نقدی و جنسی دولت » تعیین نموده است
و ماده سیم ق ت خ نیز چنین گوید: « خزانه داری کل مأمور دریافت
و تمرکز کلیه عایدات نقدی و جنسی دولت و جمع آوری عواید کلیه مأمورین
صاحب جمع و کلیه وجوهی که بموجب قرار داد و امتیازات باید بدولت برسد
خواهد بود »
و ماده ۶۵ - نهم هم میگوید: « سر تحصیلداران باید عایدات را باسرع

« ۱ » در انگلستان بعضی مخارج از قبیل اقساط قروض دولتی را شعب بانک انگلیس در نقاط مختلفه مملکت
تادیه مینمایند و هرگاه مأمور تادیه حوالجات از بابت بودجه وزارت جنگ و وزارت بحریه و غیره طور مساعد و جوی
دهد تادیه این قبیل وجوه هم ممکن است غیر از لندن در سایر نقاط مملکت بعمل آید
« ۲ » ملاحظه شود فصل شانزدهم راجع به تطبیق حوالجات در انگلیس

وسایل ممکنه بامین مالیه تحویل داده قبضه کل در یافت دارند حد اکثر وجوه
و مدتی را که میتوانند از عایدات تزد خود نگاهدارند برای هر بلوک بتوسط
امین مالیه معین خواهد شد »

و متحد المال نمره ۳۶۱۱ مورخ ششم ثور تنگوزئیل ۱۳۰۲ وزارت مالیه
نیز از اینقرار است :

- (۱) : « بموجب مقررات ماده ۳ قانون خزانه داری کل مورخه پنجم حوت
۱۳۰۱ خزانه داری کل عهده دار دریافت و تمرکز تمام عایدات دولتی است »
(۲) : « بنا بر این کلیه ادارات و دوائر صاحب جمع و کلیه مأمورین و مباشرین
رسمی و اشخاص دیگر که متصدی نگاهداری و وصول و بادر یافت وجوه دولتی
و همچنین وجوه ودیعه می باشند مکلفند بفوریت تمام موجودی خود را سوای
آنچه از تاریخ ۱۳ حوت به بعد بموجب در خواست مصوب توسط خزانه داری
کل بانها تادیه شده است بحساب خزانه داری کل در بانک شاهنشاهی بپردازند
و آنچه را هم در آنیه بحیطه وصول آورند باید فوراً بطریق فوق الذکر ببانک
کارسازی دارند »
(۳) : « کلیه عایدات دولتی و وجوه و دیعه که در ولایات دریافت
و یا وصول میشود باید بشعبه بانک شاهنشاهی همان محل بحساب خزانه داری کل
تادیه و هرگاه در محل مزبور شعبه بانک شاهنشاهی نباشد باید بوسیله برات مستقیماً
بخزانه داری کل ارسال شود »

فصل شانزدهم - در تادیه مخارج

تادیه مخارج دولتی بوسیله حوالجات است و برای اینکه دائنین دولت بطاب خود رسند اول باید طلب آنها مشخص و حواله صادر و پس از طی مراحل در یکی از صندوقهای دولتی تادیه شود و ما هر يك از مراحل مزبوره را در قسمت های مختلفه بتفصیل بیان مینمائیم :

۱ تجزیه مشاغل حواله دهندگان و تادیه کنندگان

اگر در عایدات تجزیه مشاغل تشخیص دهندگان مالیات و وصول کنندگان آن قاعده کلیه نیست و معمولاً در مالیاتهای غیر مستقیم مأمور تشخیص و وصول یکی است در تشخیص قرض دولت و تادیه آن قاعده مزبوره مطابق است یعنی مأمور تشخیص دهنده و حواله کننده قرض از مأمور تادیه کننده جدا و دلایل این تجزیه هم از قراری است که ذیلا بیان مینمائیم :

(۱) در ممالکی که تادیه کنندگان مسئول تفتیش حوالجات صادره اند چنانچه تجاوز از اعتبارات مصوبه یا خلاف قانون دیگری در صدور حواله ملاحظه کنند اعتراض مینمایند در صورتیکه در ارجاع این دو شغل بشخص یا اداره واحد این استفاده ممکن نیست (۲) تجزیه این دو شغل سبب میشود که در موقع تفتیش مخارج دفتر درخواست کننده و دفتر تادیه کننده هر دو یکدیگر را نظارت نمایند

(۳) هر گاه درخواست کننده حواله و تادیه کننده وجهیکی بود وزیر مالیه نمیتوانست مقررات بودجه را کاملاً اجراء نماید زیرا هر وزیر قانونا حق دارد از اعتبار وزارتخانه خود ورقه درخواست یا حواله صادر کند و چنانچه تادیه کننده هم همان وزیر بود تفتیش و مسئولیت وزارت مالیه در مراقبت عدم تجاوز از اعتبارات مصوبه بيمورد بود

II حواله کنندگان درجه اول و درجه دویم

هر گاه تمام حوالجات بامضاء وزیر برسد ممکن است از بطوی که در صدور حواله حاصل میشود در قسمت مخارج فوری دولت متضرر کردد و امضاء وزیر که علت آن نفع دولت است نباید موجب ضرر باشد مثلاً هر گاه در امور اقتصادی و فلاحی تادیه هر گونه مخارج محتاج بحواله وزیر باشد تاخیر سبب میشود که موقع اقدام گذشته ضررهای جبران نا پذیر متوجه دولت شود این است که در تمام ممالک لازم نیست تمام حوالجات را وزیر مالیه امضاء کند بلکه قسمتی را خود وزیر و قسمت دیگر را از بابت وجوبی که وزیر با اختیار رؤساء ادارات و مدیران دوائر میگذارد اشخاص مزبور حواله صادر مینمایند تا باینوسیله بطوی در جریان امور حاصل نشده و حوالجات در موقع خود صادر و منافع دولت محفوظ شده باشد و وزیر مالیه یا قائم مقام او مثل معاون و کفیل را حواله کننده درجه اول و اشخاصی را که از اعتبار حواله میدهند حواله کنندگان درجه دویم گویند و ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی حواله را چنین تعریف میکند: «حواله

سندی است که بموجب آن داین باید طاب تشخیص شده خود را دریافت نمایند حواله وزراء بر دو قسم است حواله مستقیم و حواله اعتباری حواله مستقیم است که خود وزراء بلا واسطه در وجه يك یا چندین طلبکار دولت صادر میکنند

حواله اعتباری سندیست که بموجب آن وزراء باشخاصی که حواله کنندگان درجه دویم نامیده میشوند از قبیل حکام یا مامورین مخصوص اجازه میدهند تا مبلغ معینی در حق طلبکاران دولت حواله صادر نمایند این حوالجات اخیر را حوالجات ابلاغی مینامند بنا بر تعریف فوق حوالجاتی که وزیر امضاء میکند بر دو قسم است حواله مستقیم که باسم دائنین دولت و حواله اعتباری که باسم مامورین دولت صادر

میگردد و نوع اخیر را که حواله کنندگان درجه دوم صادر مینمایند حوالجات ابلاغی گویند Mandat

اگر گیرنده وجه یا محتال شخص واحد است حواله را انفرادی و اگر اشخاص مختلفه باشد حواله اجتماعی گویند و معمولاً برای هر طلبکاری يك حواله مخصوصی صادر میشود یعنی حواله انفرادی ولی این مطلب قاعده کلی نیست زیرا در بعضی از مواقع ممکن است که وجه حواله مربوط باشخاص عدیده باشد مثل اینکه از بابت حقوق مستخدمین ادارات فقط يك حواله صادر میشود که شخص واحدی وجه آن را گرفته و بهر يك از صاحبان حقوق نادیه نموده اخذ رسید نمایند

III در صدور حواله

برای اینکه حواله صادر شود اول باید دولت مقروض باشد و بعد میزان قرض تشخیص داده شود و هر يك از این دو مطلب محتاج است باینکه شرح داده شود

(۱) مدیون بودن دولت

دو چیز میتواند مدرک دین دولت بشود قانون و قرار داد: هر گاه متقاعدی از بابت حقوق تقاعدی خود از دولت طلبی داشته باشد مدرک آن قانون است و چنانچه مالکی ملک خود را بدولت فروخته وجه آنرا دریافت نکرده باشد مدرک قرض دولت قرار داد است

(۲) تشخیص طلب

در موقع صدور حواله باید از روی کمال دقت رسیدگی و طلب حقه داین را معلوم نمود چه ممکن است که حق داین بملاحظه مرور زمان ساقط شده (۱)

(۱) در باب مرور زمان ملاحظه نمائید فصل بیستم را

و یا کمتر از آن باشد که مدعی است این است که طلبکار باید اسنادی را که دلالت بر طلب او دارد ارائه نموده و حواله بر طبق مدرک یعنی قانون و اعتبارات مصوبه و اسناد مثبت صادر گردد

تشخیص طلب اگر مستمری و حقوق تقاعد است مشکل نیست ولی تشخیص مطالبات دیگر ممکن است غامض شده و اداره دچار مشکلات شود و بالاخره طلبکار بواسطه عدم تشخیص و یا عدم موافقت با آن معترض باشد در اینصورت چگونه احقاق حق مینماید؟

در فرانسه هر گاه دائن از تشخیص طلب Liquidation شاکی است باید در موارد ذیل به مجلس شورای دولتی Conseil d'Etat که محکمه عالی ادارست عرضحال دهد

(۱) وقتی وزارتخانه مدعی را طلبکارنداند

(۲) در صورتیکه وزیر طلب داین را کمتر از آنچه مدعی است تصدیق کند

(۳) وقتی از تاریخ عرضحال مدعی چهار ماه بگذرد و وزارتخانه هیچ

جوابی از مثبت و یا منفی با و ندهد (قانون ۱۷ ژویه ۱۹۰۰)

ولی در موقع تاخیر صدور حواله هیچ راهی نیست یعنی هر گاه مجلس شورای دولتی طلب داین را تشخیص داد و وزیر نخواست حواله آنرا صادر نماید غیر از تقدیم عریضه شکایت بمجلس شورای ملی طلبکار راه دیگری ندارد چه دولت رانمیتوان مثل افراد ناس تعقیب و اموال او را توقیف نموده بمعرض فروش در آورد در ایران علاوه بر اینکه مثل سایر ممالک دولت را برای وصول طلب نمیتوان تعقیب کرد و برای داین غیر از نظام بمجلس راهی نیست در موقع شکایت از تشخیص طلب هم مرجع شکایتی که در فرانسه هست یعنی مجلس شورای دولتی وجود ندارد و احکام وزارتخانه در این باب بدون استیناف است و فقط نص قانونی

ما در خصوص تعیین طلب دائین ماده (۳۰) قانون محاسبات عمومی است که میگوید: «تشخیص خرجی که بر خزانه دولت تحمیل میشود فقط راجع بوزرا یا اشخاصی است که از طرف وزراء مخصوصا مجاز باین امر هستند مراد از تشخیص آنست که میزان بدهی دولت پس از رسیدگی با اسناد در برابر هر يك از دائین معین شود اسناد تشخیص قرض باید حاوی دلایل حقوق دائین دولت بوده بترتیبی که قواعد مخصوصه هر اداره معین میکند نوشته شده باشد»

IV تطبیق حوالجات با اعتبارات مصوبه

قوه مقننه برای هر وزارتخانه و ادارات و دوایر تابعه آن اعتباری تصویب می نماید که مخارج در حدود آن اعتبار شده و از آن تجاوز ننماید وزارت مالیه که مسئول اجرا بودجه است باید دقتهای لازمه بعمل آورده و در صورت تجاوز وزارتخانه صادر کنندنده حواله را متوجه نماید این است که حوالجات صادر باید با اعتبارات مصوبه تطبیق و تصدیق شود و این عمل را وزارت مالیه در هر مملکت بوسیله مخصوصی انجام میدهد که بتفصیل بیان خواهد شد

(۱) در فرانسه اداره نقل و جوه (۱) که مسئول تهیه وجه در نقاط مختلفه برای تادیه حوالجات است تطبیق حوالجات وزراء با اعتبارات مصوبه را نیز عهده دار است چنانچه حواله از حدود اعتبارات مصوبه تجاوز نموده و یا اعتباری تخصیص بمخارجی داده شود که برخلاف نظریه قانونگذار باشد (نقل از فصل بفصل) آن حواله را مورد اعتراض قرار میدهد (۲) و برای هر وزارتخانه حسابی نگاه میدارد که اعتبارات اصلی و

Direction du mouvement Général de fonds (1)

(۲) نقش اداره نقل و جوه را میگویند چندان مؤثر نیست زیرا که وزیر مالیه اختیار کاملی در رد تصمیم سایر وزراء دارد و له اعضاء اداره نقل و جوه مثل اعضاء دیوان محاسبات مستقل هستند که بتوانند با وزراء مقاومت نمایند و دلایلی که برای عدم مداخله دیوان محاسبات ذکر میشود از اینقرار است:

اضافی در آن تعیین و حوالجاتی هم که از آن بابت صادر در مقابل هر اعتبار ثبت میشود تا هر گاه حواله از اعتبارات مصوبه تجاوز کند بخوبی مشخص و اداره مزبور بتواند وظایفی را که عهده دار است انجام نماید لذا اوراق در خواستی که در خود وزارت مالیه یادر سایر وزارتخانهها صادر میشود قبل از تادیه وجه باید بداره مزبور ارسال شود تا در صورت تصدیق اداره محاسبات آنها را ضبط نموده و در موقع محاسبه بدیوان محاسبات ارائه دهد (۱)

اداره نقل و جوه خلاصه اوراق درخواست مصدقه را Extrait d'ordonnance بوزارتخانه صادر کننده ورقه درخواست میفرستد که از تصدیق ورقه مطلع شده در صدور وصول وجه برآید و همچنین خلاصه دیگری هم با اسناد خرج مثبت برای پیشکار مالیه ایالتی که باید وجه را تادیه کند میفرستد که مشارالیه خلاصه حواله و اسناد خرج را ضبط نموده وجه را تادیه نماید

یک وظیفه دیگر اداره نقل و جوه تهیه تصویب نامه تقسیم ماهیانه اعتبارات است

Decret de distribution mensuelle de fonds

توضیح آنکه در ۲۵ هر ماه وزارتخانه ها صورت وجوهی را که برای ماه بعد میخواهند بدائره حوالجات وزارت مالیه میفرستند و دائره مزبور هم صورت وجوهی را که برای خود وزارت مالیه لازم است بان اضافه نموده بداره نقل و جوه ارسال میدارد و این اداره هم صورتهای مزبور را با عایدات خود سنجیده برای هر مبلغ که

اولا اعتبارات وزراء محدود شده و در هیچ موقع ولو بقیع مملکت نمی تواند اقدامی نماید ثانيا مداخله دیوان محاسبات راجع مسئولیت وزیر و اگر امروز وزیر در تجاوز از اعتبارات مسئول است هیچ مسئولیتی در تجاوز متوجه دیوان محاسبات نیست

ثالثا در صورتیکه وزیر از اعتبارات تجاوز نمود دیوان محاسبات باید قضاوت نماید ولی هر گاه تجاوز از طرف دیوان مزبور شد خود او نمیتواند در موقع تصدیق حساب بعمل خود اعتراض نماید «۱» باستانای اوراق درخواستی که وجه آن در صندوق مرکزی تادیه میشود که اوراق مزبوره را اداره نقل و جوه با اسناد خرج مثبت صندوق مرکزی ارسال مینماید که در موقع محاسبه بدیوان محاسبات ارائه شود

مقتضی است تصویب نامه ترتیب میدهد تا بتوسط وزیر مالیه با مضای رئیس جمهوری برسد (۱)

(۲) در ابطالی بر طبق قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۷ فوریه ۱۸۸۴ تطبیق حوالجات با اعتبارات مصوبه از وظایف دیوان محاسبات است که در صورت مطابقت تصدیق و الا رد مینماید و دیوان مزبور نه فقط مسئول است مخارج از اعتبارات مصوبه تجاوز نکند بلکه برسدگی در ماهیت مخارج نیز موظف است و باین لحاظ تمام تصویب نامه ها و احکام و امتیازات و قرار دادها و احکام عزل و نصب و غیره که در مالیه دولت موثر است در دیوان مزبور ثبت میشود تا در موقع تصدیق حواله دیوان مزبور بتواند تقید خود را اظهار کند

و باید دانست که در موقع تجاوز از اعتبار امتناع دیوان محاسبات از تصدیق مخارج قطعی است ولی در مواقع دیگر قطعی نیست یعنی وقتی اعتراض راجع بماهیت مخارج و عدم اجراء قوانین باشد مثل خرید اشیائی که قانوناً میبایست بمنافصه صورت گیرد بدون اجراء منافصه واقع شده باشد و امثال آن در این موارد اگر دولت متقاعد نشد دیوان محاسبات حواله را با قید نظریه تصدیق نموده و موضوع را بعرض مجلس میرساند

(۳) در بلژیک بر طبق ماده ۱۴ قانون محاسبات عمومی مصوب ۲۷ اکتوبر ۱۸۴۶: «هیچ حواله را خزانه نمی بردارد مگر اینکه دیوان محاسبات آن را تصدیق نموده باشد» ولی چون دیوان مزبور نباید عملیات قوه مجریه را معوق و معطل گذارد هر گاه از تصدیق حواله امتناع نمود و وزیر ذی مدخل متقاعد نشد و

«۱» بطوریکه کمیسیون مالیه مجلس سنا در تحت نمره ۲۴۵ خبر خود مورخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۱۹ نقل میکند از تقسیم اعتبارات ماهانه گاه تجاوز ممکن است و آن در موقعی است که بطور مساعده وجهی پرداخته شود تا خرج قطعی آن مسلم گردد مثل اینکه حقوق نظامیان چون قبلاً درست مبلغ آن معلوم نیست بطور مساعده بوزارت جنگ وجه پرداخته میشود و بعد حواله صادر میشود در این صورت ممکن است از اعتبار ماهانه تجاوز شود

هیئت وزراء نیز با وزیر موافق بود دیوان محاسبات بموجب ماده ۲۷ قانون فوق باید با قید و تعرض نظریه حواله را تصدیق و قضیه را بمجلس و کلاء عرض نماید (۴) در انگلیس کلیه عایدات دولتی تحویل بانک میشود و تا مأموریکه از

طرف دولت معین است (مأمور تصدیق حوالجات) (۱)

تصدیق نکند خزانه داری Echiquier که بمنزله وزارت مالیه است نمیتواند وجهی را حواله نماید باین ترتیب که خزانه دار از مأمور مزبور اجازه خروج وجهی از وجوه دولتی که در بانک است میخواهد او هم در حدود قوانین و بودجه خروج وجه مزبور را باعتبار خزانه داری تصدیق و خزانه تدریجاً از آن بابت حواله مینماید مأمور تصدیق حوالجات غیر قابل عزل و انفصال او منوط بتقاضای مجلسین از شاه است و برای اینکه مشارالیه مقتدر و مستقل باشد حقوقش را مجلس یکمرتبه برای تمام مدت غیر محدود تصویب مینماید و مثل سایر مخارج هر سال تصویبش تجدید نمیشود در هلاند و شیلی و ژاپون هم تقریباً همان طریقه متداوله در ایتالی و بلژیک معمول است

(۵) در ایران قبل از مشروطیت و بعد از مشروطیت

اولاً - قبل از مشروطیت مخارج بدو قسم حواله میشد:

قسم اول اشخاصی که حقوقشان خرج آمده کتابچه ایالات و ولایات بود اگر متوقف مرکز بودند قبض رسید حقوق خود را نوشته مستوفی محل در طهران با سواد کتابچه تطبیق و در صورت صحت در حاشیه تصدیق مینمود (۲)

Controleur auditeur général (۱)

«۲» قبوض مستعیرات متوقفین مرکز را مستوفی و شایقو قبوض مستعیرات متوقفین ولایات را امانه و وظایف محلی تصدیق مینمودند و قبوض حقوق اشخاصی که جزو بودجه وزارت جنگ بود سر رشته دار کل دفتر لشکر حاشیه مینوشت و گاهی هم صاحبان حقوق قبضی را که سر رشته دار کل حاشیه نوشته بود در مرکز تصدیق مستوفی محل می رسانیدند



و در سواد کتابچه دبل اسم صاحب حقوق علامتی که حاکی از صدور قبض و تصدیق بود میگذاشت تا صدور قبض و تصدیق تکرار نشود و قبض حقوق متوقفین محلی را هم مستوفیان محلی تصدیق مینمودند و بعد حاکم وجه را بموجب قبوض مصدق که باصطلاح زمان قبوض محشی بود می پرداخت

قسم دوم - اشخاصیکه حقوقشان در کتابچه ایالت یا ولایتی خرج نیامده و میبایست در مرکز برات صادر شود حقوق این قبیل اشخاص را هم که قاعدتاً جزو متوقفین پایتخت بودند باید مستوفی برات نویس برات صادر نماید و مستوفیان برات نویس در مرکز اشخاصی بودند که صدور بروات حقوق یکعده از صاحبان حقوق بانها واگذار بود و گاه شغل يك برات نویس محدود بود بصدور بروات حقوق یکدسته معینی از صاحبان حقوق مثلاً برات نویس سرکارات که مشارالیه بروات حقوق کلیه شاه زادگان را در مرکز صادر مینمود و یا برات نویس صندوقخانه و آبدار خانه و غیره

ولی غالباً شغل برات نویس محدود بصدور بروات یکطبقه نبود و بروات حقوق اشخاص مختلفه را صادر میکرد با این قید برواتی را که يك برات نویس هر سال صادر مینمود صورت منظم و مضبوطی داشت که هیچوقت از آن نمیتوانست تجاوز نموده و برواتی را که صدور آن بعهده دیگران است صادر نماید

و ترتیب صدور برات این بود که هر برات نویس حقوق هر يك از صاحبان حقوق را در روی يك ورقه بزرگ و چنانچه حقوق اشخاصی بود که در يك اداره مستخدم بودند از قبیل مستخدمین دارالنظار و صندوقخانه و غیر هم حقوق تمام افراد را روی يك ورقه نوشته ظهر آنرا امضاء مینمود

همانطور که در مخارج و حقوقاتیکه در کتابچه ایالت و ولایت نوشته شده رسیدگی میشد که بدون مدرک چیزی از سنوات قبل اضافه نشده باشد همانقسم

هم لازم بود که هر برات در تحت رسیدگی در آمده و از صحت خرج اطمینان حاصل شود لذا هر براتی بایست مراحلی را طی نماید و طی مراحل بوسیله اشخاصی میشد که آنها را عزب دفتر میگفتند و عده آنها نا محدود و رئیس آنها که افتخاری بود عزب باشی نامیده میشد

هر مستوفی برات نویس معمولاً در اوایل سال مالیه بعد از اتمام (۱) کتابچه های ولایات بروات حقوق اشخاصی که میبایست صادر کند نوشته بيك عزب دفتری که انتخاب میکرد داده فهرست میگرفت

عزب دفتر بروات مزبور را بهر يك از مستوفیان پای سند برای رسیدگی میداد و مستوفی مزبور بعد از رسیدگی و صحت در ظهر برات ملاحظه شد میگذاشت که علامت تصدیق بود و بعد وزیر مالیه و پس از آن صدر اعظم ظهر بروات را مهر مینمودند که با مضای پادشاه (صححه) موشح گردد

بعد از توشیح وزیر مالیه در روی برات بخط خود حواله آنرا بعنوان وزیر خزانه صادر میکرد

بطور خلاصه همانطور که کلیه مخارج خرج آمده کتابچه ایالات و ولایات باید رسیدگی شده و بعد از مهر وزیر مالیه و صدر اعظم بصححه پادشاه برسد همانطور هم هیچ قلمی از اقلام مخارج رکابی نبود که این جریان را طی ننماید ثانیاً - بعد از مشروطیت اگر چه تا ۱۳۰۱ شمسی بودجه کل مملکت بتصویب

(۱) بعد از اتمام کتابچه های ولایات برای اینکه قبل از تمام شدن کتابچه تبدیل بعضی حقوقات از رکاب ولایات و یا از ولایات رکاب ممکن بود

و برکنشی رکاب گاه بر حسب تقاضای صاحبان حقوق بود که بعضی جهات مایل میشدند حقوقشان در رکاب برات صادر شود و گاه بواسطه این بود که کتابچه فاضل پیدا میکرد و برای اینکه جمع بنا خرج تعادل داشته باشد نظریات مستوفی محل و وزیر مالیه حقوق بعضی اشخاص از خرج کتابچه رکاب برکنست میگرد چنانچه مبلغ حقوق برکنشی زیاد بود گاه خود مستوفی محل در مرکز بموجب حکم بروات حقوق برکنشی را صادر میکرد

لذا بعضی از مستوفیان هم متصدی محاسبه يك ایالت یا يك ولایت وهم برات نویس مرکز بودند

مجلس نرسیده بود که تطبیق حوالجات با اعتبارات مصریه قانوناً موضوع داشته باشد معذک ما مقررات قانونی را ذکر و از بیان اعمال خلاف قانون بملاحظه رسمی نبودن جریان مخالف قانون خود داری میثمائم :

بموجب ماده ۳۳ ق م ع : « حوالجات وزراء باید بامضای دیوان محاسبات رسیده و مبلغ آن از حدود اعتبارات معینه و تقسیمات ماهیانه خارج نباشد و الا وزیر مالیه آن حواله را امضاء نخواهد کرد »

و ماده ۴۷ ق م ع نیز میگوید : « حوالجات مستقیم و اعتباری باید بضمیمه اسناد آن بدیوان محاسبات ارائه و حواله مزبوره تسجیل شود مواقعی را که حوالجات بعد از تادیه باید تسجیل شود قانون معین خواهد نمود »

و همانطور که در ایتالی معمول است و مذکور شد در ایران هم بموجب ماده ۴۳ قانون مزبور « کلیه احکام راجعه بمعاملات و امتیازات و تصویب مخارج و نصب و تعیین و ترفیع رتبه و نقل و تبدیل مامورین دولتی که موجب تولید خرج میشود و بر قراری مواجب و مستمری و امثال آن که بر خزانه دولت تحمیل میشود باید تماماً در دیوان محاسبات ثبت و تسجیل گردد »

و بموجب ماده ۴۵ : « هر گاه دیوان محاسبات در یکی از احکام و فرامین که باو پیشنهاد میشود تباہی با قوانین و نظامات موضوعه ملاحظه نماید پس از مذاکره از ثبت آن امتناع کرده و دلایل خود را بتوسط رئیس کل (۱) بوزارتخانه که مرجع آنهاست ارسال میدارد در صورتیکه وزارتخانه مذکوره بدلائل دیوان محاسبات متقاعد نشد باید صورت مزبور را بمجلس وزراء پیشنهاد کند و هر گاه مجلس وزراء هم مقصود وزارتخانه مربوطه را تقویت کرد بدیوان محاسبات تکلیف مینماید که در آن تجدید نظر کند و در اینصورت اگر دیوان محاسبات

بعقیده اولیه خود باقی بماند احکام یا فرامین را با قید احتیاط تسجیل نموده و بلا فاصله راپورت آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد »

این بود مواد مهمه قانون دیوان محاسبات در خصوص تطبیق حوالجات با اعتبارات مصوبه

و در تاریخ ۱۲۹۴ شمسی که قانون تشکیلات وزارت مالیه در دوره سیم تقنینیه تصویب شد بموجب ماده ۵۴ قانون مزبور که میگوید : « پس از تشکیل دیوان محاسبات کمیسیون تطبیق حوالجات منحل خواهد شد »

کمیسیون مزبور قائم مقام دیوان محاسبات شده و انجام سه وظیفه را بموجب ماده ۴۷ بر عهده گرفت :

که یکی از وظایف مزبوره « تطبیق حوالجات مستقیم و اعتباری بنا بودجها و اعتبارات مصوبه و تصدیق آنها قبل از رسیدن بامضای وزیر مالیه » بود و چون تشکیل کمیسیون با اوایل جنک بین المللی مصادف شده (۱) و بواسطه مهاجرت عدّه از وکلا دوره سیم تقنینیه از حد نصاب افتاده و مجلس تعطیل گردید لذا بودجه که بتصویب مجلس رسیده باشد نبود و در غیاب مجلس کمیسیون مدّرتک تصدیقات خود را بودجه ها و تصویبناهایی که در هیئت وزراء تصویب شده قرار میداد و با این حال چون ممکن نبود تمام وجوهی که از خزانه مملکت خارج میشود از قبیل حقوق مامورین ولایات و مخارج محلی بتصدیق کمیسیون برسد کمیسیون فقط اوراق در خواست حقوق مامورین مرکزی و قسمتی از مخارج مرکزی که وزارت مالیه ارجاع میکرد تصدیق مینمود و قسمت مهم مخارج نیز در خود مرکز بدون تصدیق کمیسیون تادیه میشد و در اواخر عقر ب ۱۳۰۰ در اثر تصویب ماده واحده کمیسیون مزبور منحل و کمیسیون مخارج قائم مقام او گردید

از سه فقره وظایفی که کمیسیون تطبیق حوالجات بموجب قانون بر عهده داشت قسمت راجعه به تطبیق حوالجات با اعتبارات مصوبه را کمیسیون مخارج انجام میداد بدینطرف که برخلاف ایامی که انجام این وظیفه بعهده کمیسیون تطبیق حوالجات بود هیچ حواله از بابت حقوق مستخدمین مرکزی و مخارج مرکزی قبل از تصدیق کمیسیون خرج باامضای وزیر مالیه نمیرسید ولی چون تصدیق حقوق مامورین ولایات و مخارج ولایتی بجهاتی که در همین فصل در قسمت راجعه تادیه حوالجات بیان میشنایم غیر ممکن بود این قسمت از مخارج بدون تصدیق کمیسیون تادیه میشد و کمیسیون مخارج نه تنها مکلف بتصدیق حوالجات بود بلکه مسوده کتبه احکامی هم که در مخارج اثر قطعی داشت قبلاً باید تصدیق و بعد پاکنویس آنها وزیر امضاء کند (۱)

پس از تصویب قتلخ در تاریخ ۵ حوت ۱۳۰۱ کمیسیون خرج قانوناً منحل و مقررات قانون مزبور راجع بمخارج بقرار است که در مواد ۴ و ۵ بیان میشود ماده ۴: « کتبه عواید نقدی و جنسی دولت باید پس از امر وزیر مالیه و تصویب رئیس کل مالیه بمصرف برسد هیچگونه مخارج مملکتی اعم از نقدی و یا جنسی تادیه نخواهد شد مگر بموجب ورقه درخواستی که صحت خرج در آن تصدیق شده و در حدود اعتباراتی که هر ساله مجلس شورای ملی تصویب مینماید صادر گردیده باشد هیچ خرجی تادیه نخواهد شد و هیچگونه اجاره پرداخت جدید صادر نخواهد شد مگر اینکه پس از وضع مبلغ و مقدار حوالجاتیکه قبلاً صادر شده است معلوم شود که مبلغ و مقدار لازم برای پرداخت حوالجات جدید موجود است » ماده ۵: « تصدیق و تطبیق درخواستهای مذکوره در ماده قبل از طرف مامور یا مامورینی بعمل خواهد آمد که بر حسب پیشنهاد رئیس کل مالیه و تصویب

۱۰ ملاحظه شود قسمت بعد راجع به نقشش تعهدات وزراء در مخارج

وزیر مالیه معین میشوند مامورین مزبور باید از اجزاء اداره خزانه داری کل نبوده و در تحت امر و مسئولیت خزانه دار کل نباشند « (۱) آنچه مذکور شد چه در ممالک خارجه و چه در ایران برای این است که پیش از اعتبارات مصوبه حواله صادر نشود ولی هر گاه قبل از صدور حواله وزیری تعهداتی علاوه بر اعتبارات خود نمود آیا این تعهدات که در حدود اعتبارات مصوبه نیست باطل و بی اثر است و یا دولت مسئول تعهدات وزیر میباشد؟ این موضوع محتاج شرح و تفصیلی است که بیان میشود:

V تقشش تعهدات وزراء در مخارج

هر گاه وزیری بیش از مبالغ اعتبار خود تعهداتی نماید آیا برای مازاد از اعتبار شخص وزیر مسئول یا دولت و یا قرارداد وزیر معادل اعتبار صحیح و نسبت بمازاد راساً باطل است؟ فرض کنیم در بودجه وزارتخانه یکصد هزار تومان اعتبار برای خرید اثاثیه منظور شده و قرار دادیکه وزیر با فروشنده بسته یکصد و بیست هزار تومان باشد در اینصورت سه قسم ممکن است تصویر شود

- اول - معادل اعتبار قرار داد صحیح و نسبت بمازاد راساً باطل باشد
 - دویم - هر گاه مجلس اعتبار اضافی تصویب نمود مازاد از اعتبار باطل شود
 - سیم - قرار داد صحیح و نسبت بمازاد وزیر مسئول باشد
- شق اول و دویم منافی با اعتبار دولت خواهد بود برای اینکه هر کس با بک وزیری طرف قرار داد میشود چنانچه او را ماذون نداند کار معاملات دولتی

(۱) تطبیق و تصدیق اوراق درخواست فعلاً از وظائف دائره بودجه است که یکی از دوائر اداره محاسبات کل

مالیه میباشد

مشکل میشود و کشف معاملات فضولی هم برای اشخاص آسان نیست چه باید طرف معامله از جریان اداری و اعتبارات مصوبه و اینکه چه میزان صرف شده و چه مبلغ باقی است کاملاً مطلع باشد تا در موقع معامله دچار زحمت و اشکالی نگردد و این مطلب معمولاً خارج از محیط فهم و اطلاعات اشخاصی است که با دولت طرف معامله میشوند و چنانچه نداشتن اطلاعات لازمه مستلزم اجتناب از معامله باشد سکت با اعتبار دولت وارد می نماید و در صورت وقوع معامله هم اشتباه و یا مسامحه مأمورین دولت را با اشخاص بیگناه نمی توان تحمیل کرد پس نتیجه این میشود که فروشنده مکلف به تسلیم اثاثیه و محق باخذ ثمن است

اما در شق سوم یعنی مسئول بودن وزیر نسبت به امارات اگر چه بر طبق ماده ۱۳ ق م ع : « وزراء نمی توانند علاوه بر امارات اعتباراتی که در جزو بودجه برای آنها منظور شده است خرجی کرده و با عملی را متصدی شوند که موجب خرج خارج از اعتبارات معینه باشد مگر اینکه از طرف مجلس شورای ملی برای ادای آن مخارج اعتبارات اضافی داده شده باشد » وزیر حق ندارد که خارج از حد اعتبار اقدامی نماید ولی متأسفانه در این ماده برای وزیر متخلف عقابی نیست و با اصطلاح فرانسوی این ماده سانکسیون Sanction ندارد و علاوه استطاعت و قدرت وزیر هم ممکن است بحدی نباشد که بتواند شخصا از عهده بر آید

در این صورت بهتر آن است که قبلاً از تجاوزی که بواسطه اشتباه و مسامحه دست دهد جلوگیری شود تا دولت و یا وزراء هیچیک بمشگلاتی بر نخورند

(۱) این موضوع در فرانسه جلب توجه اولیای امور را نموده و برای اینکه علاوه بر اعتبارات مصوبه قرار دادی که باعث زحمت متعاقبین و نه حواله که بلا محل باشد منعقد و صادر نگردد در سال ۱۸۹۰ موسسه بنام تفتیش تعهدات وزراء در مخارج تاسیس *Controle des dépenses engagées* و بتدریج

قواعد و قوانینی که مصرح وظایف این مؤسسه بود وضع شد ولی چون قوانین مزبوره تا درجه لازم در مقصود مؤثر نبود در ۲۸ دسامبر ۱۹۲۱ مجلس وکلا قانون جدیدی وضع و قوانین موضوعه قبل را نسخ نموده قبل از وضع قانون مزبور مفتشین تعهدات وزراء را وزیر مالیه از مستخدمین وزارتخانه که در آنجا مأمور تفتیش بودند انتخاب می نمود و چون مأمور مزبور غیر مستقل و ناچار بود که تا یک درجه تابع نظریات وزارت متبوعه باشد و بنا بر این نتیجه منظور کاملاً دست نمیداد ماده دوم قانون جدید بوزیر مالیه اختیار داد که مأمورین مزبور را از بین مستخدمین وزارت مالیه انتخاب نماید

قانون سابق بمفتشین تعهدات اجازه میداد سالی یکمرتبه بمجلسین تقدیم راپورت نمایند و چون طول زمان سبب میشد که مجلسین نتوانند بموقع اعتراض و از تجاوزات جلوگیری نمایند ماده سیم قانون جدید مقرر داشت که مأمورین مزبور هر سه ماه یکمرتبه صورتی از تعهدات وزراء بوزیر متعاقد و وزیر مالیه و کمیسیونهای مالیه مجلسین وکلا و سنا بدهند

موضوع مهم تر از همه این بود که هر گاه وزیر مالیه تعهدات و حوالجات سایر وزراء را که مفتشین برای احتراز از تجاوز از اعتبارات تصدیق ننموده بودند امضاء میکرد او و وزیر ذیمدخل بموجب قانون سابق و قانون جدید التصویب مسئول میشدند قانون مزبور حسب المعمول از مجلس وکلا بمجلس سنا برای تصویب رفته تحت مطالعه و شور در آمد مجلس اخیر برای تأمین تأثیر در ۱۴ مارس ۱۹۲۲ اصلاحاتی در آن نموده که عمده آنها راجع بمسئولیت حقوقی و جزائی (۱) و وزیر متجاوز است یا بطریق که وزیر متجاوز باید در مجلس سنا محاکمه

(۱) مسئولیت را میتوان بدو قسم عمده تقسیم نمود. مسئولیت اخلاقی و مسئولیت قانونی که به قسم تقسیم میشود:

اولاً مسئولیت حقوقی که شخص مسئول باید از عهده خسارت بر آید

جزائی شده و در بعضی مواقع از عهده خسارت برآید ولی اصلاحات مجلس سنا موکول بود بتصویب ثانوی مجلس وکلا

و چون کمیسیون مالیه مجلس وکلا معتقد نبود که برای وزراء متجاوز بطور صریح مسئولیت حقوقی و جزائی تعیین شود همان مسئولیت مبهم را که در معنی مسئولیت سیاسی (۱) است و در مقصود چندان مؤثر نیست کافی میدانست لذا مجلس وکلا از قبول بلا تغییر رای مجلس سنا امتناع نموده و خبر کمیسیون مالیه را که صریح در مقصود نبود بدون مباحثه در ۸ آوریل ۱۹۲۲ تصویب نمود و نظر باینکه اصلاحات مجلس وکلا بازمیبایست در مجلس سنا تصویب شود قانون معهود در ۲۲ ژوئن ۱۹۲۲ بمجلس سنا آمده و کمیسیون مالیه آن مجلس پاره اصلاحات مجلس وکلا را پذیرفته ولی در خصوص مسئولیت صریح جزائی و حقوقی وزراء برخلاف مجلس وکلا عقیده اش این بود که بدون تعیین چنین مسئولیتی قانون مزبور بلا اثر خواهد بود ولی چون مجلس سنا نتوانست عقیده خود را پیش برسد مسئولیت حقوقی و جزائی وزراء مبهم ماند و با صلاحی قانع شد که این است :

اگر در جریان عمل دفاع ملی یا انتظامات داخلی ضرورت و فوریت تجاوز از اعتبارات مصوبه را ایجاب نمود هیئت وزراء میتواند تجاوز از اعتبارات مصوبه را تصویب کند مشروط باینکه بفوریت از مجلس درخواست اعتبار نماید تا اگر اقدام هیئت وزراء لازم بوده مجلس آنرا تأیید و در صورت عدم لزوم از تصویب امتناع نماید

ثانیاً مسئولیت جزائی که محکوم مجازات میشود

ثالثاً مسئولیت سیاسی که منجر به رأی عدم اعتماد مجلس و انفصال وزیر یا استعفاء هیئت وزرا میگردد

۱۰ زیرا از مسئولیت سیاسی فقط این است که بواسطه رای عدم اعتماد وزیر متجاوز معزل گشته و بعد از چندی

بکمک هواخواهان خود آن شغل یا وزارت دیگری را شغلی گردد

و چون اصلاح ثانوی مجلس سنا باز محتاج بتصویب مجلس وکلاست اطلاعاتی در دست نیست که آیا مجلس وکلا آنرا بدون تغییر قبول نموده است یا خیر

(۲) در ایتالی رئیس محاسبات وزارتخانه ها با موافقت وزیر وزارتخانه و وزیر مالیه تعیین میشود و در تعهدات وزراء در مخارج نظارت مینماید

(۳) در ایران - موقع جریان ماده واحده کمیسیون مخارج نه این بود که همان حوالات وزارت مالیه را قبل از امضای وزیر تصدیق نماید بلکه بموجب ماده ۱۳ لایحه قانونی تشکیلات وزارت مالیه که مؤلف برای پیشنهاد بمجلس تهیه نموده بود کلیه نوشتجاتی که در مخارج اثر قطعی داشت قبل از امضای وزیر بتصدیق کمیسیون میرسید و باینوسیله کمیسیون نه تنها از حوالاتی که از اعتبارات مصوبه تجاوز میگردد جلوگیری مینمود بلکه کلیه نوشتجات وزیر را که در مخارج اثر قطعی داشت تصدیق میکرد لذا وزیر نمی توانست هیچ قسم تعهدی که برخلاف قوانین و اعتبارات مصوبه است بنماید

VI در تادیه مخارج

آنچه مذکور شد تا موقعی است که تشخیص طلب دائن داده شده و حواله هم صادر شود آیا بعد از صدور حواله باز اشخاصی مسئول عدم صحت آن هستند یا همینکه حواله صادر شد دائن قطعی و تادیه شدنی و مجال علیه باید وجه را تادیه نماید و مدرک تادیه وجه آیا اصل حواله یا سواد و یا خلاصه حواله هم میتواند مدرک باشد؟ جواب این دو سؤال ذیلا بیان میشود :

جواب سؤال اول

(۱) در بعضی از ممالک خارجه از قبیل ایتالی و سویس لازم نیست تادیه کننده وجه درصحت حواله تفتیش نماید فقط تکلیف او تادیه وجه بصاحب حواله یا نماینده قانونی اوست

در بلژیک هم پرداخت حواله جات بعهده بانک ملی است که مکلف بتفتیش نیست و برریت Visa «ملاحظه شد» مامورین وزارت مالیه agent du Tresor که در تمام شعب بانک هست تادیه وجه مینماید بعبارة اخری مسئولیت بانک مادی یعنی منحصر بتادیه وجه بصاحب حواله وینمایند اوست ووظیفه مامورین وزارت مالیه تفتیش و حصول اطمینان ازصحت حواله است

بر خلاف در فرانسه تادیه کننده وجه مازم است برسیدگی و تحصیل اطمینان ازعدم تجاوز از اعتبارات مصوبه وضمیمه بودن تمام اسناد مشته و ممضی بودن حواله با مضای تمام اشخاصی که بموجب قانون و مقررات اداری باید امضاء نمایند و غیرها

ولی گاه میشود که تادیه کننده وجه نتواند تجاوز از اعتبارات مصوبه را تشخیص دهد چه از بابت اعتبارات یک وزارتخانه حوالجات عدیده بصندوقهای مختلف صادر میشود و هیچیک از تجویلداران نمی تواند مکلف هم نیست که حساب پرداختی همکاران خود را نگاهدارد

بطور خلاصه اگر تادیه کننده وجه میتواند تجاوز از اعتبار را تشخیص دهد مسئول بوده والا مسئول نیست و در صورت توانائی هم گاهی تادیه کننده از خود رفع مسئولیت مینماید و آن وقتی است که از تادیه وجه امتناع نموده ولی وزیر حواله دهنده (۱) تقاضای خود را تجدید کند

Droit de réquisition des ordonnateurs

۱) مراد وزیر است که ورقه درخواست را امضاء میکند

که در اینصورت تجویلدار بمسئولیت وزیر وجه را تادیه می نماید و چون تجویلدار مکلف است که از امتناع خود وزیر مالیه را مطلع کند کمتر اتفاق میافتد که وزیر مزبور با وزیر حواله دهنده مذاکره نموده و او را متقاعد سازد این انتقال مسئولیت که در فرانسه معمول است خالی از تنقید نیست زیرا مسئولیت تجویلدار مسئولیتی است حقوقی و مؤثر و چنانچه برخلاف قانون و مقررات وجهی ادا نمود ضرر دولت جبران پذیر است در صورتیکه مسئولیت وزیر سیاسی است و آثاری که از این مسئولیت ممکن است بروز کند همان رای عدم اعتماد و انفصال وزیر است بعبارة اخری انتقال مسئولیت در حکم رفع مسئولیت است (۲) در ایران قبل از مشروطیت تادیه کنندگان وجه برای تجاوز از اعتبارات

مسئول نبودند باینطریق که هر برات رکابی که وزیر مالیه بخزانه حواله میکرد وزیر خزانه باید وجه برات را تادیه نماید و همچنین بحکام نسبت بحوالجاتی که خزانه از بابت باقی کتابچه صادر مینمود و فقط در یک مورد حاکم مسئول بود که مستوفی قبضی را بیش از مبلغ خرج آمده در کتابچه تصدیق کند و عات هم این بود که اصل کتابچه نزد حاکم بود و میتوانست تجاوز از اعتبار را بخوبی تعیین نماید در اینصورت اگر حاکم مبلغی را که بموجب قبض تادیه میکرد در حساب خود میگذاشت مورد اعتراض شده و ضرر ازاد از اعتبار که تادیه کرده بود دامنگیر او میشد بعد از مشروطیت ماده ۳۹ ق م ع میگوید: « تجویلداران نمیتوانند وجهی را که بصندوق آنها حواله شده نپردازند مگر وقتی که بر خود آنها محقق شود در اسناد عیب و تقصی بوده و یا صحت قرض مشکوک باشد و یا اینکه کار و خدمتی که وجه در ازاء آن داده میشود هنوز محقق نشده است و یا آنکه از حد و د اعتبارات معینه یا تقسیمات ماهیانه تجاوز شده باشد »

ماده ۴۰ « در صورت عدم قبول حواله مستقیم یا ابلاغی تحویلدار مکلف است که ملاحظات خود را کتبا به آورنده حواله بدهد و همانروز سوادى از ملاحظات مکتوبه برای وزیر مالیه بفرستد تا وزیر مشارالیه بلافاصله با وزیرى که حواله راجع باداره او است مذاکره نماید »

ماده - ۷۱ ق ت و : « تادیه مخارج دولتی مطابق حوالجاتی که در حدود بودجه و اعتبارات مصوبه صادر و پس از تصویب کمیسیون تطبیق حوالجات و امضاء وزیر مالیه توسط اداره خزانه داری کسل فرستاده میشود (۱) بر عهده پیشکاران و امناء مالیه است »

ماده - ۷۲ : « پیشکاران و امناء مالیه مکلف هستند در مورد ذیل از تادیه وجه حوالجات امتناع نموده و دلایل رد خود را کتبا بصاحب حواله بدهند

(۱) در صورتیکه حواله دارای شرایط مذکوره در ماده ۷۱ نباشد

(۲) در اسناد عیب و نقصی مشاهده نمایند

(۳) موضوع مخارج مفقود باشد

در شق اول حواله باید قطعاً تادیه نشود ولی در دو شق اخیر مراتب را بسا سرعت و سایل بر رئیس مستقیم خود اطلاع داده کسب تکلیف مینمایند در صورت عدم مراعات هر یک از شقوق سه گانه خود آنها مسئول خواهند بود »

و مقررات ماده ۴ ق ت خ که آخرین قانون تصویب شده در اینموضوع میباشد این است : « کلیه عواید تقدی و جنسی دولت باید پس از امروزر مالیه و تصویب رئیس کل مالیه بمصرف برسد هیچگونه مخارج مملکتی اعم از تقدی و

« ۱ » چون این ماده برخلاف منطبق و مقتضیات وضع شده بود کلیه وجوهی که در ایالات و ولایات پرداخته شده فاقد تصدیق کمیسیون تطبیق حوالجات بوده است

یا جنسی تادیه نخواهد شد مگر بموجب ورثه درخواستی که صحت خرج در آن تصدیق شده و در حدود اعتباراتی که هر ساله مجلس شورای ملی تصویب مینماید صادر گردیده باشد هیچ خرجی تادیه نخواهد شد و هیچگونه اجازه پرداخت جدید صادر نخواهد شد مگر اینکه پس از وضع مبلغ و مقدار حوالجاتیکه که قبلاً صادر شده است معلوم شود که مبلغ و مقدار لازم برای پرداخت حوالجات جدید موجود است

بطور خلاصه تادیه کنندگان باید کل وجوهی را که میدهند بموجب اوراق درخواست باشد و حواله هم از حدود اعتبارات مصوبه تجاوز نمایند و هر دو امر برای عموم تادیه کنندگان مشکل است چه در صندوق مرکزی اجرای قوانین موضوعه امکان دارد زیرا وجوهی که در صندوق مزبور تادیه میشود البته بموجب درخواست و تشخیص تجاوز از اعتبارات هم آسان است و اداره خزانه میتواند کل حوالجات را در مقابل اعتبارات هر وزارتخانه ثبت نموده و هر مورد که حواله از اعتبار تجاوز کرد و یا حواله صادر شد که برای آن اعتباری نباشد از تادیه امتناع نماید ولی اجراء قوانین موضوعه نسبت بصندوقهای ایالتی و ولایتی آسان نیست زیرا نمیتوان از صندوقهای خارج از مرکز هر وجهی را بارانه در خواست تقاضا نمود و برای ادارات ایالتی و ولایتی هم ممکن نیست که مثل خزانه مرکزی صورت کل اعتبار و حوالجات هر وزارتخانه را ثبت و در موقع تجاوز از اعتبارات مصوبه از تادیه وجه امتناع نمایند

جواب سؤال دوم

اما در جواب سؤال دوم که مدرک تادیه وجه اصل حواله (اوراق درخواست)

یا ممکن است سواد و یا خلاصه آن باشد

(۱) در فرانسه مذکور شد (۱) وجوهی را که صندوق مرکزی در پاریس تادیه میکند باید بموجب اصل حواله (ورقه در خواست) باشد و وجوهی را که پیشکاران مالیه ایالتی تادیه مینمایند بر طبق خلاصه حواله است که اداره نقل وجوهات بضمیمه اسناد خرج برای آنها و خلاصه دیگری هم بوزارتخانه صادر کننده ورقه درخواست میفرستند که وزارتخانه مزبوره گیرنده وجه را بوسیله اخطاریه *Lettre d'avis* مطلع نموده درصدد وصول وجه برآید

و گاهی هم از صندوق وجه خارج میشود بدون اینکه حواله صادر شده باشد مثل اینکه شخصی برای خرید اشیاء یا ساختن محلی مامور شود که استطاعت نداشته باشد بدون اخذ وجه مأموریت خود را انجام دهد *Régisseur d'avance* در اینصورت نه می توان بواسطه نبودن حواله و نه بواسطه عدم ارائه اسناد خرج تادیه را معطل کرد باین جهت وجهی مساعده می دهند تا بعد حواله صادر شود و در فرانسه میزان وجوهی که بطور مساعده داده میشود بمبلغ ۴۰۰۰۰ فرانک محدود است و گیرنده وجه در طرف یکماه باید صورت مخارجی را که از بابت مبلغ دریافتی نموده بدهد و باز اگر وجه لازم باشد دریافت نماید

و هر گاه گیرنده وجه در دادن صورت حساب بطفره گذرانید تحویلدار باید آنرا مطالبه نماید و چنانچه در ادای وظیفه قصور کند مسئول است

(۲) در ایران - قبل از مشروطیت اصل حواله را تادیه کننده ضبط مینمود باین طریق که وزیر خزانه بروات رکابی را که وزیر مالیه حواله کرده بود و حکام قبوض صاحبان حقوق را که مستوفیان تصدیق می نمودند و همچنین حوالجات خزانه را که وزیر خزانه از بابت باقی کتابچه حواله میکرد عینا ضبط مینمودند و در موافقی هم که لازم بود بکسی بطور مساعده وجهی داده شود حواله

۱۰ ملاحظه شود همین فصل قسمت راجع به تطبیق حوالجات در فرانسه

بضیغه برات تحویل صادر می شد که دهنده وجه بموجب برات مزبور ادا کند و گیرنده وجه هم قبض رسیدی میداد که مستوفی ضابط اسناد خرج آنرا ضبط میکرد تا بعد از صرف وجه بحساب گیرنده رسیدگی شده محاسبه او تفریح شود بعد از مشروطیت - بموجب ماده ۳۵ ق م ع که میگوید :

« وزراء خلاصه حواله مستقیم را و حواله کنندگان درجه دوم حواله ابلاغی را بطلبکار تسلیم می کنند که بموجب آن طلب خود را از خزانه در یافت دارند » حوالجات مستقیم را که اصطلاحا ورقه درخواست گفته میشود اداره محاسبات کل وزارت مالیه ضبط نموده خلاصه حواله را بطلب کار میداد که طلب خود را از خزانه اخذ نماید (۱) نظر باینکه ترتیب مزبور مخالف نص صریح ماده ۷۱ قانون تشکیلات وزارت مالیه بود و نه تنها اداره خزانه داری میبایستی بموجب حواله مصدق کمیسیون تطبیق حوالجات تادیه وجوه نماید بلکه پیشکاران و امناء مالیه هم بر عایت همین ترتیب مکلف بودند

و چون در موارد تعارض قانون تشکیلات با سایر قوانین موضوعه قانون مزبور را که تصویبش مؤخر بود قاطع میشمردند از اوایل حمل ۱۲۹۶ شمسی (۲) عین اوراق در خواست بدائین دولت داده میشد که در موقع در یافت وجه بعنوان سند خرج بخزانه تسلیم و در آن اداره ضبط شود و این ترتیب تا بعد از

۱۰ اگرچه قسمت اول ماده ۳۵ با ماده ۳۴ همان قانون که میگوید : « وزراء اسناد مطالباتی را که حواله خزانه می کنند بحواله جات مستقیم ضمیمه مینمایند » متعارض است زیرا در این ماده حوالجات مستقیم قید شده و نه خلاصه یا سواد حواله معذک چون در قسمت اخیر ماده ۳۴ قانون گذار میگوید : « و حواله کنندگان درجه دوم اسناد را بصورت حوالجات ابلاغی که نزد تحویلداران میفرستند منضم خواهند کرد » ممکن است که در قسمت اول این ماده هم نظر قانون گذار همین بوده و گامه صورت ارقام افتاده و یا در حین طبع حذف شده باشد

۲۰ مقارن ایامی است که مولف معاونت وزارت مالیه و ریاست اداره محاسبات کل را عهده دار بود

ورود مستشاران امریکائی معمول بود از آن بعد مرسوم است که هر وزارتخانه با هر ورقه درخواست سه نسخه سواد تهیه مینماید که یکی از آنها در همان وزارتخانه ضبط و اصل ورقه با دو نسخه از سوادها با اداره محاسبات کل وزارت مالیه ارسال میشود که وزیر مالیه بعد از تصدیق رئیس دائره بودجه و رئیس اداره محاسبات کل و رئیس کل مالیه نسخه اصل را و معاون وزارت مالیه هم برای رسمیت یافتن سوادها را امضاء مینماید که یکی از آنها در اداره محاسبات کل (دائره بودجه) ضبط و دیگری یا اصل ورقه درخواست با اداره خزانه داری کل ارسال میشود و اداره محاسبات کل گیرنده وجه را بوسیله ورقه اخطاریه مطلع مینماید که برای وصول وجه بخزانه مراجعه کند و این اداره پس از پرداخت وجه سواد درخواست را ضبط و نسخه اصلی را بعنوان سند خرج بمحاسبات خود ضمیمه نموده با اداره محاسبات کل عودت میدهد

فصل هفدهم - صاحبان جمع

اگر در تشخیص دین دولت و تادیه آن بتجزیه قائل شده و گفتیم که اداره یا شخص تشخیص دهنده یا حواله کننده دین باید غیر از اداره یا شخص تادیه کننده وجه باشد تفکیک دورشته شغل صاحب جمع یعنی دریافت عواید و تادیه مخارج دلیلی ندارد که موجب تفکیک باشد یعنی لازم نیست يك اداره یا يك شخص وجود را تحویل گیرد و اداره یا شخص دیگر مخارج را تادیه نماید (۱) مگر

۱- در ایالات فرانسه پیشکاران مالیه Tresorier payeur général هم تحویل گیرنده عواید و هم تادیه کننده مخارج دولت ولی در پاریس این دو شغل بادر نظر است که آنها را صندوقدار تادیه کننده مرکزی و تصویب دار مرکزی من نامند Receveur Central de la Seien و Caissier payeur central

اینکه مقتضیات و کثرت کار تجزیه را ایجاب نماید

I در اقسام صاحبان جمع

صاحب جمع ممکن است دو نوع باشد : صاحب جمع تقدی و صاحب جمع جنسی

(۱) صاحب جمع تقدی کسی است که وجوهات تقدی دولت اعم از اینکه مربوط بعواید دولتی یا استقراض باشد تحویل او شده تا بر طبق حوالجاتی

که صادر میشود کار سازی نماید Comptable de denier

(۲) صاحب جمع جنسی اشخاصی هستند که اشیاء متعلق بدولت و یا در

ممالیکی که مثل ایران دولت مالیات را از عین محصول اخذ میکند عایدات

جنسی دولتی را تحویل می گیرند و برای انجام وظیفه هر يك از این مأمورین بمناسبت اشیائی

که در تحویل آنهاست نظامات و مقررات جداگانه تدوین میشود چه تحویل اشیاء

بعضی از روی وزن و برخی از روی عده و گروهی بر حسب حجم و نیز ممکن

است بین هر يك از اجناس مختلفه باز بواسطه نو و یا مستعمل بودن تفاوتی حاصل

شود که هر يك از گروه اجناس مختلفه تدوین نظامنامه مخصوصی را ایجاب نماید که

در مورد صاحبان جمع تقدی قواعد و مقررات نسبت بعموم متحد الشكل است

II در اجرای تعهدات صاحبان جمع

(۱) در فرانسه صاحبان جمع درجه اول وجوه دولتی را خزانه دار کل

ایالتی گویند Trésorier payeur général که محل اقامت آنها

کرسی ایالت است Département و رتبه آنها را میتوان با پیشکار

مالیه در ایران تطبیق کرد

صاحب جمعان درجه دوم را تحویلدار خصوصی گویند Receveur particulier

که محل اقامت او مرکز آرندهسیمان arrondissement که قسمتی از دپارتمان باشد و او را هم میتوان هم رتبه امین مالیه قیاس نمود درجه سیم را تحصیلدار گویند Percepteur که بر حسب اقتضاء مامور وصول مالیات يك یا چند قریه است Commune و او را میتوان در ایران بسر تحصیلدار تشبیه کرد .

ومامورین مادون که مالیات را وصول میکنند با عین وجه را بمامورین مافوق تحویل مینمایند و یا بر طبق حوالجات او میبردارند و باین طریق مرکزیت حاصل میشود و باید دانست که مامورین فوق نه تنها متصدی وصول مالیاتهای مستقیم اند بلکه وصول مالیاتهای غیر مستقیم هم به عهده آنها است و نه این است که سروکار آنها در مرکز بایک اداره باشد بلکه با چهار اداره مرکزی که در پاریس است در بوئند (۱) اداره پرسنل (۲) اداره محاسبات (۳) اداره نقل وجوه (۴) اداره دیون عمومی

در خصوص وصول مالیاتهای مستقیم هم مسئولیت سر تحصیلدار این است که از ابتدای سال مالیه تا سه سال کلیه مالیاتهای جزو جمعی را خواه وصول بشود و خواه نشود تادیه نماید و چنانچه مؤدیان بمبلغ مالیات اعتراض داشته باشند می توانند بمحکمه صالحه Conseil de préfecture اعتراض نموده که محکمه مزبوره پس از رسیدگی در صورت لزوم جزو جمع را اصلاح کند.

بطور خلاصه سر تحصیلدار مسئول است که مبالغی را که در جزو جمع تعیین شده و یا بعد محکمه صالحه تعیین می کند خواه وصول شده و یا نشده باشد از ابتدای سنه مالیه تا سه سال تادیه نموده و خود را قائم مقام دولت نماید باین معنی از هر امتیازی که دولت برای وصول مالیات دارد بهره مند است مثلا اگر بین مؤدی و سر تحصیلدار نسبت بمالیات اختلافی باشد لازم نیست که سر تحصیلدار

بمحاکم عدلیه شکایت کند بلکه رفع اختلاف با محاکم اداریست لیکن مدت مهلتی که بمامور درجه دوم که او را با امین مالیه قیاس نمودیم داده میشود کمتر است زیرا در ۳۰ نوامبر سال بعد یعنی ۱۱ ماه بعد از انقضای سنه مالیه باید کلیه میزان جزو جمع را تادیه نموده و ۱۳ ماه بعد که دو سال بعد از انقضای سنه مالیه است بطریقی که مذکور شد از سر تحصیلدار در یافت نماید

خلاصه کلیه مالیاتهای جزو جمعی در صورتیکه مورد اعتراض موجه مؤدیان نباشد و مامورین مالیه هم نتوانند بی قصصیری خود را ثابت نمایند باید از خود ادا نمایند

و برای انجام تعهدات صاحب جمعان قوانینی وضع شده است که اجراء آنها کاملا حفظ منافع دولت را تامین مینماید از قبیل تحلیف و عدم تصدی مشاغل دیگر و با تجارت و صنعتی که متعارض با انجام وظیفه ماموهم سوء استفاده از شغل دولتی باشد و بعلاوه مقررات ذیل درباره صاحبان جمع مادامیکه از دیوان محاسبات مفاصا حساب نگرفته اند لازم الاجراست

(الف) دادن ضامن که در صورت عدم انجام وظیفه خسارت دولت را جبران نماید

(ب) وثیقه دادن اموالی که در زمان تصدی شغل دارند و در مدت جریان شغل بدست میاورند

(ج) اموال غیر منقوله که صاحبان جمع در زمان تصدی این شغل اکتیاع میکنند مادام که حساب خود را تفریح نکرده و از دیوان محاسبات (۱) مفاصا

نگرفته اند مثل حاصل اختلاس از مالیه دولت فرض میشود

و برای اطمینان دو قسم تفتیش در کار صاحبان جمع میشود :

(الف) تفتیش اداری که مامورین مافوق نسبت بمامورین مادون مثل اینکه پیشکاران مالیه نسبت بامناء مالیه و آنها نسبت بسر تحصیلداران مینمایند و تفتیش مفتشین وزارت مالیه که مرتباً نسبت بتعام درجات صاحب جمعیان می نمایند و همچنین نظارت ادارات مرکزی که مامور رسیدگی محاسبات آنها هستند

(ب) تفتیش قضائی که دیوان محاسبات معمولاً در هر سال یکمرتبه بمحاسبات صاحبان ابوابجمعی رسیدگی و باین وسیله اعمال آنها را تفتیش مینماید

و چون در فرانسه طریقه وحدت صندوق معمول است *Unité de caisse* یعنی کل وجوهی که از منابع مختلفه بتحصیلداران میرسد در یک صندوق وارد میشود در موقع تفتیش نمی توانند کسر یکصندوق را از وجوه صندوق دیگر جبران نموده و سوء اعمال خود را باین وسیله مستور دارند

(۲) در ایران - قبل از مشروطیت که دولت منابع عایدات مختلفه مثل مالیاتهای غیر مستقیم نداشت و فقط عایدات منحصر بمالیات املاک و گمرک بود هر صاحبجمعی از قبیل حکام ولایات و ایالات و غیرهم مسئول وصول مالیات بود و قبل از تصدی متعهد میشد که عایدات هر محلی را که مشخص و معلوم بود وصول و ایصال نموده و در موقع محاسبه هرگاه مالیاتی لم یصل مانده بود با ذکر دلیل و برهان بمنوان شکست و لاوصول بخرج حساب خود مینوشت و در صورت باقی هم بدون تردید وزیر بقایا طلب دولت را وصول میکرد و چنانچه صاحب جمع بطفره میگذرائید او را توقیف میکردند « ۱ » و تادین خود را نمیبپردازد خلاص نمیشد

۱- محل توقیف نسبت باهمیت اشخاص مختلف بود و اشخاص مهم را شاید در بعضی اوقات وزیر بقایا تهدید میکرد تا برای فرار از توقیف خود آنها در محلی که مقتضی باشد از قبیل درب حرمخانه سلطنتی و یا منزل «بهار اعظم» تعین

و تا اواخر سلطنت ناصر الدین شاه هیچ حسابی نبود که بلافاصله بعد از انفصال صاحب جمع یا وفات او نگذشته و اگر دولت طلب کار شود بطلب خود نرسد بعد از مشروطیت میتوان گفت که گذشتن حساب و صدور مقاصد تقریباً با تصویب قانونی که در این باب هست متروک مانده و هر اقدامی هم که برای نیل بمقصود یعنی مطالبه حساب و صدور مقاصد نتیجه عملی نداده است و خصوصی را که در این باب هست ذیلاً درج مینمائیم

اولاً تصویب نامه نمره ۱۲۸۹۵ مورخه ۲۵ سرطان ۱۳۰۱ :

وزارت جلیلیه مالیه نظر باینکه مامورین و صاحب جمعیان مالیه که از محل ماموریت احتضار بمركز میشوند غالباً قبل از تفریح حساب و اخذ مقاصد ماموریت جدیدی بانها رجوع میشود که بالتبلیغ حساب دوره ماموریت سابق آنها معوق خواهد ماند هیئت وزراء در جلسه ۱۷ سرطان ایت تیل ۱۳۰۱ تصویب و مقرر داشتند که مادامی که مامورین صاحب جمعیان مالیه محاسبه ادوار ماموریت های سابق خود را در اداره محاسبات کل مالیه تفریح ننموده و مقاصد حساب رسمی نگرفته اند وزارت مالیه مجاز نخواهد بود ماموریت دیگری بانها رجوع نماید تصویب نامه در کابینه ریاست وزراء ضبط است

ریاست وزراء

ثانیاً - قانون استخدام کشوری

ماده ۱۲ - « مامورینی که بهر اسم و رسم سمت صاحب جمعی داشته اند یا در آتیه باین سمت منصوب شوند مادام که مقاصد حساب قانونی دوره عملیات خود را تحصیل نموده اند از رجوع هر شغلی ممنوع خواهند بود »

اختیار نموده و در حال تعین ترتیب پرداخت دین خود را میدادند و نسبت باشخاص غیرمهم ملاحظه در کار نبوده وزیر بقایا آنها را در منزل شخص خود و یا در وزارت مالیه که سابقاً دفتر می گفتند توقیف میکرد تا نتیجه مطلوبه را بدست آورد

ماده ۱۳ - « هیچ مستخدمی شغل تحویل‌داری و تحصیل‌داری نقدی و جنسی دولت را عهده دار نخواهد شد مگر اینکه قبلاً وجه الضمانه و یا ضامن معتبری بوزارتخانه و اداره مربوطه بدهد - میزان وجه الضمانه و شرایط ضامن را نظامنامه هر وزارتخانه یا اداره معین خواهد کرد »

ثالثاً - متحد المال وزارت مالیه نمره ۲۰۰۵ مورخ ۲۰ حمل ۱۳۰۲

متحد المال بشمام ولایات

پیشکاران و امناء مالیه باید اولاً - از تحصیلداران و تحویل دارانیکه حسابیه بدون ضمانت نامه مشغول خدمت هستند ضمانت نامه گرفته ضبط نمایند و ثانیاً - مراقب باشند در آتیه از نوع اعضای فوق‌الذکر بدون ضمانت نامه استخدام نمایند ثالثاً - در هر موقع معلوم شود ضمانتنامه ماخوذه فاقد استحکام و اعتبارات لازمه است شخص پیشکار یا امین مالیه ضامن و مسئول شناخته خواهند شد

ایضاً نمره ۵۴۵۳۶

بعموم ادارات مالیه - در مواقعی که اخذ ضمانت نامه لازم میشود و اجزاء نمیتوانند يك ضمانت نامه برای تمام مبلغ ابوابجمعی خود بپردازند رئیس آن اداره باید راپورت کاملی تهیه نموده و مواد ذیل را نیز متذکر شود :

- (۱) مبلغ ضمانتی که باید اخذ شود (۲) مبلغی که ممکن است از آن بابت تحصیل شود (۳) سابقه آن عضو از حیث امانت

پس از ملاحظه مراتب فوق‌الذکر هر طور مقتضی باشد اقدام خواهد نمود

رابعاً - نظامنامه م م مورخه برج سرطان ۱۳۰۲

ماده ۱۷ - « هرگاه سر تحصیلداران وجه الضمانه نقدی بپردازند وجه مزبور با اطلاع طرفین در بانک محل امانت گذاشته میشود و سند آن در اداره مالیه خواهد ماند

ماده ۱۶ - « در صورتیکه سر تحصیلداران اعتباری از قبیل ملک یا مستغل ارائه دهند باید سند بپردازند که آن ملک یا مستغل بوثیقه دولت گذارده میشود در همان تاریخ امین مالیه در جراید محلی یا بطور اعلان با اطلاع عامه میرساند که ملک یا مستغل مزبور وثیقه دولت بوده و کسی حق معامله را نسبت بانها نخواهد داشت

ماده ۱۵ - « در صورتیکه سر تحصیلداران ضامن معتبر بدهند ضامن مذکور باید سند بپردازد که آنچه از مال دولت از روی حساب و اسناد حیث و میل شده تقدماً از عهده بر آید »

فصل هیجدهم

در موقعیکه دولت مدعی و یا مدعی علیه باشد

چنانکه در جامعه بشری هر يك از افراد دارای حق و مکلف بتکلیف است دولت هم که منتخب جامعه است نمیتواند خود را از افراد امتیاز داده و هر فعلی که از وی صادر شود بی اثر بوده و موجد حق و یا موجد تکلیفی نباشد لذا همانطور که در هر جامعه افراد دارای شخصیت یعنی ممتاز و منشاء اثرند همانطور هم دولت صاحب شخصیت است و او را شخص حقوقی گویند در مقابل شخص طبیعی (۱) که انسان باشد و افعالی هم که از او صادر میشود از دو قسم خارج نیست :

« ۱ » در فرانسه بشخص طبیعی *personne Physique* و بشخص حقوقی که عبارت از دولت و باره مؤسسات و شرکتهاست شخص حقوقی *personne juridique, personne Morale* گویند

اگر از نظر انجام وظایف عمومی است مثل وضع و اخذ مالیات برای حفظ نظم در جامعه آنرا اعمال انتظامی acte d'autorité گویند و اگر دولت فاعل اعمالی گردد که با وجود موثر بودن در انتظام مملکت از اقدام بان اعمال مجبور نباشد مثل خریداری املاکی که منافع آن بدولت عاید و بواسطه صرف آن منافع در مخارج انتظامی جامعه از آن بهره‌مند شود چون دولت مجبور باین نوع انتفاع نیست این گونه اعمال را اقتصادی acte de gestion گویند و نتیجه که از این تقسیم بدست میاید این است که در موقع اختلاف محاکمی که برای حل قضایا صلاحیت دارند یکی نبوده و مختلف است باین طریق که اگر اختلاف بین دولت و افراد نتیجه عمل انتظامی است اصولاً (۱) رفع اختلاف از صلاحیت محاکم اداریست زیرا :

اولاً - همانطور که محاکم حقوقی عمومی (۲) در دعای که باطلاعات مخصوصه محتاج است نمیتوانند قضاوت نمایند و حل قضایا از صلاحیت محاکم حقوقی اختصاصی است مثل اینکه دعای تجارتی بعلت بی اطلاعی محاکم حقوقی عمومی از رسوم و عادات تجارتی بمحاکم تجارتی مرکب از اشخاص مطلع بقوانین و تجارت هر دو ارجاع میشود همانطور هم چون در امور اداری قضات محاکم حقوقی نمیتوانند از نظامنامهها و رسوم و عادات اداری مطلع باشند حل قضایا از خصایص محاکم اداریست

ثانیاً - هرگاه در اختلافات حاصله از اعمال انتظامی دولت هم مثل افراد بمحاکم قضائی نظام کند اشکالاتی پیش میاید که مانع انجام وظیفه میشود و اعمال

۱ - اصولاً برای اینکه ممکن است خود قانون گذار نسبت باین اصل استثنائی قائل شود

۲ - محاکم حقوقی عمومی محاکمی است که صلاحیت رسیدگی بکلیه دعای دارند مگر اینکه قانونگذار مواردی را از صلاحیت آنها خارج و بمحاکم دیگر ارجیل محاکم تجارتی که آنرا اختصاصی گویند محول نماید

انتظامی از اعمال مخیره نیست که در اقدام و عدم اقدام بانها دولت مختار باشد و هرگاه دولت از مؤدیان مستنکف بمحاکم حقوقی شکایت کند کمتر مدعی علیی است که بطایف الحیل حقوقی برای استنکاف خود دلیل نیاورده بالاخره خود را از تادیه مالیات تبرئه نکند لذا باید که قضایا در محاکمی حل شود که جریان قضائی آنها سهل و ساده و با مقتضیات اداری نزدیکتر باشد تا دولت در انجام وظیفه دچار مشکلات نگردد

و چنانچه اختلاف بین دولت و افراد نتیجه اعمال اقتصادی باشد علی الاصول رفع اختلاف از صلاحیت محاکم قضائی است علی الاصول برای این که ممکن است قانونگذار در بعضی از موارد که عمل دولت اقتصادی است برخلاف عدل و انصاف حل قضیه را از صلاحیت محاکم اداری بداند زیرا در امور اقتصادی دولت مجبور نیست و مخیر است در اینصورت برای دولت امتیازی قائل شدن و ارجاع امر بمحاکم اداری که بیشتر تابع دولتند نسبت بافراد ظلمی است فاحش و نتیجه اش این است افراد هم حاضر نشوند که بمیل و رضا با دولت معامله نمایند

پس از بیان مقدمه موارد مدعی بودن دولت و یا مدعی علیه شدن او را در خارج و ایران بتفصیل بیان مینمائیم :

I مواردی که دولت مدعی است

(۱) در فرانسه - اگر برای طریقه وصول طلب دولت نصی هست بترتیب مقرر اقدام میشود مثلاً قانون مالیه ۱۸۹۸ هیلادی بدولت حق میدهد که نسبت بمعضی مطالبات از قبیل شهریه و اعانه که باید بمدارس دولتی برسد بمحض تشخیص طلب از وزارتخانه مربوطه بدون صدور تعقیب نامه از طرف وزیر مالیه contrainte

محاکم عدلیه مدیون را تعقیب نمایند با این فرق که اگر مدیون به تشخیص وزارت خانه اعتراض نمود با اینکه اقامه دلیل با مدعی است که وزارت خانه باشد مدیون که مدعی علیه است باید بر علیه تشخیص دولت دلیل اقامه نماید در مالیاتهای مستقیم اداره وصول بدون مراجعه بمحاکم عدلیه اقدام مینماید و در مالیاتهای غیر مستقیم اداره تعقیب نامه صادر میکند و آن را معمولاً بمحکمه صلحیه میفرستد تا محکمه مزبور مدیون را تعقیب نماید

و در مواقیکه دولت چیزی فروخته ولی قیمت آنرا نگرفته یا سفارشی داده ولی تعهد کننده سفارش را بموقع انجام نداده باشد نیز نصوصی هست که برطبق مقررات آن عمل میشود

چنانچه دولت از مامورین وصول مالیات و یا از اشخاصی که برای انجام کاری وجه گرفته و انجام نداده باشند طلبکار شود بموجب نظامنامه های اداری وزارتخانه مربوطه حکمی که مشخص دین است میدهد *arreté de débet* و بعد وزیرمالیه تعقیب نامه صادر مینماید *Sommation de payer ou contrainte* سپس اداره وصول بدهکار را تعقیب و بهر نحوی که مقتضی است از قبیل توقیف و فروش اموال او طلب دولت را وصول مینماید

و در مواردیکه نصی نیست دولت باید مثل سایر افراد بمحاکم عدلیه مراجعه نماید (۲) در ایران قبل از مشروطیت - تشخیص طلب دولت اعم از این که نتیجه افعال انتظامی یا اعمال اقتصادی باشد یا نه با وزارت مالیه بود با بنظر آنکه طلب دولت را مستوفی مربوط بکار تشخیص میداد و همینکه وزیر مالیه آنرا امضاء مینمود وزیر بقایا در وصول اقدام میکرد

بعد از مشروطیت هم اصولی که در اعمال انتظامی و اقتصادی ذکر شد نصاباً رعایت نشده و بطور مثال موارد ذیل را بیان مینمائیم :

اولاً - ماده اول و دوم تصویبنامه نمره ۸۸۳۶ مورخه شوال ۱۳۲۸ قمری عقرب ۱۳۸۹ شمسی که میگوید :

(۱) « رسیدگی بدعاوی راجعه بخالصه جات دولت از مختصات وزارت مالیه است » (۱)

(۲) « دعاوی راجعه بخالصه جاتی که دولت فروخته است در محاکم عدلیه رسیدگی خواهد شد مشروط باینکه حیث آن دعاوی بزمان قبل از تصرف یا حین تصرف دولت مربوط نباشد »

ثانیاً - تصویبنامه ۱۳۸۱۴ هیئت وزراء در تاریخ نهم فروردین ۱۳۰۴ در خصوص امور بانک ایران در تحت عنوان « مسائل قانونی و قضائی » چنین میگوید : « وزارت مالیه احکام قابل اجرائی که بر له یا علیه بانک صادر شده اند بعنوان مدارک قطعی دائر به شناخته شدن مطالبات دولت از مردم و یا مردم از دولت بمبالغ مذکوره در این قبیل احکام و بهمان حسابهای مدعی به مخصوصی قبول خواهد کرد و نسبت باجرای آنها بترتیبی که درباره سایر احکام صادره بر علیه دولت عمل میشود اقدام خواهد نمود »

و همچنین در تحت عنوان « وجوه ودیعه » : « کلیه وجوه مربوطه بپانک ایران که بتفاریق از وصول مطالبات و از عواید یا فروش اموال و املاک آن حاصل میشود باید بحساب وجه ودیعه که بموجب قسمت (الف) ماده یک ایجاد خواهد گشت گذاشته شود وجوه مزبور را فقط بر حسب اعتبارات مخصوص مصوبه مجلس شورای ملی میتوان برای پرداخت مطالبات طلبکاران یا جهت مقاصد صرافی مفید از طرف مجلس شورای ملی بمصرف برساند برداشت این وجوه نیز

« ۱ » چون عمل اقتصادی است قاعده باید رفع اختلاف با محاکم عدلیه باشد

فقط مطابق مقررات قانون خزانه داری کل بعمل خواهد آمد « (۱) و از مواردی که نص قانونی دارد مورد قاچاق تنباکو و توتون است که ماده پنجم اصلاح قانون مالیات دخانیات مصوب ۲۸ برج حوت ۱۳۰۳ را جمع بان می گوید :

« هر کس هر مقدار توتون و تنباکو بطور قاچاق از تادیه مالیات بگذراند و در محکمه صالحه ثابت شود عین جنس قاچاقی ضبط میشود » و تبصره دوم ماده مزبوره در باب محکمه صالحه چنین گوید : « محکمه صالحه تشکیل میشود از حاکم محل و مامور مالیه و مدعی العموم یا نماینده مدعی العموم (مامور امنیه - نظمیه - کدخدای محل) که باکثرت رای خواهند داد رای آنها قطعی خواهد بود » بر طبق این ماده اگر دولت ادعای قاچاق نمود باید محکمه بطریق مذکور تشکیل شده در دعوی دولت قضاوت نماید (۲)

II موافقیکه دولت مدعی علیه است

آنچه مذکور شد مربوط بمواردی بود که دولت خود را از افراد طلبکار داند حال باید دانست در موافقیکه دولت مدیون است افراد باید در کدام يك از محاکم بر علیه دولت اقامه دعوی نمایند (۱) در فرانسه رسیدگی بدعاوی افراد نسبت بدولت از خصایص وزراء و بعد مجلس شورای دولتی و عقیده دیوان تمیز هم این بود که محاکم عدلیه در مداخله بمورد اداری صالح نیستند

Le pouvoir judiciaire ne peut pas connaitre des actes de l'adminis trasion

۱ « اصولی مجلس برای رد و قبول و عدمه و اجراء مقررات قانون خزانه داری کل برای صدور خزانه و تادیه وجه در اعمال اقتصادی مورد ندارد و عینک اعتبار میرساند
۲ « دخالت محکمه اختصاصی در اموریکه حل آنها از خصایص محاکم اداریست

و بطور کلی (۱) این عقیده سالها وجود داشت تا تجربه و عمل مدلل نمود که محاکم اداری نمیتوانند و نباید در کلیه دعاوی افراد نسبت بدولت قضاوت نمایند و در سال ۱۸۷۳ که صلاحیت محاکم اداری و حقوقی برای رسیدگی بدعاوی معروف بلانکو Blanco محل اختلاف واقع شده و بر طبق قاعده کلیه محکمه رفع اختلاف Tribunal des conflit در تحت ریاست وزیر عدلیه و مرکب از اعضای مجلس شورای دولتی که محکمه عالیه اداریست و از اعضای دیوان تمیز که بالاترین محاکم قضائی شمرده میشود تشکیل یافت عقیده محکمه مزبوره این شد که عدم مداخله محاکم حقوقی در اعمال دولت موقعی است که عمل دولت نتیجه اعمال انتظامی باشد بنا بر این در مورد اختلافات حاصله از اعمال اقتصادی محاکم حقوقی صلاحیت دارند و بهمین ترتیب معمول گردید معدک عمل غالب از امور را ولو اینکه اختلاف نتیجه اعمال اقتصادی است بمحاکم اداری رجوع نموده است و علت هم ظاهرا اشکالی است که برای تشخیص اعمال انتظامی و اقتصادی میباشد چه گاه ممکن است که امر دارای هر دو جنبه و نظریات شخصی تشخیص دهندگان در ارجاع بمحاکم صالحه موثر باشد

- (۲) در آلمان هم اعمال انتظامی را از اعمال اقتصادی تفکیک مینمایند
- (۳) در ایران - هر گاه نصی بوده و قانونگذار در موارد مخصوصه خود محکمه صالحه را تعیین نموده باشد البته باید بمحکمه صالحه رجوع نمود مثل اینکه ماده ۳۰ ق ت و میگوید :

۱ « بطور کلی برای اینکه در هر مورد که نصی باشد بر حسب قانون دخالت محاکم اداری ممنوع است مثل اینکه بموجب قانون سپتامبر ۱۸۷۳ هر گاه منافع عمومی از نزاع ملکی را از دست مالک توسط دولت انقضاء نماید مالک باید دعوی خسارت و ضرر خود را بوجود اینکه دعوی نتیجه عمل انتظامی است در محاکم عدلیه اقامه کند

« وظیفه محکمه مالیه رسیدگی بتظلماتی است که افراد مردم از تجاوزات ادارات و مامورین مالیه مینمایند » پس بنا بر ماده مزبور هرگاه دعای فرد نسبت بدولت بواسطه تجاوزات ادارات و مامورین مالیه باشد بدون تفکیک اعمال انتظامی از اقتصادی محاکمات مالیه برای رسیدگی صلاحیت خواهد داشت باین طریق که هرگاه مامورین مالیه در وصول مالیات که از اعمال انتظامی است نسبت بمالیات بدهی تجاوز و تعدی و یا اینکه ملک مالک مجاور خالصه را جزو خالصه قلمداد نمایند با آنکه شق اخیر راجع باعمال اقتصادی است شاکنی بسایر دعوی خود را در محکمه مالیه اقامه نماید

و در سایر موارد که نصی نباشد مثل شکایت از مامورین وزارتخانه دیگر غیر از وزارت مالیه دخالت ادارات دولتی و باعدلیه بسته بمقتضیات و نظریات وزراء و مدعیان متفقد است

III در اختلاف صلاحیت بین محاکم حقوقی و محاکم اداری

باید دانست همیشه برای رسیدگی بامری نص صریح و صلاحیت محکمه حقوقی و اداری مسلم نیست و گاهی ممکن است که نصی در صلاحیت نبوده و یا مبهم باشد در این صورت نظریات محاکم حقوقی و محاکم اداری از سه حال ممکن نیست خارج باشد

« ۱ » یا یکی از آنها خود را در رسیدگی صالح میدانند و دیگری خود را صالح نمیدانند

« ۲ » محاکم قضائی و اداری هر دو خود را صالح بدانند که این اختلاف را اختلاف مثبت گویند

« ۳ » هیچیک از محاکم قضائی و اداری خود را صالح ندانند (اختلاف منفی)

قسم اول محل اختلاف نیست و محکمه صالحه بدعوی رسیدگی و قضاوت مینمایند و اما در قسم دوم و سوم لازم است هیئتی رفع اختلاف بنماید زیرا اگر دو محکمه هر دو در رسیدگی بامری دعوی صلاحیت بنمایند باید هیئت دیگری تعیین کند که کدام یک از آنها صالحند و همچنین اگر دو محکمه هر دو خود را در امری صالح ندانند چون امتناع از قضاوت *Déni de justice* ممکن نیست و بالاخره باید این اختلاف بتوسط هیئت ثالثی مرتفع شود در این صورت آیا رفع اختلاف با محاکم حقوقی است یا با محاکم اداری ؟

- (۱) در فرانسو حل مناقشه با محکمه رفع اختلاف است که بیان شد
- (۲) در ایران هم در اصول محاکمات حقوقی راجع بطرز رفع اختلاف بین محاکم ابتدائی و محاکم اداری یا ادارات دولتی و باین محاکم استیناف و ادارات دولتی مقرراتی است که ذیلا (۱) بیان مینمائیم

اولا - اختلاف بین محاکم ابتدائی و محاکم اداری یا ادارات دولتی

اگر اختلاف بین محکمه ابتدائی و یا تشکیلات اداری باشد محکمه ابتدائی بر حسب ماده ۱۶۸ اصول محاکمات حقوقی که میگوید : « اشتباهات حاصله از این که کاری که در محاکم عدلیه مطرح شده است راجع بمحاکم عدلیه است یا ادارات دیگر دولتی باید در خود محاکم حل و تسویه شود » در صلاحیت و عدم صلاحیت خود قرار صادر میکنند که از آن قرار هر یک از متداعیین شخصا یا محکمه و تشکیلات اداری که امر را از صلاحیت خود میدانند (۲) بتوسط مدعی العموم می توانند

« ۱ » نقل از دستور در محاکم حقوقی تألیف مؤلف صفحه ۱۵۲

« ۲ » مثلا بین دو نفر دعوی در گرفت که در محکمه ابتدائی طرح شده باشد چنانچه بهیئت از جهات رسیدگی بدعوی از صلاحیت محاکم عدلیه خارج مثلا مربوط بمحاکمات مالیه باشد مدعی العموم محاکمات مزبوره بتوسط مدعی العموم بدایت موافق ماده ۱۶۹ اصول محاکمات حقوقی رئیس محکمه ابتدائی مراتب را اعلان میکند در این صورت محکمه مزبوره در صلاحیت یا عدم صلاحیت خود قرار صادر میکند که از این قرار اگر در عدم صلاحیت است هر یک از متداعیین و یا اگر در صلاحیت است مدعی العموم محاکمات مالیه میتواند استیناف بخواند

شکایت نمایند

اگر شاکی از متداعین است سواد مصدق قرار محکمه را بشکایت نامه خود که دو نسخه است ضمیمه نموده بمحکمه استیناف تقدیم میدارد ماده ۱۷۰ و ۱۶۲ و ۱۶۵ اصول محاکمات حقوقی

ولی اگر شاکی محکمه اداری یا ادارات دولتی باشد باید بتوسط مدعی العموم استیناف از قرار محکمه ابتدائی بمحکمه استیناف شکایت نماید ۱۶۹. ایضا در صورتیکه از قرار محکمه ابتدائی شکایت شد محکمه مزبوره تا محکمه استیناف رای خود را اظهار نموده نمی تواند بدعوی رسیدگی کرده فقط بخواهش مدعی بشرایطیکه قانون مقرر نموده میتراند حکم تأمین مدعی بنماید ۱۷۰ ایضا

در محکمه استیناف برای رسیدگی مجلسی مرکب از شش عضو تحت ریاست رئیس اول آن محکمه منعقد میشود که عبارتند از سه نفر عضو محکمه استیناف و حاکم محل و دو نفر از رؤساء ادارات محلی بحکم اقدمیت که در این مجلس (۱) « با حضور رئیس اداره (۲) که طرف اختلاف است بموضوع اختلاف رسیدگی میشود و حکمی که از مجلس مذکور با کثرت پس از اظهار عقیده مدعی العموم استیناف صادر میشود قطعی است » ۱۷۱

ثانیا - اختلاف بین محاکم استیناف و ادارات دولتی

اگر اختلاف بین محکمه استیناف و یکی از ادارات دولتی باشد بطوریکه

(۱) این مجلس مختلط است زیرا که از اعضاء عدلیه و ادارات دولتی مرکب میباشد

(۲) اگر طرف دعوی مطاکمات مالیه است بطور ما حضور مدعی العموم آن محکمه لازم میباشد

برای محاکم ابتدائی ذکر شد بر حسب ماده ۱۷۲ و ۱۶۸ اصول محاکمات حقوقی قبلا محکمه استیناف در صلاحیت یا عدم صلاحیت خود قرار صادر میکند و چنانچه از قرار آن محکمه احد متداعین یا محکمه اداری و یا ادارات دیگر دولتی شاکی باشند در دیوان تمیز مجلسی که مرکب از پنج نفر اعضاء شعبه حقوقی دیوان تمیز و پنج نفر از اعضاء شورای دولتی است تحت ریاست رئیس اول تمیز تشکیل میشود تا در آن مجلس اختلاف تسویه شود ۱۷۲ و ۱۷۳ ایضا این مجلس هم مختلط است زیرا که پنج نفر از اعضاء آن از دیوان تمیز است که بزرگترین محاکم قضائی است و بقیه از بین اعضاء شورای دولتی که تا کنون تأسیس نشده تعیین میشوند که شورای دولتی محکمه اداری درجه عالی میباشد

فصل نوزدهم - در داد و ستد خزانه

همانطور که افراد برای عمل بتعهدات مالی و رفع حوائج محتاجند با صرافخانه و اشخاصی طرف حساب شده تادیر موقع لزوم استقراض و بعدا نمایند دولت هم که وصول عواید سالیانه اش منظم نیست و در بعضی از ماه ها که موقع وصول مالیاتهای مستقیم و نوعان مالیاتهای غیر مستقیم نباشد از سایر ایام سال کمتر عایدی دارد محتاج است با صرافخانه و یا بانگی طرف داد و ستد بوده تا در موقع احتیاج استقراض و پس از وصول عواید قرض خود را ادا نماید (۱)

(۱) دولت فرانسه در موقع جنگ بین الظفر یعنی از اول اوت ۱۹۱۵ تا آخر سال ۱۹۱۹ قریب ۴۰۰ میلیارد معنارج ۴۳ میلیارد عایدات عادی داشت و اگر بانظار وصول مالیات می نشست از تجهیز و تدارک قشون عاجز مانده مملکت

اداره که تهیه وجه میکند خزانه داری و وجوهی که غیر از عواید مملکتی بخزانه میرسد از راه استقراض است که ما طرق مختلفه آن را در فرانسه ذیلا بیان می نمایم :

I در فرانسه غیر از استقراض عمومی که معمولا بدون مدت و با مدت طویل میشود دولت بوسایل ذیل رفع احتیاج مینماید :

(۱) استقراض از بانک فرانسه

بانک فرانسه شرکتی است اسهامی و فرقیش با سایر بانکها داشتن امتیاز طبع اسکناس است این بانک قبل از جنگ بین المللی بموجب قرار داد ملزم بود مبلغی که بر طبق قانون ۲۹ دسامبر ۱۹۱۱ به ۲۰۰ میلیون بالغ میگردد بدون فرع بحساب جاری دولت بگنجد و تا بروز جنگ بین المللی میزان اسکناس رایج از شمش طلا و نقره (۱) موجودی در بانک فوق العاده تجاوز نمیکرد و چنانکه در ۱۷ نوامبر ۱۸۹۷ کابینه اسکناس رایج بانک فرانسه ۵ میلیارد و در ۲۴ دسامبر ۱۹۰۸ نقره وطلای موجود در بانک معادل ۴ میلیارد ۳۸۵ میلیون بود (۲)

ولی در موقع جنگ بین المللی که دولت از تهیه وجه بوسیله طبع اسکناس ناچار بود و اگر مستقیما اقدام می کرد احتمال می رفت که در طبع اسکناس افراط شده و در جریان معاملات سخته وارد شود لذا بهتر دانستند

را تسلیم اجانب نموده بود این بود که ۱۱۰ میلیارد بوسیله صدور بچک خزانه و تمسک خزانه و ۵۳ میلیارد هم بوسیله استقراض عمومی تحصیل نمود

Encaisse métallique (1)

« ۲ » مانعانه بواسطه مدارک موجوده نتوانستیم معین نماییم که در یک سال واحد اسکناس رواج و نقره و طلای که در بانک موجود بوده بچه مبلغ بالغ برگردیده است ولی همیشه میدانیم که در ایام قبل از جنگ هیچوقت اختلاف زیادی بین میزان اسکناس رایج و نقره و طلای موجود نبوده است

که این امر کماکان و با شرط جریان اجباری بعهده خود بانک باشد تا برای حفظ اعتبار خود از طبع نامحدود اسکناس خودداری و بادولت مقاومت و دولت هم با استفاده از اعتبار بانک از تنزل فاحش اسکناس فرانسه جلوگیری نماید این بود که امتیاز مزبور با شرط جریان اجباری (۱) کماکان بعهده بانک محول گردید و قانون ۲۰ دسامبر ۱۹۱۸ امتیاز بانک را تا ۱۹۴۵ تمدید نمود و شرایط مهمه آن از اینقرار است :

(۱) امتیاز طبع اسکناس (۲) قرضه ۲۰۰ میلیون بدون فرع بدولت تا اقتضای مدت امتیاز (۳) تادیه نصف عایدات سالیانه بدولت در صورت تجاوز از حد ^{بصری} ~~حسابی~~ که در قانون مزبور پیش بینی شده (۴) عدم تادیه فرع بدولت از بابت وجوهی که بانک بحساب جاری اخذ مینماید

در ۱۱ ژوئن ۱۹۱۱ چون دولت پیش بینی وقوع جنگی میکرد دو قرار داد مخفی بانک بسته بود که بر طبق آن اگر تجویزات عمومی رخ میداد میبایستی بانک ۲۹۰۰ میلیون با نفع صدی یک بدولت قرض دهد و معادل آن با شرط جریان اجباری اسکناس طبع نماید

پیش بینی دولت در ۱۹۱۱ وقوع نیافت و در اوت ۱۹۱۴ جنگ بین المللی در گرفت مجلس قراردادهای مزبور را که غیر مجری مانده بود تصویب و طبع اسکناس را که آنوقت معادل ۶۸۰۰ میلیون در جریان بود به ۱۲ میلیارد رسانید و بعدها هم در ایام جنگ قوانین دیگری وضع شده که بموجب یکی از آنها مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۱۹ طبع اسکناس به ۶۰ میلیارد محدود شد و راجع به ۲۷ میلیارد

« ۱ » قبل از جنگ اسکناس جریان اجباری تعدادت Cours forcè این طریق که هر دانی می توانست از بدهکار خود مطالبه وجه مسکوک نموده و از قبول اسکناس امتناع ورزد در صورتیکه دوائر حکم جریان اجباری هر مقروضی می تواند بوسیله تسلیم اسکناس ذمه خود را بری نماید

هم که دولت در تاریخ آوریل ۱۹۱۹ بانک مقروض بود قرار دادهائی بسته شد که بر طبق آنها بانک در سال صدی سه از دولت دریافت کند که صدی نیم آن از بابت فرع و صدی دو نیم از بابت استهلاك حساب شود و هر گاه قرض دولت را از ۴۰ میلیارد اسکناس رواج موضوع نمائیم ۱۳ میلیارد میماند که در مقابل قسمتی از آن بانک پول و شمش طلا دارد و قسمت دیگر قلیل و منفعی که از آن عاید بانک میشود بیش از اعتبار و مخارجی که صرف طبع اسکناس مینماید نیست

(۲) بیچک خزانه Bons du Trésor

وسیله دیگر خزانه برای تهیه وجه صدور بیچک خزانه است چه اشخاص و بانکها و کمپانیهای راه آهن و تجارتخانهها که وجهی علاوه بر مخارج دارند و نمی توانند آن را بعدت مدید ببانکهای معتبر داده نفع زیادتری اخذ کنند وجه خود را بعدت و بانیف قلیلی بخزانه میدهند و خزانه در مقابل بیچک خزانه صادر مینماید و بوسیله ترقی دادن فرع در موقع احتیاج و تنزل آن در صورت عکس عده قرض دهندگان افزوده پاکسته میشود (۱)

حد اکثر صدور بیچک خزانه را قانون بودجه در هر سال تعیین مینماید منجمله در سال ۱۹۱۱ نه ۶۰۰ میلیون محدود شده بود

و نظر باینکه صدور بیچک خزانه در ایام جنگ احتیاجات دولت را تکافو نمیکرد بموجب تصویبنامه ۱۳ دسامبر ۱۹۱۴ اوراق دیگری با فرع زیادتر یعنی اول برای مدت سه و شش ماه و یکسال از قرار صدی پنج نشر و بعد اوراق سه ماهه از قرار صدی سه و شش ماهه از قرار صدی چهار و نیم فرع بنام اوراق

۱۰ استقراضی که بوسیله بیچک خزانه میشود از عایدات سالی که استقراض شده و در صورت عدم تکافو عایدات آن سه از عایدات سال بعد تادیه میشود

دفاع ملی طبع گردید Bons de la défense nationale که در سپتامبر ۱۹۲۰ مبلغ ۴۹ مایارد و نیم از اوراق مزبوره در جریان بود

(۳) تمسکات خزانه Obligations du Trésor

یکی از وسایل دیگر صدور تمسکات خزانه و آن وقتی است که عواید دولت کافی نباشد و مجلس بدولت اجازه دهد استقراضی که وعده تادیه آن از ۱۵ سال تجاوز نکند از کمپانیهای متفرقه و یا بوسیله صدور تمسکات خزانه از اشخاص غیر معلوم بعمل آمده و از محل اعتباری که هر ساله تصویب میشود بانساط تادیه شود (۱) اگر استقراض از اشخاص و شرکت های معلومی بشود خزانه سند را باسم آنها و چنانچه از اشخاص غیر معینی شود اورائی موسوم بتمسکات خزانه صادر مینماید

(۴) سایر وسایل تهیه وجه

وسایل دیگر دولت چندان مهم نیست ولی متنوع است مثلاً مازاد عایدات صندوق عوارض قراء و قصبات که علاوه بر مخارج محلی است موقته با فرع صدی یک بحساب جاری دولت گذاشته میشود

و نیز بملاحظه اینکه بودجه عایدات و مخارج ایالات از بودجه مملکتی جدا و اجراء آن مجاناً در عهده مستخدمین دولتی است یعنی در حین اجرای وظایف دولتی عواید عوارض ایالتی را نیز وصول و مخارج مربوطه بانرا تادیه مینمایند هر گاه از عایدات مزبوره چیزی داخل حساب دولت شود بدون فرع خواهد بود و همچنین وجوهی که اشخاص متفرقه بصندوقهای و دایع اختیار او باموجب قانون اجباراً میسپارند

۱۰ کسر بودجه ۱۹۱۰ بوسیله صدور ۱۹۵ میلیون نیم اوراق تمسکات خزانه که از عواید سالهای بعد مستهلك گردد جریان شد

خلاصه اینکه جوهری را که خزانه از بانک و بوسیله صدور بیجک و تمسکات خزانه قرض مینماید قروض غیر ثابت گریند Dette flottante و فرق آنها با قرض ثابت Dette Consolidée این است که نوع اخیر معمولاً (۱) بدون مدت است یعنی طلبکار نمیتواند از دولت مطالبه کند ولی دولت بتادیه آن در موقع امکان و استطاعت مختار است

و قروض غیر ثابت برای اینکه فرعشان زیاد نیست و دولت را از استقراض عمومی که فرعش زیادتیر است مستغنی مینماید مفید ولی از يك حدی که تجاوز نمود باعث بی اعتباریت زیرا اگر مودعی تقاضای استرداد وجه نمود و دولت در تادیه تاخیر کرد باعث بی اطمینان و تردید میاید (۲) باینجهت هر وقت قروض غیر ثابت زیاد و استقراض عمومی لازم باشد دولت با تقبل تادیه فرع زیادتری با استقراض عمومی توسل جست و قروض متفرقه و غیر ثابت را ادا مینماید و هیچ استقراضی از ثابت و غیر ثابت بعمل نمیاید مگر بتصویب مجلس رسیده باشد

و باید دانست که تمام دارندگان سند قروض غیر ثابت دولت فرانسه ساکن آن مملکت نیستند و دولت مزبور بیجک، خزانه را در مملکت خارجه هم نشر و و باینوسیله جاب سرمایه نموده و تا ۱۹۲۱ جوهری که بوسیله صدور بیجک خزانه از خارجه عاید شده به ۳۳ میلیارد و نیم فرانک بالغ میگردد و علت هم این بود که هر گاه در داخل مملکت وجهی استقراض و بخارج برات میشد فرانک

۹۱ معمولاً برای اینکه گاهی ممکن است بامدت باشد ولی باید دانست که مدت طولی است و مثل قروض غیر ثابت که مدتشان کوتاه است

۹۲ در ایران خزانه دار بزرگی وجوه و دیعه استثنائی را صرف مخارج دولتی نموده و بعد که صاحبان و دایع محکوم له شده وجوه و دیعه را مطالبه میکردند وزارت مالیه برای امرار وقت تادیه را موکول بتصدیق کمیسیون تطبیق جوابات مینمود و کمیسیون هم نظر باینکه وجه مزبور از مخارج دولتی نبود که تادیه آن محتاج بتطبیق با اعتبارات معوبه و تصدیق باشد از تصدیق خودداری میکرد

تنزل میکرد (۱)

۱۱ (۲) در ایران - قبل از مشروطیت پادشاه خود را مالک مملکت میدانست و همانطور که هر فرد مالکی پیش بینی های لازم را برای حفظ ملك خود مینمود پادشاه هم نهایت احتیاط را بکار برده و هر سال مبلغی از عایدات خود را برای مواقع سختی و تنگدستی صرفه جوئی و پس انداز میکرد و همانطور که افراد مردم در ایام سابق ذخایر خود را در محل مطمئن دفن مینمودند تا از خطر دستبرد و سرقت محفوظ باشد پادشاه هم وجوه احتیاطی را بلا استفاده در عمارت خوابگاه خود که خزانه اندرون خوانده میشد میگذاشت و یکی از زوجات طرف اعتماد مسئول داد و ستد آن بود تا هر وقت وزیر خزانه بواسطه تاخیر وصول عایدات سالیانه و یا پیش آمدن مخارج فوق العاده بوجه محتاج شود از خزانه اندرون استقراض و پس از وصول عایدات مسترد و قبض خود را دریافت نماید داد و ستد خزانه اندرون طوری نبود که همه کس از آن آگساز و محاسبه آن منتشر باشد و علت هم این بود که پادشاه نمیخواست حقیقت معلوم شود مثل اینکه در اوایل سلطنت مرحوم مظفرالدین شاه تصور میشد مبالغ عمدتاً در خزانه هست و حال آنکه حقیقت غیر از این بود و استقراض از دولت روس مطالب را بخوبی کشف نمود

اما بعد از مشروطیت تاسیس ادارات غیر متناسب با اوضاع و استطاعت مملکت و پیش آمدن انقلابات بی درپی که منتج تحمیل مخارج کزاف بر دولت میشد نه فقط مانع جمع آوری و حفظ وجوه احتیاطی که معمول عهد قدیم بود بلکه دولت را از وسایل داد و ستدی که در سایر ممالک معمول و ماطریقه فرانسه را

۹۱ ترقی و تنزل فرانک نسبت بقروضی که دولت فرانسه در ممالک خارجه نموده مؤثر است زیرا قروض داخله فرانک بوده و فرانک هم تادیه میشود و استقراضی که در ممالک خارجه میشود با پول آن مملکت بوده و در موقع هم با همان پول باید تادیه شود

بتفصیل بیان نمودیم نیز محروم نمودیم راه تحصیل وجه همان استقراض از خارجه و دریافت عایدات نقط جنوب بطور مساعدہ بوده است کہ در صورت مخارجی کہ برای بودجه سال ۱۳۰۱ مؤلف بمجلس شورای ملی پیشنهاد نمود مبلغ ۶۳۰۰۷۲ تومان کہ در آنوقت تخمیناً معادل با ۱۳۲۶۴۸ لیره انگلیسی بود از بابت اصل و استهلاك قروض دولتی از قرار ماهی ۱۱۰۵۴ لیره بہ تفصیل ذیل وزارت مالیه پیش بینی و بهمین ترتیب در بودجه ۱۳۰۱ تصویب شده است از بابت منافع و اصل ۱۲۵۰۰۰۰ لیره

انگلیسی کہ در ۱۹۱۱ استقراض شده و بطور استهلاك تا مدت ۴۲ سال باید ہر ماہ پرداختہ شود	۴	۳	۵۷۲۹ لیره
از بابت اصل و فرع ۳۲۳۰۰۰ لیره قرض شیل کہ در ہشتم مارس ۱۹۲۸ منقضی میشود	۶	۳	۲۴۶۷ »
از بابت صدی نہ منافع ۴۹۰۰۰۰ لیره کہ در سنوات مختلفہ بعنوان مساعدہ گرفتہ شدہ و نسبت بہ پرداخت اصل مبلغ قراری دادہ نشدہ بطور ماہانہ	۴	۱۳	۸۱۶ »
	۸	۶	۵۸۳ »
	۴	۱۳	۲۹۱ »
	۴	۱۳	۱۱۶۶ »
	۶	۱۳	۱۱۰۵۴

اصل مبلغ قرض شیل در یازدہمین راپورت مورخ خرداد ۱۳۰۴ رئیس کل مالیه ۳۱۴۲۸۱ لیره و کسری تعیین شدہ و این مبلغ از صورتی کہ خزانه داری کل در وزارت مالیه مؤلف تہیہ نمودہ ۸۷۱۹ لیره کمتر است و تا آخر خرداد ماہ ۱۳۰۴ بابت اصل و فرع قرض مزبور ۷۶۰۳۶ لیره و کسری باقی است و کلیہ قروض دولت مطابق راپورت مزبور در آخر خرداد ماہ ۲۳۴۷۸۰۵ لیره و ۱۵۲۰۰۰۰ تومان است

فصل بیستم - دوره مکملہ

مذکور شد (۱) کہ در بعضی از ممالک مدتی از سال بعد را بسنہ مالیه ضمیمہ نمودہ و آنرا مدت مکملہ نامند و اعمالی کہ در ظرف سال مالیه شروع شدہ و نا تمام مانده است در این مدت تکمیل مینمایند مثل اینکہ در ظرف سنہ مالیه ادارہ وصول بدر یافتہ مالیاتی مبادرت نکردہ و یا وزارتخانہ تعہد خرجی نمودہ ولی قبل از انقضائ سال اجراء نمودہ باشد حال میگوئیم دورہ مکملہ نہ فقط برای وصول مالیات و یا اجراء تعہدات است بلکہ قسمتی از دورہ مزبورہ برای تہیہ محاسبات و شرح آن بتفصیل ذیل است :

I در فرانسہ از انقضائ سال مالیه تا چہار ماہ میتوانند طلب دائنین را از بابت اعتبارات مصوبہ حوالہ صادر و وجہ آن را تادیہ نمایند (از اول ژانویہ تا ۳۱ مارس برای صدور حوالہ و از ۳۱ مارس تا ۳۰ آوریل برای تادیہ حوالجات)

سہ ماہ دیگر یعنی از اول مه تا آخر ژویہ برای اصلاحات محاسباتی و این اصلاحات محاسباتی برای دوامر است :

اول - برای صدور حوالہ وجوہی کہ طلبکاران دولت بدون حوالہ دریافت نمودہ اند مثل وظایف کہ برای آنها قبلاً حوالجات رسمی صادر نمیشود و صاحبان آنها بارانہ سند وظیفہ و اثبات ہویت قبل از صدور حوالہ وجہ را دریافت میکنند

دوم - چون در فرانسه تطبیق حوالجات که منتج جلو گیری از تجاوز وزراء از اعتبارات مصوبه میباشد مثل اغلب از ممالک بادبوان محاسبات نیست امکان دارد حوالجاتی زیاده از اعتبارات صادر شده باشد در این صورت وظیفه اداره محاسبات کل نسبت بمحاسبات وزراء درخور بحث ذیل خواهد بود

(۱) یا باید گفت وزیر مسئول است و حواله جاتی که علاوه بر اعتبار صادر شده بعهد خود اوست و در تأیید همین عقیده ماده نهم قانون بودجه ۱۸۵۰ گوید :

« هر خرج بدون اعتباری یا قسمتی از مخارج که از اعتبار تجاوز کند بعهد شخص وزیر مختلف میباشد » ولی چون مواد اجرائیه (اصول محاکمه) ماده مزبوره وضع نشده این ماده غیر مجری مانده است

ضمناً باید دانست که وزیر وقتی متخلف است که حواله مربوط باو بوده و یا در اخذ وجه آن شرکتی داشته و یا اینکه باقید مسئولیت خود از اعضا مادون رفع مسئولیت نماید والا اعضاء مسئول میباشند و در این جا مراد مسئولیت حقوقی و جزائی است نه مسئولیت سیاسی که منتج عزل وزیر بوسیله رای عدم اعتماد مجلس میشود

(۲) این قبیل وجوهات جزو ضررات خزانه در حساب نوشته شود

Decouverte de Tresor این طریقه هم صحیح نیست زیرا ضررات وقتی است که وجوهی از مطالبات مسلمه دولت لم یصل بماند مثل اینکه وزیر قرار دادی منعقد کند و برای اجراء آن وجهی بدهد و طرف نه تعهد را انجام دهد و نه استطاعت تادیه وجه را داشته باشد در صورتیکه تجاوز از اعتبارات ممکن است در نفع مسلم دولت باشد

(۳) برای حوالجات زاید از اعتبار از مجلس تصویب اعتبار ضمیمه درخواست

شود Credit Supplémentaire و چون این طریقه عملی تر است لذا هر سال در جریان ماه ژوئن دولت صورتی از مخارج سال گذشته بمجلس تقدیم مینماید و در هر فصلی که از اعتبار مصوب تجاوز شده نسبت بمآزاد درخواست اعتبار ضمیمه و در صورت عکس نسبت بماتقص تقاضای نسخ می نماید که تصویب صورت بسا لایحه مزبوره تصویب مقدماتی لایحه تفریح بودجه است

هرگاه تا ۳۱ مارس طلب طلبکار حواله نشد و یا اینکه حواله صادر ولی بجہتی از جهات از ۳۱ مارس تا ۳۰ آوریل تادیه نشد تکلیف چیست ؟

طلب طلبکار از میان نمیرود ولی چون بعد از دوره عمل صندوقهای دولتی از اعتبارات گذشته وجهی نمیرد ازند حواله باید تجدید شود و چون تجدید منوط بیودن محل است هر سال در بودجه هر وزار تخانه فصلی بعنوان مخارج دوره عمل منقضیه Dépenses des exercices clos تعیین میشود ولی چون کل مطالبات طلبکاران معلوم نیست از مبلغ ذکری نشده و در موازنه بودجه هم تغییر مهمی دست نمیدهد زیرا اگر مبلغی از اعتبارات سال جاری بمطالبات معوقه میرسد پرداخت قسمتی از مخارج سال جاری نیز معوق می ماند و باید از اعتبارات سال بعد تادیه شود

ولی باید دانست که در هر مملکت قانون برای دائن مدتی را معین میکنند که بعد از انقضاء آن حق مطالبه ندارد (۱)

و مدت مرور زمان برای قرض دولت در بعضی از ممالک از قبیل سوس وانگلیس همان است که برای قروض افراد ناس تعیین شده

۱ - مدت اکبری که هیئت مقننه فرانسه برای اسقاط دعوی افراد نسبت به یکدیگر تعیین نموده سی سال است ولی این قاعده مستثنیاتی هم دارد که قانون معین میکند

و در بعضی از ممالک دیگر از قبیل فرانسه و بلژیک مدت معهوده کوتاه تر و معمولاً (۱) محدود به پنجسال است و آنها حساب نمیشود باین طریق که اگر قرض دولت آخر ۱۹۲۵ میلادی تولید شده اقبضاء مدت آخر سال ۱۹۳۰ یعنی پنجسال تمام نیست بلکه در ۳۱ ژوئیه ۱۹۲۹ میلادیست و در دو مورد ممکن است که بین مدت فاصله واقع شده و جزو مدت حساب نشود Interruption از اینقرار

(۱) وقتی که ادارات دولتی در تشخیص دین و بایستد در حواله و تادیه وجه مسامحه کرده و بواسطه تعامل آنها طلبکار قبل از اقبضاء مدت بطلب خود نرسیده باشد در این صورت مدت مسامحه اداره دولتی جزو پنج سال حساب نمی شود
(۲) طلبکاریکی از محاکم صالحه اداری یا قضائی عرضحال داده باشد مثل اینکه اداره طلب را صحیحاً تشخیص نداده و طلبکار بمجلس شورای دولتی شکایت کند در اینصورت مدتی که مجلس مزبور رسیدگی نموده و حکم میدهد جزو ۵ سال نیست برای تادیه این قبیل قروض هم فصل مخصوصی بدون ذکر مبلغ در بودجه هر وزارتخانه بعنوان مخارج دوره های عمل باطله که حق مطالبه دائن اسقاط نشده منظور مینمایند

Dépenses des exercices périmés non frappés de déchéances dont le crédit est indiqué « pour memoir »

« ۱ » معمولاً برای اینکه در بعضی موارد ممکن است مدت کمتر و یا بیشتر باشد مثلاً اگر در فرانسه صاحب وظیفه شرطی شده خود را arrang des Pensions در قریب سال مطالبه نکرد حق اسقاط است در صورتیکه مدت مطالبه وجوه و دیه بیش از پنجسال است

و باید دانست که مدت پنجسال مربوط بمطالبات دولت از مردم نیست و مدت اسقاط دعاوی برای مطالبات همان است که برای افراد از یکدیگر تعیین شده و نسبت بموارد مختلف و ممکن است از پنجسال کمتر و یا بیشتر باشد.

II در ایران - قبل از مشروطیت دوره مکمله و مدت مطالبه طلبکار از دولت تا محدود بود و طلبکاران میتوانستند حقوق خود را از دولت و یا از حکام اگر در حساب دولت بخرج گذاشته و نپرداخته بودند هر وقت بخواهند مطالبه نمایند

و بمخارجی هم که حکام بدون مدرک و یا با داشتن مدرک مبهم قلمداد مینمودند موقع تفریح حساب اعتراض میشد توضیح آنکه بعد از انفصال هر حاکم و یا اگر مدت تصدی او طولانی بود بعد از هر سه ماهه وزیر بقایا از او مطالبه حساب میکرد و گاهی حاکم یا صاحب جمع باستناد احکام مبهمه (۱) مبالغی برای انتظام و امنیت حوزه ماموریت خود و یا برای پاره بنائی های لازم و یا تعمیر بناهای مخروبه قلمداد مینمودند که مستوفی محل و وزیر مالیه هیچیک نمیتوانستند قبول و مفاصا حساب صادر کنند مگر اینکه صدر اعظم وقت و یا پادشاه در مخارج مختلف فیها حکمی که لازم بود بنمایند

بعد از مشروطیت مقررات ماده ۴ و ۵ ق م ع از اینقرار است :

ماده ۴ « هرگاه دائین دولت تا روز آخر دوره عمل بمقام مطالبه حقوق خود بر نیابند حواله جاتی که در وجه آنها صادر شده است باطل میشود بدون اینکه بحقوق ثابت آنها خللی برسد یعنی آن حوالجات برای دوره عمل بعد تجدید می شود »

ماده ۵ « اعتباراتی که کل یا جزو آن تا روز آخر سنه مالیه موقع خرج

« ۱ » چون انتظام حوزه های ایالتی و ولایتی یا خود ولات و حکام بود غالباً برای خرج تراشی اوضاع حوزه ماموریت

خود را متقاب جلوه داده و برای سرکوبی اشرار اجازه جمع آوری قوا که مستلزم خرج بود صادر مینمودند

پیدا نکرده باشد از بودجه برگشت خواهد کرد همچنین است اعتباراتی که موقع خرج پیدا کرده لیکن کل یا جزو آن در مواعد مقررہ تشخیص یا حواله نشده باشد ولی این اعتبارات قسم اخیر را پس از برگشت از بودجه بدوره عمل بعد میتوان انتقال داد

مراد از اعتبارات وجوهی است که قبلاً برای خرج معینی پیش بینی و تصویب شده باشد «

و اما اینکه حق مطالبه طلبکاران محدود بزمان هست یا نیست بعثت فقدان قانون مرور زمان طلبکاران دوات و افراد هر وقت بخواهند میتوانند طلب خود را مطالبه نمایند (۱)

۱ - ملاحظه شود مقاله مؤلف در شماره اول مجله علمی مورخه اول جنی ۱۲۹۳ شمسی راجع باسقاط دعاوی

باب چهارم

در تفتیش اجرای بودجه

برای اجراء مقررات قانونی راجعه ببودجه در ممالک خارجه سه قسم تفتیش معمول است :

(۱) تفتیش اداری (۲) تفتیش قضائی (۳) تفتیش پارلمانی که مملکت ماهم طرق ثلاثه مزبوره را اقتباس نموده و شرحی راجع بهر يك در فصل مخصوص بیان خواهد شد

تفتیش مقررات راجعه ببودجه در ایران از مبدعات عصر جدید نیست چون بحکم قاعده کلیه که در موقع فقدان قانون احتیاجات و مقتضیات باعث تکرار اعمالی که مولد عادت است میشود قبل از مشروطیت عاده مقرراتی جاری بود که اجراء کامل آنها هرگونه تخلفی از احکام و منظورات دولتی راجعه بجمع و خرج ممکتی را مکشوف میساخت و ما شرح مقررات و قواعد عادیه قبل از مشروطیت را مقدماً بیان مینمائیم

فصل بیست و یکم در تفتیش اداری

تفتیش اداری بر دو قسم است مقدماتی و نهائی :

(۱) تفتیش مقدماتی در حین جریان برای جلوگیری از خلاف مقررات قبل از خاتمه عمل میشود و بعبارة احرى مانع علت غائی است

(۲) در صورتیکه تفتیش نهائی مانع خلاف نبوده بلکه مقید کشف خلاف میباشد اگرچه علم بوجود این تفتیش عمال دولت را از ارتکاب تخلف مانع می گردد و هر يك از این دو قسم ممکن است دائمی یا موقتی باشد چنانکه مفصلاً بیان خواهد شد قبل از مشروطیت « ملاحظه شد » بیکه مستوفیان در بروات رکابی می گذاشتند و رسیدگی بکتابچه های دستور العمل قبل از امضای وزیر مالیه تفتیش مقدماتی (۱) و تحقیقاتی که مستوفیان در موقع تقریب حساب صاحبان جمع میکردند تفتیش نهائی بود و نیز « ملاحظه شد » مستوفیان در بروات تفتیش دائمی و نظارت بعضی مامورین در مرکز و یا در ولایات از طرف وزیر مالیه و یا صدر اعظم و یا شخص پادشاه در امور مالیه تفتیش موقتی بود

بعد از مشروطیت قهره اول ماده دهم ق ت و میگوید : « نظارت در اجراء قوانین و نظامنامه های مالیه و اداری و مراقبت در ایفاء بوظایفی که برای هر يك از ادارات و تاسیسات مالیه معین گردیده » از اصول و ظایف وزیر مالیه است و مشارالیه باید بوسیله ادارات تابعه و مفتشین که در تحت امر اوست در اجراء قوانین و نظام نامه های اداری نظارت و از هر گونه جریان و عمل مخالف قانون مطلع شده و وظیفه خود را انجام دهد

(۱) ملاحظه شود فصل پنجم و فصل شانزدهم

و بطور مثال تطبیق حوالجات با اعتبارات مصوبه تفتیش مقدماتی و ممیزی ماهیانه که اداره محاسبات کل در حساب پیشکاران و امناء مالیه می کنند تفتیش نهائی است ولی گاهی نمی توان درست تشخیص داد که عمل تفتیشی مقدماتی یا نهائی است و گاهی تفتیش نسبت بقسمتی از موضوع نهائی و بقسمت دیگر آن مقدماتی است مثل اینکه اداره خالصه درصدد فروش مقداری از اشجار دولتی بر آمده وبدون مزایده قسمتی از آن را تسلیم خریدار نموده باشد تفتیش در این مورد نسبت باشجاری که تسلیم شده نهائی و نسبت بقسمتی که تسلیم نشده مقدماتی است یعنی قبل از تسلیم تخلف از قانون کشف و از تسلیم که علت غائی است جلوگیری میشود

و نیز تفتیش متصدیان تطبیق حوالجات و ممیزی محاسباتی تفتیش دائمی و تفتیش مفتشین سیار که از طرف وزارت مالیه بطور فوق العاده مامور میشوند موقتی است

فصل بیست و دویم در تفتیش قضائی

I قبل از مشروطیت - معمولاً وزیر بقایا در آخر هر سال و یا بعد از انفصال هر حاکم و با صاحب جمعی حساب سالیانه و یا حساب مدت تصدی آنها را مطالبه میکرد حاکم با صاحب جمع اسناد خرج خود را بیکدی از عزبان دفتر تحویل نموده رسید میگرفت و اسناد خرج عبارت بود :

(۱) قبوض حقوق اشخاص متوقف مرکز که مستوفی محل در مرکز حاشیه آنها را تصدیق می نمود

(۲) قبوض حقوق اشخاص متوقف محل

(۳) قبوض اشخاص متوقف مرکز که حقوقشان جزو وزارت جنگ بود

و سر رشته دار کل دفتر لشکر حاشیه آنها را تصدیق می نوشت

(۴) بروات سند خرج

توضیح آنکه بعضی از مخارج که در حدود اعتبار میشد برای اینکه در موقع تفریق محاسبه بخرج نوشته شود محتاج بصدور برات سند خرج بود مثلا حقوق افواج و یا سوار که خرج آمده دستور العمل بود پس از آنکه حاکم در حضور لشکر نویس باشی محل و سرکردگان با افراد حاضر فوج یا سوار می پرداخت آنها پای اسامی خود را که در یک کتابچه نوشته شده بود مهر و بعد لشکر نویسباشی و سرکردگان در آخر آن تادیه وجه را تصدیق می نمودند سپس حاکم کتابچه را بیکى از عزیزان دفتر لشکر میداد تا لشکر نویس مرکز برات سند خرج صادر کند و بموجب آن برات بخرج محاسبه منظور شود

و همچنین اگر دولت اعتباری برای مخارج بنائی تصویب میکرد حاکم باید پس از اتمام عمل کتابچه ریز مخارج را که بتصدیق مباشرین و متصدیان عمل رسیده بتوسط یکی از عزیزان دفتر استیفاء بمستوفی بنائی بدهد تا برات سند خرج صادر کند و کلیه برواتی که برای سند خرج صادر میشد مثل بروات رکابی محتاج بطلی مراحلی بود (۱)

(۵) حوالجات خزانه مرکزی چنانچه از باب باقی کتابچه دستور العمل وجهی بحاکم حواله شده و پرداخته بود

(۶) اسناد خرج دیگر مثل اینکه صدر اعظم وقت مستقیما یا بتوسط وزارت مالیه وجهی را بحاکم حواله و او تادیه نموده بود

و چون هر حاکمی نسبت باهمیت محل دره موقع تحریر مفاصا باید بمستوفی مبلفی که رسم الحساب میگفتند بدهد قرار تادیه رسم الحساب را قبل از تحریر مفاصا میداد و عزب دفتر هم اسناد خرج را تحویل مستوفی محل مینمود تا کتابچه مفاصا حساب را تحریر کند و طرز تحریر کتابچه مفاصا با کتابچه دستور العمل یکی نبود و مطلعین بحساب

سیاق هر صفحه از صفحات کتابچه مفاصا را که می دیدند بدون قرائت و اطلاع از مقدمات آن تشخیص میدادند زیرا کتابچه دستور العمل حشوی و موضوعی تحریر میشد باین طریق که عایدات را طرف دست راست صفحه (حشوی) و مخارج را طرف دست چپ صفحه (موضوعی) مینوشتند و بعد باقی چنانچه عایدات از مخارج زیادتیر بود و فاضل را چنانچه قضیه برعکس بود تعیین می نمودند در صورتیکه در کتابچه مفاصا محاسبه در تمام صفحه تحریر میشد و قسمتی که از طرفین باز میماند مساوی بود و این طرز را بدن می گفتند یعنی تمام صفحه نوشته میشد بدون اینکه بعنوان تشخیص جمع قسمتی از طرف چپ و یا بعنوان تشخیص خرج قسمتی از طرف راست باز ماند و برای اینکه معلوم شود کدام قسمت حساب مربوط به عایدات کدام مربوط بمخارج است کل عایدات را در تحت یک صیفه موسوم بمفرده و کل مخارج را تحت صیفه دیگر موسوم بمن ذلک نوشته و نتیجه را تحت صیفه الباقی در صورتی که حاکم باقی داشت و الفاضل چنانچه حاکم طلبکار بود معلوم می نمودند

و بعد از اتمام کتابچه وزیر بقایا در وزارت مالیه مجلسی از مستوفیان پای سند یعنی مستوفیانی که حضورشان در موقع تسلیم اسناد خرج لازم بود و نیز مستوفی ضابط اسناد خرج و مستوفی محل تشکیل میداد و در مجلس مزبور کتابچه قرائت و باسوادها که بعده حضار تهیه میشد مقابله و برای هر قلمی از اقلام مخارج اسناد خرج ارائه میشد سپس اسناد مزبوره را حضار باطل میکردند و بعد آنها را مستوفی ضابط اسناد خرج ضبط می نمود و حضار ابطال و تسلیم آنها را بمستوفی مزبور در آخر کتابچه تصدیق نموده و بعد هیئت دیگری که ابتدا بنام مجلس تحقیق و در اواخر بدفتر مخصوص موسوم بود کتابچه مزبور را با کتابچه دستور العمل تطبیق و بعد از اطمینان از صحت عایدات و مخارج وزیر مالیه و صدر اعظم نیز

هر يك بنوبت خود آخر آنرا مهر کرده سپس بصره پادشاه میرسید وبعد وزیر بقایا آن را بصاحب جمع تسلیم مینمود

II بعد از مشروطیت - چون امور مالیه از خصایص مجلس شورای ملی است و مجلس نمیتواند نظارتی که لازم است نموده و وظیفه را که عهده دار است کاملاً انجام دهد لازم است هیئت دیگری خدمت مزبور را بعهده گرفته و انجام نظریات مجلس را در امور مالیه و اجراء قوانین تامین نماید چنانچه هیئت مزبور از اعضاء ادارات و تابع وزراء باشد مستقل نخواهد بود تا بتواند نسبت بمختلفین از قانون عقیده خود را اظهار کند و باینجهت هیئت دیگری را موسوم بدیوان محاسبات که انتخاب آن با مجلس و بالنتیجه مستقل است لازم دیده اند (۱)

(۱) دیوان محاسبات

(۲) « انتخاب اعضای دیوان محاسبات موافق اصل (۱۰۱) قانون اساسی مورخه ۲۵ شعبان (۱۳۲۵) از وظایف مجلس شورای ملی است وزیر مالیه دو برابر عده که باید انتخاب شود یا بیشتر بمجلس شورای ملی پیشنهاد می نماید و مجلس می تواند عده لازمه را از میان آن اشخاص یا اشخاص دیگر انتخاب

« ۱ » این وظیفه در اغلب ممالک با دیوان محاسبات و در انگلیس با مأمور تصدیق حوالجات است که مستقل و طرفه انفصال او در فصل شانزدهم قسمت راجع به تخلیق حوالجات بیان شد
مأمور مزبور بحساب عایدات و مخارج دولتی رسیدگی نموده نظریات خود را برض کمیسیون محاسبات عمومی مجلس وکلاً Commission des comptes publics میرساند
و در صورتیکه مأمور تصدیق حوالجات اعتراضاتی نماید کمیسیون مزبور بعد از تحقیقات لازمه ملاحظات خود را در راپورتی که برای مجلس تهیه میکند ثبت با اعتراضات مزبوره و همچنین عقیده خود را در طرز رفتار ادارات مالیه بیان مینماید
ولی باید دانست که راپورت کمیسیون مثل خبر کمیسیون مالیه مجلس وکلاً در فرانسه راجع بلاوجه تفریغ بودجه در مجلس تحت شور و رأی واقع نمیشود

کند (۱) و باید آن اشخاص دارای شروط مقرر در ماده ۲۲ باشند « ماده ۱۲ ق د م و « دیوان محاسبات مرکب است از يك رئیس کل و سه نفر رئیس محکمه و شش نفر مستشار و دوازده نفر معین » ماده ۲ ق د م

و يك مدعی العموم و يك دفتر دار کل و هر محکمه مرکب از يك رئیس و دو مستشار است « که رئیس کل و مدعی العموم و دفتر دار کل اختصاص بهیچ محکمه ندارند و در هر يك از محاکم اولی سمت ریاست و دومی سمت وکالت عمومی و سومی برای هر نوع تحریرات میتواند حاضر شود » ماده (۴) ق د م

اصول مهمه و وظایف دیوان محاسبات مطابق اصل ۱۰۲ متمم قانون اساسی از این قرار است:
« دیوان محاسبات مأمور بمعاینه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریغ حساب کلیه محاسبین خزانه است و مخصوصاً مواظب است که هیچیک از فقرات مخارج معینه در بودجه از میزان مقرر تجاوز نموده تغییر و تبدیل نپذیرد و هر وجهی در محل خود بمصرف برسد و همچنین معاینه و تفکیک محاسبیه مختلفه کلیه ادارات دولتی را نموده اوراق سند خرج محاسبات را جمع آوری خواهد کرد و صورت کلیه محاسبات مملکتی را باید بانضمام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید »
و چون یکی از اصول مهمه و وظایف دیوان محاسبات رسیدگی بحساب صاحبان جمع است باید دانست که هر حساب سه مرحله را باید طی کند (۱) اربال حساب (۲) رسیدگی (۳) صدور حکم که نصوص قانونی هر يك از مراحل ثلاثه و

« ۱ » ماده ۱۴ ق د م : « همه ساله یکنفس از اعضای دیوان محاسبات بطریق ذیل منفصل و عوض آنها انتخاب میشود از ابتدای سال دوم تا اول سال پنجم هر سال یکنفس از اعضاء دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی بطور قرعه از شغل خود منفصل و عوض آنها را بترتیبی که در ماده « ۱۳ و ۱۴ » ذکر شد انتخاب مینماید و این قرعه در ظرف مدت مذکوره بین اعضای کشیده میشود که در ابتدا انتخاب شده اند و در اول سال ششم قسمتی که از متخیین سال اول باقیمانده طبعاً منفصل خواهند بود و از ابتدای سال هفتم بعد همه ساله آن قسمت که پنجسال تمام داخل کار بوده اند از خدمت منفصل و عوض آنها انتخاب جدید بعمل میاید اجزاء منفصله را میتوان مجدداً انتخاب کرد »

طریقه اعتراض بحکم و تجدید نظر و تہیز احکام را بشرح آتی بیان می نماید:

(۱) در ارسال محاسبات

« صاحبان جمع و مامورین مذکور در ماده ۵۹ (۱) باید صورت حساب های هر سنہ مالیه را تا دو ماہ از سال بعد بدیوان محاسبات تسلیم نمایند » ماده ۶۱ ق دم

نباید اشتباه کرد این حساب را با حساب دورہ عمل چہ حساب دورہ عمل مربوط بیک سنہ مالیه و سال بعد است کہ سال بعد را دورہ مکملہ گفتیم در صورتیکہ حساب صاحب جمع مربوط بحساب سالیانہ است کہ گاہی از یکسال ہم ممکن است کمتر باشد و آن وقتی است کہ ماموریت صاحبجمع قبل از انقضای سال بعثت وفات وانفصال و یا استعفاء خاتمہ یابد

(۲) در رسیدگی بحساب

« رئیس کل حسابارا ما بین ممیزین تقسیم ویک یا چند حساب را کہ راجع بیک صاحبجمع نباشد بیک نفر رجوع کردہ و در روی صورت حساب معین میکنند کہ ممیز راپورت آن حساب را پس از رسیدگی بکدام یک از محاکم باید بدهد ممیز واعضاء محکمہ کہ صورت حساب بانجا رجوع شدہ است نباید باصاحب جمع نسبتاً واسباباً تادرجہ چهارم قرابت داشته باشد » ماده ۸۹ ق دم

« ماده ۵۹ ق دم : « دیوان محاسبات در بارہ حسابهای صاحبان جمع نقدی دولت و اجناسی کہ در حکم نقود است و حساب کارگذاران دیوانی کہ مامور یا متصدی دریافت و پرداخت و محافظہ وجوہ دولتی ہستند رسیدگی کردہ و حکم میدہد و نیز در مادہ حسابهای خزانہ داران و مامورین سایر تاسیسات عمومی رسیدگی آرا قانون مجول بدیوان محاسبات کردہ باشد حکم خواهد داد و نسبت بحساب صاحبان جمع اموال دولت رسیدگی کردہ و تصدیق می دہد »

« ممیز هر حساب باید شخصا رسیدگی کرده و برای هر صورت حساب راپورتی جدا گانہ بدهد راپورت مزبور مشتمل بر کتابچہ علیحدہ خواهد بود کہ هر یک در فقرات ذیل مبین عقیدہ ممیز است

(۱) ملاحظات راجعہ بصحت جمع و خرج و حاصل حساب در این کتابچہ و ایراداتیکہ ممیز بر دفعات و میزان جمع و خرج دارد بیان مینماید یعنی اگر از بابت جمع بیش از آنچه صاحبجمع قلمداد کردہ است باید بیای او محسوب شود و نیز از بابت خرج اگر بعضی وجوہ قلمدادی نباید قبول شود و همچنین اگر مسئولیتی از بابت قوانین و قواعد حساب بر عہدہ صاحبجمع وارد است تمام این ایرادات در این کتابچہ قید خواهد شد

(۲) ملاحظات راجعہ بجمع از حیث مطابقت با قوانین مملکتی وملاحظات راجعہ بخرج از حیث مطابقت با اعتبارات مصوبہ « ماده ۹۲ ق دم

« ممیز در متن راپورت خود معین میکند کہ صاحبجمع باقی دارد یا فاضل و یا میزان جمع و خرج مطابق است و باید مفاصا دادہ شود یا لازم است کہ در باب تصفیہ آن بعضی تخفیفات و اقدامات مقدماتی بعمل آید » ماده ۹۴ ق دم « صورت حساب و اسناد و راپورتهای مذکورہ در مادہ (۹۲) و (۹۵) پس از رسیدگی بحساب بتوسط دفتر دار کل بر رئیس محکمہ مرجع دادہ میشود رئیس محکمہ یکی از مستشاران را باطلاع اعضای آن محکمہ برای رسیدگی براپورت ممیز معین مینماید و در دفتری کہ در مادہ (۸۸) ذکر شد تاریخ روزی کہ ممیز صورت حساب را تسلیم دفتر خانہ کردہ است یاد داشت میشود « ماده (۹۶) ق دم « مستشار براپورت ممیز رسیدگی کردہ معلوم مینماید کہ (اولاً) ممیز شخصاً بحساب رسیدگی کردہ است یا خیر (ثانیاً) اعتراضات و ملاحظات و ایراداتی کہ ممیز حساب در راپورت خود قید کردہ است چہ حالت دارد (ثالثاً) ممیز

اسناد خرج را با بابت‌های خرج تطبیق کرده صحت و سقم هر يك را معین و
بتمام آن اسناد رسیدگی کرده است یا خیر» ماده (۹۸) قدم
«مستشار پس از رسیدگی بمطالب ماده قبل رای خود را در راپورت کتبی بیان و
منضم بصورت حساب مینماید» ماده (۹۹) قدم

(۳) در صدور حکم

«در روز معین و در محکمه مرجع مستشاریکه بسمت مخبرین معین شده
با حضور ممیز یا ممیزین عقیده خود را در باب حساب صاحبجمع و ایرادات
ممیز بیان میکند و همچنین ممیز مخبر عقیده خود را توضیح میکند ولی حق
رای دادن ندارد» ماده ۱۰۰ قدم
«مستشاران در هر يك از فقرات حساب رای خود را بترتیب قدمت خدمت
یا کبر سن داده و رئیس محکمه نتیجه راجعه بهر يك از فقرات حساب را در
حاشیه راپورت قید کرده پس از آن حکم کلی در ذیل راپورت صادر و بامضای
رئیس و مستشاران میرسد» ماده ۱۰۱ قدم

(۴) در اثر حکم

«اگر صاحبجمع باقی یا فاضل نداشته باشد این مسئله در حکم محکمه
قید و حکم مزبور بمنزله مفاصا حساب خواهد بود» ماده (۱۰۳) قدم
«در صورتیکه صاحبجمع باقی داشته باشد مبلغ آن در حکم دیوان
محاسبات معین و امر بوصول آن خواهد شد و اگر فاضل داشته باشد حکمی
که در آن باب صادر میشود بمنزله سند طلب او خواهد بود» ماده (۱۰۴) قدم

(۵) در اعتراض بحکم

«در صورتیکه صاحبجمع موافق ماده (۶۷) بخواهد بحکم محکمه اعتراض
نماید باید در ظرف پانزده روز پس از تاریخ ابلاغ مستقیماً یا توسط اداره

متبوعه خود عرضحال اعتراض را بدیوان محاسبات بدهد تاریخ اعتراض در دفتر
مذکور در ماده (۸۸) قید خواهد شد» ماده (۱۱۱) قدم

«صورت عرضحال اعتراض بر حسب امر رئیس کل به مدعی العموم داده
میشود که عقیده خود را در باب رد یا قبول اظهار نماید» ماده ۱۱۲ قدم
«عقیده مدعی العموم که کتباً بیان شده است باهتمامات خود مدعی العموم
بصاحبجمع یا وکیاش ابلاغ و راپورتهای از این ابلاغ بدفتر خانه داده میشود» ماده
(۱۱۳) قدم

«صاحبجمع در ظرف پانزده روز از تاریخ ابلاغ حق دارد جواب خود
را بصمیمه اسناد ارسال دارد» ماده ۱۱۴ قدم

«این جواب نیز بمدعی العموم داده میشود تا اینکه بتواند نظرات آخری
خود را در محکمه اظهار نماید» ماده ۱۱۵ قدم

«ده روز بعد از مدت تعیینه در ماده (۱۱۴) مدعی العموم و صاحبجمع
یا وکیاش میتوانند انعقاد محکمه را برای مذاکرات راجع برد یا قبول اعتراض
درخواست نمایند و بموجب این درخواست رئیس دیوان محاسبات امری در این
باب صادر و مستشاری را بسمت مخبری معین میکند و اگر مداخله مستشار یا
ممیزی که سابقاً بسمت مخبری معین شده بودند لازم باشد در امر نامه مزبور قید
خواهد شد این امر نامه باید بطرف مقابل ابلاغ شود» ماده ۱۱۶ قدم

«مدعی العموم پنجروز قبل از شروع رسیدگی اعتراض باید اسنادی را
که برای اثبات مطالب خود دارد بدفتر دیوان محاسبات بدهد تا صورتی
از اسناد بجهت طرف مقابل فرستاده شده و مستحضر شود» ماده ۱۱۷ قدم

«بعد از این اقدامات در روزی که معین شده محکمه منعقد و شروع
بمحاکمه مینماید و مستشاری که اخیراً برای مخبری معین شده بود راپورت آن

حساب را اظهار و صاحب جمع یا وکیلش ملاحظات و توضیحات خود را داده و مدعی العموم رأی قطعی خود را بیان مینماید « ماده ۱۱۸ قدم »
« همینکه مناکرات و مباحثات ختم شد محکمه در همان جلسه بادر جلسه دیگر حکم صادر خواهد کرد و صورتی از آن بمدعی العموم داده خواهد شد تا بتوسط اداره متبوعه صاحبجمع باو ابلاغ نماید و صاحبجمع نیز میتواند سواد حکم مزبور را از دفتر بخواند « ماده ۱۱۹ قدم

(۶) در حکم نیایی

« در مواقعی که صاحبجمع در مواعد مقرر حساب خود را بدیوان محاسبات تسلیم نکند و موافق ماده (۶۲) باید خود دیوان محاسبات اقدام نماید از استقرار رفتار میشود مدعی العموم مراتب را کتباً بدیوان محاسبات اظهار میکند و حکمی از طرف دیوان مزبور که متضمن مهلت مزبوره در ماده (۶۲) باشد صادر میشود و حکم مزبور بتوسط مدعی العموم با اداره متبوعه صاحبجمع داده خواهد شد که باو ابلاغ کند « ماده ۱۲۱ قدم »
« اگر صاحبجمع یا وکیلش در رأس مدت حاضر شد مطابق ماده (۸۹) و بعدها رفتار میشود در صورتیکه در رأس وعده حاضر نشوند رئیس محکمه بدرخواست مدعی العموم میتواند روز محکمه را معین و یکنفر از مستشاران را بسمت مخبری بر قرار کند « ماده ۱۲۲ قدم »
« در روز معین دیوان محاسبات موافق ماده (۶۳) صاحبجمع را بیک جزای نقدی محکوم ساخته و حکم میکند که مدعی العموم حساب صاحبجمع را بوسایل مقتضیه ترتیب داده تسلیم نماید تا در محکمه رسیدگی شود این حکم با اداره متبوعه صاحبجمع داده میشود که باو ابلاغ کنند بر این حکم دیوان محاسبات بترتیب مواد (۱۱۱) تا (۱۲۰) میتواند اعتراض کرد « ماده ۱۲۳ قدم

(۷) در تجدید نظر و تمیز

« احکام دیوان محاسبات بطریق فوق العاده در تحت دو عنوان ممکن است طرف ابراد واقع شود (۱) بعنوان تقض حکم (۲) بعنوان تجدید نظر اقدام بدو وسیله فوق ممکن است هم از طرف صاحبجمع و هم از طرف مدعی العموم عمل آید اعمال بهر يك از دو وسیله فوق موجب توقیف احکام اصلی نمیشود مهلت تقاضای تقض از تاریخ ابلاغ رسمی حکم بصاحب جمع تا یکماه است « ماده ۷۰ ق د م

اولا در تجدید نظر

« تقاضای تجدید نظر در مواقع ذیل باید قبول شود
(۱) اگر سهوی در نوشتن فقرات حساب یا در عمل حساب شده است
(۲) اگر بواسطه معاینه حسابهای دیگر یا بهر ترتیبی که متصور است ثابت شود که چیزی از قلم افتاده یا دو دفعه بحساب آمده است (۳) اگر پس از صدور حکم اسناد تازه بدست آمده باشد بشرط آنکه ثابت شود اسناد مزبوره در موقع تسویه حساب موجود بوده و صاحب جمع نتوانسته است بدست بیاورد (۴) اگر آن حکم از روی اسناد جعلی صادر شده باشد
در سه شق اخیر بعد از انقضای مدت سه سال از تاریخ صدور حکم تقاضای تجدید نظر وقتی قبول خواهد شد که صاحبجمع ثابت نماید که فقط دو ماه است فقرات از قلم افتاده با فقرات مکرر شده را ملتفت شده است یا اسناد جدیدی بدست آورده و یا تصدیقی که در مقامات رسمی از بابات جعلیت سند داده شده است باستحضار او رسیده است « ماده ۷۳ ق د م

«دره موقع ومدت معینه در ماده (۷۳) تجدید نظر ممکن است نظر بجوایش دیوان محاسبات یا مدعی العموم وقوع باید در این صورت دره موقع مذاکرات صاحب جمع یا وکیلش باید حضور داشته باشد» ماده ۷۴ ق د م

«تجدید نظر فقط نسبت بقسمتهائی از حساب که موافق ماده (۷۳) مورد ابراد واقع شده و تصحیحاتی که نتیجه این عمل است منتج اثر خواهد بود» ماده ۷۵ ق د م

«تقاضای تجدید نظر باید در ظرف مدت مذکوره در ماده (۷۳) بعمل آمده و تمام اسنادی که راجع بصحت تقاضا است منضم بعرضحال شود این عرضحال با اسناد مزبوره باید بطرف ابلاغ شود پس از آن دیوان محاسبات در باب قبول استدعای تجدید نظر شور کرده و بعد بترتیب معمول حکم صادر می کند» ماده ۱۲۴ ق د م

«در صورت قبول تجدید نظر در حکمی که صادر میشود ذکر دلیلی نخواهد شد حکم مزبور بانضای دفتر دارکم رسیده شخصی که تقاضای تجدید نظر کرده یا وکیلش ابلاغ میشود وتاریخ ابلاغ در کناجه ثبت و در ظرف سی روز از این تاریخ سواد دیگری بطرف شخصی که تقاضا نموده ابلاغ و پس از آن موافق ترتیباتی که در باب محاکمه ابتدائی گفته شد عمل میشود» ماده ۱۲۵ ق د م

«حکم قبول تجدید نظر باعث توقف اجرای حکم اولی ثبت ولی هر گاه توقف حکم تقاضا شود دیوان محاسبات میتواند حکم را توقف و برای این امر اگر لازم داند حکم بدادن وجه الضمانه نماید» ماده ۱۲۶ ق د م

«در صورتیکه تجدید نظر قبول نشود حکمی که صادر میشود باید مستند بدلیل بوده شخصی که تقاضای تجدید نظر کرده است ابلاغ واسناد مذکوره

در ماده (۱۲۴) را که تحویل دفتر کرده بود مسترد نماید» ماده ۱۲۷ ق دم

ثانیا در تمیز

«تقاضای تقض حکم فقط در مواردی است که ادعا شود بر اینکه دیوان محاسبات از حدود اختیارات خود تجاوز کرده و یا مرجعیت آن کار را نداشته و یا آنکه قانون را از روی صحت تفسیر نکرده است و یا از اصول محاکمات تخلف نموده و این تخلف بدرجه اهمیت داشته باشد که نتوان حکم صادر را حکم قانونی دیوان محاسبات محسوب داشت لایحه این تقاضا بمجلس شورای دولتی پیشنهاد میشود و حکم مجلس شورای مزبور بتوسط وزارت مالیه بدیوان محاسبات تبلیغ میشود تا زمانیکه مجلس شورای دولتی تشکیل نشده است لایحه تقاضای تقض بدیوان تمیز پیشنهاد میشود و حکم دیوان مزبور بتوسط وزارت مالیه بدیوان محاسبات تبلیغ میشود» ماده (۷۱) ق دم

«در صورتیکه حکم دیوان محاسبات تقض شود مجددا در مجلس عمومی رسیدگی و محاکمه بعمل آمده و حکم قطعی اخیر صادر می شود» ماده (۷۲) ق دم

پس از بیان مقررات قانونی لازم است تشریح شود که آیا اثر رسیدگی وقضاوت دیوان محاسبات متوجه اشخاص است یا محاسبات بعبارة اخری اثر حکم دامن گیر صاحبان جمع میشود یا محاسبه که آنها متصدی بوده اند برای فهم این موضوع دانستن این نکته لازم است که در هر حساب دو چیز محل توجه است :

اول اینکه جریان محاسباتی موافق قوانین ومقررات اداری هست یا نه

دویم اینکه در صورت تخلف صاحب جمع مسئول است یا کسان دیگر چه ممکن است در دیوان محاسبات بحسابی اعتراض شود که مسئولیت عدم اجراء قوانین ومقررات اداری در موضوع آن بصاحب جمع مربوط نباشد بنابر این اثر

حکم مربوط بحسابه خواهد بود

پس هر حکمی از دو حال خارج نیست یا صاحب جمع خود را مخلف میدانند یا نه در صورت اخیر اگر وزیر مالیه هم موافق است که صاحب جمع مسئول نیست (۱) در فصلی از فصول بودجه خسارت بخرج دولت میاید و در صورتیکه وزیر مالیه صاحب جمع را مسئول بداند ضررهائی دولت را باید جبران نماید (۲)

بطور خلاصه دیوان محاسبات در محاسبه قضاوت میکند و اثر قضاوت مزبور ممکن است متوجه صاحب جمع بوده و یا نباشد

و باید دانست که محاسبه کلیه صاحبان جمع در دیوان محاسبات قضاوت نمیشود زیرا برای این کار تشکیلات اداری دیوان مزبور باید بی نهایت وسیع و بالاخره تشکیلات مرکزی از عهده بر نیامده و دیوان مزبور در هر نقطه از نقاط مملکت محتاج به تشکیلات و مأمورین مخصوص باشد و بالتبع دیوان محاسبات که برای جلوگیری از حیف و میل و تخلف از قوانین و مقررات ادارست باعث خرج زیاد و پیچیدگی رشته های اداری شود این است که معمولاً بحسابه رؤساء صاحبان جمع رسیدگی نموده و رؤساء مزبور خود با صاحبان جمع

۱۰ در فرانسه عقیده دیوان محاسبات این است که وزیر مالیه نمیتواند صاحب جمعی را بری الذمه نماید مگر اینکه بموجب نص این حق او داده شده باشد مثل اینکه بموجب ماده ۲۱ تصویبیه ۱۸۶۲ وزیر ذیعق است که هرگاه وجهی صرفت و یا بواسطه قوه قهریه Force majeure مفقود شود صاحب جمع را بری الذمه نماید و در سایر موارد حکم دیوان محاسبات باید اجرا شده و وزیر صاحب جمع را نمیتواند تبرئه نماید ولی نظر اینکه تشخیص قوه قهریه با وزیر است و وزراء بواسطه توسعه نظری که در تطبیق این مفهوم با مصادیق دارند اغلب نظریات خود را اجرا مینمایند

۲۰ در فرانسه چنانچه وزیر مالیه صاحب جمع را مسئول دانست صاحب جمع میتواند از حکم وزیر بمجلس شورای دولتی که محکمه عالی اداری و مستقل است شکایت نماید

دادن طرف محاسبه شده و مسئولیت اعمال آنها را بر عهده میگیرند (۱) و نیز صلاحیت دیوان محاسبات این نیست که فقط بحساب صاحب جمعان رسمی رسیدگی و قضاوت نماید بلکه بحساب اشخاصی هم که بر خلاف قانون در وجوه دولتی مداخله نمایند رسیدگی میکند و قضاوت دیوان محاسبات رافع مسئولیت جزائی نیست (۲) و (۳)

وظیفه دیوان محاسبات این نیست که فقط بحساب صاحبان جمع رسیدگی کند بلکه بر طبق ماده (۱۳۰) قدم « حسابهای وزراء و محاسبات کل مالیه که موافق ماده ۵۴ دیوان محاسبات داده میشود بدو بمعاکم رجوع خواهد شد و پس از رسیدگی رئیس محکمه یکی از مستشاران را مأمور میکند که از روی نتایج حاصله از رسیدگی محکمه راپورتی تهیه نموده و در روزیکه رئیس کل معین خواهد کرد تقدیم مجلس عمومی نماید »

و نیز « دیوان محاسبات حساب وزراء را با محاسبات کل مالیه رسیدگی کرده حاصل هر دو را جمعاً و خرجاً با یک دیگر مقابله و مطابقت آنها را با قوانین

۱۰ ممکن است در بعضی مواقع دیوان محاسبات بحساب صاحب جمع رسمی هم رسیدگی نماید مثل اینکه در فرانسه اگر بوزیری برای مخارج مختلفی اعتباری داده شود وزیر مزبور حساب آن را باید رئیس جمهوری داده مقاصد اخذ کند و هرگاه در موقع انفصال او از وجه اعتبار چیزی باقی باشد بقیه را بقیام مقام خود تسلیم مینماید

۲۰ « هرگاه دیوان محاسبات در ضمن رسیدگی حساب نقاب و خیانتی مشاهده کند مطلب را توسط مدعی العموم دیوان محاسبات به مدعی العموم وزارت عدلیه و وزارت متبونه صاحب جمع برای اینکه موافق قوانین معموله سیاست شود ابلاغ مینماید و در چنین موقع باید عقیده مدعی العموم نیز خواسته شود » ماده ۶۸ قدم

مثل اینکه بین حواله دهنده و گیرنده وجه سازش باشد که بواسطه اسناد خرج باصحیح وجهی بیش از طلب او حواله شده و مازاد را طرفین تقسیم نمایند

Mandat fierif

۳۰ در فرانسه دیوان محاسبات نسبت باشخاصی که برخلاف قانون در مالیه دولت مداخله نموده و همداستان آن اعلامیه صادر میکند Arret declaratif de la gestion de fait که تا دو ماه صورت حساب

بودجه تقطیس و تحقیق مینماید و از طرف دیگر نتیجه کلیات و جزئیات حساب های مزبوره را با حسابهای صاحبان جمع که موافق ماده (۶۱) بدیوان محاسبات تسلیم میشود مقایسه کرده و معلوم میکند که موافقت دارد یا ندارد و در مواقعیکه لازم داند ریز حساب و اصل صورت حسابها را رسیدگی کرده هر گونه سندی برای این کار لازم داشته باشد از مقامات لازمه میخواهد و پس از رسیدگی تصدیق نامه مطابقت که در ماده (۳۹) قید شده است میدهد « ماده ۵۵ ق دم

» پس از اینکه راپورت محاکم راجعه بمطابقه حساب وزراء و محاسبات کل مالیه در جلسه عمومی مذکوره در ماده (۱۳۰) قرائت شد دیوان محاسبات در باب رسیدگی و تصدیقنامه مطابقت (۱) که در ماده (۳۹) و (۵۵) ذکر شده است مذاکره کرده و راپورته تهیه میکند راپورت مزبور و صورت مذاکرات بوزیر مالیه تسلیم میشود تا بموجب ماده (۵۷) بضمیمه لایحه قانونی تفریح بودجه بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید « ماده ۱۳۷ ق دم

در اینصورت قضاوت در محاسبات صاحبان جمع وسیله قضاوت محاسبات وزارت

این بود خلاصه از اصول وظایف دیوان محاسبات که در تاریخ اول شوال

خود را بدیوان مزبور بفرستد و در صورت تخلف مورد جریمه خواهند بود و از قانونی اعلامیه مزبور که بداره ثبت اسناد اطلاع داده میشود این است که رهن قانونی دولتها در اموال اشخاص مزبور ثابت مینماید و مراد از رهن قانونی این است که وثیقه بموجب قانون است و نه قرارداد و چنانچه در مدت معینه حاضر نشوند دیوان مزبور خود حساب را تهیه کرده طلب دولت را تعیین مینماید

(۲) در فرانسه دیوان محاسبات سه تصدیقنامه مطابقت صادر مینماید:

اول برای محاسبات جنسی

دوم و سیم برای سایر محاسبات که یکی مربوط بحساب صندوق است در مدت سال مالیه و دیگری مربوط بحساب دوره عمل

۱۳۲۷ قمری تشکیل و در ۲۰ اسد ۱۳۲۹ مطابق ۱۲۹۰ شمسی یعنی ۲۷ روز بعد از تصویب قانون ۲۳ جوزا مقارن تشکیلات خزانه داری شویستر امریکائی منحل شده

(۲) قانون تشکیلات وزارت مالیه

پس از تصویب قانون تشکیلات وزارت مالیه بموجب ماده ۴۷ قانون مزبور یکی از وظایف کمیسیون تطبیق حوالجات این بود که در غیاب دیوان محاسبات بحساب صاحبان جمع نقدی و جنسی رسیدگی نماید ولی نظر باینکه قانون مزبور باختصار قناعت نموده و در طرز جریان محاسبه مقرراتی نداشت عاده اداره محاسبات کل مالیه حساب را تحریر و با اسناد خرج بکمیسیون میفرستاد و در کمیسیون هم شعبه بنام شعبه محاسبات بود که در حساب مزبور راپورته تهیه و نظریات خود را در آن اظهار مینمود ولی مع التاسف کمیسیون نبودن مدارک قانونی را از قبیل بودجه که مدرک اخذ عایدات و تادیه مخارج است عنبر عدم رسیدگی قرار داده و متجاوز از شش سال که کمیسیون تطبیق حوالجات برقرار بود بکانه حسابی که در آنجا گذشت حساب مخارج محصلین اعزامی باروپا بود که هیئت دولت وقت بکمیسیون ارجاع نمود

تصدیقنامه مطابقت حساب سالیانه راجع بوجهی است که در مدت یکسال در خزانه مملکت وارد و از آن خارج گردیده و در تصدیقنامه مزبور نتیجه احکام دیوان محاسبات در خصوص محاسبات صاحبان جمع درج میشود در صورتیکه در تصدیقنامه مطابقت راجع بحساب دوره عمل که چند ماه بعد از تصدیقنامه مطابقت حساب سالیانه صادر میشود کلیه عایدات و مخارجی که در دوره عمل وصول و پرداخت شده تعیین و دیوان مزبور تطبیق محاسبات وزراء را با محاسبات صاحبان جمع تصدیق مینماید

(۳)

تشکیلات ماده واحده

بعد از انحلال کمیسیون تطبیق حوالجات یکی از وظایف او را که رسیدگی بمحاسبات بود کمیسیون تفریح محاسبات عهده دار شد ولی بواسطه کوتاهی عمر دوره ماده واحده کمیسیون مزبور بچند حساب بیشتر رسیدگی نمود و مواد ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ لایحه قانونی (۱) مؤلف که برای تقدیم بمجلس تهیه شده بود جریان حساب را در کمیسیون مزبور بیان مینماید

فصل بیست و سیم تفتیش پارلمانی

و قانون تفریح بودجه

بهترین وسیله برای تأمین اجرای بودجه تفتیش مقدماتی است زیرا بجای کشف وقوع امری بر خلاف قانون مانع وقوع امر میشود ولی چون دخالت قوه مقننه در اموریکه اجراء آن از وظایف قوه مجریه مخالف با اصل تجزیه و تفکیک قواست بعلاوه اگر وظیفه قوه مجریه را هم قوه مقننه انجام یعنی در حین جریان تفتیش مقدماتی نماید معلوم نیست از قوه مجریه بهتر موفق گردد این است که تفتیش پارلمانی معمولاً بعد از ختمه عمل بجا آمده و غالباً هم مؤثر

بمبارا آخری در تصدیقنامه اولی نتیجه حساب صاحبان جمع و در تصدیقنامه ثانوی تطبیق اقلام متدرجه بحساب وزراء با اقلام منظوره در حساب صاحبان جمع تصدیق میشود
۱۰ ملاحظه شود آخر کتاب

نیست مثل اینکه اگر در حین مذاکرات راجع بلایحه قانون تفریح بودجه معلوم شد که وزیری از اعتبارات مصوبه تجاوز نموده هرگاه وزیر متجاوز متصدی کار است رأی عدم اعتماد باو سبب میشود که مستعفی گردد این مسئولیت سیاسی اگر منتج اثر اخلاقی است اثر مادی ندارد

I اگر مجلس در حین جریان تفتیش نمیکند در بعضی ممالک مثل ایتالی و بلژیک (۱) وسیله هیئت مستقل دیوان محاسبات که وظیفه دار تطبیق حوالجات با اعتبارات مصوبه قبل از امضای وزیر است تحصیل اطمینان مینماید

و در فرانسه که دیوان محاسبات این وظیفه را عهده دار نیست (۲) مجلس بواسیل دیگر در امور مالیه نظارت میکند من جمله بموجب قانون ژوئن ۱۹۱۷ مخبرین کمیسیونهای مالیه مجلسین سنا و وکلا باید در اعتبارات مصوبه نظارت دائمی نموده و هرگونه اطلاعاتی را که لازم است بخواهند

و بر طبق ماده ۱۳ قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۱۸ وزراء مکلفند که در هر ماه صورتی از اعتبارات ماه قبل و حوالجات صادر تهیه نموده به مخبرین مزبور بدهند و مفتشین تعهدات وزراء در مخارج نیز باید صورت تعهدات وزراء را بمجلس تقدیم نمایند

و در هر سالهم یکمرتبه کمیسیون مرکب از اعضای مجلس سنا و مجلس وکلا و مجلس شورای دولتی و دیوان محاسبات تشکیل میشود که بحساب سالیانه وزراء پس از ختم دوره عمل رسیدگی نموده راپورت خود را بکمیسیون های مجلسین سنا و وکلا تقدیم کنند

(۱) ملاحظه شود فصل شانزدهم آئیننامه راجع است به تطبیق حوالجات

(۲) ملاحظه شود صفحه ۱۰۶

ولی باید دانست که در فرایند تجاوز از اعتبارات مصوبه غیر از مسئولیت سلسلی مسئولیت های دیگری را عملاً موجب نیست (۱)

۱۱ در ایران - تطبیق حوالجات وزراء با اعتبارات مصوبه و تصدیق آنها بموجب قانون از وظایف دیوان محاسبات بود ولی چون ماده پنجم قانون تشکیل اداره خزانه داری کل در تاریخ پنجم حوت ۱۳۰۱ این وظیفه را بمعهده اشخاصیکه از اجزاء خزانه داری کل نباشند و بموجب پیشنهاد رئیس کل مالیه و تصویب وزیر مالیه تعیین میشوند محول نموده است و قانون مزبور هم مثل قانون تشکیلات وزارت مالیه اجراء این دو وظیفه را محدود بعبیت دیوان محاسبات (۲) نکرده و مخصوصاً بموجب ماده دهم کلیه قوانین و نظامنامهها و احکام راجعه به تشکیلات مالیه که تا پنجم حوت ۱۳۰۱ وجود داشته و یا قانون تشکیل اداره خزانه داری کل مخالف بوده ملغی نموده این است که مقررات دیوان محاسبات راجع به تطبیق حوالجات از درجه اعتبار سابق و این وظیفه در وزارت مالیه بر عهده دائره بودجه اداره محاسبات کل است ولی باید دانست که اگر قانون مزبور مقررات دیوان محاسبات را در خصوص تطبیق حوالجات نسخ نموده چون قانون دیوان محاسبات را خود مجلس می تواند نسخ کند مقررات مزبوره منسوخ است ولی نسخ قانون اساسی بوسیله مجلس که هیئت مؤسسه نیست غیر ممکن و هر وقت که دیوان محاسبات تشکیل شد بموجب این جمله از اصل ۱۰۲ متمم قانون اساسی: «و مخصوصاً مواظب است که هیچیک از فقرات مخارج معینه در بودجه از میزان مقرر تجاوز ننموده تغییر و تبدیل نپذیرد و هر وجهی در محل خود بمصرف برسد» تطبیق حوالجات را با اعتبارات مصوبه عهده دار خواهد بود

و بموجب ماده (۲۹) ق.م.ع: «وزیر مالیه در آخر هر سال باید تشکیل یک

۱- ملاحظه شود صفحه ۱۱۵ به بعد
 ۲- ملاحظه شود صفحه ۱۱۲ و ۱۱۳

کمیسیون دوازده نفری که مرکب خواهد بود از شش نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی سه نفر از سنا و سه نفر از دیوان محاسبات از حضور همایونی استدعا نماید تکلیف کمیسیون مزبور بقرار ذیل است

اولاً - بستن و ختم نمودن روزنامه و دفتر کل وزارت مالیه در آخر سال ثانیاً - مطابقه نمودن حسابهای دخل و خرجی که وزراء طبع کرده اند با دفاتر محاسبات مرکزی هر یک از وزارتخانه ها

ثالثاً - مطابقه کردن صورت محاسبات کل مالیه با دفتر کل وزارت مالیه

رابعاً - رسیدگی بدفتر کل محاسبات بوسایلی که در دست است از قبیل مقابله دفتر مزبور با روزنامه و سایر دفاتر اداره محاسبات کل و با نتیجه حساب محاسبات جزو

خامساً - نوشتن صورت مجلسی که حاکی کیفیت امر بوده و باید طبع و به وزیر مالیه و مجلس شورای ملی داده شود

و همچنین بموجب ماده ۴۱ قانون مزبور: «وزراء در آخر هر سنه مالیه حسابهای خود را باید مطابق مواد ذیل بطبع رسانیده بنمایندگان توزیع و در خارج منتشر نمایند (۱) حساب مخارج (۲) حساب عایدات (۳) محاسبات کل مالیه»

بعلاوه محاسبات مذکوره وزیر مالیه نیز باید تا چهار ماه از سال گذشته هر سنه محاسبه کل مالیه را که شامل تمام اعمال راجعه بوصول و مصرف وجوه دولتی و مبنای اصلی لایحه قانونی تفریغ بودجه است بمجلس تقدیم نماید ماده (۴۵) ق.م.ع بدیهی است که نمایندگان باید در حسابهای ارسالی دقت های لازمه نموده و تا موقع وصول لایحه تفریغ بودجه (۱) که بموجب ماده ۵۳ قانون محاسبات عمومی از روز ختم دوره عمل تا ۱۵ ماه خواهد بود نظریات خود را حاضر و اظهار نمایند

۱- لایحه مزبوره باید شامل صورت قطعی تمام اعتبارات و عایدات و مخارج دوره منقضیه بوده نتیجه قطعی معاملات کل بودجه آرا تصریح نماید و مستند آن صورت های ذیل است:

(۱) صورت حسابهای وزراء و حساب کل مالیه «۲» صورت مجلس کمیسیون نقیض «۳» راپورت سالیانه دیوان محاسبات

ماده ۵۴ ق.م.ع

ولی متأسفانه بین قوانین ما ارتباط کامل نیست چه دوره تقنینیه دو سال
و صورتهای حسابی که قبل از تقدیم لایحه قانون تفریح بودجه بمجلس داده میشود
و مدرک رای پارلمان است بکلانی میرسد که غالب آنها درموقع تصویب لایحه
قانون تفریح بودجه در مجلس عضویت ندارند و بنا براین درموقع تصویب لایحه
تفریح بودجه ممکن است از اطلاعات لازمه محروم باشند و مسؤولیت وزراء هم فقط
سیاسی است و اصل ۶۹ متمم قانون اساسی هم بواسطه فقدان نص قانونی راجع
باصول محاکمه مع التأسف بموقع اجرا گذاشته نشده است

(خاتمه)

صورت

عایدات و مخارج

که مؤلف

برای تهیه و تصویب بودجه ایت ایل ۱۳۰۱ بمجلس شورای

ملی تقدیم نموده

درصورت مزبور بطور کلی مؤلف عایدات وصولی یعنی ایل ۱۲۹۹ (عایدات سال ماقبل آخر) را ماخذ
برش یعنی عایدات و پرداختی سال مزبور را نیز اساس پیش بینی مخارج ایت ایل قرار داده بود که کمیسیون بودجه
مجلس شورای ملی و دولت آنچه مقتضی بداند از مبلغ پرداختی درسال ۱۲۹۹ کسر نموده و بودجه خرج ایت ایل
تصویب شود و همین ترتیب هم معمول گردید

صورات کل عایدات

وصولی پیچی ٹیل

شرح	مبلغ تومان	جانس		
		گندم	جو	شلتوك
مالیات مستقیم باضماف قیمت جنس خانواری	۵۳۳۴۴۰			
گمرکات از بابت عایدات غیر خالص	۱۳۳۱۴۰			۱۰۰۰۰
نفت جنوب	۵۸۲۷۶۸۶			۲۰۰۰۰
بست	۳۱۹۴۷۵۰			
تلگراف	۹۶۵۸۰۰			
تجدید	۱۱۳۳۷۵۴			
مالیات غیر مستقیم از قبیل رسومات	۱۲۰۴۳۹۵			
ذبايح و سوق الدواب وغيره	۷۴۳۸۶۳			
دخانیات	۳۶۶۱۴۱			
تذکره و شانساری	۲۰۰۰۰۰			
عدایه	۴۸۷۲۲			
معادن	۵۲۱۴۵			
صدیک حقوق	۳۸۰۷۸			
ضرابخانه	۲۹۲۰۰			
جهازات	۲۲۷۱۷			
بانک شاهنشاهی و متفرقه	۱۹۰۷۶			
اکسید دوفر (خاک سرخ)	۴۷۵۰			
عایدات متفرقه	۱۴۷۵۱			
جمع کل عایدات	۱۹۳۳۴۱۳	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۸۶۵۱۳۰
کسر دخل و تفاضل خرج	۳۴۶۸۴۵۰	۹۰۲۴	۳۲۸۴۱۱	۱۳۵۵۰۷
میزان کل مخارج	۲۲۸۰۰۸۶۳			(فاضل)
		۱۹۰۲۴	۳۴۸۴۱۱	

۸۴۶۹۹۵ تومان از بابت مالیاتهای سنوات ماضیه است که در پیچی ٹیل وصول شده و چون همه ساله یکسمت از مالیات سال قبل در سال بعد وصول میشود لهذا این وصول هم جزو عایدات پیچی ٹیل منظور شده است

مطابق عایدات ششماهه اول سال تحاقوی ٹیل بر آورده شده است

از بابت ۶۲۵ هزار لیره که بانک شاهنشاهی از بابت عایدات ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ بدفعات و بقیعت مختلفه بوزارت مالیه داده است مطابق عایدات سال پیچی ٹیل

مطابق عایدات سنه پیچی ٹیل

مطابق عایداتیکه در سال پیچی ٹیل وصول شده است

مطابق عایدات وصولی در پیچی ٹیل

مطابق عایدات وصولی در پیچی ٹیل

مطابق عایدات وصولی در پیچی ٹیل

مطابق عایدات یکساله پیچی ٹیل مرکز است

از مبلغ مزبور ۱۶۸۴۴ تومان و ۷ هزار از بابت بقایای سنوات ماضیه است که در پیچی ٹیل وصول شده از بابت ولایات که در سال پیچی ٹیل وصول شده است

مطابق عایدات پیچی ٹیل

۱۳۰۰۰ تومان از مبلغ مزبور راجع بدریاضه ارومیه است که لاوصول است

۱۹ هزار تومان آن از بابت ۴ هزار لیره به قیمت حقیقی خالیه و راجع ببانک شاهنشاهی است باقی از بابت بانکهای رهنی داخلی

مطابق عایدات سال پیچی ٹیل

از قبیل عتیقه جات و نظمییه و تمیر عریض و تنغن است

صورت کل

مخارج

ملاحظات	جـانس			مبلغ تومان	شرح
	ثلثوك	جو	گندم خروار		
مطابق بودجه جدید		۲۱۰۷۲۵	۱۱۶۵۲۵	۵۵۵۰۰۰	دربار سلطنتی و ولایت عهد
مطابق بودجه جدید				۳۰۰۵۲۰	مجلس دارالشورای ملی
از قرار سابق				۷۵۰۰۰	اعلیحضرت محمد علی میرزا
مطابق بودجه سنه ماضیه				۶۸۲۳۶	هیئت وزراء عظام و کابینه
مطابق بودجه سنه ماضیه		۴۴۲۶۰	۳۰۵۲۰	۳۳۲۵۰۲۵	وزارت مالیه
مطابق بودجه سنه ماضیه				۲۹۸۲۴۲۰	وزارت داخله
مطابق بودجه جدید				۹۰۰۰۰۰۰	وزارت جنگ
مطابق مخارج سنه ماضیه پیچی نیل که صورت داده اند				۱۰۶۶۳۰۰	یست
مطابق بودجه سنه ماضیه است ولی مطابق صورتیکه وزارت پست داده اند مخارج سنه ماضیه ۶۲۴۵۵۸ تومان است و ۱۸۸۰۸۰ تومان مخارج سنه ماضیه از بودجه کمتراست				۸۱۲۶۳۸	تلگراف
مطابق بودجه سنه ماضیه				۴۵۵۲۳۰	وزارت عدلیه
مطابق بودجه سنه ماضیه				۶۹۹۲۲۰	وزارت خارجه
مطابق بودجه سنه ماضیه				۳۷۸۴۰۰	وزارت معارف
مطابق بودجه سنه ماضیه				۸۸۶۱۸	وزارت فوائد عامه
از بابت ماهی ۱۱۰۵۴ لیر دوه لیر از قرار ۴۷ قران ۵۰۰ دینار مطابق نرخ حالیه ۴۵۶۵۸۷ تومان و ۴ قران از بابت شهریه و بقیه راجع بمستمریات است که بنرخ مختلف کارسازی و راپرت جامع آن قبلا تقدیم مجلس مقدس شده است راجع به کرایه حمل غله از بلوکات بانبار است که در مرکز و ولایات پرداخته میشود				۶۳۰۰۷۲	برداشت قروض
		۲۵۶۷۳	۲۵۶۷۳	۱۱۳۶۷۶۹	شهریه و مستقریات
	۱۹۰۲۴	۶۷۷۵۳	۵۶۹۰۵	۲۷۴۱۵	صرف روشنائی
				۲۵۰۰۰۰	مخارج غیر
				۱۲۰۰۰۰۰	مترقبه
	۱۹۰۲۴	۳۴۸۴۱۱	۲۲۹۶۲۳	۲۲۸۰۰۸۶۳	جمع کل مخارج

بودجه مخارج ایت ٹیل ۱۳۰۱

تومان	قران		
۶۹۳۱۵۷		۱	دربار سلطنتی و ولایت عهد
۳۲۶۶۷۲		۲	مجلس شورای ملی
۷۵۰۰۰		۳	اعلیٰ حضرت محمد عالی میرزا
۵۴۱۷۴		۴	هیئت وزراء
۳۵۳۳۰۰۰		۵	وزارت مالیه
۲۳۶۰۹۰۸	۵	۶	وزارت داخله
۱۳۸۰۰۰۰		۷	وزارت پست و تلگراف
۴۹۱۲۱۳	۵	۸	وزارت عدلیه
۵۶۶۴۰		۹	وزارت فوائد عامه
۶۹۰۰۶۲	۴	۱۰	وزارت خارجه
۹۰۰۰۰۰۰		۱۱	وزارت جنگ
۶۸۳۶۹۷	۱	۱۲	وزارت معارف و اوقاف
۶۳۰۰۷۲		۱۳	اقساط قروض
۴۸۰۰۰۰		۱۴	غیر مترقبه و متفرقه
۱۰۷۷۶۱۸	۹	۱۵	مستمریات
۲۱۵۳۱۲۱۵	۴		جمع کل بودجه مخارج ۱۳۰۱

حکومت کلخه

بودجه خرج

سال ایت ٹیل ۱۳۰۱

صورت

که

بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است

۱۰۶۱ ریاستیاری لایحه مجمع

لایحه

قانون تشکیلات

وزارت مالیه

که مؤلف

برای تقدیم بمجلس شورای ملی تهیه

نموده بود

نظر باینکه در تنظیم و ترتیب امور هر قدر با جلب افکار و نظریات اشخاص بصیر اقدام شود صلاح و صواب تر دیکتر بوده و تصمیمات متخذه جامع تر و کاملتر خواهد شد و مخصوصا در اصلاحات وزارت مالیه که يك موضوع مهم و قابل مطالعه و مذاقه است جلب افکار و تجارب اعضاء وزارت مالیه که در عمل بنکات لازم بر خود دیده و در نواقص و معایب اوضاع این وزارتخانه و طرق اصلاح آن اطلاع و بصیرت کافی پیدا کرده اند واجب و لازم میباشد و این جانب هم همیشه مخالف این مسئله بوده ام که فقط افکار و عقاید شخصی منشاء تصمیمات و اقدامات اداری باشد در این موقع که مکلف هستم برای اصلاح وزارت مالیه که در حقیقت اساس و مبداء سایر اصلاحات مملکتی است تهیه اصول متناسبی بنمایم لازم دانستم که بابتبادل افکار با اعضاء وزارتخانه باین کار مهم اقدام نمایم بنا براین زمینه که برای تهیه لایحه قانونی آماده کرده ام برای آن عضو محترم میفرستم که مطالعات کافی در آن نموده و نظریات و عقاید خود را مرقوم داشته برای این جانب بفرستند تا پس از مذاقه و غور لازم در عقاید و نظریات واصله و بحث و فحص کافی در شورای مخصوصی که برای این کار تشکیل خواهد شد لایحه قانونی وزارت مالیه تهیه و تدوین شود .

و برای اینکه از نظریات و افکاریکه فرستاده میشود بهتر بتوان استفاده

کرد لازم است در نوشتن آنها رعایت نظم بعمل آید باین ترتیب که نسبت
بهر فصل و ماده تفکیکاً اظهار موافقت یا مخالفت بشود در صورت موافقت فقط
بکلمه موافقت قناعت شود و در صورت دیگر دلائل مخالفت را مرقوم و ماده
را که بهتر میدانند انشاء و تحریر نمایند و اظهار موافقت یا مخالفت باید هم
نسبت بمطلب بشود هم نسبت بعبارت همچنین نسبت بر صد بندی از حیث فصل
و ماده و نظریاتی را هم که بطور کلی دارند باید در ابتدا بنویسند .

در خاتمه خاطر نشان میکنم که رؤسای ادارات و دوائر و شعب مکلف
باطظار عقیده میباشد ولی سایرین مختار هستند و البته در صورتیکه نظریات
مفیدی مرقوم دارند اسباب امتنان خواهد شد و در ظرف یک هفته از تاریخ
وصول باید جواب باین جانب برسد .

وزیر مالیه

فصل اول

تشکیلات مرکزی و وظایف آنها

قسمت اول - تشکیلات

- ماده ۱ - تشکیلات مرکزی وزارت مالیه از قرار ذیل است :
- ۱ - حوزه وزارت
- ۲ - کمیسیون عایدات و کمیسیون مخارج و کمیسیون تفریح محاسبات
- ۳ - اداره مالیات مستقیم و خالصه
- ۴ - اداره مالیات غیر مستقیم
- ۵ - اداره گمرک
- ۶ - اداره کل محاسبات و دیون عمومیه و وظائف
- ۷ - اداره پرسنل و ملزومات
- ۸ - دائرة صندوق
- ۹ - دائرة ضرابخانه
- ۱۰ - دائرة بیوتات
- ۱۱ - دیوان محاکمات
- ماده ۲ - حوزه وزارتی مرکب است از وزیر و معاون و دائرة کابینه

و بر حسب اقتضاء معاون دوم

ماده ۳ - هر يك از سه كميسيون مذکور در ماده (۱) دارای سه عضو است يك رئيس و دو عضو

ماده ۴ - هر كميسيونی دارای يك عضو قائم مقام میباشد كه در موقع غيبت يكي از اعضاء در رای كميسيون شركت مينمايد و در مواقع ديگر فقط در مذاكره

تبصره ۱ - عضو قائم مقام هر كميسيونی ممكن است در كميسيونهای ديگر هم مشغول كار شود

تبصره ۲ - هر كميسيونی با دو عضو قائم مقام هم ممكن است انجام وظيفه نمايد

ماده ۵ - در صورتيكه زيادى كار يكي از كميسيونها اسباب تاخير رفوق العاده انجام امور شود وزير ماليه بايد كميسيون ديكرى بطور موقت يا دائم تشكيل دهد .

ماده ۶ - ادارات و دوائر مذکور در ماده (۳۱) هر يك در تحت رياست يك نفر رئيس بوده و بر حسب احتياج و لزوم بدوائر و شعب تقسيم ميشود و باندازه لازم دارای اجزاء ميباشد

تبصره - تشكيلات و صلاحيت و وظائف ديوان محاكمات در فصل سوم مذکور است

ماده ۷ - تشكيلات مذکور در ماده (۱) در تحت رياست مستقيم وزير ماليه می باشد

ماده ۸ - انتخاب معاون وزارتخانه و اعضاء كميسيونها و رؤسای ادارات مذکور در ماده (۱) و پيشكاران ماليه (ماده ۳۴) بر حسب تصميم وزير ماليه و صدور

فرمان هميوانی بعمل ميآيد و انتخاب رؤسای دوائر مذکور در ماده (۱ و ۲) و رؤساء و امناء ماليه (ماده - ۳۴) بر طبق تصميم و حكم وزير ماليه .

ماده ۹ - انتخاب رؤسای دوائر و شعب و ساير اجزاء ادارات و دوائر مذکور در ماده (۱) و ادارات ماليه (ماده ۳۴) بر طبق پيشنهاد رؤسای آن ها و موافقت پرسنل و حكم وزير ماليه بعمل ميآيد

تبصره - موافقت پرسنل عبارت است از اينكه عضو پيشنهاد شده مطابق مقررات اداری مستعد احراز مقام پيشنهادی میباشد

ماده ۱۰ - انتخاب و انفصال مستخدمين وزارت ماليه و ترقی و تنزل آنان بايد بر طبق قانون و نظامنامه استخدام بعمل آيد

قسمت دويم وظايف

حوزه وزارتى

ماده ۱۱ - اصول و وظائف وزير ماليه از قرار ذيل است

۱ - تهیه لوایح قانونی راجع بماليه بوسيله ادارات و دوائر مربوطه برای پيشنهاد بمجلس شورای ملی و ترتيب نظامنامه های لازم

۲ - تهیه لايحه بودجه كل سالیانه و لايحه تفریغ بودجه

۳ - ایجاد تعادل در جمع و خرج دولت و مراقبت در آماده شدن وجه برای پرداخت منظم مخارج دولتی

۴ - مراقبت در اجرای قوانین و نظامنامه های مربوطه و نظارت در ایفاء وظائفی كه برای هر يك از تشكيلات وزارت ماليه معین گردیده است

۵ - امضاء نوشتجاتيكه در امور وزارت ماليه دارای اثر قطعی میباشد مانند

جزو جمع و قرارنامه و حواله مستقیم یا اعتباری و حکم تسعیر یا فروش جنس مالیاتی و مفاصا و غیره

تبصره - سایر نوشتجات را رؤسای ادارات و دوایر مربوطه امضاء میکنند ولی در صورت اقتضاء با امضاء وزیر هم صادر میشود

۶ - تقبیل در کتبه امور مالی دولت بوسیله مفتشین و جلوگیری از حیف و میل و تفریط مالیه

۷ - تعقیب کتبه مستخدمین وزارت مالیه توسط مدعی العموم دیوان محاکمات در موقع تقصیر اداری

۸ - امر باجرا احکام دیوان محاکمات و آراء کمیسیون تفریح محاسبات بر علیه صاحبان جمع

۹ - مطالعه در تناسب قوانین و نظامنامههای مالیه با اوضاع زندگانی اقتصادی و اخلاقی مملکت و تهیه راپرت سالانه از وضعیت مالی دولت و پیشنهاد طرق اصلاح و تکمیل

ماده ۱۲ - وظیفه معاون کمک و شرکت در انجام وظایف وزیر است بر طبق اختیاراتی که وزیر وقت میدهد

تبصره - وزیر میتواند انجام هر يك از وظائف خود را بمعاون واگه نماید

کمیسیون عایدات و کمیسیون مخارج و کمیسیون تفریح محاسبات

ماده ۱۳ - کتبه نوشتجاتی که در عایدات یا مخارج اثر قطعی دارد باید قبل از امضاء وزیر مالیه به تصدیق کمیسیون عایدات یا مخارج برسد مدرک تصدیق کمیسیون عایدات قوانین و نظامنامههای مالیه و مدرک کمیسیون مخارج بودجه و اعتبارات مصوب است

و اعتبارات مصوب است

ماده ۱۴ کتبه محاسبات دولتی پس از رسیدگی اداره کل محاسبات و تهیه راپرت و اظهار عقیده نسبت بهر يك از آنها باطل کردن اسناد خرج و صدور مفاصا باید بکمیسیون تفریح محاسبات فرستاده شود و کمیسیون مزبور مکلف است در راپرت های اداره کل محاسبات مطالعه و شور و در موقع لزوم تقبیل نموده و در صورت موافقت اسناد خرج را باطل و مفاصای سالانه برای هر يك از صاحبان جمع صادر نماید

ماده ۱۵ در صورتیکه کمیسیون تفریح محاسبات در رسیدگی بحسابی نظریاتی مخالف عقیده اداره کل محاسبات پیدا نماید از اداره مزبور توضیحات لازم می خواهد و بعد از مطالعه کافی در توضیحاتی که آن اداره میدهد و رعایت ماده (۱۶) بصور رای اقدام میکند و این رای قطعی است

ماده ۱۶ - هرگاه کمیسیون تفریح محاسبات در رسیدگی بحساب صاحب جمعی نظریاتی بر علیه او پیدا نماید باید به صاحب جمع مزبور اطلاع دهد که توضیحات کتبی برای دفاع خود بدهد و در صورت امکان خود یا نماینده اش در کمیسیون مزبور حاضر شود و بعد از مذاقه کافی در توضیحاتی که داده میشود و بحث و شور لازم کمیسیون تفریح محاسبات رای میدهد و این رای قطعی است

تبصره - توضیحاتیکه کمیسیون تفریح محاسبات میخواهد باید در اسرع اوقات ممکن داده شود و توضیحات کتبی باید جامع و روشن باشد که محتاج به تکرار مکاتبه نشود

ماده ۱۷ - چنانچه صاحب جمع از دادن توضیحات استنکاف یا مسامحه نماید کمیسیون تفریح محاسبات رسیدگی را تمام کرده رای میدهد و این رای قطعی و غیر قابل اعتراض است

ماده ۱۸ - وزیر مالیه رای کمیسیون تفریح محاسبات را از تاریخ صدور رای تا مدت سه سال در مواقع ذیل امر به تجدید نظر میدهد

- ۱ - بر طبق نظر خود
- ۲ - بر طبق تقاضای کمیسیون تفریح محاسبات یا اداره کل محاسبات یا صاحب جمع در صورتی که تقاضای مزبور متکی به یکی از موارد ذیل باشد
- ۱ - در صورتی که سهو و اشتباهی در اعمال محاسباتی یا تحریر ارقام آن شده باشد
- ۲ - در صورتیکه اسنادی بدست یابد که در موقع رسیدگی حساب وجود داشته و در محاسبه منظور نشده است
- ۳ - در صورتیکه اسناد مدرک رای کمیسیون تفریح محاسبات جعلی بوده است

ماده ۱۹ - جلسه تجدید نظر تشکیل میشود از اعضاء کمیسیون تفریح محاسبات و چهار نفر از اعضاء کمیسیون های دیگر بر طبق انتخاب وزیر مالیه وراثت که میدهد قطعی است

تبصره - اداره کل محاسبات و صاحب جمع باید توضیحات کتبی لازم بهیئت تجدید نظر بدهند و نماینده اداره کل محاسبات و در صورت امکان صاحب جمع یا نماینده او باید در جلسه تجدید نظر حاضر شوند

ماده ۲۰ - وزیر مالیه میتواند علاوه بر وظایف مقرر کارهای دیگر هم بکمیسیون ها و اعضاء آنها رجوع نماید

ماده ۲۱ - اعضاء کمیسیونها نمی توانند در معاملات دولتی دخالت کرده یا واسطه واقع شوند

ماده ۲۲ - کمیسیونها می توانند هر نوع اطلاعاتیکه لازم بدانند از دولت

دولتی بخواهند

ماده ۲۳ - هرگاه کمیسیونها در ضمن انجام وظیفه خود اعمال خلاف قوانین و نظامنامه های وزارت مالیه مشاهده کنند یا تقاب و خیانتی ببینند مکلفند مراتب را بوزیر مالیه و مدعی العموم دیوان محاکمات اطلاع دهند و مدعی العموم باید با اطلاع مزبور ترتیب اثر داده و اشخاص مسئول را تعقیب نماید

ماده ۲۴ - کمیسیونها میتوانند در هر کاریکه لازم بدانند از وزیر مالیه تقاضای تفتیش بنمایند و وزیر مالیه باید باین تقاضا ترتیب اثر بدهد و انتخاب مفتش نیز باید با موافقت نظر کمیسیونها بعمل آید

ماده ۲۵ - پس از تشکیل دیوان محاسبات کمیسیون تفریح محاسبات منحل میشود

اداره مالیات مستقیم و خالصه

ماده ۲۶ - اصول و وظائف اداره مالیات مستقیم و خالصه از قرار ذیل است:

۱ - تهیه لوایح قانونی و نظامنامه های راجع بمالیاتهای مستقیم و خالصجات و معیزی برای پیشنهاد بمقامات مربوطه و مراقبت در اجراء قوانین و نظامنامه های مصوب

تبصره - مراتع و ایلخی و باغات و مستغلات دولتی جزو خالصه است

۲ - تهیه جزو جمع و ارسال آن بادارات مربوط

۳ - دادن صورت مالیات بمؤدیانیکه در خواست میکنند بر طبق جزو جمع مصوب

۴ - صدور تعامات بادارت مالیه راجع بمالیاتهای مستقیم و خالصجات و مراقبت در انجام یافتن وظائف آنها و حسن جریان امور ادارات مزبور

۵ - خواستن صورت وصولی عایدات مالیات‌های مستقیم و بهره خالصجات از ادارات مالیه بطور منظم و تطبیق باجزو جمع و مراقبت در وصول عایدات مزبور و دادن صورت خلاصه وصولی و بقایا در آخر هر سه برج باداره کل محاسبات با اظهار نظریات و اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از حیف و میل و تفریط عایدات .

۶ - مرکزیت دادن حساب عایدات مالیات‌های مستقیم و خالصجات و مقایسه با مخارج وصول آنها و اتخاذ تدابیر لازم در تقلیل مخارج وصول
۷ - پیش بینی عایدات مربوطه در هر سال و ارسال صورت آن باداره کل محاسبات برای تهیه بودجه سال آتی
۸ - تحقیق و تشخیص استحقاق تخفیفات دائمی و موقتی و پیشنهاد کردن بمقامات لازم .

۹ - تحقیق و تشخیص استحقاق تسعیر از حیث کسر و نقصان محصول و اقتضاء فروش جنس و پیشنهاد کردن بوزیر مالیه تبصره - تسعیر عبارت است از دریافت قیمت جنس مالیاتی از مؤدی بواسطه کسر و نقصان محصول

۱۰ - تشخیص خالصجات و خالصجات انتقالی از املاک اربابی
۱۱ - تحقیق اوضاع زراعتی املاک اربابی و خالصه و مطالعه طرق آبادی املاک و ازدیاد محصول و دادن پیشنهادات بمقامات مربوطه و صدور تعلیمات بادارات مالیه برای آبادی خالصجات و ترویج کشتهای پر بهره
۱۲ - تهیه احصائیه محصول و دواب مملکت و سایر مسائل مربوطه با اوضاع زراعتی

تبصره - تا فراهم آمدن وسائل لازم برای تهیه احصائیه دقیق و کامل

باید بوسیله متصدیان وصول مالیات املاک و بهره خالصجات بجمع آوری اطلاعات مطلعین هر ده و بلوک و تهیه احصائیه تخمینی اقدام شود
۱۳ - تعیین عایداتی که صاحب جمع مخصوص نداشته و به موجب امتیاز نامها و قرار نامها بدولت میرسد و دادن صورت آنها بادارات مربوطه .

اداره مالیات غیر مستقیم

ماده ۲۷ - اصول و وظائف اداره مالیات غیر مستقیم از قرار ذیل است :
۱ - تهیه لوایح قانونی و نظامنامه های راجع بمالیات های غیر مستقیم برای پیشنهاد بمقامات مربوطه و مراقبت در اجراء قوانین و نظامنامه های مصوب
۲ - صدور تعلیمات بادارات مالیه راجع بمالیات های غیر مستقیم و مراقبت در انجام یافتن وظائف آنها و حسن جریان امور ادارات مزبور
۳ - خواستن صورت وصولی عایدات مالیات های غیر مستقیم از ادارات مالیه بطور منظم و مراقبت در وصول عایدات مزبور و دادن صورت خلاصه وصولی در آخر هر سه برج باداره کل محاسبات با اظهار نظریات و اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از قاچاق و حیف و میل و تفریط عایدات
۴ - مرکزیت دادن بحساب عایدات مالیات های غیر مستقیم و تطبیق با میزان تمبر و باندول ارسالی و مقایسه با مخارج وصول آنها و اتخاذ تدابیر لازم در تقلیل مخارج وصول
۵ - پیش بینی عایدات مربوطه در هر سال و ارسال صورت آن باداره کل محاسبات برای تهیه بودجه سال آتی
۶ - پیش بینی مقدار تمبر و باندول برای مصرف سالانه و اقدام در تهیه آن بوسیله اداره پرسنل و ملزومات

۷ - تعیین مقدار تمبر و باندرلی که برای هر يك از ادارات لازم است و ارسال آن بوسیله اداره پرسنل و مزومات

اداره گمرک

ماده ۲۸ - اصول و وظایف اداره گمرک از قرار ذیل است :

- ۱ - تهیه لوایح قانونی و نظامنامهها و تعرفه های راجع بگمرک برای پیش نهاد بمقامات مربوطه و مراقبت در اجراء قوانین و نظامنامه ها و تعرفه های مصوب
- ۲ - دادن تعلیمات بادارات تابعه و مراقبت در انجام یافتن وظایف آنها و حسن جریان امور ادارات مزبور
- ۳ - مراقبت در وصول عایدات گمرک و اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از قاچاق و حیف و میل و تفریط عایدات
- ۴ - مرکزیت دادن بحساب عایدات گمرک و مقایسه با مخارج وصول آنها و اتخاذ تدابیر لازم در تقابیل مخارج وصول
- ۵ - پیش بینی عایدات مربوطه در هر سال و ارسال صورت آن باداره کل محاسبات برای تهیه بودجه سال آتی

- ۶ - پرداخت مخارج بر طبق بودجه مصوب و حواله وزارت مالیه و ارسال فاضل عایدات با اطلاع اداره کل محاسبات بدائرة صندوق
- ۷ - دادن صورت حساب ماهیانه از عایدات و جرائم و مخارج با اسناد خرج باداره کل محاسبات در انقضاء هر برج و صورت خلاصه جمع و خرج در آخر هر سه برج با اظهار نظریات

اداره کل محاسبات و دیون عمومیه و وظایف

ماده ۲۹ - اصول و وظائف اداره کل محاسبات و دیون عمومیه و وظائف از قرار ذیل است :

- ۱ - تهیه لوایح قانونی و نظامنامه های راجع به بودجه و محاسبات و استعراض و وظائف برای پیشنهاد بمقامات مربوطه و مراقبت در اجراء قوانین و نظامنامه های مصوب
- ۲ - تهیه لایحه بودجه کل سالیانه دولت از روی پیش بینی ها و بر آورد های واصل از وزارت خانه ها و ادارات مربوطه راجع به عایدات و مخارج و تهیه لایحه تفریح بودجه و طبع و انتشار آن ها بعد از تصویب
- ۳ - صدور تعلیمات راجع باصول و مقررات بودجه و محاسباتی به تمام دوائر مربوطه دولتی از مالیه و غیر آن
- ۴ - نگهداری کتبه محاسبات دولت از عایدات و مخارج و مرکزیت

دادن بانها

- ۵ - مطالبه صورت حساب ماهیانه با اسناد خرج از تمام صاحبان جمع دولتی در انقضاء هر برج
 - ۶ - رسیدگی به تمام محاسبات دولتی از جمع و خرج و تعقیب اشخاص مسئول با موافقت کمیسیون تفریح محاسبات در صورت تخلف از مقررات محاسباتی و بودجه
- تبصره - اداره کل محاسبات در مواقع لزوم مخصوصا وقتیکه نسبت بحساب صاحبجمعی نظر مخالف و اعتراض دارد باید توضیحات کافی بخواهد و تمام صاحبان جمع دولتی مکلفند هر نوع توضیح کتبی یا شفاهی که اداره مزبور بخواهد

در اسرع اوقات ممکن بدهند و توضیحات کتبی باید جامع و روشن باشد که محتاج به تکرار مکاتبه نشود

۷ - تهیه حوالجات مستقیم و اعتباری برای امضاء وزیر مطابق بودجه و اعتبارات مصوب

۸ - تهیه خلاصه جمع و خرج دولت با اظهار نظریات در آخر هر سه برج برای تقدیم بوزیر مالیه

۹ - رسیدگی ماهیانه بحساب تمیر و باندردل

۱۰ - تهیه راپرت راجع بحسابات هر يك از صاحبان جمع با اظهار عقیده و ارسال آن به ضمیمه صورت حساب و اسناد خرج بسکه‌سیون تفریع محاسبات

۱۱ - اهتمام در وصول عایدات دولت و آماده شدن وجه برای پرداخت منظم مخارج دولتی وجلوگیری از تفریط مالیه بواسطه مراقبت در اجراء مقررات بودجه و محاسباتی نسبت بعایدات و مخارج

۱۲ - نگاهداری حساب قروض ثابت و جاری و تعهدات دولت و تشخیص میزان استهلاک و اقساط سالیانه و ترتیب پرداخت آنها و مراقبت در اینکه محلای تخصیص شده برای پرداخت قروض دولتی بمصرف دیگر نرسد

۱۳ - ارسال صورت وجوهات و عایداتی که باید بدائره صندوق برسد بدائره مزبور و نگاهداری حساب یومیه واردات و صادرات صندوق

۱۴ - تهیه راپورت سالیانه راجع باوضاع مالی دولت و تناسب جمع و خرج با پیشنهاد طرق اصلاح و تکمیل برای تقدیم بوزیر مالیه

اداره پرسنل و ملزومات

ماده ۳۰ - اصول وظائف اداره پرسنل و ملزومات از قرار ذیل است:

۱ - تهیه لوایح قانونی و نظامنامه‌های راجع با استخدام و انتظامات اداری برای پیشنهاد بمقامات مربوطه و مراقبت در اجراء قوانین و نظامنامه‌های مصوب

۲ - تهیه و نگاهداری دوسیه خدمت مستخدمین وزارت مالیه

۳ - اظهار عقیده در پیشنهادهای راجع بمستخدمین

۴ - مراقبت در محفوظ ماندن حقوق مستخدمین از حیث ترقی و ترفیع

۵ - تهیه احکام انتصاب و انفصال و انتقال و مرخصی و ترقی و تنزل

۶ - تهیه نظامنامه‌های راجع بملزومات وزارت مالیه

۷ - اقدام در تهیه ملزومات و تمیر و باندردل و ارسال آنها بادارات مربوطه

تبصره - تهیه تمیر و باندردل و ارسال آنها بادارات مربوطه باید مطابق دسترز اداره مالیات غیرمستقیم باشد

۸ - دادن صورت حساب تهیه تمیر و باندردل با اسناد خرج باداره کل محاسبات

۹ - دادن صورت ماهیانه از وارد و صادر و موجودی تمیر و باندردل

باداره کل محاسبات و اداره مالیات غیر مستقیم در آخر هر برج

۱۰ - دادن صورت حساب ماهیانه از خرید ملزومات و مصرف آنها با اسناد خرج

باداره کل محاسبات در آخر هر برج

دائره صندوق

ماده ۳۱ - اصول وظایف دائره صندوق از قرار ذیل است:

۱ - تهیه نظامنامه‌های لازم برای پیشنهاد بمقام وزارت و اجرای نظامنامه‌های مصوب

۲ - مطالبه و دریافت عایدات و وجوهات دولتی که باید بصندوق برسد

- ۳ - پرداخت مخارج مطابق حوالجات وزارت مالیه
- ۴ - دادن صورت روزانه از وارد و صادر و موجودی صندوق باداره کل محاسبات
- ۵ - دادن صورت حساب ماهیانه با اسناد خرج باداره کل محاسبات در آخر هر برج و تحویل مفاصا در آخر هر چهار برج

دائرة ضرابخانه

- ماده ۳۲ - اصول و وظایف دائرة ضرابخانه از قرار ذیل است :
- ۱ - تهیه لوایح قانونی و نظامنامه‌های راجع بضرب مسکوکات برای پیشنهاد بمقامات مربوطه و اجراء قوانین و نظامنامه‌های مصوب
- ۲ - پرداخت مخارج مطابق بودجه مصوب و حواله وزارت مالیه و ارسال فاضل عایدات با اطلاع اداره کل محاسبات بدائرة صندوق
- ۳ - دادن صورت حساب ماهیانه با اسناد خرج باداره کل محاسبات در آخر هر برج

دائرة بیوتات

- ماده ۳۳ - اصول و وظائف دائرة بیوتات از قرار ذیل است :
- ۱ - تهیه نظامنامه‌های راجع بانثیه و اموال سلطنتی و اسناد دولتی برای پیشنهاد بمقامات مربوطه و اجراء نظامنامه‌های مصوب
- ۲ - مراقبت در نگاهداری و جمع آوری اثاثیه و اموال سلطنتی و اسناد دولتی

فصل دوم

تشکیلات ولایتی و وظایف آنها

قسمت اول - تشکیلات

- ماده ۳۴ - وزارت مالیه در مرکز هر يك از ایالات و ولایات دارای تاسیسی باسم اداره مالیه میباشد
- تبصره - ریاست اداره مالیه ایالت با یکنفر پیشکار مالیه و ولایت درجه اول با یکنفر رئیس مالیه و ولایت درجه دوم با یکنفر امین مالیه میباشد
- ماده ۳۵ - ادارات مالیه در تحت ریاست مستقیم وزیر مالیه بوده و بدوایر و شعب لازم تقسیم میشود و در نقاط مختلف قلمرو خود بر حسب احتیاج و لزوم دارای تاسیسات متناسب میباشد

قسمت دوم - وظائف

- ماده ۳۶ - اصول و وظائف ادارات مالیه از قرار ذیل است :
- ۱ - اجراء قوانین و نظامنامه‌های مالیه بر طبق تعلیمات مرکز و مراقبت در حسن جریان امور اداری
- ۲ - وصول عایدات دولتی موافق قوانین و نظامنامه‌های مربوطه و تعلیمات مرکزی
- ۳ - پرداخت مخارج مطابق بودجه مصوب و حواله مرکز و ارسال فاضل عایدات با اطلاع اداره کل محاسبات بدائرة صندوق

- ۴ - مرکزیت دادن بجمع و خرج قلمرو خود و نگاهداری حساب آنها مطابق اصول و مقررات محاسباتی
- ۵ - ارسال صورت حساب ماهیانه از عایدات و جرائم و مخارج با اسناد خرج باداره کل محاسبات در آخر هر برج
- ۶ - فرستادن صورت حساب هر رشته از عایدات در آخر هر برج باداره مربوطه

- ۷ - ارسال صورت بقایا یا ذکر موجبات در آخر هر سه برج باداره مالیات مستقیم و خالصه و اظهار نظریات برای فراهم آوردن اسباب وصول آنها
- ۸ - دادن اطلاعات و راپرتهای لازم بادارات مربوطه
- ۹ - مطالعه در تناسب قوانین و نظامنامههای مالیه با اوضاع زندگانی و اقتصادی و اخلاقی قلمرو خود و دادن پیشنهادات لازم بادارات مربوطه

فصل سوم

تشکیلات دیوان محاکمات و ملاحیت

ووظایف آنها

این فصل در دست تهیه است

فصل چهارم

مواد عمومی

ماده ۳۷ - رؤسای ادارات مالیه باید کتباً برای هر سال تعهد نمایند که مالیاتهای جزو جمعی حوزه ماموریت خود را مطابق جزو جمع و سایر عایدات دولتی را مطابق قوانین و نظامنامههای مربوطه و تعلیمات مرکزی بحیطه وصول در آورند و در موقع تقاضای مفاصا هر گاه از مالیاتهای جزو جمعی لاوصول مانده باشد باید دلائل موجه اقامه نمایند

ماده ۳۸ - کلیه صاحبان جمع دولتی باید در انتضاء هر سال در تعقیب ارسال محاسبات دوازده ماهه باداره کل محاسبات تقاضا و تحویل مفاصای سالیانه بنمایند تبصره ۱ - هر گاه رئیس اداره صاحب جمع قبل از ختم سال تغییر کند

باید برای مدت تصدی خود در سال مزبور تحویل مفاصا بنماید تبصره ۲ - مفاصای هر سال نهایت تا آخر سال بعد باید تحویل شده باشد

ماده ۳۹ - کمیسیون ها و اعضاء وزارت مالیه نمیتوانند باستناد اوامر شفاهی یا کتبی وزیر مالیه یا معاون یا رئیس ما فوق اقدام مخالف قوانین و نظامنامهها یا مضر بمالیه دولت بنمایند در چنین مواقعی کمیسیون یا عضویکه مورد امر است باید آمر را کتباً توجه داده هر گاه در ثانی مقام مزبور کتباً امر داد بموقع اجراء گذارد

ماده ۴۰ - در موقع تردید یا اختلاف در تشخیص نوع يك مالياتی كه مستقیم است یا غیر مستقیم مالیات مزبور با اداره مالیات مستقیم مربوط میشود

ماده ۴۱ - هر يك از ادارات و دوائر مركزی در موقع لزوم باید اعزام مفتش را برای تقاطیكه لازم است از مقام وزارت تقاضا نماید و در صورتیكه بر حسب تقاضای یکی از ادارات و دوائر مزبور قرار اعزام مفتش داده شود سایرین نیز میتوانند از آن مفتش در امور مربوطه بخودشان استفاده کرده و دستور لازم برای تحقیق و تفتیش بدهند

ماده ۴۲ - مكاتبات رسمی و دفاتر وزارت مالیه بخط فارسی است
ماده ۴۳ - وزارت مالیه میتواند در موقع لزوم و اقتضاء برای هر رشته از عایدات تأسیسات علیحده در مركز و ولایات بدهد و در موقع امکان نیز باید تأسیسات مختلفه را برای تقلیل مخارج بیگدیگر ضمیمه نماید

ماده ۴۴ - هر گاه هر يك از کمیسیونها و رؤسای ادارات و دوائر مستقل وزارت مالیه تصدی یکی از صاحبان جمع دولتی را برخلاف مصالح مالیه مشاهده نماید مكلف است مراتب را موجهاً بمقام وزارت اطلاع دهد و وزیر مالیه باید باین اطلاع ترتیب اثر بدهد

ماده ۴۵ - تخلف از مقررات قانونی و نظامنامه راجع به نگاهداری حساب و ارسال محاسبات و دادن توضیحات کتبی یا شفاهی در باب آنها از تقصیرات مهم اداری محسوب میشود و اشخاص مسئول علاوه بر جبران خساراتیكه از این حیث بمالیه دولت وارد میشود باید توسط مدعی العموم در دیوان محاکمات تعقیب شوند

ماده ۴۶ - مساعجه ادارات مالیه ایالات و ولایات در انجام تعلیمات و دستورات

های ادارات مركزی از تقصیرات بزرگ اداری محسوب میشود و اشخاص مسئول علاوه بر جبران خساراتیكه از این حیث بمالیه دولت وارد میشود باید توسط مدعی العموم در دیوان محاکمات تعقیب شوند

ماده ۴۷ - هر گاه رؤسای ادارات و دوائر مستقل وزارت مالیه نسبت باعضاء خود سوء ظن پیدا کرده آنان را متهم یا مقصر بدانند مكلفند عضو متهم یا مقصر را از خدمت معلق دارند و مراتب را کتباً بمدعی العموم اطلاع داده تقاضای تعقیب بنمایند

تبصره - در موقعیكه رؤسای ادارات و دوائر وزارت مالیه از مدعی العموم تقاضای تعقیب یکی از اعضای خود را بنمایند مكلفند اطلاعات و اسناد لازم تهیه کرده برای مدعی العموم بفرستند

لایحه بودجه ۱۳۰۳

بتاریخ ۲۰ میزان سیچقان ۱۳۰۳

نمره ۳۰۲۹۷

مقام محترم مجلس شورای ملی

خاطر نمایندگان محترم مستحضر است که در اوایل این سال لایحه بودجه جمع و خرج سنه جاریه ۱۳۰۳ تقدیم مجلس شورای ملی شده بود و در لایحه مزبوره جزء اقلام عایدات چند فقره عایدات مالیات های جدیده منظور گردیده بود که لوایح قانونی آنها پیشنهاد مجلس شده و تصور میرفت در اندک زمانی بتصویب برسد و لیکن بعضی از لوایح مزبوره در مجلس رد شد و بعضی هنوز مطرح نشده و بنا بر این عایداتی که از آن بابت پیش بینی شده بود غیر ممکن الحصول گردید - از طرف دیگر چون مدتی از سال گذشت مشاهده شد که در بعضی از عایدات نسبت بانچه در لایحه پیش بینی شده بود کسر و قصاصاتی روی داده و چون قصاصان مزبور مبلغ معتدبه بینی قریب دو کرویر و نیم تومان بود و با آن حال ابتدای بودجه مخارج بطرری که در اول سال ترتیب داده شده موجب حدوث کسر عمده در جمع و خرج دولتی و با وجود مقید بودن دولت بتعدیل بودجه جایز نبود هیئت دولت تجدید نظر در بودجه پیش نهادی را لازم دانسته لایحه جدیدی مشتمل بر تخمین عایدات فعلی و مخارج ضروری

تهیه نموده تقدیم مجلس شورای ملی مینماید و لایحه سابقه را استرداد می کنند ضمناً خاطر محترم نمایندگان را متوجه میسازد که تقریباً هفت ماه از سال گذشته و بودجه مصوبی برای هذه السنه در دست نیست و مخارج ششماه از سال من باب ضرورت بترتیب يك دوازدهم مخارج سنه ماضیه عمل شده و هرگاه مجلس شورای ملی مقید شود که برای هذه السنه بودجه تفصیلی تصویب نماید یقیناً تا اواخر سال نتیجه بدست نیامده و قیه این سال نیز مانند ششماه گذشته باید بتصویب يك دوازدهم متوسل شد و البته این ترتیب مستلزم زحمت و اشکال و خسارت دولت خواهد گردید و بعلاوه تصویب بودجه سال آتی راهم که قبل از اول سال باید صورت گرفته باشد بتأخیر خواهد انداخت بنابراین عقیده هیئت دولت اینست که مجلس شورای ملی امسال نیز از وارد شدن در تفصیل بودجه ها صرف نظر کرده بودجه اعتبارات کلی را که در ضمن این لایحه تقدیم میشود تصویب و بوزارت مالیه اجازه دهند که مخارج مملکتی را مطابق بودجه هائی که وزارت خاها از روی مبنای اعتبارات مندرجه در این لایحه پیشنهاد خواهند کرد بپردازد و ضمناً بودجه سال آتی مورد مطالعه کمیسیون بودجه و مجلس شورای ملی شود تا بعون الله برای سال آینده بودجه مصوبی قبل از اول سال حاضر باشد لایحه حاضره مشتمل بر تخمین عایدات و تعیین مخارج و مواد راجعه بشرايط اجرای آن نظر بمسظورات فوق ترتیب داده شده و از مجلس مقدس شورای ملی تقاضا میشود که در تصویب آن هر قدر ممکن است تسریع فرمایند - تفاوت های مهمی که در لایحه حاضره نسبت به لایحه سابقه منظور شده ذیلاً توضیح میشود :

اولاً - در تخمین عایدات (فصل اول)

الف - کلیه مالیات های جدیده پیشنهادی حذف و باین مناسبت يك ملیون تومان از جمع عایدات تخمینی کسر گردیده است
ب - نظر به تنزل عایدات پست و تلگراف مبلغ یکصد و بیست هزار تومان

از جمع عایدات مزبوره کسر شده است
 ج - بمناسبت خسارات حاصله از خرابی محصول در ایالت طهران یکصد هزار تومان از عایدات تخمینی مالیات مستقیم و خالصجات کسر شده است
 د - مخارج انتفاعی وزارت مالیه بجای اینکه از جمع عایدات موضوع شود باعتبار خرج وزارت مالیه اضافه شده و بنا بر این جمع کل عایدات بطور غیر خالص قلمداد شده است

ثانیا - در تخمین مخارج (فصل دوم)

الف - نظر باینکه اداره محترمه مباشرت مجلس شورای ملی چهل هزار تومان تقلیل در مخارج مجلس ممکن دانسته و قبول کرده اند کسر آن مبلغ از مجلس مقدس تقاضا شده است
 ب - از کمیته وزارتخانهها و فقرات خرج مبالغی بفرآخور حال کسر شده باستثنای مخارج غیر مترقبه دولت که بعضی ملاحظاتی اضافه شده است
 ثالثا - در مواد قانون بودجه

در ماده ۳ بملاحظه لزوم تصویب اعتبار کلی و اجازه پرداخت آن و در ماده ۵ بعضی تغییرات داده شده و دو ماده (ماده ۱۶ و ۱۷) علاوه شده است
 ماده ۱۶ برای احتراز از اخذ صدیک حقوق بطور غیر قانونی و همچنین رعایت حال منتظرین خدمت است که بتوان حقوق بانها پرداخت

ماده ۱۷ مقصود آن است که ترتیب تدارک وجه برای خریداری و حمل گندم ارزاق که در ظرف چند سال گذشته معمول و مجری بوده است و جهت قانونی بیاید هرگاه این هم تصویب نشود باید جزء مخارج وزارت مالیه مبلغ ۹۰۰ هزار تومان دیگر منظور گردد و معادل همین مبلغ نیز عایدات ارزاق بمجموع عایدات دولت اضافه شود ولی بعقیده هیئت دولت بهتر آن است که عایدات و

مخارج ارزاق هیچیک منظور نگردد

قانون بودجه سنه سیچقان ثیل ۱۳۰۳

ماده (۱) - مجلس شورای ملی بودجه سنه ۱۳۰۳ را بشرح ذیل تصویب مینماید : (۱)

فصل اول

عایدات پیش بینی شده

وزارت مالیه - نقد :

۳۷۲۵۰۰۰	مالیات مستقیم
۵۰۶۹۶۰	خالصجات
۷۰۰۰۰	خانواری
۳۰۳۴۸۹۵	مالیات غیر مستقیم
۷۰۳۲۴۴۰	گمرکات
۳۰۰۰۰	ضرائبخانه
۴۰۰۰۰	عایدات متفرقه
۵۳۰۰۰	نیم عشر اوقاف
<hr/>	
۱۴۴۹۱۲۹۵	
۱۷۰۸۷۲۸۰	۲۵۹۵۹۸۵
<hr/>	
۲۴۱۱۵۰	۲۴۱۱۵۰

جنسی :

وزارت امور خارجه :

عوائد تذکره و شانساری

(۱) ملاحظه نمایند صفحه ۲۳ شرح آخر صفحه را

		وزارت داخله :
۱۴۰۰۰	۱۴۰۰۰	عوائد ادارات نظمیہ
		وزارت عدلیہ :
۱۲۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	عوائد محاکماتی
		وزارت پست و تلگراف :
	۸۲۰۰۰۰	عوائد پست
	۹۹۴۸۹۹	عوائد تلگراف
۲۱۰۱۸۹۹	۲۸۲۰۰۰	عوائد سرویس حمل و نقل
		وزارت معارف :
	۴۰۰۰۰	عوائد مدارس
	۸۷۰۰۰	تومانی یکمبازی و خرواری یکقران
	۶۰۰۰۰	صد یک حقوقات
	۱۵۰۰۰	عایدات تمبر
۱۸۹۹۰۰	۱۴۰۰	عوائد عتیقجات
		وزارت فواید عامه :
	۵۰۰۰۰	عوائد اکسید دوفر
	۲۵۰۰۰	« مؤسسات رهنی
	۶۵۰۰۰۰	« راه شوسه
	۲۴۸۰۰۰	« راه آهن
	۷۶۸۹۶	« معادن
	۷۵۰۰۰	« سیاه و جنگاها
	۸۴۰۰۰	« کارخانه های چراغ برق

۶۰۰۰۰	عواید کشتی های بخاری (دریاچه ارومیه)
۹۸۲۶	« تلفون
۱۲۱۷۴۴۶	۲۶۳۲۴
	« متفرقه
	مجلس شورای ملی :
۴۶۷۵۰	۴۶۷۵۰
	عواید مطبعه و باغ
	متفرقه
۲۴۰۰۰۰۰	عایدات شرکت نفت ایران و انگلیس در جنوب
۲۴۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
	عایدات بابت بانک شاهنشاهی ایران
- صورت خلاصه -	
۱۴۴۹۱۲۹۵	وزارت مالیه - تقد :
۱۷۰۸۷۲۸۰	۲۵۹۵۹۸۵
۲۴۱۱۵۰	« جنس :
۱۴۰۰۰	وزارت امور خارجه
۱۲۰۰۰۰	« داخله
	« عدلیه
۲۱۰۱۸۹۹	وزارت پست و تلگراف
۱۸۹۹۰۰	« معارف
۱۲۱۷۴۴۶	« فواید عامه
۴۶۷۵۰	مجلس شورای ملی
۲۴۲۰۰۰۰	عوائد متفرقه
۲۳۴۳۸۴۲۵	مجموع

فصل دوم

مخارج مصوبه

نمره ترتیب	شرح	مبلغ
۱	دربار و کابینه سلطنتی و ولایت عهد	۴۲۲۷۰۰
۲	اعلیحضرت محمد علی میرزا	۷۵۰۰۰
۳	مجلس شورای ملی	۴۴۰۱۳۴
۴	دقتر و کابینه ریاست وزراء و هیئت وزراء عظام	۴۸۰۰۰
۵	وزارت جنگ	۹۲۰۰۰۰۰
۶	وزارت مالیه (بانضمام مخارج انتفاعی)	۳۷۴۵۰۰۰
۷	وزارت داخله (بانضمام امنیه و نظمیه)	۲۱۰۰۰۰۰
۸	وزارت پست و تلگراف	۱۶۲۰۰۰۰
۹	وزارت عدلیه	۶۲۰۰۰۰
۱۰	وزارت فواید عامه (بانضمام مبلغ ۳۰۰۰۰ تومان برای دفع مرض گاو میری)	۸۴۰۰۰۰
۱۱	وزارت امور خارجه (بانضمام مبلغ ۱۲۰۰۰ تومان مخارج عودت دادن مامورین سیاسی ایران در ممالک خارجه)	۷۵۲۰۰۰
۱۲	وزارت معارف (بانضمام مبلغ ۲۰۰۰۰ تومان مخارج نظارت اوقاف)	۸۰۰۰۰۰
۱۳	دیون دولتی	۱۶۲۳۵۱۹
۱۴	غیر مترقبه	۲۵۲۰۰۰
۱۵	مستمریات	۸۰۰۰۰۰
۱۶	هیئت اعزامیه امریکائی	۱۰۰۰۰۰

مجموع

۲۳۴۳۸۳۵۳

ماده ۲ - مبلغ ماهیانه حقوق مستخدمین هیچیک از وزارتخانهها نباید از صدی هشت و نیم کلیه مبلغ اعتباری که برای حقوق تخصیص داده شده تجاوز نماید

ماده ۳ - هر زمان که بودجه تفصیلی هر يك از وزارتخانهها در حدود اعتبار مصوب بوزارتتالیه تسلیم شود وزارتتالیه مجاز برداخت بودجه آنوزارتخانه خواهد بود لیکن بانتظار وصول بودجه تفصیلی وزارتتالیه مجاز برداخت مخارج فوری هر وزارتخانه خواهد بود

ماده ۴ - از اعتباریکه برای مخارج غیر مترقبه دولت تصویب گشته فقط ممکن است در عرض ماه تا میزان ۸۰٪/۳۰٪ تادیه گردد و هر گونه پرداختی از این اعتبار منوط با اجازه کتبی هیئت وزراء خواهد بود . وزارتتالیه مکلف است صورت ریز مخارج غیر مترقبه هر برج را تا قبل از دهه آخر برج بعد تهیه نموده و تقدیم مجلس شورای ملی نماید - از این اعتبار بهرچیز من الوجوه حقوق ، و مستمری ، اضافات حقوق یا انعام و هدایا و غیره تادیه نخواهد شد

ماده ۵ - خارج از حدود اعتبارات مصوبه در ماده اول که شامل کلیه مخارج تقدی و جنسی مملکتی میباشد هیچگونه پرداخت وجهی بعمل نخواهد آمد جز برای مخارجیکه بر طبق ماده ۷ جهت تولید عایدات جدید لازم شود یا مخارجی که در صندوقهای ودیعه مطابق مدلول ماده ۸ بعمل آید

ماده ۶ - برداخت وجوه فقط در ازاء خدمات انجام شده یا ملزومات تحویل گردیده بعمل خواهد آمد

ماده ۷ - هیچیک از ادارات دولتی مجاز نخواهند بود که برای مخارج خود مستقیماً از وجوه دولتی برداشت و بمصرف برسانند و هر يك از ادارات مزبور مکلف است کلیه وجوه و اموال ذیقیمتی را که از هر قبیل وصول و دریافت مینماید بر طبق قانون حوت ۱۳۰۱ بخزانه داری کل تسلیم کند - هر گاه وزارتتالیه

منبع عایدات قانونی جدیدی کشف یا آنکه معلوم نماید که بوسیله خرج اضافی ممکن است یکی از منابع موجوده عایدات را توسعه دهد مجاز خواهد بود در حدود یک‌عشر اضافه عایداتی که حاصل میشود بمصرف جمع آوری عواید جدید و یا اضافی مذکوره فوق برساند

ماده ۸ - وجوه و اعاناتی که برای مصرف یکی از ادارات دولتی یا مؤسسه عمومی از طرف مردم پرداخته میشود اختصاص بمصارف معینه همان تأسیسات دارد وجوه مزبوره بمنوان «وجوه ودیعه» در خزانه داری کل جمع آوری شده و وزارتخانه یا تأسیساتی که وجوه مزبوره را دریافت مینمایند مکلفند حساب آنرا مرتباً به وزارت مالیه بدهند

ماده ۹ - جمیع اعضاء و اجزاء کلیه وزارتخانهها و ادارات دولتی مکلف به پرداخت مالیاتها و عوارض دولتی میباشد - هرگاه یکی از وزارتخانهها بوزارتخانه دیگری مبالغی بابت مزوماتیکه دریافت نموده یا خدش آید که برای آن وزارتخانه انجام داده شده مدیون گردید بایستی دین خود را ادا نماید - فقط مزومات نظامی و مهمات جنگی که وزارت جنگ از ممالک خارجه وارد مینماید از تأدیة حقوق کمربکی و صاحب منصبان و افراد نظامی در موقع مسافرت بماءوریت رسمی از تأدیة عوارض راه معاف خواهند بود

ماده ۱۰ - اعتباراتی که اختصاصاً جهت پرداخت حقوق تصویب گردیده بمصرف سایر مخارج نخواهند رسید و بالعکس از اعتبارات مخصوصه برای سایر انواع مخارج بجز وجوه حقوق پرداخته نخواهد شد

ماده ۱۱ - وزارت مالیه میتواند از محل صرفه جوئی های اعتبارات مصوبه در این قانون تعهدات و دیون مختله دولت را که مربوط بسنه ایت میل ۱۳۰۱ میباشد تأدیة نماید

ماده ۱۲ - وزارت مالیه مجاز است برای تهیه و خرید مزومات ادارات دولتی تا میزان یکصد هزار تومان اعتبار موقتی در دست داشته و بجزای آن اندازه ماده ۱۳ - مبالغی که در بودجه تفصیلی هر یک از وزارتخانهها تصویب میشود حد اکثری است که میتوان تأدیة نمود و تصویب مبلغ مزبور مستلزم آن نخواهد بود که حد اکثر حقوق هر یک از درجات مشاغل بمتصدیان وزارتخانه مربوطه تأدیة گردد

ماده ۱۴ - رئیس هر اداره یا هر یک از اعضاء و اجزاء که علاوه بر اعتبارات مصوبه وجهی پرداخته یا بر خلاف مقررات قانون وجهی تأدیة نماید و یا تعهدات و دیونی جهت دولت ایجاد نماید مسئولیت هر گونه خساراتیکه ممکن است از جهات مذکوره متوجه دولت شود شخصاً بر عهده او خواهد بود و مبلغ خسارات حاصله خواه از حقوق و یا از هر مبلغی که دولت باید بشخص مسؤل تأدیة نماید کسر خواهد شد

ماده ۱۵ - از بودجه پیشنهادی هر وزارتخانه دو در صد کلیه اعتبارات مصوبه از طرف مجلس شورای ملی برای پرداخت مخارج غیر مترقبه وزارتخانه مربوطه تخصیص خواهد یافت

ماده ۱۶ - وزارت مالیه میتواند به سرویس ارزاق اجازه بدهد که عایدات خود را برای خرید و حمل غله که محل لزوم مقاصد ارزاق است بمصرف رساند ماده ۱۷ - وزارت مالیه از حقوق کلیه مأمورین و مستخدمین کشوری و نمایندگان مجلس شورای ملی و همچنین از مستمری و شهریه های دولتی معادل صد یک کسر و جزء عایدات دولتی محسوب خواهند نمود

بعلاوه بوزارت مالیه اجازه داده میشود که یک صدی یک دیگر از حقوق کلیه

مامورین و مستخدمین کشوری و نمایندگان مجلس شورای ملی کسر نمایند - عایداتی که از کسر صدیک ثانی جمع آوری میشود به اعتباراتی که در هر يك از بودجهها برای حقوق انتظار خدمت تخصیص داده شده باشد ضمیمه و بمصرف پرداخت حقوق اعضاء منتظر خدمت دولتی خواهد رسید

ریاست وزراء

وزارت مالیه

فهرست مندرجات

باب اول

(در تعریف و کلیات بودجه)

صفحه	
۵	فصل اول - در تعریف بودجه
۹	فصل دوم - دوره عمل
۱۶	فصل سوم - در کاملیت بودجه
۱۷	فصل چهارم - در شاملیت بودجه

باب دوم

(در تهیه و تصویب کتابچه دستور العمل و بودجه)

۱۹	فصل پنجم - تهیه و تصویب کتابچه دستور العمل قبل از مشروطیت
	وزارت مالیه یا وزارت دفتر - وزارت لشکر - وزیر بقایا یا محصل محاسبات
	وزیر خزانه - تهیه کتابچه دستور العمل - فرد تفاوت - طریقه رسیدگی

تصویب کتابچه

صفحه	فصل ششم - در پیمش بینی عایدات موقع تهیه بودجه
۲۶	طریقه مستقیم - طریقه سال ماقبل آخر - طریقه افزایش
۲۹	فصل هفتم - در طریقه و تهیه بودجه
	مخارج انتظامی - مخارج اقتصادی - مخارج مختلط
۳۵	فصل هشتم - در مدت تهیه بودجه
	مدت تهیه بودجه در فرانسه - در انگلیس - در ایران
۳۸	فصل نهم - در حق تقدم و اختیارات مجلس و کلا
	در انگلستان - در فرانسه - در آلمان - در ایران
۴۲	فصل دهم - جریان و تصویب بودجه در هیات مقننه
	در امریکا - در انگلستان - در فرانسه - در ایتالیا - در ایران
۵۸	فصل یازدهم - تصویب يك دوازدهم موقتی
۶۱	فصل دوازدهم - اعتبارات اضافی
	اعتبارات فوق العاده - اعتبارات منضمه - تصویب اعتبار در غیاب
	مجلس تعیین محل در موقع پیشنهاد اعتبار اضافی - در معایب اعتبار اضافی
۷۰	فصل سیزدهم - امتناع از رای بودجه

باب سوم

(در اجراء بودجه)

صفحه	فصل چهاردهم - در تشکیلات وزارت مالیه
۷۲	تشکیلات وزارت مالیه قبل از مشروطیت - ادارات سبعة - قانون ۲۳ جوزا
	خزانه دار بلژیکی - قانون تشکیلات وزارت مالیه - تشکیلات وزارت
	مالیه بموجب ماده واحده - تشکیلات وزارت مالیه بعد از تصویب قانون استخدام
	دکتر ماسپو
۸۸	فصل پانزدهم - در وصول و مرکزیت عایدات
	در وصول مالیات مستقیم - وصول مالیاتهای غیر مستقیم - مرکزیت عایدات
۱۰۲	فصل شانزدهم - در تأدیبه مخارج
	تجزیه مشاغل حواله دهندگان و تأدیبه کنندگان - حواله کنندگان درجه
	اول و درجه دوم - در صدور حواله - تطبیق حوالجات با اعتبارات مصوبه
	تفتیش تعهدات وزراء در مخارج - تأدیبه مخارج
۱۲۶	فصل هفدهم - صاحبان جمع
	در اقسام صاحبان جمع - در اجراء تعهدات صاحبان جمع
۱۳۳	فصل هیجدهم - در موقعی که دولت مدعی یا مدعی علیه باشد
	موردی که دولت مدعی است - مواقعی که دولت مدعی علیه است



- در اختلاف صلاحیت بین محاکم حقوقی و محاکم اداری
- ۱۴۳ فصل نوزدهم - در داد و ستد خزانه
وسائلی که در فرانسه خزانه تهیه وجهی کند - در ایران قبل از مشروطیت
و بعد از مشروطیت
- ۱۵۱ فصل بیستم - دوره مکمله
دوره مکمله در فرانسه - دوره مکمله در ایران

باب چهارم

(در تفتیش اجراء بودجه)

- ۱۵۸ فصل بیست و یکم - در تفتیش اداری
- ۱۵۹ فصل بیست و دویم - در تفتیش قضائی
رسیدگی بمحاسبات و تصویب کتابچه مفاصا حساب قبل از مشروطیت
دیوان محاسبات - ارسال محاسبات - رسیدگی بحساب - صدور حکم
اثر حکم - اعتراض بحکم - حکم غیابی - تجدید نظر و تمیز
- فصل بیست و سوم - تفتیش پارلمانی و قانون تفریح بودجه ۱۷۶
تفتیش پارلمانی در ممالک اروپا و در ایران
- ۱۸۱ صورت عایدات و مخارج بودجه ثبت ٹیل ۱۳۰۱
- ۱۸۵ بودجه مصوب مخارج ۱۳۰۱
- ۱۸۶ لایحه قانون تشکیلات وزارت مائیه
- ۲۰۸ لایحه بودجه ۱۳۰۳



